

جریان اصلاح طلب
آسیب جدی دید
گفت‌وگو با ناصر ایمانی



مذاکره با آمریکا
اشتباه است
محمد مرندی

با استفاده جناحی
از برجام مخالفم



چرا هاشمی
ماها تیر نشد؟
میر قاسم مومنی

هم غزه، هم لبنان

وحشی‌گری رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکا از آدم‌کشی نتانیاهاو نشان داد که حمایت ایران از محور مقاومت مدبرانه، آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه است

صلح مُرد

حمایت علنی ترامپ از اسرائیل، پروژه دو دولت را منتفی می‌کند

تضعیف میان‌روها

بدعهدی آمریکا، موجب ضعف اعتدال‌گرایان در سیاست داخلی خواهد شد؟

احتمالا

العبادی می‌ماند

کاهش مشارکت، باعث بالا آمدن صدر شد / عربستان به دنبال شکاف شیعه عربی - شیعه ایرانی است

اروپا، تعهد به جای تضمین

تور برجامی ظریف چه حاصلی داشت

یک‌وجب اختلاف به طول یک کیلومتر

چگونه افشانی از درون اختلاف اتحاد-کارگزاران، شهردار تهران شد

دستبرد سیاسی

از قهرمانی تیم ملی فوتسال بانوان سوءاستفاده شد

بازگشت مرد توسعه

ماها تیر محمد در ۹۲ سالگی نخست‌وزیر مالزی شد





www.iranpl.ir



telegram.me/iranplir



instagram.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



aparat.com/iranpl.ir

کتابخانه‌شناسی

استان کرمان - کتابخانه عمومی مفتوح

این کتابخانه در سال ۱۳۴۵ با زیربنای ۱۴۵۰ مترمربع در کرمان تأسیس شد. کتابخانه مفتوح به بخش‌های مخزن، مرجع، کودک، نشریات، دفاع مقدس، کرمان‌شناسی و سالن‌های مطالعه مجزا مجهز است و با بیش از ۲۴ هزار منبع هم‌روزه از ساعت ۷:۳۰ لغایت ۱۸:۳۰ به ۹۰۰ عضو خدمات ارائه می‌دهد.

کتاب دوستان ساکن کرمان برای استفاده از این مرکز فرهنگی می‌توانند به نشانی چهارراه ولیعصر، کوچه بیمارستان ارتش مراجعه کنند.



طرح: پویا عبدلی، ایران

کارتون کتاب

کتابخوانی ما پیشنهاد کتاب



نام کتاب لحظه‌های انقلاب
نویسنده محمود گلابدره‌بی
انتشارات معارف
تعداد صفحات ۴۵۶ صفحه

متن به زبان گیرا و جذاب روایی، ماجراهای این کتاب را در قالب داستانی اجتماعی از دوران پرشور و شعور انقلاب اسلامی بیان می‌کند؛ روایتی که با خواندن آن، مخاطبان حاضر در آن دوران، صداقت نویسنده و واقعی بودن وقایع را حس کرده و نسل سوم و چهارم انقلاب، می‌توانند به راحتی با متن و رخدادهای آن مأنوس شوند.
اگر مایلید یک مستندگونه داستانی، جذاب و موقوت از فجر ماندگار مردم ایران اسلامی را مطالعه کنید، کتاب «لحظه‌های انقلاب» را از دست ندهید.

«لحظه‌های انقلاب» گزارشی دقیق و منطبق بر واقعیت از لحظه‌های ناب و سرنوشت‌ساز مبارزات مردم ایران برای پیروزی انقلاب اسلامی در واپسین روزهای رژیم شاهنشاهی است و نقش قشرهای مختلف جامعه به خصوص دانشجویان را در شکل‌گیری انقلاب نشان می‌دهد. قهرمان اصلی این کتاب، مردم مؤمن و انقلابی ایران هستند و انقلاب اسلامی حاصل انتخاب آگاهانه و نتیجه وحدت کلمه ایشان است.
محمود گلابدره‌بی با رعایت امانت‌داری و نزدیک کردن

خبر ویژه

آغاز اجرای طرح «باهم بخوانیم» در ۹۸ کتابخانه عمومی کشور

انتخاب این سیر مطالعاتی به ۵ ساحت جهان‌بینی، اخلاق و هویت عالی انسانی، کارآمدی و توانمندی، علم و فکر و آگاهی و انقلابی‌گری توجه شده و طی آن اعضای ۹ تا ۱۲ ساله این کتابخانه‌ها در قالب گروه‌های ۱۲ نفره، ضمن آشنایی با مفاهیم این حوزه، به تقویت قوای فکری خود می‌پردازند.

طرح با هم بخوانیم با هدف ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، از ۱۲ بهمن‌ماه در ۹۸ کتابخانه عمومی مستقر در مناطق محروم کشور در حال اجرا است. این طرح بر اساس سیر مطالعاتی هدفمند و با محوریت ۲۰ کتاب با موضوع سبک زندگی اسلامی - ایرانی، به مدت ۱۲ هفته برگزار می‌شود. در



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمزینته‌های روبه‌رو عکس بگیرید



شورای مشورتی اسلامی

این چند کتاب

بازسازی
اجتماعی



طلاق چرایی و چگونگی

توسنده: عباس یسننده
ناشر: پژوهشگاه قرآن و حدیث،
یفتخ
۱۲۶ صفحه



در آمدی بر پیشگیری از اعتیاد بارویکرد اسلامی

توسندگان: عباس یسننده
محمدرضا کیومرانی
ناشر: سازمان چاپ و نشر
دارالحدیث
۲۴۵ صفحه

مشروبات الکلی، قمار و آثار زیانبار آن

توسنده: محمد شریایی | ناشر: زمین سبز | تعداد صفحه: ۳۲۰

کندهار عقل سلیم را می‌شناسید که غذای خوش طعم و گوارا را رها کند و به تناول غذای فاسد و کپک‌زده رو آورد و اشتغال موجب آرامش و روزی حلال را با عمل بی‌فایده، نامن و خانمان‌سوز معاوضه کند؟ از نظر اسلام غذای مناسب باید دو ویژگی داشته باشد و آن دو ویژگی، حلال بودن و طیب بودن است و اینگونه است که خوردن غذاها و آشامیدن نوشیدنی‌ها با سرشت اولیه و الهی انسان هماهنگ شده و موجب رشد و سلامتی بدن و حتی پاکیزگی روح و جان انسان می‌شود و حلال بودن اسباب زندگی و از جمله غذا در گرو کسب‌وکار سلامت است.

شراب چیست و در زمره کندهار نوشیدنی‌ها قرار می‌گیرد؟ شرابی که «عقل را زایل می‌کند» و عامل هزاران جرم و جنایت در اجتماع گشته و سلامتی افراد را با خطر مواجه می‌کند و چرا زندگی مردمی که به هوای کسب ثروت باد آورده به سمت قمار می‌روند بر باد می‌رود؟ کارشناسان معتقدند بیشتر مردم درباره اثرات الکل بر بدن هیچ گونه اطلاعی ندارند، یا اطلاعاتشان بسیار محدود است و بعضی حتی آن را مفید می‌دانند. به گواهی دانش گسترده امروز، الکل به همه بدن به‌ویژه دستگاه گوارش، زبان می‌رساند و ریشه بسیاری از بیماری‌های خطرناک در بدن انسان است. تکلیف قمارنازی و علاقه‌مندان به این کار باطل نیز مشخص است.

کتاب «مشروبات الکلی، قمار و آثار زیانبار آن» با نگاهی به تاریخچه شرابخواری و قمار، اثرات مخرب این دو گناه بزرگ و زیان‌رسان را از نظر اقتصادی، معنوی و... بیان می‌دارد و با تذکر در خصوص آثار و عواقب سوء ناشی از این دو عمل توجیه مخاطب را به دام‌های ظاهرفریب شراب و قمار حلت می‌کند.





مخابرات
اول

www.mci.ir



صعود مشترک به جام جهانی

♦♦♦ کمک هزینه سفر به جام جهانی

ویژه مشترکین فعال | استعلام امتیاز #۴۳۱*۱۰*



کتاب‌هایتان را همه می‌خوانند...



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اروپا؛ تعهد به جای تضمین

تور برجامی ظریف چه حاصلی داشت



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و کذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس
و یکونت الرسول علیکم شهیداً

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سردبیر: **سعید آجورلو**

استبداد و استعمار به حرکت درآورد. امسال اربعین امام امت در خلال اربعین‌های پیروان و شیعیان آن بزرگمرد اسلام واقع شده، و گویی خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست، و اربعین اخیر برادران ما بازتاب اربعین آن دلاوران می‌باشد؛ خون طاهر آنان به حکومت طاغوتی یزید خاتمه داد، و خون پاک اینان سلطنت طاغوتی را به هم پیچید. اربعین امسال استثنایی و نمونه است؛ راهپیمایی و تظاهرات پرشور در این اربعین وظیفه شرعی و ملی است. ملت بزرگ در سراسر ایران با راهپیمایی و تظاهرات خود این نظام را دفن می‌کند، و مخالفت خود را با «شورای سلطنت» غیرقانونی اعلام می‌نماید، و پشتیبانی خود را

خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست

اربعین سید مظلومان و سرور شهیدان- صلوة الله و سلامه علیه- رسید. بر ملت رشید و آگاه ما «اربعین» های سودمندی گذشت. ما در این سالها به دنبال بیش از پنجاه سال سلطنت غاصبانه سلسله پهلوی با چه مصیبت‌هایی و بی‌فرهنگی‌های خانمانسوزی مواجه بوده‌ایم. سالهایی بس تلخ و رنج‌آور در این پنجاه سال و تلخ‌تر و رنج‌آورتر در این یکی دو سال اخیر که ملت شجاع ما را علیه

خبرنامه



یک و جب اختلاف به طول یک کیلومتر
زیر ذره بین
نسخه پیچی برای لاریجانی

۸
۱۷

گفتارها



حفظ توازن
بدون استثنا
رویای ترامپ

۱۸
۲۳

سیاست



بیانیه جنجالی
با استفاده جناحی از برجام مخالفم
جریان اصلاح طلب آسیب جدی دید

۲۴
۳۵

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دبیر: افشین خماند (دبیر)

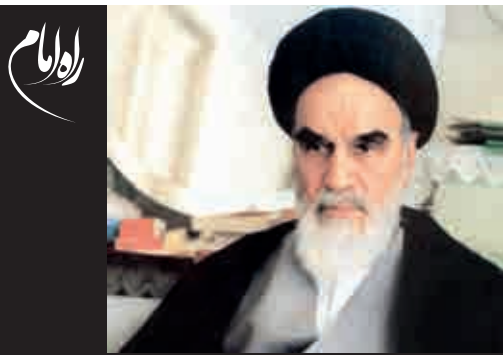
ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث: هفته‌نامه‌های خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مراسم تقویت گفت‌وگو میان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت. مرز ش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



تحمیل کرده است، یا به سرقت ببرد (اگر تاکنون نبرده باشد، چنانچه بعضی از خیرگزاری‌ها افشا کرده‌اند) و یا منفجر کند. بر افسران و درجه‌داران ارتش و سایر نیروهای سه گانه است که از آن جلوگیری کنند، و بر ملت است که با ارتش در این امر همکاری کنند، و نگذارند پیش از این مال ملت را نابود و یا چپاول کنند. افسران محترم بدانند که مسامحه در این امر خیانت به کشور و اسلام است. از خداوند تعالی خواستارم که با مرحمت و واسعه خود، ملت ما را از شر اشهرار داخلی و خارجی نجات دهد، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

برای چندمین بار از «جمهوری اسلامی» اعلام می‌کند. لازم است توجه ملت دلیر ایران را به مطالبی چند جلب نمایم: ۱- از قرار اطلاع، مأمورین دولت شبها گندم انبارها و سیلوها را با کامیون می‌برند و

می‌خواهند قحطی مصنوعی به وجود آورند. وظیفه حتمی مردم تهران و شهرستانهاست که از این عمل شدیداً جلوگیری کنند، و عده‌ای از معتمدین را به نظارت بگمارند که این عمل غیرانسانی دولت را خنثی کنند. غفلت از این امر مسئولیت شرعی دارد.

۲- از قرار اطلاع، دولت آمریکا درصدد است که اسلحه و مهماتی را که در ایران است و در مقابل نفت به مردم ایران

سیاست خارجی

۴۴

اروپا: تعهد به جای تضمین
معمای شرق
ماکرون چگونه فریب خورد

۶۳



بین الملل

۴۴

هم غزه، هم لبنان
بازگشت مرد توسعه
احتمالاً العبادی می ماند

۶۳



ورزش

۶۴

دستبرد سیاسی
برانکوی دوم
تراژدی پایان

۶۹



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمدابراهیم محمد پورزند
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۸۵۰۵۸۴۸ - ۰۹۱۲

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (تواثیر)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه فتالی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی

پردازش تصاویر: هومن سلیمیان

عکس: عدنان جعفری و محمد برنو

ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر

حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی

مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار

سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی

بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو

امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی

انفورماتیک: شهرام زحمتی

ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

یک وجب اختلاف به طول یک کیلومتر

چگونه افشانی از درون اختلاف اتحاد-کارگزاران شهردار تهران شد





زیر ذره بین

محمد جواد ظریف خبرسازترین چهره هفته بود

نسخه پیچی برای لاریجانی

اصلاح طلبان چگونه بارییس مجلس مواجه خواهند شد؟



یک وجب اختلاف به طول یک کیلومتر

چگونه افشانی از درون اختلاف اتحاد-کارگزاران شهردار تهران شد

شهردار تهران انتخاب شد؛ انتخابی که علاوه بر فرستادن افشانی به بهشت معانی دیگری نیز دارد. شورا یا بهتر بگوییم احزاب اصلاح طلب آزمون بزرگی را پشت سر گذاشته و همان طور که گفته بودند در روز ۲۳ اردیبهشت و طی همان فرآیند اعلامی تکلیف شهرداری تهران را مشخص کردند. این در حالی است که ماجرای انتخاب جایگزین برای نجفی با حرف و حدیث‌های بسیاری همراه بود و اختلاف نظر میان احزاب اصلاح طلب را نیز به دنبال داشت. اکنون که رای سفید دادن و بازگرداندن بازی به زمین محسن هاشمی در حد شایعه باقی مانده و گزینه مورد حمایت اعتماد ملی شهردار شد و وقت خوبی است تا نگاهی به توازن احزاب در شورای شهردار تهران انداخته و جوانب سیاسی این رکن مدیریت شهرداری را بررسی کنیم.

سهام احزاب از شورا

تمام کرسی‌های شورای از آن اصلاح طلبان شد و پارلمان پایتخت صحنه رقابت‌های درون جریانی است. حزب اتحاد ملت با ۴ عضو در اکثریت است و احزاب کارگزاران سازندگی و اعتماد ملی نیز هر کدام ۳ کرسی در اختیار دارند. بنیاد امید ایرانیان ۲ و ندای ایرانیان، مجمع زنان اصلاح طلب، حزب اسلامی کار، سازمان عدالت و آزادی و انجمن اسلامی معلمان نیز هر کدام یک نماینده در شورا دارند و ترکیب ۲۱ نفر با حضور سه عضو مستقل تکمیل می‌شود. همین ترکیب شورای شهر باعث شد که انتخاب شهردار با حواشی و لابی‌گری‌های بسیاری همراه باشد. کارگزاران خواهان شهردار شدن محسن هاشمی بود و غلامحسین کرباسچی، دبیرکل این حزب چندین بار تأکید کرد که میثاق نامه وحی منزل نیست. کارگزارانی‌ها حمایت اصولگرایان را نیز به دست آورده بودند و شاهد بودیم که رسانه‌ها و کارشناسان سیاسی این جریان همچون عباس سلیمی‌نمین سرسرخخانه از فرزند آیت‌الله حمایت کرده و او را بهترین گزینه برای شهرداری تهران می‌دانند. با وجود این حمایت‌ها و داشتن بیشترین تعداد عضو در شورا اما به کار نیامد، چون رقبای کارگزاران بهتر لابی کردند.

لابی اعتماد ملی جواب داد

محمدعلی افشانی گزینه مورد حمایت اعتماد ملی است و بدون شک شهردار نمی‌شد اگر اتحاد ملتی‌ها نمی‌خواستند. در واقع این اعتماد ملی بود که با بروز اختلاف میان اتحاد ملت و کارگزاران بیشترین بهره‌برداری را کرد. اختلاف این دو حزب یکی از اصلی‌ترین مناقشات حول محور انتخاب شهردار بود و به ظن تحلیلگران سیاسی در صورت عدم حل و فصل این اختلافات در بزنگاه‌های انتخاباتی آتی برای اصلاح طلبان دردسرساز خواهد شد. اختلافات کارگزاران و اتحاد ملت از استعفای نجفی شروع شد و در تشریح جزئیات آن همین بس که علی شکوری راد گفت: «کارگزاران می‌خواستند بگویند که بیماری پرنگ‌ترین مشکل است و دانا هم این را می‌گفتند؛ اما حزب اتحاد می‌گفت اگرچه بیماری وجود دارد، ولی عامل اصلی چیز دیگری است و بیماری بهانه شده است. این شد منشأ اختلاف اتحاد و کارگزاران. اتحاد از استعفا ابراز نگرانی می‌کرد، کارگزاران از استعفا استقبال

می‌کرد. در این فاصله آقای عبدالله نوری نگران شده بود که این اختلاف به جاهای باریک نکشد. با بنده تماس گرفتند که خدمتشان برسم.»

افشانی چرا و چگونه؟

اعضای شورای شهر تهران که تا مرحله قبل از مرحله نهایی، اختلافی آشکار و دامنه‌دار درباره گزینه‌های اعلامی بین خودشان داشتند و حتی گاهی درباره مناسب بودن برخی گزینه‌ها برای مسئولیت شهرداری تهران تشکیک می‌آوردند، به اجماعی قابل قبول در انتخاب شهردار جدید رسیدند.

در مرحله نیمه‌نهایی و در میانه بازی‌های نسبتاً معمول میان احزاب سیاسی، گزینه‌های مورد نظر حزب اتحاد ملت حذف شدند و گمانه‌زنی‌های زیادی درباره اینکه اعضای نزدیک به این حزب در انتخاب شهردار سنگ اندازی خواهند داشت مطرح شد. در ادامه یعنی در روز انتخاب شهردار جدید تهران، همراهی در انتخاب محمدعلی افشانی به عنوان کاندیدایی از حزب اعتماد ملی با اکثریت آرا نشان از توافقاتی داد که فرای تحزب‌طلبی بود؛ البته با قبول حسن ظن. در این میان اگر اعضای شورا با وجود عدم رضایت نسبی از گزینه‌های روی میز یا عدم تعلق آن گزینه به حزب سیاسی شان روی یک گزینه به اتفاق نظر رسیده باشند، فارغ از نتیجه کار در ماه‌های آینده، در این برهه از زمان بهترین تصمیم را گرفته‌اند. اعضای شورای پنجم در حالی این مدیر وزارت کشوری را به عنوان شهردار تهران انتخاب کردند که از همان جلسات معرفی گزینه‌ها و ارائه برنامه‌های شان بیشترین سوال و چالش را با محمدعلی افشانی داشتند. به گفته حجت نظری، یکی از اعضای رأی دهنده به افشانی که رأی خود را به رسانه‌ها هم نشان داد، در توضیحی دفاعی در توییت خود نوشت: «خوب است مایی که مدعی اصلاحات و روشنفکری هستیم، عالمانه و به دور از فضا سازی و خبر سازی‌ها اظهار نظر کنیم. آقای افشانی در دوره #اصلاحات معاون استاندار و معاون وزیر بود و ضمن ارتباط بسیار خوب با جناب آقای #خاتمی یک اصلاح طلب شناسنامه دار و عضو حزب اعتماد ملی به دبیر کلی #مهدی_کروبی است.» این دفاعی است که این عضو شورا از گزینه شهردار شده تهران دارد و باید پرسید که چقدر به چنین گزینه‌ای به عنوان شهردار تهران نگاه شده است؟ از میان اعضای شورای شهر تهران به جز محمدجواد حق شناس و حجت نظری دو عضو شورای پنجم از حزب اعتماد ملی، تنها اعضای بودند که در فضای مجازی و توییت خود به این انتخاب پرداختند و باقی اعضا سکوت کردند. در جلسه انتخاب شهردار دیروز هم به قول محسن هاشمی، رئیس شورا، همه حرف‌ها را حسن رسولی به عنوان تمام کننده زد و تأکید کرد فرآیند تعیین شهردار بدون هیچ گونه مخفی کاری انجام شد و من گواهی می‌دهم که هیچ کدام از اشخاص و شخصیت‌های اصلاح طلب به دنبال دیکته کردن نظراتشان به ما نبودند و شورا با استقلال کامل به شهردار رأی داد.

نایب رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه شورای شهر افزود: «زمزمه‌هایی از بیرون شورا مطرح می‌شد که از ما می‌خواستند انتخاب شهردار را عقب بیندازیم. شورای

شهر تصمیم گرفت این فرصت خدمت را غنیمت بشمارد. امیدواریم تا پایان دوره انتخاب شهردار تکرار ناشدنی باشد و به فراموشی سپرده شود و تمام رقابت‌های درون جریان اصلاحات به رفاقت تبدیل شود تا دستاورد بیشتری داشته باشیم.» در بیرون از شورا هم علی شکوری راد، دبیر کل حزب اتحاد ملت در توییت خود نوشت: «در این مدت که فرصتی فراهم شد از نزدیک با آقای افشانی آشنا شوم، مطمئن هستم انتخاب شورا درست و شهردار منتخب تهران کاملاً شایسته این مسئولیت است.» این اظهار نظر‌ها در پایان این رقابت دو ماهه نشان دهنده تلاش برای حفظ وحدت حتی در ظاهر امر است که فعلاً اصلاح طلبان به آن نیاز دارند. شهردار دهم ۵۸ ساله پایتخت، کارشناسی مهندسی شهرسازی از دانشگاه شیراز و کارشناسی ارشد MBA از دانشگاه شریف دارد و آخرین مسئولیت او معاون عمرانی وزیر کشور و رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور بوده است. او عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی است و در دولت یازدهم استاندار فارس بوده است. افشانی که حالا هفدهمین شهردار تهران بعد از انقلاب است، در سال‌های گذشته همچنین معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور هم بوده است.

او در برنامه‌های اعلامی خود به شورای شهر تهران و گفت‌وگوهایی که در این مدت داشته، اولویت‌هایی را برای مدیریت تهران مطرح کرده است که رسیدگی به مسائل حمل و نقلی و ترافیکی تهران یکی از مهم‌ترین آنهاست. او همچنین بر کاهش و کنترل هزینه‌های جاری در شهرداری و کاهش تعداد کارکنان شهرداری و به ویژه آنهایی که بازنشسته هستند، تأکید کرده است. افشانی در گفت‌وگویی تأکید کرده بود که تلاش می‌کند تهران برای او و اصلاح طلبان باتلاق نباشد؛ «چون اگر بود در تصمیم‌گیری‌ام تجدیدنظر می‌کردم.» او در عین حال گفته است: «تهران شهر سوخته‌ای نیست.»

روایت یک اختلاف

با گذشت قریب ۱۶ سال از اتفاقات تلخ شورای اول، دوباره تهران به ریاست تامه اصلاح طلبان اداره می‌شود و احتمال می‌رود که تجربه‌های گذشته در حال تکرار است. گویا در نبود اصغرزاده و حکیمی پور، این بار دو متحد قدیمی شورا یعنی مشارکتی‌های جدید (حزب اتحاد ملت) و کارگزارانی‌ها با هم به جدال می‌پردازند.

روزنامه کارگزاران ارگان رسمی حزب کارگزاران که توسط محمد قوچانی اداره می‌شود، این روزها حملات مستقیم به سمت اتحاد ملت داشته است. قوچانی در سرمقاله (۲۳ اردیبهشت) در کارگزاران از انتقاد از عملکرد اتحاد ملتی‌ها نوشت: «در درون شورای شهر تهران گونه‌ای از فراکسیون‌بیسیم شکل گرفته است که در نهایت به ضرر جبهه اصلاحات منجر خواهد شد... سران حزب دوست و برادر حزب اتحاد ملت در حذف نامزدهای رقیب و قرار دادن سه نامزد از یک حزب در فهرست یک چهارم نهایی که طوری عمل کردند به شدت ضد جبهه‌ای بود که در نهایت نتیجه منطقی این چپ‌روی و تک‌روی حذف هر سه نامزد شد که در میان آنان افراد مناسبی هم بودند.»

محمد جواد روح از دبیران روزنامه کارگزاران در شماره (دوشنبه ۲۵ اردیبهشت) با انتقاد از رفتارهای یکجانبه‌گرانه برخی احزاب اصلاح طلب نوشت: «در جریان انتخاب شهردار تهران، دو حزب اعتماد ملی و اتحاد ملت به همراه چند چهره غیرحزبی شورای شهر با یکدیگر ائتلاف کردند تا نه تنها محسن هاشمی به مرحله بعد راه نیابد بلکه هر ۷ گزینه نهایی، نامزدهای مورد حمایت این دو حزب باشند...»

وی در ادامه نوشته است: «حزب اتحاد ملت گرچه

حضور کمتر از دوسال افشانی در استانداری فارس همواره با نقد رسانه‌های استانی فارس همراه بود و برخی از اعضای شورای شهر شیراز نیز بارها نسبت به عدم تعامل وی با شورا ابراز عدم رضایت کردند

فارس در سال ۹۴ و شهردار منتخب شورای پنجم همان فردی بود که در دوران پرتالهاب تحصن و استعفای تندروها در دوران دوم خرداد ضمن استعفا از سمت خود در حمایت از تندروها، نظام اسلامی و شورای نگهبان را متهم به «نقض آزادی» از جامعه کرده بود.

حضور افشانی در استانداری فارس با اعتراض گسترده مردم همراه بود و در یکی از موارد سخنرانی وی پیش از خطبه‌های نماز جمعه توسط نمازگزاران نیمه تمام ماند. در این رویداد در حالی که سیدمحمدعلی افشانی در حال ارائه گزارشی از عملکرد دولت در یک ساله گذشته بود، جمعی از نمازگزاران شیرازی به وی اعتراض کرده و صحبت‌های وی را ناتمام گذاشتند. افشانی در پاسخ به یکی از معترضان که خطاب به وی می‌گفت نباید به شهدا پشت کرد، اظهار کرد: «من از همه شما به شهدا نزدیک‌ترم.» در ادامه چندین بار صحبت‌های استاندار فارس توسط معترضان قطع و جو حاکم بر نماز جمعه برای دقایقی ملتهب شد. افشانی در این هنگام خاطرنشان کرد: «باید به عملکردها نگاه کرد تا بدانیم چه کسانی به شهدا نزدیک‌تر بوده‌اند.» وی که سخنانش بارها از سوی نمازگزاران قطع می‌شد، اظهار داشت: «از مسئولان ستاد نماز جمعه انتظار داشتم زمانی که ما را برای سخنرانی دعوت می‌کنند، فکری هم به حال پامنبری‌ها بکنند!» عملکرد افشانی در استانداری فارس در دو سالی که تصدی این پست را برعهده داشت نیز با نقدهایی همراه بود. همزمان با انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ گزارش‌هایی از تخلفات مدیران دولتی استان فارس به نفع یک نامزد خاص مطرح شد. در همین مورد رئیس کل دادگستری استان فارس گفته بود: «۳۱ نفر از مدیران از جمله تعدادی از فرمانداران پرونده تخلف انتخاباتی دارند.» علی‌القاصی در نشست خبری افزوده است: «برای استاندار فارس گزارشی در رابطه با تبلیغ به نفع کاندیدای خاص دریافت کردیم که چون رسیدگی به آن صلاحیت استان نیست به تهران ارسال شد.» حضور کمتر از دوسال افشانی در استانداری فارس همواره با نقد رسانه‌های استانی فارس همراه بود و برخی از اعضای شورای شهر شیراز نیز بارها نسبت به عدم تعامل وی با شورا ابراز عدم رضایت کردند. افشانی در ۱۵ شهریور ۱۳۹۶ در کنگره بین‌المللی انجمن رمز ایران زبان به گلایه از رسانه‌ها گشود و آنها را با راهزنان قدیم مقایسه کرده بود: «دستاوردهای انقلاب صنعتی یک امر تحمیلی است و راه‌گریزی از آن وجود ندارد. از اصلی‌ترین دستاوردهای انقلاب صنعتی اینترنت و فضای مجازی است که وجوه مختلف زندگی جامعه و عرصه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی کشور و جهان را در نوردیده است. عده‌ای خاص منافع عمومی جامعه را درک نکرده و با احساسات مردم تجارت می‌کنند. زیرا وقتی فردی به اداره یا سازمانی مراجعه و پاسخی دریافت نمی‌کند در کمترین زمان در فضای مجازی بازتاب داده می‌شود تا عملکرد آن ارگان تحت سوال قرار بگیرد و بدین وسیله با احساسات مردم بازی می‌کنند. متأسفانه مردم هم بدون تحقیق این اخبار را باور می‌کنند.»

نوسازی مدارس کشور را در کارنامه خود داراست. ولی این همه سابقه فعالیت سیاسی و مدیریتی افشانی نیست؛ دوران پرتالهاب دوم خرداد و به ویژه سال تلخ پایانی مجلس ششم و تحصن نمایندگان اصلاح طلب، برگ دیگری را در سابقه سیاسی گزینده دولت برای استاندار فارس رقم زده است. در دی سال ۸۲ تعدادی از نمایندگان مجلس ششم در اعتراض به آنچه «ردصلاحیت گسترده کاندیداهای اصلاح طلب در انتخابات مجلس هفتم از سوی شورای نگهبان» می‌خواندند، در راهروهای مجلس اقدام به تحصن کرده و فضای سیاسی کشور را متشنج کردند. چند روز پس از آغاز تحصن نمایندگان مجلس ششم نامه‌ای از سوی تحصن‌کنندگان افشا شد که ظاهراً از سوی معاونان و مدیران وزارتخانه‌های دولتی خطاب به رئیس‌جمهور نگاشته شده بود.

مدیران دولتی در حمایت از تحصن‌کنندگان مجلس ششم تهدید کرده بودند که اگر خواسته‌های این افراد در برابره ردصلاحیت‌ها برآورده نشود، از سمت خود استعفا خواهند داد. انتشار خبر این نامه استعفا با تیتراژ «۱۰۰ معاون وزیر استعفا دادند» فضای سازی قابل توجهی را در راستای اهداف تحصن‌کنندگان ایجاد کرد. روزنامه اصلاح طلب شرق ماجرای استعفای معاونان وزرا را به نقل از خبرنگار پارلمانی خود اینگونه روایت می‌کند: «در یازدهمین روز از تحصن نمایندگان که هنوز به دلیل عدم دستیابی به پاسخی مثبت از سوی شورای نگهبان ادامه دارد، یکصد تن از معاونان وزرا تصمیم به استعفا گرفتند. در متن استعفانامه معاونان وزرا که توسط یکی از امضاکنندگان آن در اختیار خبرنگار ما گذاشته شد، آمده است: در رابطه با فضای موجود کشور و ردصلاحیت گسترده کاندیداهای انتخاباتی مجلس هفتم و اینکه در چنین شرایطی امکان تحقق وعده‌های داده شده توسط دولت خاتمی به مردم ممکن نیست و طبیعتاً در این فضا، ادامه کار برای مدیران ارشد کشور با اشکال اصلی روبه‌رو شده است، بنابراین مجموعه‌ای از مدیران ارشد کشور که این نامه را امضا کرده‌اند، می‌خوانند پست‌های مدیریتی را به کسانی واگذار کنند که علاقه‌مند به کار کردن در این شرایط هستند.»

این خبر روزنامه شرق ساعتی بعد در تریبون رسمی مجلس علنی شد. البته در زمان قرائت متن نامه استعفای معاونین وزرای دولت خاتمی، مشخص شد که تعداد این افراد ۱۰۰ نفر نیست بلکه تعداد امضاکنندگان به حدود ۷۰ نفر می‌رسید. در بخشی از نامه استعفای معاونان وزرای دولت وقت در حمایت از متحصنین که خطاب به خاتمی رئیس‌جمهور وقت نوشته شده، آمده بود: «برخورد خارج از ضوابط و معیارهای قانونی هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شورای نگهبان در ردصلاحیت‌کنندگی از داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین اصول در برقراری نظام مردم‌سالار یعنی «آزادی انتخابات» را برای مردم و «حق انتخاب شدن» را برای نامزدها، نقض کرده است.»

در ادامه این نامه استعفا آمده بود: «در چنین شرایطی و با چنین روندی، موکداً از جنابعالی درخواست می‌کنیم از حداکثر تلاش و ظرفیت ممکن برای توقف این روند بهره‌گرفته و در صورت عدم امکان بازگرداندن امور بر منتهج مردم سالاری، این عذر را از ما بپذیرید که ادامه خدمت را هم جهت با منافع ملت و نظام جمهوری اسلامی نیابیم و دولت را به کسانی بسپاریم که آن را آن گونه می‌خواهند.» تعداد حدود ۷۰ نفر از معاونین وزرای دولت وقت این نامه را امضا کرده بودند؛ نامه‌ای که از سوی سیدمحمدعلی افشانی که در آن زمان جزو مدیران ارشد وزارت آموزش و پرورش محسوب می‌شد، نیز امضا شد. در واقع گزینه پیشنهادی وزارت کشور برای استانداری

در مرحله اول انتخاب کاندیداهای شهرداری برنده قاطع این مرحله بود، اما با کنار زدن یکجانبه کارگزاران و خودداری از مذاکره و مصالحه، بستر شکست خود در مرحله بعد و شکل‌گیری ائتلاف رقیب را فراهم کرد. اینچنین بود که دو حزب بزرگ اصلاحات، هر دو با راهبردهایی یکجانبه‌گرایانه قدم به مرحله بعد گذاشتند، گرچه یکی در قامت پیروز و آن دیگری در چهره بازنده. «محمدنعیمی‌پور از موسسان حزب اتحاد ملت بود که پس از اختلافات اخیر بر سر انتخاب شهردار تهران از عضویت این حزب استعفا داد.»

البته اختلاف اصلاح‌طلبان بر سر کرسی پایتخت تنها منحصر به شکاف کارگزاران اتحاد ملت نمی‌شود، بلکه در درون اتحاد ملت هم این روزها اختلافاتی وجود دارد که حتی منجر به خروج محمدنعیمی‌پور چهره قدیمی جریان اصلاحات از این حزب شد. شماره روز چهارشنبه کارگزاران نیز باز از موضوع شهرداری غفلت نکرده و در یادداشتی آورده است: «اصلاح‌طلبان جوالدوزی هم به خودشان بزنند و متوجه باشند چطور دارند زمینه بهره‌برداری رقیب و نارضایتی مردمی را فراهم می‌کنند. باید قبول کرد که شورای پنجم که با جریان‌های سیاسی تلفیق شده، بسیار بیشتر از دوره‌های قبلی شورا جهت‌گیری سیاسی پیدا کرده و باید متوجه این آفت باشد.»

با انتخاب محمدعلی افشانی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی، این حزب توانسته در جدال احزاب اصلاح طلبی که در شورا عضو دارند (اتحاد ملت، ندای ایرانیان، کارگزاران، اعتماد ملی...) پیروز باشد اما باید دید تا چه زمانی وی می‌تواند مانع بروز دوباره اختلافات درون جناحی اصلاح‌طلبان شود و آیا باز همانند شورای پنجم شاهد شکل‌گیری دو جناح در شورای پنجم خواهیم بود. شورای شهری که آن‌ش آن به قدری شور شد که آشپز حکم به انحلال شورا داد.

افشانی کیست؟

محمدعلی افشانی برای تصدی پست شهرداری تهران در سال گذشته نیز مطرح بود. وی در رقابت هفت‌گزینه شهرداری تهران در مرداد سال ۱۳۹۶ توانست با ۱۴ رای اعضای شورای شهر پس از نجفی، مرعشی و کولایی در رتبه چهارم قرار گیرد ولی با استعفای محمدعلی نجفی در ۲۳ اسفند سال گذشته بار دیگر بخت با افشانی همراه شد و در نهایت او توانست در رقابت با گزینه‌های غیرمطرح شهردار تهران شود.

فرایند حذف و اضافه و انصراف‌های دقیقه‌آخری انتخاب شهردار تهران در یک ماه گذشته حکایت جالبی دارد و به نظر می‌رسد در بازی شطرنج احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح طلب راه برای حضور یک گزینه قوی و کارآمد باز نشد تا رقابت بین نیروهای درجه دوم و سوم جریان پیدا کند.

محمدعلی افشانی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی است که در سال ۱۳۸۷ به عضویت شورای ۵۵ نفره این حزب درآمد. چهره‌ای که در حاشیه‌های سیاست قرار داشت و تنها زمانی که سواد استانداری استان فارس را در سر داشت، به ناگهان در صدر اخبار سیاسی کشور قرار گرفت. وزارت کشور دولت یازدهم افشانی را به عنوان استاندار فارس معرفی کرد که این اقدام با واکنش ۱۸ نماینده این استان مواجه شد. تهدید به استیضاح رحمانی فضلی، وزیر کشور و استعفا از نمایندگی حربه‌هایی بودند که این نمایندگان برای جلوگیری از معرفی افشانی به کار بستند ولی افاقه نکرد.

شهردار جدید تهران، در سابقه مدیریتی خود معاونت استانداری‌های خوزستان، سمنان و کهگیلویه و بویراحمد، معاونت وزیر آموزش و پرورش و همچنین ریاست ستاد



نسخه پیچی برای لاریجانی

همزمان با هفته اول خردادماه، به موعده برگزاری انتخابات هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی نزدیک می‌شویم؛ زمانی که جریان‌های سیاسی در قالب فراکسیون‌های مختلف در درون مجلس و احزاب سیاسی در خارج از مجلس، مهم‌ترین دستورکار جلساتشان معطوف به انتخابات هیات رئیسه، به خصوص انتخاب رئیس مجلس می‌شود. بر همین اساس در روزهای اخیر نیز فراکسیون‌های مجلس با موضوع بررسی انتخابات هیات رئیسه تشکیل جلسه داده و به بررسی گزینه‌های خود برای ارائه لیست می‌پردازند. اگرچه تاکنون فراکسیون امید و مستقلان نظرات خود در مورد انتخابات هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی را اعلام نکرده‌اند، ولی روز گذشته اعضای فراکسیون نمایندگان ولایی پس از جلسه‌شان به این جمع‌بندی رسیدند که لیست متفوقی را برای هیات رئیسه مجلس ارائه داده و به دنبال تغییرات جدی باشند.

علاوه بر این، احزاب و چهره‌های سیاسی نیز بنای جلسات خود را برای تصمیم‌گیری درباره انتخابات هیات رئیسه مجلس تشکیل دادند. براین اساس اخیراً در جلسه برخی از چهره‌های مؤثر جریان اصلاحات حرف و حدیث‌هایی پیرامون ریاست علی لاریجانی در مجلس مطرح شده است. یکی از سران فتنه در این جلسه از اصلاح‌طلبان می‌خواهد تا برای ریاست مجلس از لاریجانی حمایت کنند و در ازای این حمایت نیز شرط‌شروطی را برای او بگذارند. وی می‌گوید که علی لاریجانی دیگر مورد اعتماد و اقبال طیف اصولگرایان نیست و آنها از وی حمایت نخواهند کرد، بنابراین جریان اصلاحات می‌تواند با طرح پیشنهاد حمایت اصلاح‌طلبان مجلس، از لاریجانی بخواهند در قبال این حمایت کاری کند که «ریاست کمیسیون‌های مجلس به اصلاح‌طلبان» واگذار شود.

برخی از مؤثرترین جریان اصلاحات در این جلسه معتقدند این اقدام می‌تواند سنجشی برای سطح اعتمادپذیری به لاریجانی باشد و اگر لاریجانی در مدل کوچک‌تری مثل ریاست مجلس امتحان خود را خوب پس داد و ریاست کمیسیون‌ها را به اصلاح‌طلبان واگذار کرد، جریان اصلاحات می‌تواند برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ روی او سرمایه‌گذاری کند تا در صورتی که راهی پاستور شد، لاریجانی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مهم را به چهره‌های جریان اصلاحات واگذار کند.

اعضای جلسه معتقدند باتوجه به تجربه ناموفق ریاست جمهوری روحانی، ضعف وی در اداره امور کشور و استفاده نکردن بهره‌نگرفتن روحانی از مهره‌های رادیکال‌تر و جدی‌تر اصلاح‌طلب در مناصب و جایگاه‌های مدیریتی کلان و نیز عدم پیگیری وعده‌های انتخاباتی، باید در انتخاب و حمایت از کاندیداهای بعدی که نمایندگی جریان اصلاح‌طلب را برعهده خواهند داشت، دقت نظر بیشتری به خرج داد.

در این جلسه همچنین مطرح شده که باتوجه به اینکه خط قرمز نظام فتنه ۸۸ است و همچنان زمینه پذیرش مهره اصلاح‌طلبی که این جریان را در انتخابات ریاست جمهوری نمایندگی کند، فراهم نیست، اصلاحات باید به دنبال چهره‌ای مورد اعتماد، توانمند و مقبول باشد که بتواند با حمایت از او، سهمی در جریان مدیریتی کشور داشته باشد.

بر همین اساس، روزهای آینده و برگزاری انتخابات هیات رئیسه مجلس و سپس انتخاب ریاست کمیسیون‌های خانه ملت، تا حدی نشان خواهد داد که اصلاح‌طلبان گام اول برای تحقق سناریوی خود را چگونه برداشته‌اند.

کارگردان مناظره‌ها

حمیدرضا موسوی، از مسئولان ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد است که چندی پیش از احمدی‌نژاد اعلام برائت کرد. او به تازگی با خبرگزاری فارس و ایسنا هم‌گفت‌وگو کرده است. موسوی نکته مهمی که به آن اشاره کرده، این است که پشت‌صحنه کارگردانی مناظره‌های سال ۸۸ اسفندیار رحیم‌مشایی بوده است. او گفته است: «من سال‌های ۸۴ و ۸۸ در ستاد امتداد مهر، مسئول ستاد بودم. ستاد امتداد مهر مربوط به پسر آقای احمدی‌نژاد بود؛ مهدی. من مسئول کل ستاد‌های امتداد مهر بودم. انتشار این اسناد آن زمان به صلاح کشور و نظام نبود. آن زمان اگر امثال ما از آقای احمدی‌نژاد حمایت می‌کردیم، به دلیل این بود که خط احمدی‌نژاد با خط حضرت آقای کی بود؛ اما الان به انحراف کشیده شده است. بیشتر مباحث اجرایی تیم رسانه‌ای آقای احمدی‌نژاد را پیش می‌برد؛ به‌ویژه در سال ۸۸. با آقای افراشته و آقای خورشیدی کار می‌کردیم. هدف ما بیشتر کارهای رسانه‌ای بود. نکته‌ای که می‌خواستیم همین‌جا اشاره کنم، این است که زمان مناظره احمدی‌نژاد و کروی طرح سوال‌ها خود آقای مشایی بود. در اتاق فکری که داشتیم، می‌دانستیم که نقطه‌ضعف طرف مقابل، آقای هاشمی است؛ چون گفته می‌شد که منابع مالی طیف مقابل را آقای هاشمی تأمین می‌کند. این یک استراتژی بود که آقای مشایی و آقای جوانفکر به همراه آقای شریف‌زاده و آقای داوری که الان زندان هستند، بیشتر بر آن تأکید می‌کردند؛ یعنی همه اینها پایه گذار این شیوه مناظره بودند که به آقای موسوی و کروی سرکوفت بزنند؛ چون آتوهای داشتند. به ستادها هم القا شد که در مناظرات دانشگاهی و خیابانی هم سمت‌وسو را به سمت مثلاً خانم رهنورد یا بنیاد شهید و ماجرای تحسن مجلس ششم دوران آقای کروی... ببرند. طرح همه سوالات خود شخص آقای مهندس مشایی بود. پشت‌صحنه اینها تیم آقای مشایی بود. آقای احمدی‌نژاد خودش اگر اقرار می‌کند بگذارد مشکلی ندارد. بقای بیشتر با مشایی هماهنگ و همسو بود. من در جلساتشان بودم. قبل از سال ۸۸ ساختمانی در خیابان وصال، کوچه‌ماهان بود که مدیریتمش با مهندس مشایی بود. عملیات این ساختمان محرمانه بود و کارش بولتن‌سازی علیه قوه قضائیه و برخی مقامات بود. ۸۷ تا ۸۹. مدیران و وزرای دولت‌ها به این ساختمان می‌آمدند و تانیمه‌های شب جلسه داشتند. یکی از کارهایی که از آن ساختمان بیرون آمد، یک سی‌دی بود که علیه جاسبی منتشر کردند یا مجله دولت‌معیار، یا وقتی آقای احمدی‌نژاد سفر استانی می‌رفت، مایک‌سری سی‌دی از سفرهای استانی ایشان تهیه می‌کردیم؛ با این هدف که آقای مشایی و آقای احمدی‌نژاد را به یک شکل دیگر جلوه دهیم. مادر یک تیم رسانه‌ای با مردم مصاحبه می‌کردیم و باز خورد سفرهایش را می‌گرفتیم. ما از آن استفاده می‌کردیم. سی‌دی‌ها را در جامعه منتشر می‌کردیم. نه، واقعبینانه هر چه بود، منتشر می‌کردیم. مثلاً در یکی از سی‌دی‌ها خانمی علیه آقای احمدی‌نژاد صحبت می‌کند. ما آن را هم انتشار می‌دادیم یا یک دفترچه منتشر کردیم با عنوان «فرزند ملت» که همه نکات مثبت آقای احمدی‌نژاد و بحث‌های ساده‌زیستی ایشان را در آن منعکس کرده بودیم.» او افزوده است: همه این فعالیت‌ها نه تنها با هدف حمایت از احمدی‌نژاد بلکه با هدف مطرح کردن مشایی صورت می‌گرفت. مثلاً وقتی آقای احمدی‌نژاد در سفر سازمان ملل، یک کتاب با عنوان «انقلاب اسلامی ضرورت‌ها و دستاوردهای اطلاع‌رسانی» منتشر شد که مجموعه سخنرانی‌های مشایی بود. این کتاب به همراه یک کارت ویزیت در سازمان ملل توزیع شد. کتاب و کارت ویزیت به زبان انگلیسی بود. هدف این بود که به نفع آقای مشایی در جامعه ذهنیت‌سازی شود. به این شکل که گزینه بعدی ریاست جمهوری برای سال ۹۲ آقای مشایی است. یک سری کارت هدیه در برخی جلسات توزیع می‌شد تحت عنوان حق قدم. یک سری کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی بود که شعار آقای مهندس مشایی روی آن نوشته شده بود. در یک برهه از زمان آقای مشایی با جامعه و عاقل‌ولایی به مشکل برخورد. جامعه و عاقل‌ولایی متعلق به آقای شجونی بود. اما یک جامعه و عاقل‌ولایی دیگر هم با محوریت آقای مهندس مشایی درست شد. در این جلسات آقای رئیس‌جمهور دعوت می‌شد و به حاضران کارت هدیه می‌دادند. از ۱۵۰ هزار تومان تا ۵۰۰ هزار تومان. در تاریخ ۲۰ دی ۸۹ به هر یک از اعضا کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی داده شد. مناسبتش هم حضور آقای بقایی در آن جلسه بود. سی‌دی آن جلسه هم که به صورت محرمانه بود، من دارم. مهندس مشایی یک شعری داشت که می‌گفت با افتخار همه بگویید. شعر این بود: «ما اهل جنون و بی‌قراری هستیم؛ اهل دل و مهر و عشق و یاری هستیم؛ دل‌بسته نام‌مکتب ایرانی؛ صدشکر خدا را که انحرافی هستیم».



روایت روز جنجالی

ماجرای آتش زدن پرچم آمریکا و برجام در مجلس هفته گذشته با بازتاب‌های متعددی مواجه شد.

همه چیز از نطق محسن کوهکن، نماینده مردم لنجان شروع شد؛ پشت‌تربون آمد تا به خروج از برجام آمریکا انتقاد کند اما انتقادش به فندک کشیدن برای آتش زدن پرچم آمریکا ختم شد. کوهکن سوال خبرنگاری که پرسید پاسخ‌تان به واکنش مردم چیست را اول با جواب دادن به علیرضا رحیمی آغاز کرد و گفت: «اولا ما در انتقادی که انجام می‌دهیم باید مراقب لحن خود باشیم که توهین آمیز نباشد.» او ادامه داد: «آنهایی که می‌گویند منظور از آتش زدن پرچم ملت است و نه دولت، بگویند استنادشان چیست؟ ما استنادمان این است که در عرف بین‌الملل گاهی این اتفاقات در دنیا رخ می‌دهد و برداشتی که افکار عمومی از آتش زدن پرچم دارند این است که این رفتار نشان دادن اوج نفرت نسبت به حاکمیت آن کشور است. البته این را هم باید گفت در کشورهایی که رئیس‌جمهور توسط مردم انتخاب می‌شود، مردم هم باید به گونه‌ای پاسخگو باشند؛ البته الان بحث ما این نیست. کاری که ما انجام دادیم مشابه آن است که بارها در دنیا صورت گرفته و تا به حال هیچ‌کس نگفته است این پرچم آتش زدن توهین به ملت است؛ شما ببینید در ایران وقتی رژیم تغییر کرد پرچم هم عوض شد؛ اگر پرچم ربطی به حاکمیت ندارد، برای چه ما پرچم قبلی را تغییر دادیم؟ بنابراین این مغلطه است.»

کوهکن بار دیگر انگشت انتقادش را به سمت منتقدان داخلی این رفتار گرفت و گفت: «دوستان چرا سوراخ دعا رو گم کرده‌اند؟ ترامپ این همه به ما توهین کرد، برخلاف تعهداتش عمل کرده جای آنکه به طرف مقابل معترض شویم باید بقیه خودی‌ها را بگیریم؟ این کجافهم سیاسی است؟» انتقادات کوهکن به هنرپیشه‌ها و سلبریتی‌ها هم رسید و در این رابطه گفت: «اینکه من پرچمی را آتش بزنم و هنرپیشه‌ها بگویند «کودک مغزی» است، خوب بگویند، حرف زیاد می‌زند اما یک طرف دیگر هم هست و آن اینکه مخالفان ترامپ که روز اول مقابل کاخ سفید جمع شدند و جایی را هم آتش نزدند و کسی را هم نکشتند اما بیش از ۲۰۰ نفر بازداشت شدند و برخی به ۶۰ سال زندان محکوم شدند به صرف اینکه گفتند ما ترامپ را قبول نداریم. بنابراین آنچه ما انجام دادیم اعتراض به دولت آمریکا بود.» او گفت: «من وظیفه خود می‌دانستم بعد از صحبت‌های توهین‌آمیز آمریکا اقدامی انجام دهم که اوج نفرت خود را از حاکمیت آمریکا نشان دهم. بنابراین ما آتش زدن پرچم را که خودم به تنهایی این کار را انجام دادم و از آن هم دفاع می‌کنم و تا زمانی که در مجلس هستم باز هم آتش می‌زنم آن را نشانه اوج نفرت خودم از آمریکا می‌دانم.»

جبار کوچکی نژاد نماینده مردم رشت از جمله نماینده‌هایی بود که در زمان آتش زدن پرچم آمریکا با مشت‌های گره کرده بالای سکوی سخنرانی در کنار کوهکن و حاجی‌دلگانی... بود. او شاید در آن لحظه فکرش را هم نمی‌کرد این اقدام با چنین واکنش‌هایی رو به رو شود. حالا وقتی از او درباره واکنش‌ها و پاسخش به انتقادات می‌پرسیدند همه مسئولیت آتش زدن پرچم را به گردن کوهکن انداخت و گفت: «بعد از اینکه آمریکا از برجام بیرون آمد دولت باید سریع برجام را تعلیق می‌کرد که این کار را هم انجام نداد آن روز هم ما به قصد آتش زدن برجام آنجا رفتیم. حالا یکی از همکاران به صورت خودجوش دست به این کار زده است و باید خودش پاسخگو باشد که این آتش زدن آن نیت اصلی را تحت تاثیر قرار داد و اگر این کار را انجام نمی‌داد شاید بهتر بود.» او گفت: «ما به آمریکا‌هایی می‌خواستیم اعلام کنیم که اگر شما برجام را دور می‌ریزید ما هم آن را آتش می‌زنیم.»

کوچکی نژاد از نطق رحیمی هم دل‌پری داشت و در پاسخ به او گفت: «امروز کسانی که کرنشی نسبت به آمریکا دارند حاشیه این موضوع را بیشتر می‌کنند و حتی روز یکشنبه در نطق برخی دوستان مشاهده شد در حالی که اصل موضوع روی برجام بود و نه پرچم آمریکا، به هر حال اینکه فردی دست به چنین کاری می‌زند (آتش زدن) خودش باید پاسخ دهد، اما معتقدم رفتار مجلس خوبی بوده است. به نظرم افرادی که روی صندلی‌های خود می‌نشینند و حاضر نمی‌شوند یک شعار «مرگ بر آمریکا» را با مردم ما سهیم شوند، آنها باید از مردم عذرخواهی کنند.»



پایان مذاکره؟

کره شمالی در واکنش به رزمایش ستول با آمریکا، ضمن لغو نشست فردای خود با کره جنوبی، از احتمال عدم ملاقات با ترامپ خبر داد. به گزارش فارس، کره شمالی روز سه‌شنبه از لغو گفت‌وگوهای خود با مقام‌های عالی‌رتبه کره جنوبی که قرار بود روز چهارشنبه برگزار شود، خبر داد. کره شمالی دلیل خود را اتخاذ این تصمیم را برگزاری رزمایش «مکستاندر» بین کره جنوبی و آمریکا اعلام کرده و افزوده است که شاید دیدار آئی رهبر این کشور با «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا نیز لغو شود. سران دو کره قرار بود روز شانزدهم می (فردا) با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کنند. وزارت خارجه کره شمالی پیش از این اعلام کرده بود سایت آزمایش اتمی «پونگی ری» را بین روزهای ۲۳ تا ۲۵ ماه می با حضور رسانه‌های خارجی، تخریب می‌کند. سران کره شمالی و آمریکا توافق کرده‌اند روز دوازدهم ماه ژوئن در سنگاپور ملاقات کنند.

به دنبال تهدید روز سه‌شنبه پیونگ‌یانگ به تعلیق گفت‌وگوها با ستول در اعتراض به مانور نظامی مشترک ایالات متحده و کره جنوبی، و وزارت دفاع آمریکا گفت آمریکا و کره جنوبی به اجرای مانور نظامی پایبند هستند و طبق برنامه سابقه مانور تا ۲۵ می ادامه خواهد داشت. به گزارش «انتخاب»؛ خبرگزاری کره جنوبی «یونپا» پیش‌تر از اعتراض کره شمالی به مانور مشترک آمریکا و کره جنوبی خبر داده بود و نوشت پیونگ‌یانگ مذاکرات سطح بالای دیپلماتیک با ستول را - که قرار است روز چهارشنبه برگزار شود - به حالت تعلیق در آورده است. سرهنگ راب منینگ از سخنگویان وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، در واکنش به این خبر گفت که رزمایش «مکستاندر ۲۰۱۸» به منظور تقویت توانایی‌های آمریکا و کره جنوبی برای همکاری با یکدیگر طراحی شده است.

به گفته او، این تمرین نظامی از روز دوشنبه آغاز شده و قرار است طبق برنامه از پیش تعیین شده تا ۲۵ مه (چهارم خرداد ماه) ادامه یابد و ماهیت دفاعی این تمرین‌های نظامی مشترک برای دهه‌هاست که روشن و واضح بوده و در آن تغییری ایجاد نشده است. وزارت خارجه ایالات متحده نیز پیش‌تر در واکنش به خبر تعلیق مذاکرات دو کره، که ممکن است دیدار آئی رئیس‌جمهوری آمریکا و رهبر کره شمالی را به خطر بیندازد، گفت طبق برنامه تعیین شده برای دیدار مستقیم سران دو کشور به پیش خواهد رفت. هدر ناتورت، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با بیان اینکه واشنگتن به‌طور مستقیم از پیونگ‌یانگ یا ستول درباره تغییر برنامه نشنیده است، خاطر نشان کرد که کیم جونگ اون قبلاً گفته ضرورت و اهداف ادامه همکاری نظامی آمریکا با کره جنوبی را درک می‌کند.

در تحولی دیگر چین از کره شمالی خواست تا برنامه نشست تاریخی میان کیم جونگ اون، رهبر این کشور و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را متوقف نکند. در حالی که گزارش‌هایی در خصوص تهدید کره شمالی به لغو برگزاری نشست میان ترامپ و کیم جونگ اون به دنبال افزایش فشارهای آمریکا بر پیونگ‌یانگ منتشر شده وزارت خارجه چین روز چهارشنبه گفت: دو کشور باید تصمیم کنند که این نشست طبق برنامه ریزی‌ها انجام شده و «نتایجی اساسی» به بار بیآورد.

لو کانگ، سخنگوی وزارت خارجه چین در یک نشست خبری گفت: «تنها از این راه است که ما می‌توانیم این روند فروکش کردن تنش را تثبیت و صلح و ثبات در منطقه را حفظ کنیم.»

همزمان با اعلام خبر مسدودسازی فیلترشکن‌ها توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، انتقاداتی از سوی برخی فعالان مجازی علیه محمدجواد آذری جهرمی، مسئول این وزارتخانه شکل گرفته است. در همین حال، بر اساس آنچه صفحه اینستاگرام خبرگزاری فارس گزارش داده، آذری جهرمی درباره انسداد فیلترشکن‌ها تاکید کرده است که این کار بر اساس مصوبات شورای عالی فضایی مجازی و دستور شخص رئیس‌جمهور روحانی صورت می‌گیرد. پیش از این، «رضاتقی پور»، عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی نیز به فارس خبر داده بود که رئیس‌جمهور روحانی در یک نامه، به آذری جهرمی درباره برخورد جدی با سایت‌ها و کانال‌های خلاف عفت عمومی، ساماندهی vpnها، برخورد موثر با فیلترشکن‌ها، رفع انحصار از پیام‌رسان‌های خارجی و حمایت و تقویت پیام‌رسان‌های داخلی تاکید کرده است.



دردسر برای آقای وزیر

اصلاح طلبان در محاق



ابراهیم اصغرزاده هفته گذشته مصاحبه‌ای مهم داشته است. او درباره وقایع دی ماه گفته است: «به این دلیل نام این اعتراضات را جنبش می‌گذارم که ابتدا این حرکت را به رسمیت بشناسیم و دوم اینکه به نظرم جنبش دی ماه بی‌شک ضدنخبگان و اصلاح‌طلبی از بالا بود. این اعتراضات یک نوع بن‌بست در اصلاح‌طلبی را نشان می‌داد و اشاره به این موضوع می‌کرد که ما انتظار داشتیم در کشور اتفاقاتی بیفتد اما این اتفاقات رخ نداد، پس در اصلاحات به بن‌بست رسیدیم. فرق این اعتراضات با اعتراضات دیگر این بود که از بن‌جامعه و از پایین به بالا رخ داد. اما در اعتراضات دیگر به نظر می‌رسد آنها از بالا شکل می‌گیرد، یعنی این اعتراضات یک رهبر، یک ایده و یک برنامه را با خود به همراه دارد و به همین دلیل گاهی اعتراضات اصلاح‌طلبانه را غیردموکراتیک می‌دانند. یعنی می‌گویند وقتی اصلاحات از دید طبقه نخبه یا افراد در قدرت ترسیم می‌شود، مردم مانند رعیت در این اعتراضات شرکت می‌کنند.»

در پی انتشار خبری به نقل از جیسون آزبودن، مشاور سابق ترامپ مبنی بر ملاقات دکتر کمال خرازی با جان کری در پاریس، دفتر رئیس‌شورای راهبردی روابط خارجی ضمن بی‌اساس بودن خبر مزبور اعلام کرد که آقای دکتر خرازی امروز برای شرکت در اجلاس رهبران برای صلح که به ابتکار آقای رافارن، نخست‌وزیر سابق فرانسه برای بررسی بحران‌های بین‌المللی تشکیل شده عازم پاریس شده و تنها با آقای رافارن ملاقات داشته است. گفتنی است کمال خرازی که هفته گذشته برای شرکت در همایش «رهبران برای صلح» به فرانسه سفر کرده بود، به همراه جمعی از شخصیت‌های سیاسی جهان در نشست پرسش و پاسخ دانشجویان انستیتوی علوم سیاسی فرانسه در محل وزارت خارجه این کشور شرکت کرد.



روایت جعلی

جاسوس بود

ماجرای دری اصفهانی همچنان محل بحث بین وزارت اطلاعات و قوه قضاییه است. در تازه‌ترین تحول در این مورد محسنتی ازه‌ای در خصوص اظهارنظر یکی از نمایندگان مجلس مبنی بر اینکه وزیر اطلاعات و نمایندگانشان عنوان کردند که ادعای جاسوسی دری اصفهانی کذب است و وی از نظر ما جاسوس نیست و قوه قضاییه هم تحت فشارهای خارجی مجبور شده حکم حداقلی ۵ سال حبس بدهد، گفت: «من از نقل قول‌ها اطلاعی ندارم. اگر چنانچه منظور این است که اتهام این فرد جاسوسی نیست حتما غلط است، اگر هم فردی که اتهام جاسوس بر او هست وزارت اطلاعات بگوید هست یا نیست غلط است. وزارت اطلاعات می‌تواند بگوید بر اساس اسناد و مدارک از نظر من فلانی متهم به جاسوسی است یا نیست اما وزارت نمی‌تواند بگوید از نظر من جاسوس است چون زمانی می‌تواند این را بگوید که ثابت شده باشد. در مورد دری اصفهانی دادگاه این فرد را محکوم کرده و تجدید نظر هم حکم را تایید کرده و با حضور وکیل هم رسیدگی شده و بنابراین ایشان از نظر دادگاه جرمش ثابت و حکمش قطعی است. مرجع اصلی در این خصوص قوه قضاییه است و اینکه می‌گویند حکم حداقلی بوده است، بیخود می‌گویند.»

زیر ذره بین

محمد جواد ظریف خبرسازترین چهره هفته بود

«من او را در یک برنامه دیدم و بعد از سه دقیقه تماشا گفتم امکان ندارد کری بتواند از پس مذاکره با این مرد برآید. بعدها دیدم همین طور هم شد.» این سخنان دونالد ترامپ درباره محمد جواد ظریف است. او در این هفته مهم ترین چهره بوده است. سفرهای با اهمیت داشته و اکنون همه منتظرند تا ببینند رهاورد سفر او چیست؟ آیا او و وزرای اروپایی می توانند برجام را نجات دهند؟

او البته در هفته ای که گذشت همچنان با موجی از اعتراضات منتقدان برجام روبه رو بوده است. آنها با مراجعه به آرشیو خود سخنان گذشته ظریف را یادآوری کرده و او را همچنان زیر ذره بین قرار دادند.

همزمان اما محمد جواد ظریف در سفرهای شرقی و غربی حضور داشت تا تکلیف برجام را مشخص کند.

دنبال خیالبافی نیستیم

ما دنبال خیالبافی نیستیم که اروپا رابطه اش را با آمریکا به هم بزند. نه چنین چیزی امکان پذیر است و نه اروپایی ها خودشان چنین حرفی می زنند، بلکه دنبال این هستیم که اروپا از منافع خودش دفاع کند. این جملات محمد جواد ظریف است پیش از آن که او به بروکسل سفر کند. او گفته: دیدار ما «دیداری سه جانبه بود؛ البته وزرا با خودشان جلسه ای پیش از ما داشتند.

ظریف در ارتباط با تحریم رئیس بانک مرکزی گفت: «به نظر می رسد دلیل این تحریم عصبانیت آمریکا از شرایطی است که پیش آمده، ما باید توقع داشته باشیم که آمریکایی ها از این نوع حرکت هایی مبتنی بر عصبانیت بیشتر انجام دهند. خلاف قانون بودن اقدامات آنان بین است و در عرف روابط بین الملل کاری زنده و نشان دهنده توانمندی نیست، بلکه نشان دهنده ضعف منطق ایالات متحده است و از سوی دیگر ایالات متحده کاملا حس کرده است که غیر از چهار تا از اصحابش در منطقه ما هیچ کس از سیاست آمریکا حمایت نکرده است و این یک عصبانیتی را از سوی آنها نشان داده است.

در جلسه دیروز در مورد اقدامات آمریکا برای بی اثر کردن مذاکرات ایران با اروپا صحبت کردیم. البته ما در چارچوب واقیعات صحبت می کنیم. اروپا متحد آمریکایی ها است و اروپا قرار نیست روابطش را با آمریکا کنار بگذارد، اما در شرایط کنونی با سیاست هایی که ایالات متحده مخصوصا شخص آقای ترامپ اتخاذ کرده، الان برای اروپا زمان این است که ببیند چگونه منافع خودش را دنبال کند. ما دنبال خیالبافی نیستیم که اروپا رابطه اش را با آمریکا به هم بزند.

نه چنین چیزی امکان پذیر است و نه اروپایی ها خودشان چنین حرفی می زنند، بلکه دنبال این هستیم که اروپا از منافع خودش دفاع کند. اروپا و آمریکا در موضوعاتی اشتراک و در موضوعاتی اختلاف دارند؛ فعلا موضوع ایران موضوعی است که مورد اختلاف آنهاست معنی اش این نیست که آمریکا و اروپا فردا با هم درگیر می شوند کما اینکه سال ها در مورد موضوعات دیگر با هم اختلاف داشتند، اما اروپایی ها خط خود را و آمریکایی ها خط خودشان را دنبال کردند. ظریف در بخش دیگری از این گفت و گو خاطر نشان کرد که تا چند هفته آینده منافع ایران از برجام مشخص می شود.

فعلا فهرستی از کارهایی که باید انجام شود تهیه شده است و همه آنها نیاز است که عملیاتی و جزئی شود تا بر اساس آن بتوانیم تصمیم بگیریم که برجام چه مقدار

می تواند منافع ایران را تضمین کند. مشخص شد که برجام یک مجموعه مستقل است و ارتباطی به موضوعات دیگر ندارد. تعهدات کشورها در برجام مستقل از سایر موضوعات است و باید این تعهدات انجام بگیرد. فکر می کنم برای شروع اقدام مناسبی بود و پیام سیاسی مهمی را ارسال کرد اما این پایان کار نیست. تصمیم گرفته ایم از ابتدای هفته آینده برنامه های مان را جدی تر پیش ببریم. یکی از موضوعات اجلاس سران اروپایی ها، برجام خواهد بود و در این زمینه تصمیم گیری می کنند. از هفته آینده جلسات فشرده کارشناسی هم داخل آنها و هم



در زمان ضرورت با مشورت ما صورت خواهد گرفت. جمعه اجلاس مشترک هر پنج کشور و ایران است؛ یعنی ۴+۱ یا ۲+۳، بستگی دارد که از چه منظری خواهیم به این گروه بندی نگاه کنیم. آمریکایی ها از برجام خارج شده اند و قطعاً در این نشست ها نخواهند بود. جلسه کمیسیون مشترک بدون آمریکایی ها برگزار خواهد شد و مکانیزم کمیسیون مشترک از آن مسیر به جریان می افتد.

نامه های مهم

او البته دو نامه مهم هم نوشته است؛ یکی خطاب به گوتشر و دیگری به مگرینی.

در نامه به دبیرکل سازمان ملل آمده است: «ایالات متحده تقریباً از همان ابتدا مدام مفاد توافق را نقض کرده و حتی دیگر اعضای برجام را از اجرای کامل تعهدات شان باز داشته است. این نقض ها شامل تخطی های نظام مند، اجرای صوری، غیر موثر، سطحی، معیوب و دیر هنگام، تاخیرهای غیرموجه، تحریم های جدید، اظهارات مقامات عالی رتبه به ویژه شخص رئیس جمهور علیه برجام، خودداری از صدور هر گونه مجوز اوفک در ۱۶ ماه

گذشته، و تلاش های هماهنگ نهادها و عوامل دولتی آمریکا برای بازداشتن فعالانه جامعه تجاری از همکاری با ایران بوده است.

اقدام غیرقانونی آمریکا در خروج غیرموجه از برجام، این دولت را برای فاحش ترین نقض تعهداتش ذیل این توافق، مسئول می کند. ایالات متحده قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که این کشور خود از جمله بانیان آن بود و با اتفاق آراء در شورا تصویب شد را نیز و قیحانه نقض کرده است. بنا بر این، ایالات متحده باید در برابر عواقب عمل زیانبار و خطرناکش که در چالش آشکار با منشور ملل متحد و حقوق بین الملل است مسئول شناخته شود.

نقض های فاحش متعدد و طولانی ایالات متحده طی سه سال گذشته به ویژه در ۱۶ ماه گذشته، مانع تراشی های فعالانه در مسیر اجرای تعهدات دیگر اعضای برجام، اجرای صوری همراه با سوء نیت، توقف غیرموجه و غیرقانونی اجرای تعهداتش ذیل برجام و وضع مجدد رسمی تحریم های غیرقانونی باعث زیان غیرقابل جبرانی به ایران و روابط تجاری بین المللی اش شده است. ایالات متحده باید برای این خسارت ها مسئول شناخته و خسارت ملت ایران جبران شود.

برجام یک توافق چند جانبه بر اساس عمل متقابل است. دامنه، مقررات و زمان بندی آن مبتنی بر یک توازن ظریف، مذاکره شده و مورد توافق چند جانبه است که نمی تواند گسترده تر شود، تغییر یابد یا مورد مذاکره مجدد قرار گیرد. منافع آن برای مردم ایران نمی تواند مشروط به هیچ شرط دیگری جز اقدامات داوطلبانه هسته ای مندرج در برجام و ضمایم آن شود. برخی از مهم ترین منافع اقتصادی ایران از برجام ناشی از تعهدات رفع تحریمی ایالات متحده است. چنانچه برجام بخواهد به حیات خود ادامه دهد، مابقی اعضای برجام و جامعه بین المللی باید کاملاً اطمینان دهند که منافع ایران بدون هیچ شرطی از طریق اقدامات مناسب ملی، منطقه ای و جهانی جبران می شود.

جمهوری اسلامی ایران به تعهدات خود ذیل برجام به صورت کامل پایبند بوده است. این امر، همان طور که در گزارش های مدیرکل به شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل از «روز اجرا» در ژانویه ۲۰۱۶ تاکنون منعکس شده، به صورت مکرر توسط آژانس راستی آزمایی شده است.

در راستای تعهد ایران به قانونمندی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است برای یافتن راهکارهای جبران موارد متعدد نقض فاحش برجام از سوی ایالات متحده و خروج غیرقانونی اش و نیز تعیین امکان و چگونگی تضمین منافع کامل و حقوق حقه مردم ایران از این دستاورد دیپلماتیک جهانی توسط مابقی اعضای برجام و دیگر شرکای اقتصادی، با حسن نیت به سازوکارهای برجام توسل جوید.

چنانچه پس از طی راهکارهای موجود برای جبران خسارت، حقوق و منافع مردم ما به صورت کامل تامین نشود، این حق غیرقابل تردید ایران-که در چارچوب برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت هم شناسایی شده- است تا نسبت به اتخاذ اقدامات مناسب در پاسخ به اعمال غیرقانونی فراوان و مداوم ایالات متحده به ویژه خروج و تحمیل مجدد همه تحریم ها مبادرت ورزد. من مصرانه از سازمان ملل می خواهیم که ایالات متحده را برای رفتار غیرمسئولانه و یکجانبه اش که تاثیر مخربی بر حاکمیت قانون، چندجانبه گرایی و بنیان های دیپلماسی داشته است، مسئول بداند. موجب امتنان خواهد بود چنانچه این نامه به عنوان سند مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد توزیع شود.»

جنایت آشکار

مشاور بین الملل رهبر معظم انقلاب در اینستاگرام نوشت: انتقال سفارت آمریکا به یکی از مقدس ترین اماکن مذهبی مسلمانان روند اضمحلال رژیم صهیونیستی را تسریع خواهد بخشید.

انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس غربی (دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۹۷) مقارن با تظاهرات سراسری اعتراضی در سالروز اشغال فلسطین (یوم النکبه) انجام شد. به همین منظور علی اکبر ولایتی مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل با انتشار تصویری در صفحه اینستاگرام خود نسبت به این اقدام واکنش نشان داد.



farh @farhadzab

کور رنگی اصلاح طلبان در روز خون
Color blindness of iranian reformist newspapers in bloody day of Gaza



کور رنگی روزنامه‌های اصلاح طلب در روز خون

یک فعال رسانه‌ای تصاویری از روزنامه‌های اصلاح طلب را که به روز خونین فلسطینی‌ها بی تفاوت بودند، در توییتر خود به اشتراک گذاشت.

Breaking: Iran & Airbus will attempt to use the current #IranDeal 'wind down period' of 90-180 days to potentially import more @Airbus passenger jets to Iran — before the US sanctions return.



فرجام قرارداد ایران و ایرباس

الکس ماکراس کارشناس و تحلیلگر هواپیمایی در توییتر خود نوشت: ایرباس قصد دارد تا پیش از مهلت ۹۰ تا ۱۸۰ روزه ترامپ برای تحریم‌ها علیه ایران، هواپیماهای بیشتری را تا جایی که امکان دارد به ایران تحویل دهد.

Hamid Baedinejad @baedinejad

ریچارد نفیو کارشناس ارشد و عضو سابق هیات مذاکره کننده آمریکا در برجام در خصوص رفع تحریمها معتقد است: تحریم آقای سیف رئیس بانک مرکزی ایران توسط دولت ترامپ فقط اقدامی شعاری بوده و هیچگونه آثار عملی بدنیال ندارد.

@rozan Laura Rozen
On what does it mean US designated Iran Central Bank governor, ex USG sanc expert @RichardMNephew tells me:
"Practically? Nothing. 1/x

توییت بعیدی نژاد درباره تحریم سیف

حمید بعیدی نژاد عضو سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای در توییتر خود به تحریم رئیس بانک مرکزی از سوی آمریکا واکنش نشان داد.



اگر دقت کنید اروپایی‌ها مدام می‌رفتند پیش ترامپ برای برجام، حتی ماکرون هم که ترامپ مداوم نازش می‌کنه، این نقشه‌ها از قبل کشیده شده است، الان اروپا با ایران می‌مونه و خوب هم می‌مونه ولی فقط ۶ ماهه، تا خیالش راحت بشه هم تحریم‌ها اجرایی شدن، بعد ایران مجبور میشه بره بیرون. اون‌وقته که تحریم‌ها درست اثر می‌کنن، ایران همین حالا باید بره بیرون برای چی شما می‌خواهید همه رو آزمایش کنید؟ اول آمریکا بعد اروپا؟ دست آخر هم دوباره زور می‌گن.

مهم ترین مساله این روزها وضعیت معیشت مردم است. برای قشر ضعیف جامعه شرایط اقتصادی این روزها مشکل است. به نظر می‌رسد که باید اولین دستور کار مسولان مربوطه حل مشکلات در این حوزه باشد. قشر کارگر نیازمند توجه بیش از پیش مسولان است.

باید آمریکا بفهمه خروج از برجام مجانی نیست و باید تاوان پس بده، بد نیست به تمام پایگاه‌های آمریکا هشدار داده بشه در منطقه... و در صورتی آرامش برخوردار گشت که آمریکا به برجام برگردد صد درصد به تعهداتش بلافاصله عمل کنه و به جای حماقتی که یک بار رفته بیرون شروط جدیدی از ایران روده‌هم بپذیره

۵ سال رئیس‌جمهور و وزرا و سفرا و استانداران و فرمانداران و بخشداران و ده‌داران و روزنامه‌داران طرفدار برجام یکسره به تمسخر منتقدین پرداختند و دلواپسان و کاسبان تحریم‌شان نامیدند و بی‌شناسنامه. اون موقع زنگ انشای طرفداران برجام بی‌فرجام بود و حالا زنگ حساب‌شان.



حقیقت تلخ امروز افزایش شدید و ناگهانی نرخ ارز و سقوط ارزش پول ملی، تشکیل خط فقر شدید و جدیدی با جمعیت بسیار بالایی از مردم خواهد بود که کل نظام را ناکارآمد خواهند دید. مسلما موج عواقب سیاسی و اجتماعی ناشی از این جمعیت ناراضی و مستاصل به هیچ‌وجه اندک و جزئی نخواهد بود، بنابراین مسئولان عزیز همگی با همه توان به فکر حل این مشکل اقتصادی در اسرع وقت باشند چرا که گاهی خیلی زود دیر می‌شود.

هیچ‌وقت کنایه روحانی به مخالفان مذاکره با آمریکا را فراموش نمی‌کنم. اونوقت که با غرور می‌گفت: زبان غربی‌ها را شما بلد نیستید ولی رهبر ما همون اول گفت اینها قابل اعتماد نیستند. ما کی باید عبرت بگیریم. هر وقت هشدارهای دلسوزانه رهبر رو ندید گرفتیم و دل به این و اون بستیم، ضرر دیدیم. حالا حالاها ضرر می‌بینیم. جالب اینه که روحانی گفته برجام را با اروپا ادامه میدیم. اروپایی که پول هواپیماها را از ما گرفته ولی تحویل نمی‌ده.



خط مقاومت در عراق ولینان دست بالا دارند. البته مواضع اخیر مقتدی صدر بیشتر تاکتیکی ست. والا کسی که هنوز هم حوزه علمیه قم درس می‌خونه، قطعاً دلبستگی بیشتری به ایران داره.

نرخ هر کالایی تابع رابطه عرضه و تقاضاست از جمله ارز. اگر از امروز به صرافی رفتید و توانستید بدون محدودیت هرچقدر خواستید دلار به نرخ ۴۲۰۰ تومان بخرید، پس می‌شود نتیجه گرفت که قیمت ارز ثابت و تک‌نرخی شده اما اگر گفتند نداریم یا به هر نفر فقط فلان مقدار می‌فروشیم پس آتش همان آتش و کاسه همان کاسه است، تجربه ثابت کرده اقتصاد دستوری جواب نمی‌دهد اگر جواب میداد نرخ سود بانکی مجدداً از ۱۰ درصد به ۲۰ درصد افزایش پیدا نمی‌کرد.

اروپا می‌خواهد وقت‌کشی تا ۶ ماهه زمان باقیمانده تا شروع کامل تحریم‌ها تموم بشه، بعد بکشه کنار، ایران باید از حالا اون قلب اتمی بتون ریزی شده رو بازسازی کنه تا به محض خروج اروپا شروع به غنی‌سازی کنه وگرنه ۶ ماهه دیگه خیلی دیره.

ظاهراً دولت جدید عراق هیچ ثباتی نداره چون نتونستن با قاطعیت پیروز بشن و دولت ائتلافی از همین الان آینده‌ش معلومه. اونم جایی مثل عراق که مردمش هیچ‌وقت با هم متحد نبودن و تفرقه داشتن. اینجا فقط ردیای پول‌های عربستان مشخصه. برای ایران میتونه خطرناک باشه و روابط اقتصادی و سیاسی رو تحت الشعاع قرار بده.

این صهیونیست‌های ترسو فکر می‌کنند حزب‌الله از مرگ ترسی داره، ما شهادت در راه نابودی اسرائیل رو آرزوی خودمون می‌دونیم.



این افزایش‌ها، نتیجه توئیت‌های احساسی و غیرمنطقی استاد سیف بود که مدام وعده کاهش و ارزانی را می‌داد و افرادی را که دلار خریده بودند، سرزنش می‌کرد. حال دیگر مردم به حرف‌های آقای رئیس‌کل اهمیتی نمی‌دهند. اعتماد رئیس‌کل در بین مردم از دست رفته است.

حفظ توازن

خروج آمریکا از برجام چه تاثیری بر نفوذ ایران در عراق دارد؟



این دیدگاه ناظر بر تاثیرگذاری غیرمستقیم خروج ایالات متحده از توافق بر عرصه داخلی عراق و در تشکیل دولت آتی آن بوده و در نقطه مقابل دیدگاه اول قرار دارد. قائلان به این دیدگاه ضمن مخالفت کامل با طرفداران نظر اول، بر این باور هستند که ممکن است عکس آنچه گفته شد، روی دهد، به این معنی که در نتیجه فشار بی‌امان، بازگشت تحریم‌ها و تشکیل محور مقابله با ایران در سطح منطقه، تهران ناچار شود برای جلوگیری از وخامت اوضاع به بازتعریف اولویت‌های سیاست منطقه‌ای و خارجی خود بپردازد. بازتاب این بازتعریف اولویت‌ها بر عرصه سیاسی عراق این است که جمهوری اسلامی ایران همچنان ترجیح دهد دولتی در بغداد کنترل امور را در دست داشته باشد که از طریق تعامل، حفظ توازن و روابط با همه طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از شدت فشار بر ایران بکاهد. بازتعریف سیاست منطقه‌ای یعنی اینکه، کشورها به‌عنوان مخاطب سیاست منطقه‌ای ایران رتبه‌بندی شده و صاحب اولویت اول، دوم، سوم و... شوند و بر اساس این رتبه‌بندی است که سیاست تهران در قبال این کشورهای هدف تعریف شود. نتیجه منطقی اولویت‌بندی جدید در محاسبات سیاسی این است که با شروع بحرانی که هر لحظه ممکن است بر ابعاد آن افزوده شده یا در نتیجه برخورد و تنش ناچیز منجر به شعله‌ور شدن درگیری در منطقه شود و دامنه و گستره آن افزایش یابد، جمهوری اسلامی ایران ناچار است اقدامات گروه‌های منتسب که ممکن است تحریک کننده باشد، جلوگیری به عمل آورد و بر حفظ توازن سیاسی و وضع موجود در عراق بیش از هر زمان دیگر تاکید ورزد چرا که بحران در عراق می‌تواند تمرکز ایران را از دیگر اولویت‌های سیاست خارجی به خصوص بحران سوریه و مسائل پیچیده سیاسی در لبنان باز دارد و این گزینه مطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار نمی‌آید.

در سوی دیگر این معادله، ایالات متحده قرار دارد. ایالات متحده متضرر مستقیم هرگونه به‌هم خوردن توازن در عراق نیست و این موضوع پیش از آنکه آسیب یا چالشی برای منافع آمریکا باشد، تهدیدکننده منافع کشورهای اروپایی در عراق است. تهدید منافع غربی‌ها نیز ممکن است موجب تاثیر بر مواضع کنونی آنها در قبال ایران و توافق هسته‌ای شده و آنها را از رویکرد کنونی همراهی با ایران باز داشته و اروپا را به سمت اجماع و توافق نظر با دولت تندروی جمهوریخواه آمریکا سوق دهد. در آن صورت، فشار محور آمریکا-اروپا بر ایران به اوج خود خواهد رسید. افزون بر آن، بحران زدگی و ناآرامی عرصه سیاسی داخلی می‌تواند بر منطقه بحرانی‌زده تاثیر منفی برجای گذاشته و عراق را به نقطه صفر بازگرداند. تجربه ثابت کرده که بحران در عراق می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیری به همراه داشته باشد. با استناد به این دیدگاه، به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران به سمتی گرایش پیدا خواهد کرد که بر اساس منطق سود-زیان عمل کرده و سیاست حفظ توازن را بر دیگر سیاست‌های بدیل موجود برای عراق رجحان دهد. به‌خصوص که این سیاست هیچ آسیب و ضرری دربر نداشته و می‌تواند منافع همه طرف‌ها را تحقق بخشد. آرام‌نگه داشتن عرصه سیاسی عراق می‌تواند به جمهوری اسلامی کمک کند تا با خطری آسوده‌به‌تعامل با موضوع پرونده هسته‌ای و پیامدهای اقتصادی آن و چگونگی تاثیرگذاری بر روابط اتحادیه اروپا و آمریکا و حفظ دستاوردها در میدان‌های نبرد در سوریه و در عرصه سیاسی لبنان متمرکز شود. نتیجه این رویکرد با روایت از عرصه سیاسی عراق، اجماع در زمینه روی کار آمدن مجدد حیدر العبادی خواهد بود، چرا که عبادی فردی است که سیاست توازن را در سیاست داخلی عراق معرفی و برای یک دوره به اجرا گذاشت.

منبع: پایگاه‌المدر للسیاسه

نویسنده: باسّم الواعدی

مترجم: سیدعبدالعظیم موسوی



با اعلام خروج یکطرفه ایالات متحده از توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱، تحلیلگران با نگرش مقالات، یادداشت‌ها و گزارش‌های بیشماری به تاثیر و پیامدهای این اقدام پرداختند اما آنچه نوشته شد کمتر می‌توانست بازگو کند واقعیت امری باشد که در حال روی دادن است. بزرگترین ایراد وارد به این سری مطالب، ارائه تصویری ناقص از واقعیت یا به اصطلاح، «دیدن یک نیمه لیوان» بود بدون اینکه ابعاد مختلف موضوع را مورد توجه قرار دهند. با این مقدمه، این یادداشت به تاثیرات منطقه‌ای خروج آمریکا از برجام اختصاص دارد اما برای اینکه اهمیت موضوع برای مخاطب روشن شود و با لحاظ کردن این نکته که عراق انتخابات پارلمانی خود را برگزار کرده، در این یادداشت، اوضاع سیاسی عراق و تاثیر خروج ترامپ از توافق هسته‌ای بر عراق هدف بررسی و مطالعه قرار خواهد گرفت. در ابتدای امر باید توضیح داد که در ارتباط با این موضوع، دو دیدگاه اصلی وجود دارد که اولی به‌طور گسترده مورد توجه تحلیلگران بوده اما از دیدگاه دوم غفلت شده است. در این یادداشت، هر دو دیدگاه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

دیدگاه اول: تاثیر مستقیم خروج آمریکا از برجام بر عرصه سیاسی عراق

این دیدگاه قائل به این است که خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، ایران را به سمت تمرکز بیشتر بر محور مقاومت از جمله عراق، سوریه و لبنان سوق خواهد داد. ترجمه عملی این دیدگاه این است که ایران به سمتی گرایش پیدا خواهد کرد که از تشکیل دولتی در عراق حمایت کند که در این مرحله، نقشی تاثیرگذار و تعیین کننده در موضوع حضور آمریکا در عراق داشته باشد و این یعنی اینکه، باید دولتی غیر از دولت حیدر العبادی روی کار بیاید؛ دولتی که سیاست‌های کنونی عبادی در زمینه ایجاد توازن میان تمام نیروهای داخلی و خارجی فعال در عراق را کنار گذاشته و رویکردی همسو با جمهوری اسلامی ایران در حمایت از محور مقاومت و ایدئولوژی سلطه‌ستیز آن اتخاذ کند. از این نظر، عرصه سیاسی عراق باید اهرمی برای فشار بر طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باشد تا مواضع شان را در قبال جمهوری اسلامی ایران تعدیل کنند. به‌خصوص که ایران، کارت‌های فشار بی‌شماری دارد که تعقل را به سیاست خارجی آمریکا بازگرداند یا حتی اتحادیه اروپا را به سویی هدایت کند که از قدرت و توان خود در جهت محافظت از توافق هسته‌ای حمایت کند. در این راستا، ایران مهلتی چند هفته‌ای برای اتحادیه اروپا تعریف کرده تا به روشنی، راه‌ها و ضمانت‌های لازم را در این خصوص اعلام دارد. اتحادیه اروپا باید ثابت کند بدون عضو دیگر توافق یعنی ایالات متحده، توان و قدرت حفظ توافق هسته‌ای بدون اینکه به منافع ایران و تعهدات چند جانبه خلیج وارد آید را دارد.

از این زاویه دید، عرصه عراق و نقشی که به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره محور مقاومت باید ایفا کند، در این خلاصه می‌شود که دولت آتی بغداد اولاً باید به جایگاه اصلی خود در این محور بازگشته و نقش خود را در چارچوب سیاستی که به سمت رویارویی، تشدید تنش و آمادگی برای مقابله می‌رود، بازتعریف کند. همگی این سیاست‌ها در اصل، متأثر از خروج دولت آمریکا از توافق هسته‌ای و بازتابی از اقدام ترامپ در نقض تعهدات خود در سطح منطقه‌ای است.



است. همچنین او امکان عدم وضع تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های اروپایی را رد کرده است.

پمپئو در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز تأکید کرده است که وضع رژیم تحریم‌ها علیه ایران، همان چیزی است که هم اکنون مورد نیاز است.

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که تصمیم دونالد ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران، به شدت از سوی رهبران اروپایی مورد انتقاد قرار گرفته است. رهبران اروپایی متعهد به حمایت از برجام شده‌اند. عواقب و تبعات این مسأله (خروج آمریکا از برجام) برای کشورهای مانند فرانسه بسیار زیاد است. کشوری که در سال گذشته، معامله‌ای ۵ میلیارد دلاری را برای استخراج گاز طبیعی در ایران انجام داده است. شرکت ایرباس نیز در حال حاضر قراردادی چند میلیارد دلاری را با ایران بر سر فروش هواپیما منعقد ساخته است. در آلمان نیز شرکت «فولکس واگن»، اتومبیل‌های صادراتی خود را به ایران بازگردانده است. ریچارد گرانتل، سفیر ایالات متحده آمریکا در آلمان به شرکت‌های این کشور هشدار داده است که باید فوراً فعالیت‌های تجاری خود را با ایران کاهش دهند. در این میان برخی مقامات اروپایی خواستار انجام اقدامات بازدارنده برای مقابله با اعمال دوباره تحریم‌های آمریکا علیه ایران (و شرکت‌های اروپایی که با ایران کار می‌کنند) شده‌اند. «برونو لی مایر» وزیر دارایی فرانسه در این خصوص تأکید کرده است: «ما (اروپا) باید در میان خودمان و برای دفاع از حاکمیت و قدرت اقتصادی خود تلاش کنیم». «مقامات اتحادیه اروپا اعلام کرده‌اند که ممکن است اقدامات مشابه دهه ۱۹۹۰ را در این خصوص صورت دهند. این اقدامات در دوران ریاست جمهوری بیل

کلینتون و برای مصون نگه داشتن شرکت‌های اروپایی در قبال وضع تحریم‌های آمریکا علیه کوبا صورت گرفت. در آن زمان، کشورهای اروپایی با استناد به این اقدامات، سعی در عدم تأثیرپذیری شرکت‌های اروپایی از مراوده اقتصادی با کوبا (علی‌رغم وضع تحریم‌های ثانویه آمریکا) داشتند. با این حال دولت دونالد ترامپ ضمن تأکید بر خروج آمریکا از برجام، مطابق وعده‌ای که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ داده شده است، تأکید دارد که هیچ وعده‌ای به شرکت‌های اروپایی برای مستثنی شدن از این تحریم‌ها داده نشده است. ترامپ اعلام کرده است که تحریم‌های اقتصادی (تحریم‌های ثانویه) علیه ایران را در بالاترین سطح ممکن اعمال می‌کند و هر کشوری که در این مسیر به دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای کمک کند به شدت از سوی ایالات متحده آمریکا تحریم می‌شود. ترامپ مدعی شده است که توافق هسته‌ای، توافقی پدوفاسد بوده است. این در حالی است که ایران تحت تأثیر این توافق برنامه هسته‌ای خود را لغو کرده و اجازه بازرسی‌های بین‌المللی را در این خصوص صادر کرد. جان بولتون در سخنانی مدعی شد: «چرا سهامداران و افرادی که مشغول تجارت هستند، قصد دارند با بانک مرکزی تروریسم بین‌المللی کار کنند؟»

ایالات متحده گفته است که بسته به نوع و حوزه فعالیت اقتصادی شرکت‌ها، قراردادهای موجود در ایران را از این خواهد برد. به طوری که این پروسه ۹۰ تا ۱۸۰ روز طول خواهد کشید. در این میان، انعقاد قراردادهای تجاری جدید بلافاصله (پس از امضای ترامپ) مشمول ممنوعیت و محدودیت شده‌اند.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، سفر به دیگر کشورهای امضاکننده برجام را آغاز کرده است. حسن روحانی نیز اعلام کرده است: «اگر ۵ کشور باقیمانده در توافق هسته‌ای با ایران، در خصوص ادامه برجام به توافق دست پیدا کنند، ایران با وجود اراده ایالات متحده آمریکا در این معامله باقی خواهد ماند.»



بدون استثنا

فشار ترامپ به شرکت‌های اروپایی آغاز می‌شود

theguardian

مقامات ارشد دولت ترامپ نیز اعلام کرده‌اند که ایالات متحده آمریکا نهایت تلاش خود را برای اعمال فشار بر شرکای اروپایی خود جهت پیروی از تصمیم واشنگتن (در خصوص برجام) به کار خواهد گرفت. جان بولتون، مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در این خصوص اظهار کرده است: «اروپایی‌ها متوجه خواهند شد که منافع آنها در همراهی با ما (آمریکا) است.» بر اساس اظهارات بولتون، اروپاییان باید همراهی با آمریکا را بر سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری خود در ایران (پس از سال ۲۰۱۵ میلادی) ترجیح دهند.

جان بولتون ادامه داده است که امکان این موضوع، یعنی وضع تحریم شرکت‌های اروپایی در ایران از سوی ایالات متحده آمریکا وجود دارد و این بستگی به رفتار سایر دولت‌ها دارد. خروج دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران نه تنها مانع از همکاری اقتصادی شرکت‌های اقتصادی آمریکایی و حضور آنها در ایران می‌شود، بلکه همکاری دیگر شرکت‌های خارجی با ایران را که از طریق دسترسی به سیستم مالی و بانکی ایالات متحده در ایران فعالیت می‌کردند را نیز مخدوش و ممنوع می‌سازد. «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه آمریکا، اخیراً مدعی شده است که ایران تحت تأثیر ثروتی که در دوران پس‌اثر برجام به دست آورده است، در منطقه (غرب آسیا) دست به بدرفتاری زده

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، به‌رغم تأمین تمامی خواسته‌های خود توسط تروویکی‌های اروپایی و همراهی مطلق افرادی مانند امانوئل ماکرون و ترمزای در این خصوص، خروج رسمی کشورش از توافق هسته‌ای با ایران را اعلام کرده است. متعاقب این اقدام، مذاکرات دیپلماتیک ایران و دیگر اعضای ۵+۱، یعنی روسیه، چین، آلمان، انگلیس و فرانسه بابت چگونگی مواجهه با شرایط جدید آغاز شده است. در عین حال، به نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا قصد دارد با اعمال فشار بر شرکت‌های اروپایی، مانع از شکل‌گیری توافقی عینی (با استناد به تضمین‌های درخواستی ایران) شود. از سوی دیگر، مذاکرات دیپلماتیک محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان با دیگر بازیگران و امضاکنندگان برجام، مورد توجه بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل قرار گرفته است. مذاکراتی که نتایج آن باید به صورتی سریع و در یک بازه زمانی محدود مشخص شود. در این خصوص روزنامه گاردین گزارشی را منتشر کرده است که متن آن از نظر تان می‌گذرد.

دولت دونالد ترامپ آماده است تا تحریم‌هایی را علیه شرکت‌های اروپایی (در صورت ادامه همکاری با ایران) وضع کند. این تصمیم، متعاقب خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران اتخاذ شده است.

شکست معامله هسته‌ای واشنگتن و اروپا

نفس‌های آخر برجام؟

theguardian

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا رسماً از توافق هسته‌ای با ایران خارج شده است. از سوی دیگر، مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و تروئیکای اروپایی بر سر نحوه مواجهه بر سر «برجام بدون آمریکا» آغاز شده است. مذاکرات فشرده‌ای که به نظر می‌رسد مدت زمان اندکی در جریان باشد. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین‌المللی در قبال توانایی اروپا مبنی بر حفظ توافق هسته‌ای (بدون آمریکا) ابراز تردید کرده‌اند. در چنین شرایطی احتمال خروج ایران از توافق هسته‌ای نیز متصور خواهد بود. در این خصوص، روزنامه گاردین در مطلبی آخرین تحولات مربوط به توافق هسته‌ای با ایران را مورد بررسی قرار داده است:

دونالد ترامپ رسماً اعلام کرده است که تعلیق تحریم‌های جدید علیه ایران را تمدید نمی‌کند. بیانیه ترامپ، به معنای خروج رسمی ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران است. از این رو، شاهد وقوع بحران جدیدی در منطقه خاورمیانه خواهیم بود. ترامپ از معامله‌ای خارج شد که در سال ۲۰۱۵ میلادی میان ایران و اعضای ۵+۱ امضا شده بود. او (ترامپ) سپس دستورالعملی را امضا کرد که مطابق آن، هر شرکت خارجی که با ایران وارد معامله شود، مشمول تحریم و مجازات شود. وی همچنین یک بازه زمانی ۹۰ روزه تا ۱۸۰ روزه را برای خروج شرکت‌های تجاری خارجی از ایران تعیین کرده است. رهبران سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس در مواجهه با اعلام خروج نهایی آمریکا از توافق هسته‌ای، در این خصوص ابراز تاسف کرده و نسبت به تعهدات خود در قبال استمرار برجام تاکید کردند. آنها معتقدند که رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، متعاقب اقدام ترامپ مبنی بر خروج از برجام به خطر افتاده است.

از سوی دیگر، حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران معتقد است که در صورت توافق با دیگر شرکای برجام (غیر

از آمریکا)، توافق هسته‌ای ادامه خواهد یافت. با این حال روحانی هشدار داده است که اگر برجام به صورت کامل سقوط کند، به سازمان انرژی اتمی ایران دستور داده است که خود را برای غنی‌سازی دوباره اورانیوم در سطح صنعتی آماده کند. همچنین قانونگذاران (نمایندگان مجلس) در ایران پرچم ایالات متحده آمریکا را در پارلمان به آتش کشیدند و فریاد مرگ بر آمریکا سر دادند. علی لایجانی رئیس پارلمان ایران تاکید کرد که ترامپ فقط زبان زور می‌فهمد و هدف وی از کنار گذاشتن قرارداد هسته‌ای، یک نمایش سیاسی است. در بیانیه کاخ سفید، ترامپ، توافقنامه ایران را «یک توافق یکجانبه و هشتمانی» خوانده است. او گفت: «این توافق هرگز صلح را به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد» رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا هنگام وضع دوباره تحریم‌ها علیه ایران، به ادعای بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل (شوی نمایشی نتانیاهو در خصوص تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای) اشاره کرد. نتانیاهو از تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای استقبال کرده و اعلام کرد که از این اقدام حمایت می‌کند. هر دو سیاستمدار (ترامپ و نتانیاهو)، تحت فشارهای داخلی قابل توجهی هستند. ترامپ در معرض اتهامات مربوط به دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی قرار دارد. از سوی دیگر، پرونده اخلاقی وی در خصوص ارتباط با یک بازیگر فیلم‌های مستهجن مفتوح است. نتانیاهو نیز بابت چندین پرونده فساد، با اتهامات پلیس اسرائیل مواجه شده است.

اخیراً وزارت خزانه‌داری آمریکا در خصوص بازگرداندن تحریم‌های گسترده علیه شرکت‌هایی که به تجارت با ایران می‌پردازند، بیانیه‌ای صادر کرده و جان بولتون، مشاور امنیت ملی دولت ترامپ نیز اعلام کرده که ایالات متحده آمریکا همزمان با خروج از برجام، دیگر خود را نسبت به اجرایی شدن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

سازمان ملل متحد نیز متعهد نمی‌بیند. بولتون این گونه استدلال می‌کند که واشنگتن دیگر از توافق هسته‌ای خارج شده و موضوع قطعنامه ۲۲۳۱ نیز برجام است.

باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا، خروج ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران را خطایی بزرگ توصیف کرد که می‌تواند مولد بحران جدید و تازه‌ای در منطقه خاورمیانه باشد. پیش از این، شاهد وقوع درگیری در کشورهایی مانند عراق، یمن و سوریه بوده‌ایم. هم‌اکنون واکنش‌های زیادی در تهران در قبال اقدام ترامپ صورت گرفته است. بسیای از مخالفان توافق هسته‌ای معتقدند ایران باید احیای کامل فعالیت‌های هسته‌ای را در دستور کار قرار دهد و همکاری‌های خود با بازرسان آژانس را نیز متوقف کند. عده‌ای نیز اعلام کرده‌اند که سعی در ادامه این معامله دارند اما هنوز مشخص نیست که بتوانند در این خصوص با کشورهای اروپایی به توافقی موثر دست یابند. ترامپ در اعلام تصمیم نهایی خود در خصوص برجام، لابی کشورهای اروپایی (تروئیکای اروپایی) را نادیده انگاشت و توجهی نسبت به خواسته‌های امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان نکرد. در مقابل، وی در اتخاذ این تصمیم استراتژیک، خواسته‌های اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی را در نظر گرفت.

«پیتر هارل» یکی از مقامات ارشد سابق دولت ایالات متحده در این خصوص می‌گوید: «اکنون در مورد چگونگی اقدامات اروپا که قصد زنده نگه داشتن معامله هسته‌ای با ایران را دارد، ابهاماتی وجود دارد. بدون تلاش فعال اتحادیه اروپا برای حفظ شرکت‌های اروپایی در ایران و مقاومت در برابر فشار ایالات متحده، شرکت‌های بزرگ ایران را ترک خواهند کرد.»

در هر حال، تصمیم دونالد ترامپ در خصوص خروج از توافق هسته‌ای با ایران در حالی اتخاذ شده که برجام منجر به کاهش شدید سریع سطح فعالیت‌های هسته‌ای ایران شد. ذخایر اورانیوم ایران پس از انعقاد توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ میلادی به حدود ۳۰۰ کیلوگرم کاهش یافت. ایران همچنین ۱۳۰۰۰ سانتریفیوژ خود را از کار انداخته و تنها ۵۰۰۰ سانتریفیوژ قدیمی خود را مورد استفاده قرار داده است. همچنین ایران غنی‌سازی اورانیوم را در تاسیسات زیرزمینی خود در فردو متوقف کرد. از سوی دیگر، سایر مراکز هسته‌ای ایران، مورد شدیدترین نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز بارها پایبندی ایران نسبت به توافق هسته‌ای را مورد تایید قرار داده است.





ترامپ چگونه نظم جهانی را بر هم زد؟

روایت نشریه «هیل» از عواقب تصمیم برجای کاخ سفید

THE HILL

محمد مهدی صادقی نژاد

مترجم

فعالیت‌های ایران از جمله برنامه موشکی این کشور و فعالیت‌های نظامی در خاورمیانه را متوقف نمی‌کند. جیمز متیس، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در این خصوص و در مجلس سنا اعلام کرده است: «ما با متحدان خود همکاری خواهیم کرد تا ایران را وادار به اتخاذ رفتار مسئولانه‌تری در این خصوص کنیم.»

اما تصمیم ترامپ در مورد ایران، تازه‌ترین ضربه‌ای است که واشنگتن به متحدان اروپایی خود وارد کرده است. قبلاً در موضوعاتی از جمله توافق آب و هوایی پاریس و اعمال تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم نیز شاهد تقابل واشنگتن و اروپا بوده‌ایم.

باربارا اسلاوین، یکی از مدیران «شورای آتلانتیک» اعلام کرده که رهبران اروپایی انگیزه کمی برای مذاکره با ایالات متحده در مورد ایران دارند تا اطمینان حاصل شود شرکت‌های‌شان برای انجام تجارت با کشور مجازات نمی‌شوند. او روابط فعلی ایالات متحده آمریکا و اروپا را ضعیف تصور کرده و معتقد است که چنین وضعی را از آغاز جنگ عراق (جایی که میان آمریکا و فرانسه و آلمان اختلافات عمده به وجود آمد) مشاهده نکرده است.

وی معتقد است که ترامپ با اقدامات اخیر خود در خصوص توافق هسته‌ای با ایران، عملاً سران انگلیس، آلمان و فرانسه را تحقیر کرد. او از ابتدا نیز قصد نداشت توافق هسته‌ای با ایران را حفظ کند و با آنها بازی موش و گربه را انجام داد.

سناتور بن کاردین معتقد است که در میان متحدان اروپایی ما باور قوی و صریحی وجود دارد که نشان می‌دهد آنچه رئیس‌جمهور آمریکا انجام داد، اشتباه است. بنابراین، چنین مسأله‌ای بر روابط (آمریکا و اروپا) تاثیرگذار خواهد بود.

اما کسانی که از حرکت ترامپ حمایت می‌کنند، نگرانی‌های اروپایی را رد می‌کنند. سناتور تد کروز از ایالت تگزاس معتقد است که دلیل ناضاریتی کشورهای اروپایی، فعالیت برخی شرکت‌های بزرگ و تمایل برخی از آنها برای معامله تجاری با ایران است. از این رو بسیاری از کشورهای اروپایی از برجام دفاع می‌کنند.

در همین حال، کارشناسان و تحلیلگران نسبت به ایجاد تنش‌های جدی در منطقه خاورمیانه هشدار می‌دهند؛ تنش‌هایی که ممکن است در آینده تشدید شود. منازعه اخیر در جولان یکی از این موارد محسوب می‌شود و نشان از بروز بحران‌های احتمالی در آینده دارد. طی روزهای اخیر، بحث‌های زیادی در خصوص منازعات جدید در منطقه و تاثیر تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای بر این موضوع به وجود آمده است.

کرده که اتحادیه اروپا دیگر نمی‌تواند به ایالات متحده آمریکا وابسته باشد. اظهاراتی که توسط رئیس‌جمهور فرانسه نیز مورد تایید قرار گرفته است. هر دو رهبر اروپایی (ماکرون و منکل) در سفرهایی که به ایالات متحده آمریکا (قبل از اعلام تصمیم ترامپ) صورت دادند، تلاش کردند رئیس‌جمهور آمریکا را وادار به باقی ماندن در توافق هسته‌ای کنند. سناتور باب مندز، عضو کمیته روابط خارجی مجلس سنا ایالات متحده آمریکا در این خصوص می‌گوید: «این یکی دیگر از ضربه‌هایی است که به اتحاد درون آتلانتیکی ما وارد شده است. این در حالی است که میان ما و اروپایی‌ها روابط قوی و متحدی (در درون ناتو) وجود داشته است. ما به اروپاییان نیاز داریم. ما به آنها برای دستیابی به بسیاری از اهدافمان، چه در قبال ایران و چه در موضوعات دیگر نیاز داریم.»

اخیراً ترامپ اعلام کرده است که از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ میلادی عقب‌نشینی می‌کند؛ توافقی که بین ایران، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان، روسیه و چین منعقد شده است. توافقنامه‌ای که در ازای اعمال محدودیت‌های هسته‌ای علیه ایران، تحریم‌های این کشور را کاهش می‌داد. در این راستا ترامپ قول داده است که بالاترین سطح تحریم‌ها را علیه ایران باز خواهد گرداند و هر کشوری را که به تلاش برای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای کمک کند مجازات خواهد کرد.

سخنان ترامپ بیانگر این موضوع است که شرکت‌های اروپایی در صورت همکاری اقتصادی با ایران، توسط ایالات متحده آمریکا مجازات می‌شوند. رهبران اروپایی همچنان از تعهدات خود در قبال برجام سخن می‌گویند. دیپلمات‌های ارشد اتحادیه اروپا و ترویکای اروپایی (انگلیس، آلمان، فرانسه) در این خصوص با محمدجواد ظریف رایزنی خواهند کرد تا در باره آینده پیمان هسته‌ای به نتیجه برسند.

مقامات دولتی آمریکا معتقدند که خروج ترامپ از این معامله، مذاکرات ایران و اروپا را در مورد معاهده‌ای جدید برای حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران و بلکه سایر

تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران، مولد بحران‌های تازه‌ای در نظام بین‌الملل بوده است. این بحران‌ها روز به روز تحت تاثیر آنچه «یکجانبه‌گرایی» ایالات متحده خوانده می‌شود، تشدید شده و حتی بر رابطه واشنگتن و شرکای اروپایی آن نیز تاثیرگذار است. طی روزهای اخیر بسیاری از تحلیلگران غربی ضمن هشدار نسبت به عواقب تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا، به بررسی آثار و تبعات این اقدام بر نظام بین‌الملل پرداخته‌اند. نکته بسیار جالب، مخالفت سناتورهایی مانند باب مندز و بن کاردین با تصمیم اخیر ترامپ در خصوص برجام است؛ معدود سناتورهای دموکراتی که در سال ۲۰۱۵ میلادی و همزمان با تصویب برجام در دوران اوباما، با این توافق مخالفت کرده بودند. آنها معتقدند که تصمیم ترامپ روی مناسبات ایالات متحده آمریکا و شرکای اروپایی واشنگتن تاثیرگذار خواهد بود. در این خصوص پایگاه آمریکایی «هیل» که وابسته به کنگره آمریکاست، تحلیلی را ارائه داده است که از نظر تان می‌گذرد:

تصمیم اخیر پرزیدنت ترامپ مبنی بر خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران، منجر به بروز اختلافات عمده‌ای میان واشنگتن و شرکای اروپایی آن شده است. همچنین این اقدام، منجر به افزایش تنش‌ها در منطقه خاورمیانه شده است. آشفتگی‌های اخیر در سوریه و منازعه‌ای که میان ایران و رژیم صهیونیستی در این خصوص رخ داده، متأثر از تصمیم اخیر ترامپ بوده است. هدف قرار گرفتن نیروهای صهیونیستی در بلندی‌های جولان در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

از سوی دیگر، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان اعلام

رویای ترامپ

توافق مدنظر آمریکا برای ایران بسیار بد خواهد بود



ساناز رضایی

مترجم

«اشتباه جدی»

فدریکا موگرنی، نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا در بروکسل پس از اظهارات دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای اعلام کرد: «اروپا باید دیگر طرف‌ها برای حفظ این توافق تلاش خواهد کرد.»

موگرنی در بیانیه‌ای اعلام کرد: «همان‌طور که همواره اعلام کردیم، توافق هسته‌ای یک توافق دو جانبه نیست و این توافق تنها در دوستان یک کشور نیست که بتوانند آن را به‌طور یکجانبه به پایان برسانند.»

وی افزود: «تازمانی که ایران به اجرای تعهدات خود در این توافق بپردازد اتحادیه اروپا نیز متعهد به اجرای کامل و موثر این توافق هسته‌ای است.»

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران نیز اعلام کرد: «آمریکا تلاش برای اعمال تحریم‌ها توافق هسته‌ای را نقض کرده است.»

ظریف در پیامی در توئیتر گفت: «برای این ماموریت یک تلاش دیپلماتیک را انجام خواهیم داد. برای ارزیابی اینکه آیا سایر امضاکنندگان برجام می‌توانند منافع کامل آن را برای ایران تضمین کنند. نتیجه این ماموریت، واکنش ما را مشخص می‌کند.» باراک اوباما، رئیس جمهور پیشین آمریکا پس از اعلان عمومی ترامپ در بیانیه‌ای خروج از این توافق هسته‌ای را «یک اشتباه جدی» اعلام کرد.

بیانیه اوباما یکی از معدودترین اقدامات توسط رئیس جمهور پیشین است که به‌طور مستقیم در انتقاد از اقدامات جانشینش (ترامپ) انجام گرفته است.

در مقابل ترامپ به خود می‌بالد که وعده‌های کمپین انتخاباتی‌اش را در جهت زیر سوال بردن مشروعیت اوباما اجرا می‌کند. او در کمپین انتخاباتی‌اش در ریاست جمهوری ۲۰۱۶ قول داده بود که توافق هسته‌ای را یک روز پاره خواهد کرد اما این کار را پس از خروج رگس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا و مک‌مستر، مشاور امنیت ملی‌اش انجام داد. اکنون ترامپ با انتخاب مایک پمپئو به‌عنوان وزیر امور خارجه جدید جان بولتون، مشاور امنیت ملی جدید خود کسانی را در اطرافش دارد که از او به

خاطر این اقدام حمایت می‌کنند. جیمز ماتیس، وزیر دفاع آمریکا در نشست خود با کنگره اعلام کرد که این توافق در راستای منافع آمریکا است و ایران از آن پیروی می‌کند.

کولینا ادامه داد: «بهترین و صمیمی‌ترین دوستان و متحدان واشنگتن به‌طور شخصی برای مذاکره و لابی با ترامپ به آمریکا آمدند تا ترامپ را از خروج از برجام منصرف کنند اما وی هیچ کاری انجام نداد و تنها متحد بین‌المللی که از ترامپ حمایت کرد و او را تشویق به این کار کرد بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل بود.» سناتور باب کورکر، رئیس جمهور یخ‌خواه کمیته روابط خارجی سنا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «بسیار مایوس‌کننده است که دولت آمریکا قادر نیست به توافق با متحدانش دست یابد.»

وی ادامه داد: «براساس گفت‌وگوهایی که من در روزهای اخیر داشتیم نظر من این است که دولت ترامپ به سرعت باید برای یک توافق بهتر حرکت کند اما ترامپ در کاخ سفید و دولت آمریکا ممکن است دیگر چندان قدرت نفوذ سیاسی و اقتصادی در میان متحدان اروپایی و چین و روسیه نداشته باشد. در گذشته تحریم‌های یکجانبه در دوران باراک اوباما - که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ اعمال شد - تاثیر بسیاری داشت اما اکنون این تاثیر را ندارد.» کیم والاس، رئیس مدیریتی گروه اوراسیا و یک مقام پیشین وزارت خزانه‌داری اوباما اعلام کرد: «در این میان وزارت خزانه‌داری آمریکا با اعمال تحریم‌های یکجانبه به شرکت‌های خارجی اعلام خواهد کرد که شما می‌توانید تنها یا با سیستم بانکی آمریکا یا با ایران تجارت کنید اما با هر دو طرف به‌طور هم‌زمان نمی‌توانید.» وی ادامه داد: «اروپایی‌ها، آسیایی‌ها و بسیاری از مردم در حال حاضر از سیاست‌های تحریمی آمریکا خسته شدند. در طول هفت، هشت سال گذشته تحریم‌های بسیاری از سوی آمریکا اعلام شد.» والاس افزود: «رهبران انگلیس، فرانسه و آلمان به کاخ سفید سفر کردند تا شخصا به ترامپ درباره خروج از توافق بگویند و اروپایی‌ها نیز کمتر تمایل به همکاری با آمریکا دارند اما آنها احساس کردند که هرگز در یک مسیر یکسان حرکت نمی‌کنند و گوش شنوایی وجود ندارد.»

او با اشاره به سفر مفصل امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه به همراه همسرش و سفر بسیار کوتاه آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان به آمریکا و گفت‌وگو با ترامپ گفت: «ماکرون زمان خود را هدر داد، درحالی که مرکل این مساله را پس از گذشت دو دقیقه از سفرش به این کشور به خوبی دریافت کرد.»

منبع: شبکه الجزیره

اتفاق بعدی چیست؟

کارشناسان عدم اشاعه هسته‌ای دو سناریو را درباره این مساله پیش‌بینی کرده‌اند؛ اولین سناریو این است که اروپا، چین و روسیه با ایران ضمن حفظ روابط اقتصادی در برابر فشارهای تحریم‌های آمریکا توافق را نیز حفظ می‌کنند اما در مقابل برخی کارشناسان کنترل تسلیحات اعلام می‌کنند که ایران قادر نیست که در توافق بماند و به تجدید برنامه هسته‌ای‌اش روی خواهد آورد.

تام زد کولینا، رئیس سیاسی بنیاد پلاگشیر، یک گروه مدافع عدم اشاعه هسته‌ای، به خبرگزاری الجزیره اعلام کرد: «در حال حاضر زمان در حال گذر است. مشخص نیست که تا چه حد میانه‌روها در ایران بتوانند توافق را حفظ کنند. در نهایت آنها نخواهند توانست در توافق باقی بمانند، در این صورت وضعیت وخیمی به وجود خواهد آمد.»

داریل کیمبال، رئیس اجرایی انجمن کنترل تسلیحات، اعلام کرد: «دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا به رویایی معتقد است که وی به همراه جان بولتون، مشاور امنیت ملی‌اش و مایک پمپئو وزیر امور خارجه جدید تلاش می‌کند که تحریم‌هایی اعمال کرده و براساس آن به همراه اروپایی‌ها وارد مذاکرات جدید خواهند شد؛ مذاکراتی که برای ما آمریکایی‌ها بسیار خوب است و برای ایرانیان بسیار بد، اما این تنها یک تفکر رویاپردازانه است.»



بیانیه جنجالی

وضعیت جدید برجام محل بحث گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی شده است



با استفاده جناحی از برجام مخالفم

گفت‌وگو با عباس سلیمی نمین

جریان اصلاح طلب آسیب جدی دید

گفت‌وگو با ناصر ایمانی



تضعیف میان‌روها

بدعهدی آمریکا، موجب ضعف اعتدال‌گرایان در سیاست داخلی خواهد شد؟

حالا که ترامپ اعلام کرده است آمریکا از برجام خارج شده است، مهم‌ترین سوال برای کسانی که مسائل سیاست داخلی ایران را تحلیل می‌کنند، این است که این مساله چه تاثیری بر آرایش سیاسی کشور دارد. به یک معنا این مساله آنجا اهمیتی بیشتری یافته است که حسن روحانی در انتخابات سال‌های ۹۲ و ۹۶ به‌بیشترین رای خود را بر اساس تکیه بر مذاکرات و به‌دست آوردن توافق حاصل کرد. حالا که برجام نیست و آمریکا در دوران ترامپ به سر می‌برد این شکل جدید از سیاست خارجی چه تاثیری بر آینده سیاسی روحانی، انتخابات ریاست‌جمهوری آینده و انتخابات مجلس بعدی دارد. مهم‌تر اینکه آیا جناحی که خود را اعتدال‌گرا می‌نامد آیا اکنون بدنه اجتماعی خود را از دست داده است؟

مهم‌ترین حرف را در این مورد صادق زیباکلام زده است. او گفته کار تمام شده و از این پس این اصولگرایان هستند که دست بالا را خواهند داشت.

صادق زیباکلام درباره تاثیر خروج آمریکا از برجام بر آرایش سیاسی داخل کشور گفته است: «خرف چند ماه آینده برجام به کل منتفی می‌شود چون حجم تجارت کشورهای اروپایی با آمریکا بسیار زیاد است بنابراین نمی‌توانند از منافع اقتصادی همراهی با آمریکا صرف نظر کنند، بنابراین گرچه به‌طور ظاهری در برجام می‌مانند اما عملاً این ماندن اثری ندارد.» وی با بیان اینکه چین همانند اروپایی‌ها خود را هزینه برجام نمی‌کند، افزود: «چین نزدیک به ۶۰۰ میلیارد دلار صادراتش به آمریکا را فدای سر ایران نمی‌کند. بود و نبود روسیه هم در برجام مساله‌ای را تغییر نمی‌دهد، پس در کل ایران می‌ماند و حوضش.» این تحلیلگر مسائل سیاسی با بیان اینکه پایان یافتن برجام به نفع جریان منتقد دولت در ایران تمام می‌شود، اظهار کرد: «تدروها از همین الان علیه دولت تبلیغات می‌کنند و می‌گویند «دیدید به آمریکا لیدزدید و به کدخدانزدید شدید هیچ فایده‌ای نداشت، از اول هم می‌گفتیم نباید به آمریکا اعتماد کرد.» معتقدم دل‌پاسان در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ دست بالا را خواهند داشت مگر اینکه آقای روحانی بتواند وضعیت اقتصادی کشور را تا حدود زیادی مطلوب کند که این کار هم غیرممکن است. از ۶ ماه دیگر تحریم‌ها به‌طور جدی خواهند آمد بنابراین عملاً اصولگرایان دست بالا را در انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری سیزدهم خواهند داشت و آنها پیروز میدان می‌شوند. از همین الان احساس پیشمانی گسترده‌ای در بین آن ۲۴ میلیونی که به روحانی رأی دادند به وجود آمده است.»

این استاد دانشگاه تهران در واکنش به تحلیل برخی اصلاح‌طلبان که می‌گویند مردم تجربه‌رای به «دولت احمدی‌نژاد» را تکرار نمی‌کنند، گفت: «دولت احمدی‌نژاد تکرار نمی‌شود اما کسر قابل توجهی از ۲۴ میلیونی که به روحانی رأی دادند، در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ شرکت نخواهند کرد، در عوض آن ۱۶ میلیون نفری که به آقای رئیسی رأی دادند به حساب تکلیف شرعی همچنان در انتخابات شرکت می‌کنند و حتی ۳-۴ میلیون از آرای روحانی نیز به آن سید اضافه می‌شود بنابراین در سال ۱۴۰۰ نامزد جریان اصولگرا با ۲۰ میلیون رأی پیروز انتخابات خواهد شد. فراکسیون امید نیز در ایجاد سرخوردگی و ناامیدی بین مردم کم از روحانی نگذاشت، بنابراین خیلی از کسانی که سال ۹۴ در انتخابات مجلس

شرکت کردند و به تکرار می‌کنم آقای خاتمی لیبیک گفتند، دیگر بای صندوق رأی انتخابات سال ۹۸ حاضر نمی‌شوند. دوبار که سهل است حتی اگر آقای خاتمی ۲۰ مرتبه هم بگوید تکرار می‌کنم آن اتفاق ۹۴ نخواهد افتاد چون میزان سرخوردگی از فراکسیون امید مجلس اگر بیشتر از آقای روحانی نباشد کمتر نیست.» زیباکلام در پاسخ به این سوال که شورای شهر و شهردار تهران نمی‌توانند با عملکرد خود ورق را به نفع جریان اصلاحات بگردانند؟ اظهار کرد: «خیر، اوضاع اقتصادی کشور رو به بدتر شدن خواهد بود بنابراین فکر نمی‌کنم هیچ شانس برای اصلاح‌طلبان وجود داشته باشد.»

اماد و واکنشی دیگر به این ماجرا محمدرضا میرتاج‌الدینی درباره تاثیر خروج آمریکا از برجام بر آرایش عرصه سیاسی کشور گفت: «گروه‌های سیاسی نباید رد یا اثبات مسائل مهمی همچون برجام را به کارهای خود گره بزنند. مسائل کلان کشور را همواره باید براساس مصالح نظام پیش برد.» وی با بیان اینکه نمی‌پسندم کسی بخواهد از مسائل مهم کشور نمدی برای کلاه خود بردارد، افزود: «در این شرایط و اوضاع باید دید چه کار کرد تا به نفع کشور باشد. این اتفاق را که عده‌ای به عنوان موافق یا مخالف برجام خواهند اختلافاً در داخل کشور ایجاد کنند کار درستی نمی‌دانم چون بیگانگان و مخالفان دنبال دودسته کردن جامعه ایران هستند. تحریم‌های گذشته و آینده آمریکامانی جواب می‌دهند که بتوانند خوب اختلافاً داخلی در ایران ایجاد کنند. در مسائل کلان کشور باید وحدت خود را حفظ کنیم و نگذاریم اختلافاً ایجاد شود، محور وحدت هم نیز اشارات و رهنمودهای رهبری است و همه گروه‌های سیاسی اعم از حامیان دولت و اصولگراها باید به این رهنمودها پایبند باشند.»

وی درباره این تحلیل صادق زیباکلام که گفته اصولگراها در انتخابات مجلس سال ۹۸ و ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ دست بالا را دارند، بیان کرد: «زیباکلام از این حرف‌ها زیاد می‌زند و نمی‌شود به صحبت‌های او استناد کرد اما فارغ از دیدگاه‌های افراد، معتقدم انتظارات مردم از دولت تدبیر و امید و اصلاح‌طلبان عملی نشد و معمولاً هم بعد از دو دوره یعنی ۸ سال یک چرخش سیاسی در ذائقه مردم پیش می‌آید.»

این احتمال که در انتخابات مجلس سال ۹۸ و ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ تغییر ذائقه سیاسی در جامعه اتفاق بیفتد و اقبال به سمت اصولگراها باشد بیشتر است.» وی با بیان اینکه نمی‌خواهم به نتیجه انتخابات سال ۹۸ و ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ خوشبینانه نگاه کنم در توصیه‌ای به اصولگرایان اضافه کرد: «جبهه جریان انقلابی اصولگرا نیز نباید خوشبینانه نگاه کند اشکالات را برطرف و آسیب‌شناسی کند.»

میرتاج‌الدینی در پاسخ به این سوال که زیباکلام میزان آرای نامزد واحد اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ را ۲۰ میلیون رأی پیش‌بینی کرد، ارزیابی شما چیست؟ گفت: «الان صحبت درباره انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخابات مجلس زود است، اگر تحلیلی هم باشد درباره انتخابات مجلس ۹۸ باید صحبت شود اما اگر روند همین‌طور ادامه یابد و اصولگرایان روی کاندیدای واحد قوی اجرایی اجماع کنند میزان آرایش از این هم می‌تواند باشد و این مساله قابل پیش‌بینی است.»

سعید شریعتی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم مخاطب دیگر سوالات ما بود که خروج ترامپ از برجام را موجب انسجام جریان‌های داخلی عنوان کرد و افزود: «ما مشکلات داخلی داریم اما این فضا باید کمک کند که با استحکام در داخل و تقویت پیوندهای ملی و آشتی ملی انسجام را تقویت کنیم.»

شریعتی با این دیدگاه مخالف است که اصلاح‌طلبان دچار ریزش شده‌اند و این مساله را به آرای خاکستری نسبت می‌دهد: «به نظر من بخش‌هایی از این لایه‌ها در اعتراضات اخیر حضور داشتند؛ ۱۲ میلیونی که موضع‌شان تحریم بود و در انتخابات ۹۶ هم مشارکت نداشتند. دقت کنید ترکیب آرای در سال ۹۶، ۲۵ میلیون آرای روحانی بود و ۱۶ میلیون آقای رئیسی، می‌شود ۴۱ میلیون و تا ۵۴ میلیونی که واجد شرایط بودند ۱۵ میلیون تحریمی داشتیم. از این تعداد چند میلیون هیچ‌گاه شرکت نمی‌کنند و مابقی هم عبورکنندگان از صندوق رای و مشروعیت نظامند که بخشی از ملتند. حالا باید برسیم که آنها چقدر توانستند از این ریزش آرای خاکستری نیرو بگیرند. البته خطر اصلی همین است. جریان اصولگرا هم باید هویش را بشود چرا که ۱۶ میلیون هوادار تشکیلاتی ندارد و ریزش رای در هر دو طرف بوده است.»

او درباره بخشی از چه باید کرده‌های امروز اظهار کرد: «بهتر است جریان‌های اصلی نظام و انقلاب به یک تفاهمی برسند که انتخابات آزاد برگزار کنند. ما باید بتوانیم یک پارلمانی تشکیل بدیم که تمام جریان‌های درون انقلاب نمایندده داشته باشند و صدایشان شنیده شود. حتی به سمتی برویم که صدای قشر تحریمی هم شنیده و به جای کف خیابان خواست‌هایشان در مجلس دنبال شود. در همه جای دنیا اعتراضات را دیکال و وجود دارد و یک نظام دموکراتیک سالم به جای انحلال و سرکوب به حل مشکلات آنان می‌پردازد و اعتراض را در داخل و از طریق ظرفیت‌های نظام حل می‌کند.» سیدرضا کرمی، عضو جامعه روحانیت مبارز که سال‌ها نماینده مجلس بود، نیز هشدار می‌دهد که اگر امروز به فکر فردای نظام نباشیم تحریمی‌ها عرصه را برای کشور تنگ می‌کنند.

کرمی در همین باره به طرح موضوع می‌پردازد و فریاد برمی‌آورد که اکنون زمان تسویه حساب‌های سیاسی نیست: «در داخل کشور من و جدانامی گویم این سیاسیون را در یک اتاق جمع کنیم، هر کسی برای خود حرف نزند، از جانب مردم هم حرف نزند. مدیران مسئول مطبوعات، فعالین، سیاسیون، تریبون‌دارها یکجا جمع شوند و صورت مساله را برای همدیگر روشن کنند. بگویند اگر می‌خواهیم از برجام بیرون بیاییم یعنی برگردیم به قبل از آن و قطعاً ما ۲۳۲۲ و تحریم بین‌المللی را بپذیریم یا اینکه برگردیم به قبل از تحریم و غنی‌سازی اورانیوم را دنبال کنیم و هر چه بااداد یا اینکه نه، ببینیم جامعه جهانی چه می‌گویند؟ ما در جامعه بین‌المللی زندگی می‌کنیم. حتی المقدور باید بکوشیم از تنش و جنگ بکاهیم. اگر هر کس بخواهد به خواسته خود عمل کند جز هرج و مرج نتیجه‌ای ندارد چه بسا می‌رسد به تصمیمات خطرناک.»

کرمی در پاسخ به کلیات اکتفا و تاکید می‌کند: «متأسفانه تا مدتی که تحزب و تشکل درست و جامع و مانع نداریم، نمی‌توانیم نتیجه بگیریم و پیش‌بینی درستی از مسائل داشته باشیم چون بیشتر احزاب ما فصلی و موقتی‌اند. باید همه جناح‌ها و گروه‌ها به آنچه صلاح ملت و انقلاب است عمل کنند. اصولاً هرگونه تندروی خلاف عقل و عرف و قانون و مصلحت کشور قطعا پایان مناسبی ندارد. این تعریف اصلاح‌طلب و اصولگرا بیشتر فرزند تا جریان و ما مشاهده می‌کنیم بیشتر مردم مشغول کار و زندگی خودشانند و برخی هم در این میان به دنبال عرض اندام هستند که درست نیست. باید با عقلانیت عمل کنیم؛



نه احساسی، نه انفعالی و نه وابستگی.» این فعال سیاسی اصولگرا در پاسخ به این سوال که مردم تحمل ندارند و دولت و اصلاحات را نشانه رفته اند چطور باید با این مساله برخورد کرد، می گوید: «تشنج، یاس و ناامیدی از ناحیه هر فرد و جناحی شکل بگیرد قطعاً خلاف اخلاق و قانون و نظر رهبری است. دولت که دارد به وظیفه خود عمل می کند. روحانی نمی خواهد مردم اضطراب و التهاب داشته باشند و یا کرامت و عزتشان زیر سوال برود. مقام معظم رهبری هم در سخنرانی خود فرمودند که دولتمردان ما زحمت کشیدند ولی طرف مقابل عمل نکرد. ترامپ نه اخلاق و انصاف سرش می شود و نه قانون. دولتمردان چه کار بکنند؟ هرگونه یاس و ناامیدی اشتباه است. باید همه دست به دست هم دهیم طبق فرمایش رهبری عمل کنیم تا تضمین بگیریم و انسجام و وحدت داشته باشیم. اگر نشد، این کشور رهبر و شورای امنیت ملی و دولت و مجلس و نخبه و فرهیخته دارد، آن وقت طبق نظر آنها عمل می کنیم.»

تأثیر نخواهد داشت

اما عباس سلیمی نمین هم می گوید: «این مساله در آرایش سیاسی کشور اثری نخواهد داشت اما روی عوامل تأثیرگذار بر برخی جریانات تأثیر می گذارد. یعنی عواملی که به جریان های سیاسی جهت می دهند تا سلاطین خودشان را اعمال می کنند. جریانی در کشور وجود دارد که اعتقاد چندانی به استفاده از الگوی بومی و ملی برای اداره جامعه ندارد. از ابتدای انقلاب نیز تا کید داشت که باید شرایط بهتر را در ذیل الگوگیری از بلوک غرب تجربه کرد، بنابراین آنچه امروز هیأت حاکمه آمریکا انجام داد، این جریان را قدری منفعل می کند چون این جریان منسجم، تبلیغاتی و تشکیلاتی عمل می کند بنابراین تأثیرگذاری مشخصی بر سلاطین مختلف سیاسی و دولت آقای روحانی دارد، البته دیدگاهش بر دولت احمدی نژاد تأثیر گذاشت. کسانی که در گوش اصلاح طلبان زمزمه می کنند و برخی اصولگرایان نیز از دیدگاه هایش تأثیر می گیرند. احمدی نژاد نیز از این نیروهای ارادتمند به غرب همچون مشایی تأثیر گرفت. الزاما کارگزاران نیست، البته شاید در قضیه کارگزاران پررنگ تر باشد. عمدتاً نهضت آزادی است یعنی ارادت ویژه ای که نهضت آزادی به غرب داشت بعدها دیگران جای نهضت آزادی را گرفتند، البته نه اینکه پرچمدار شدند اما نزدیک شدند. امروز این تفکر محدود به نهضت آزادی نیست. با خروج ترامپ از برجام، زبان این جریان که مبلغ الگوی حکومتداری غربی است کوتاه و میزان تأثیرگذاری اش کم شد. این اتفاق خود موهبت است که این جریان غربگرا نتواند خیلی مدعی باشد. این جریان معتقد بود اگر وضعی در کشور هست در ذیل الگوگیری از غرب منتفی می شود. مثلاً زیبا کلام در مطلبی گفته بود این حرکت آقای ترامپ اصلاح طلبان را تضعیف می کند اما من این اعتقاد را ندارم. در واقع آقای زیبا کلام یکی از افراد این جریان است که از نهضت آزادی در تبلیغ غرب فراتر رفته است چون نهضت آزادی برخی کارهای غرب را تخطئه می کند اما زیبا کلام همه کارهای غرب را تخطئه می کند. اصلاً نباید از تصمیم ترامپ استفاده تبلیغاتی برای انتخابات آتی مجلس و ریاست جمهوری کرد، چون به تأثیرگذاری بیشتر اقدام آمریکایی ها کمک می کند. پس اصلاً این بحث نباید مطرح شود. اگرچه برخی اصولگرایان که خیلی دقت نظر لازم ندارند و تلاش می کنند از این قضیه استفاده کنند و بگویند «حالا که این اتفاق افتاد و آمریکا از برجام خارج شد، رئیس جمهور نباید سر بلند کند»، در حالی که این حرف غلط است. امروز نیاز داریم رئیس جمهور گردنی افراشته در مقابل غرب داشته باشد، بنابراین نباید دعوای سیاسی خودمان را به این موضوع گره بزنیم.»



بیانیه جنجالی

وضعیت جدید برجام محل بحث گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی شده است

در میانه بروز و بیان واکنش‌های مختلف به خروج آمریکا از برجام هفته گذشته سایت مجلس خبرگان، بیانیه‌ای را در محکومیت خروج آمریکا از برجام منتشر کرد؛ بیانیه‌ای که نام آیت‌الله احمد جنتی، رئیس مجلس خبرگان هم پای آن دیده می‌شد. در بخشی از این بیانیه از حسن روحانی خواسته شده بود تا به خاطر آنچه «عدم رعایت خط قرمزهای مقام معظم رهبری در جریان مذاکرات» نامیده شده، از مردم عذرخواهی کند. در بخشی از بیانیه‌ای که در سایت خبرگان منتشر شده، آمده بود: «... در شرایط کنونی هم به نظر می‌رسد اختلاف ظاهری آمریکا و سه کشور اروپایی در واقع، نوعی تقسیم کار بین آنان است و بر همین اساس در ادامه مذاکرات با آنان لازم است در اسرع وقت و ضمن جلوگیری از اتلاف فرصت توسط دشمن، تضمین‌های جدی و محکمی برای ماندن در توافق اخذ شود. در غیر این صورت، خروج از برجام، تکلیف شرعی و قانونی دستگاه دیپلماسی خواهد بود. از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی خواسته می‌شود هرچه سریع‌تر در خصوص نقض عهد آمریکا، تصمیمات لازم را اتخاذ کرده در خصوص قانون اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی در اجرای برجام، پیگیری جدی را معمول دارند. از دولت محترم می‌خواهیم

و رسمیت هم دارد این است که مطلب یا مطالبی را بنویسند و در صحن اجلاس مطرح کنند و آنجا بررسی شود و به تصویب اکثریت برسد؛ هر وقت به تصویب اکثریت رسید، بیانیه رسمی مجلس خبرگان رهبری محسوب می‌شود.» هاشم‌زاده در عین حال اعلام کرده که او در جریان صدور چنین بیانیه‌ای نبوده است. او همچنین گفته است: «یک نوع بیانیه هم این است که عده‌ای از خبرگان، اکثریت یا اقلیت، می‌توانند در رابطه با بعضی از مسائل چیزی بنویسند و امضا کنند و به رسانه‌ها بدهند. این رسمی نیست و به نام مجلس خبرگان هم نیست، بلکه بیانیه نمایندگان مجلس خبرگان است، چون عده‌ای از نمایندگان آن را داده‌اند، اما به عنوان نظر خبرگان و مجلس خبرگان نمی‌تواند (منتشر شود) و باید اسم تعداد افرادی که آن را امضا کرده‌اند مشخص باشد. حتی به صورت کلی نمی‌تواند بگویند که چند نفر از خبرگان این طور می‌خواهند.»

بیانیه خبرگان نبود

موج واکنش‌ها به این بیانیه البته با سخنان سیداحمد خاتمی هم مواجه شد. او با اشاره به بیانیه اخیر رئیس مجلس خبرگان رهبری گفت: «این بیانیه مربوط به مجلس خبرگان رهبری نبود و حتی به هیأت‌رئیس مجلس خبرگان رهبری هم ارتباطی ندارد و این بیانیه‌ای است که آیت‌الله جنتی از جایگاه ریاست مجلس خبرگان با سرپرست مجلس خبرگان صادر کرده است، ولی در رسانه‌ها منعکس شد که این بیانیه مربوط به مجلس خبرگان رهبری است که این انعکاس درستی نبود.» امام جمعه تهران تصریح کرد: «تعبیلی در ابتدا صورت گرفت که سایت خبرگان بیانیه را

در خصوص شکایت از دولت ایالات متحده آمریکا به خاطر خسارت‌هایی که در طول سالیان گذشته بر کشور وارد شده است، اقدامات لازم را انجام داده، پیگیری حقوقی مناسبی را در مجامع حقوقی جهان آغاز نمایند.» این بیانیه در آخر از رئیس‌جمهوری خواسته «صادقانه و با صراحت، نسبت به خسارت‌های وارده در برجام که به خاطر عدم رعایت خطوط قرمز تریسمی توسط رهبر معظم انقلاب از جمله اخذ تضمین‌های لازم از ۵+۱ و نیز عدم رعایت اقدام متناظر و گام به گام، پدید آمد؛ از مردم عزیز ایران عذرخواهی کرده، تجربه توافق برجام را چراغ راه آینده قرار دهند.»

انتشار این بیانیه و قرار گرفتن آن روی خروجی خبرگزاری‌ها و سایت‌ها موجی از واکنش‌ها را به دنبال داشت. هاشم‌زاده هریسی، از اعضای خبرگان، اما در گفت‌وگو با جماران اعلام کرده که تقاضای عذرخواهی کردن رئیس‌جمهور بابت برجام، نظر مجلس خبرگان نیست. او در این گفت‌وگو به انواع بیانیه‌هایی که از سوی مجلس خبرگان می‌تواند صادر شود، اشاره کرد و گفت: «مجلس خبرگان می‌تواند سه نوع بیانیه صادر کند که بعضی‌ها رسمی هستند و بعضی دیگر رسمی نیستند. بیانیه رسمی خبرگان که به نام مجلس خبرگان تلقی می‌شود

در دیگر واکنش‌ها در مورد خروج آمریکا از برجام سرلشکر محمدعلی جعفری در سخنانی گفت: «توافق برجام به جای آنکه مانعی برای رفع تحریم‌ها باشد، به نهادینه‌سازی تحریم‌ها در کشور منجر شده که آن هم به دلیل قابل اعتماد نبودن آمریکا بوده و امروز به همه دنیا نیز دارد ثابت می‌شود که نباید به آمریکا اعتماد کرد

سردار جعفری ادامه داد: «خروج آمریکا از برجام نیز که امروز رخ داده، در راستای همان شیطنت‌های قبلی دشمنان است و چیز جدیدی نیست؛ اما نگاه ما باید به درون باشد و اقتصاد مقاومتی که تنها راه علاج مقابله با دشمنان است؛ اما متأسفانه آن هم به خاطر تفاوت نگاه مبنایی مسئولان در اقتصاد کشور، باعث اجرایی نشدن دقیق آن شده است.» او گفت: «اخیرا اروپایی‌ها زرمه‌هایی مبنی بر تکیه نکردن به خود را از سوی مطرح کرده‌اند و سخنان اخیر خانم مرکل، صدراعظم آلمان نیز به روشنی به همین نکته اشاره دارد. به هر حال فرصتی از سوی مقام معظم رهبری برای مذاکره و البته تضمین صددرصدی از سوی آنان داده شده است که اگر به جایی نرسد، باید همان مسیر پنج سال پیش را ادامه دهیم.»

سعید جلیلی که حالا عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است و در دولت دوم احمدی‌نژاد مسئول تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشور با قدرت‌های جهانی بود نیز موضوع صحبت خود را خروج آمریکا از برجام انتخاب کرد و گفت: «سه کشور اروپایی باید بدانند با غلنی‌تر و رسمی تر شدن مزاحمت‌های آمریکا، هر مزاحمتی برای پیشرفت و منافع ملی ما، می‌خورد تا تابوت برجام خواهد بود اگر اروپا توانی دارد، باید مانع مزاحمت‌های آمریکا شود.» او در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به بیانیه اروپا در واکنش به خروج آمریکا از برجام گفت: «گام اول سه کشور اروپایی که در بیانیه سران این کشورها منتشر شد، منطق «عدم اعتماد به اروپا» را هم روشن‌تر کرد و به دور از تمدن گفت‌وگو بود. اروپایی‌ها در حالی که امروز اذعان دارند آمریکا عهدشکنی کرده است، در بیانیه رسمی خود «باید» و «نباید» را برای ایران مشخص می‌کنند. در کدام توافق اگر یک طرف عهدشکنی کرد، طرف دیگر باید بر سر پیمان خود باقی بماند؟ آیا این غیر از منطق دیکتاتورهاست که از حلقوم مدعیان آزادی در بیانیه سران سه کشور اروپایی بیرون آمده است؟» جلیلی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «آمریکا امروز دلخوش است که فروش نفت ایران را کاهش دهد؛ اما آیا آمریکایی‌ها فراموش کرده‌اند وقتی به گمان خودشان چند سال قبل فروش نفت ایران را به ۶۰۰ هزار بشکه کاهش دادند، ما توانستیم این روند را برگردانیم؛ به گونه‌ای که در تیر ۹۲ در اوج فشارهای تحریم‌ها، ایران توانست فروش روزانه نفت خود را به یک میلیون و ۵۸۰ هزار بشکه آن هم به قیمت بالای صد دلار برساند. امروز با فرآورده‌های نفتی پالایشگاه ستاره خلیج فارس که متوسط سنی مسئولان آن ۳۲ سال است، نه تنها نمی‌توان نفت ایران را تحریم کرد، بلکه این دشمنان هستند که نه برای نفت که برای خرید فرآورده‌های نفتی ایران باید صف بکشند. آمریکا فراموش کرده که در اوج تحریم‌های نفتی، ۱۷ سکوی نفتی ایران در سال ۹۱ مشغول کار بود؛ ما می‌دانیم سراسیمگی آمریکا به این خاطر است که می‌داند از پس چنین قدرتی بر نمی‌آید و این هنوز از نتایج سحر است.»

مجلس خبرگان و آیت‌الله جنتی را با استدلال‌های غلط زیر سوال ببرند و با استدلال‌های ناشایست دست به توهین بزنند.» خاتمی از رسانه‌ها خواست که عدالت رسانه‌ای را در نظر بگیرند و نقدها را منصفانه و مودبانه بیان کنند. اما این بیانیه با واکنش‌های مخالفان آیت‌الله جنتی هم مواجه شد.

آیت‌الله علی اکبر مسعودی خمینی، عضو بلند پایه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، از آیت‌الله احمد جنتی خواسته که مراقب کلماتی که به کار می‌برد باشد. بعد از اینکه مشخص شد بیانیه جنجالی منتسب به مجلس خبرگان خطاب به دولت صرفاً به سفارش احمد جنتی تهیه شده است، دیروز یک عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم هم خطاب به او گفت: «آقای جنتی، در کلمات تان مواظب باشید و فکر کنید که چه می‌گویید. اگر رهبری با برجام و مذاکرات مخالف بودند، یک کلمه می‌فرمودند آقای روحانی! مذاکره نکن و به کارهای دیگری رسیدگی کن. در این صورت، مگر آقای روحانی می‌توانست بگوید نه؟ باید به آقای جنتی گفت که شما در کلمات تان مواظب باشید و فکر کنید که چه دارید حرف می‌زنید و چه می‌گویید والا اگر مواظب نباشید، سوءاستفاده‌هایی که دارد از سخن‌های این چنینی می‌شود کاملاً مشخص است.»

دولت هم با صدور بیانیه‌ای نوشت: «متأسفانه آنان که باید عذرخواه موضوع نادرست خود در گذشته باشند، طلبکارانه به دستاوردهای ملی می‌تازند و حاضر نیستند به این سوال پاسخ دهند که خسارت‌های تحریم ظالمانه بر ملت ایران چه میزان بوده و برای پیش‌گیری به موقع از آن خسارت‌ها چه کرده‌اند؟ آنها هیچ‌گاه حاضر نیستند از ناتوانی خود در ارائه راه‌های جایگزین برجام سخن بگویند و صادقانه بابت رویکرد غلط و کارشکنی‌های خود در روند پیشرفت کشور، از ملت عذرخواهی کنند. آنها در تعارضی آشکار، هم دل‌واپس حضور آمریکا در برجام بوده‌اند و هم شاکای خروج آمریکا از برجام. مدیریت مسئولانه کشور، عرصه تناقض‌گویی نیست؛ بلکه نیازمند تصمیم قاطع و عمل شجاعانه است. دولت ضمن استقبال از تمامی اظهارنظرها و توصیه‌های خیرخواهانه، اعلام می‌کند که تمامی مراحل مذاکرات و توافق، در چارچوب قانون اساسی، اختیارات و مسئولیت‌های رئیس‌جمهور و مصوبات شورای عالی امنیت ملی بوده است. در شرایط جدید نیز برای مقابله موثر با اقدام تحریک‌آمیز آمریکا و تضمین انتفاع ایران از برجام، تدابیر لازم اتخاذ شده و در حال اجرا است.»

باید همان مسیر ۵ سال پیش را ادامه دهیم

اما در دیگر واکنش‌ها در مورد خروج آمریکا از برجام سرلشکر محمدعلی جعفری در سخنانی گفت: «توافق برجام به جای آنکه مانعی برای رفع تحریم‌ها باشد، به نهادینه‌سازی تحریم‌ها در کشور منجر شده که آن هم به دلیل قابل اعتماد نبودن آمریکا بوده و امروز به همه دنیا نیز دارد ثابت می‌شود که نباید به آمریکا اعتماد کرد.»

به نام خبرگان رهبری در این سایت درج کرد، ولی بلافاصله اصلاح شد که این بیانیه مربوط به رئیس مجلس خبرگان رهبری است. مجلس خبرگان زمانی که بیانیه‌ای صادر می‌کند بر بند بند آن نسبت به موضع خود تصریح می‌کند ولی در بیانیه اخیر کلمه‌ای از مجلس خبرگان نیامده و تنها ریاست مجلس خبرگان به عنوان یک صاحب‌نظر بیانیه صادر کرده‌اند. انتظار بر این بود کسانی که می‌خواستند اظهار نظر کنند اصلاحات را هم در نظر می‌گرفتند ولی برخی افراد به دنبال تخریب خبرگان بودند تا بیانیه‌ای که از سوی این نهاد نیست به نام آن تمام کنند و سرمایه نظام را بکوبند. طبق قانون اساسی در کشور همه افراد در مسائل جزئی و کلی کشور حق اظهار نظر دارند و رئیس مجلس خبرگان رهبری هم اظهار نظر دارد و اینکه گفته می‌شود مجلس خبرگان دخالت در دیپلماسی کرده سخن شایسته‌ای نیست، زیرا این بیانیه تنها بیانیه رئیس مجلس خبرگان بوده و ایشان نظرشان را بیان کردند و دخالت زمانی صورت می‌گیرد که نهاد یا شخصی با اعمال قدرت بخواد مسیری را تغییر دهد و باید گفت که فرهیختگان در اظهار نظر آزاد هستند و توصیه را نمی‌توان عنوان دخالت نام گذاشت. اعضای خبرگان در جایگاه حقیقی خود بر همه زمینه‌ها حق اظهار نظر دارند و در جایگاه حقوقی شان نیز هر جایی که صلاح باشد اظهار نظر می‌کنند. آیت‌الله جنتی حرفی زد و بقیه هم اظهار نظر کردند و ایشان از عنوان ریاست خبرگان استفاده کردند و نه موافقت و نه مخالفت هیچ کدام در صحنه نیامده و مطرح نشده که رویکرد ایشان نشان داده شود و اگر کمی به این بیانیه دقت کنیم متوجه خواهیم شد برخی از مفاد آن را همه قبول دارند. در یکی از مفاد این بیانیه آمده است که آمریکا عهدشکنی کرده و به اروپایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد و این نکات را همه قبول دارند ولی با این وجود رهبری فرصتی به اتحادیه اروپایی داده‌اند که موارد لازم را قبول کنند و بعد از آن مورد بررسی قرار بگیرد و سخن آیت‌الله جنتی نیز مبنی بر این بود که چرا تعهد و تضمین حقوقی در برجام در نظر گرفته نشد که ریاست جمهوری آمریکا به راحتی بتواند آن را زیر پا بگذارد. رئیس مجلس خبرگان در پیامی از زحمات طاقت‌فرسای مذاکره‌کنندگان تجلیل و تقدیر کرده و عنوان کردند زحمات مذاکره‌کنندگان جای انکار ندارد و رهبری در سخنان شان مذاکره‌کنندگان را امین دانستند و این یک معنا دارد که مذاکره‌کنندگان می‌خواستند چنین تعهدی را بگیرند ولی نتوانستند. نخواستند در کار نبوده بلکه نتوانستند. انتظار می‌رود طرفین در سخنان خود از رهبری خرج نکنند زیرا که سخنان رهبری مشخص است و ایشان در این ارتباط هم تایید هم تذکر و هم گله داشتند و نباید گزینشی با فرمایشات رهبری روبه‌رو شد و در مسائل سیاسی باید حرف‌های خودمان را برتیم و از رهبری خرج نکنیم. در چند روز اخیر دو طرف به صورت صریح حرف‌هایشان را زدند و آیت‌الله جنتی نیز از جایگاه خودشان به صراحت موضع گرفتند و برخی نقدها هم مطرح شد که برخی از آنها توهین‌آمیز و اهانت‌بار بود که این گونه نقدها در شان فرهیختگان نبود که جایگاه

موج واکنش‌ها به این بیانیه البته با سخنان سعید احمد خاتمی هم مواجه شد. او با اشاره به بیانیه اخیر رئیس مجلس خبرگان رهبری گفت: «این بیانیه مربوط به مجلس خبرگان رهبری نبود و حتی به هیأت‌رئیس مجلس خبرگان رهبری هم ارتباطی ندارد و این بیانیه‌ای است که آیت‌الله جنتی از جایگاه ریاست مجلس خبرگان با سربرگ رئیس مجلس خبرگان صادر کرده است، ولی در رسانه‌ها منعکس شد که این بیانیه مربوط به مجلس خبرگان رهبری است که این انعکاس درستی نبود



علیرضا رحیمی که یکی از اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم است در گفت‌وگو با مثلث از برجام و ضرورت تصویبش می‌گوید. صحبت ما با او به اختلافات داخلی بر سر این توافق می‌رسد و او معتقد است این یک تصمیم فردی یا تصمیمی که تنها متناسب به دولت باشد، نیست. وقتی پای صحبت به وحدت می‌رسد رحیمی آن را یک ضرورت می‌داند و می‌گوید بهتر است دست از رجزخوانی‌های سیاسی برداریم. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح این مصاحبه است.

تسویه حساب نکنیم

گفت‌وگوی مثلث با علیرضا رحیمی

مصلحت نظام، وزارت امور خارجه، شورای عالی امنیت ملی و هیات عالی نظارت بر برجام، همه از مجامعی هستند که هم به لحاظ فکری و هم به لحاظ تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی موثر هستند و قاعدتا این تصمیم‌سازی‌ها تا وقتی بر پایه خرد جمعی و بر مبنای مشورت است می‌تواند منافع تصمیمات را به سمت حداقل ضرر پیش ببرد.

منظور من این است که چقدر لازم است مادر عرصه سیاست داخلی یک صدای واحد داشته باشیم و شاهد چند صدایی نباشیم؟

به هر حال آنجایی که صحبت از منافع ملی می‌شود و پای منافع ملی به میان می‌آید حتما باید یکصدایی وجود داشته باشد و قاعدتا اختلاف سلیقه‌ها و اختلاف‌نظرها نباید این ضرورت کشور را در حوزه امنیت و منافع ملی به مخاطره بیندازد. در برخی موارد که نیاز به وحدت ملی بوده و صداهای مخالف در این مقطع پررنگ شده مشاهده کردیم که خسارت به همه کشور رسیده است. در نهایت

هم که دولت اخیرا در برای خروج از برجام آمریکا اتخاذ کرد، تصمیمی عاقلانه بوده است. آنچه امروز از هر چیزی مهمتر به نظر می‌رسد این است که هیچ وضعیت حقوقی، سیاسی و بین‌المللی نباید دستمایه‌ای در دست گروه‌های منتقد برای تسویه حساب‌های سیاسی شود؛ فراموش نکنیم گاهی ممکن است احساسات بر عقلانیت غلبه کند و تحلیل‌ها تابع احساسات شود یا در برخی موارد گروه‌هایی که دست‌شان از خیلی پست‌ها کوتاه است یا ناکامی‌هایی را در رقابت‌های سیاسی داخلی داشته‌اند فرصتی برای انتقام به دست بیاورند. به هر صورت عقلانیت حکم می‌کند از احساسات فاصله بگیریم و وارد فضای رقابت‌های سیاسی نشویم.

در شرایط امروز به نظر شما چقدر سیاست داخلی و حفظ انسجام داخلی اهمیت پیدا می‌کند؟

سیاست داخلی ما به صورت فردی تصمیم‌گیری نمی‌شود و در مجامع مختلف نظرات کارشناسی مطرح می‌شود. مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص

با خروج آمریکا از برجام جنجالی به باشد و امروز موافقین و مخالفین اظهارات مختلفی در این رابطه دارند، به نظر شما تصمیماتی که درباره برجام گرفته می‌شود چقدر در ظرف زمان و شرایط تعریف می‌شود؟

قبل از هر چیزی باید این نکته را بگویم که ایران هنوز تصمیم قاطعی درباره برجام نگرفته است و قرار شد این موضوع هم در شورای عالی نظارت بر برجام و هم در شورای عالی امنیت ملی بررسی شود؛ بنابراین در همین راستا شاهد بودیم که رئیس‌جمهور هم اعلام کردند بعد از تصمیم ترامپ دو هفته‌ای را هم مترادف با موضع‌گیری‌های شرکای آمریکا و هم به لحاظ حقوقی هیچ اقدامی در رابطه با برجام انجام نمی‌دهند.

در راستای سوالی که مطرح کردید باید بگویم قطعا تصمیمات سیاسی را باید با توجه به شرایط و موقعیت همان زمان مورد ارزیابی قرار داد؛ در همین راستا تصمیم آن زمان برای امضای برجام بهترین تصمیم بود و تدبیری

پیش به سوی سیاست مقاومتی

ایران چگونه خواهد توانست پیامدهای خروج از برجام را در حوزه سیاست داخلی مدیریت کند؟

ایالات متحده آمریکا همچنان است:

- ۱- موفقیت آمیز بودن پروژه تحریم برای تحت فشار گذاشتن کشور
- ۲- تصور کاهش مقبولیت حاکمیت در داخل کشور
- ۳- عدم انسجام لازم در میان جامعه و نیز مسئولان کشور بر سر چگونگی برخورد با موضوعات
- ۴- شرایط نامطلوب اقتصادی کشور
- ۵- آمادگی برخی کشورهای منطقه برای رویارویی با ایران من جمله عربستان و امارات.

سوم

در این شرایط و با توجه به اینکه به نظر می رسد حل و فصل مساله ای مثل نکته پنجم در اختیار ایران نیست و حل مسائل اقتصادی به ابزار و زمان لازم نیاز دارد و نیز با توجه به اینکه ساختار اقتصادی ایران در برابر تحریم آسیب پذیر نشان داده، به نظر می رسد که راه حل صحیح برخورد با پیامدهای برجام در داخل کشور تکیه بر مورد دوم و سوم است.

چهارم

در مورد تصور کاهش مقبولیت حاکمیت در داخل کشور به نظر باید به این نکته اشاره کرد که اصلی ترین عوامل نارضایتی مردم در یک مربع معیشت، عدالت، آزادی و سلامت اداری قابل فهم است و البته نارضایتی اساسی یک مساله روانی است و می توان با سیاست درست رسانه ای

مصطفی آرائی

روزنامه نگار

اول

بیباید واقع گرا باشیم و بپذیریم که سه شنبه شب، با سخنرانی رئیس جمهور آمریکا اتفاق مهمی در کشورمان رخ داد. به طور مشخص می توان گفت که این اتفاق شامل سه رکن بود:

- ۱- ابهام در آینده حل و فصل صلح آمیز مناقشه بر سر برنامه هسته ای کشورمان
 - ۲- احتمال محرومیت ایران از همه یا بخشی از منافع اقتصادی هرچند اندک برجام
 - ۳- شکست ایده مذاکره با آمریکا برای حل و فصل مسائل کشور
- حالا سوال این است که چگونه باید پیامدهای این موضوع را در عرصه بین المللی در کنترل نظام درآورد.

دوم

برای شروع بیباید به چند زمینه اشاره کنیم که باعث شد ترامپ جسارت چنین کاری یعنی خروج از یک توافق بین المللی را پیدا کند. غیر از بهانه جویی های معمول آمریکا به نظر می رسد که دست کم پنج عامل زمینه ای باعث شد که ترامپ تصور کند انجام چنین کاری با منافع

وقتی تصمیم کلی نظام به سمت یک موضوع خاص است تا قبل از تصمیم گیری باید نظرخواهی شود و همه اعلام نظر کنند و بعد از تصمیم همه باید در یک جهت برای اقتدار کشور حرکت کنیم.

امروز منتقدان برجام دنا از خطاهای خود می گویند و مدعی هستند که ما پیش بینی کردیم و این موضوع را به پستی برای نقد کردن دولت تبدیل کرده اند، به نظر شما این رفتارها چقدر می تواند مانع از اتحاد شود؟

به هر صورت خروج آمریکا زمینه قوی را برای برخی گروه ها باز کرده است تا تسویه حساب هایی هم با دولت و هم با تیم دیپلماسی داشته باشند. این تسویه حساب ها محدود به روزهای اخیر نیست و پیش از این ما در قالب سخنرانی ها و مصاحبه ها به کرات شاهد آن بودیم و از هر فرصتی برای رجزخوانی ها استفاده کردند. اینکه چه علتی باعث بروز چنین رفتارهایی می شود جای بحث دارد و شاید یک سر آن را بتوان به رقابت های انتخاباتی ربط داد اما در شرایط کنونی که کل کشور تحت تاثیر مقابله با خروج آمریکا از برجام قرار گرفته است این مخالفت ها و رجزخوانی های سیاسی نه تنها به ضرر منافع ملی است، بلکه امنیت ملی را هم از برخی زوایا می تواند تحت الشعاع قرار دهد و به نوعی این رویکردها قادر خواهد بود طمع دشمنان را بیشتر کند.

می گویند باید دولت از برجام خارج می شد، آیا با توجه به شرایط داخلی امروز این اقدام صحیح بود؟

من همان طور که قبلا هم اشاره کردم تصمیماتی که درباره برجام گرفته می شود محدود به دولت نیست و این تصمیمات حاکمیت است. بنابراین آنچه در حیطه برجام تصمیم گیری می شود صرفا نه به آقای روحانی و نه به آقای ظریف منتسب نمی شود. آنچه حائز اهمیت است اینکه سطوح مختلف نظام در تصمیم گیری مشارکت دارند و نهایتا تصمیمات کلان با نظر رهبری انجام می شود و حتی مذاکرات هم با نظر رهبری انجام شده است، بنابراین اینکه تصمیمات را تنها منتسب کنند به دولت این یک آدرس دادن غلط و یک نگاه ناقص به منافع ملی و کشور است.

چقدر وحدت را لازمه شرایط امروز کشور می دانید؟

با توجه به اینکه تلاش های آمریکا در راستای ایران هراسی و همراهی سعودی ها و اسرائیلی ها همواره در جریان بوده است مسئولان و وحدت آنها یک ضرورت غیرقابل انکار است. ما در شرایط حساسی هستیم و در این شرایط است که ضرورت وحدت با تمام وجود احساس می شود و حتی این موضوع را می توان در بدنه جامعه به خوبی ببینیم که آنها نیز خواستار یک وحدت جمعی هستند و برخی مخالفان معتقدند برای ایجاد وحدت در قدم اول باید دولت از مردم بابت امضای برجام عذرخواهی کند.

این پیش شرطها نمی تواند مانع رسیدن ما به هدف مان شود؟

به هر حال این دیالوگ ها از همان رجزخوانی هایی است که پیشتر به آن اشاره کردم. بنابراین ما باید از این اختلافات و این تسویه حساب ها دست برداریم و به سمت یک انسجام ملی پیش برویم و همان طور که رهبر معظم بارها تاکید کرده اند لازم است قدم در مسیر ایجاد انسجام ملی برداریم و ضمن احترام به عقاید و محترم شمردن اختلاف نظر دست از کینه و دشمنی برداریم و اجازه ندهیم اختلاف نظرها به عقده گشایی ها تبدیل شود. اگر افراد ادعای ولایت پذیری دارند این ادعا فقط در حرف و شعار و چفیه نیست، بلکه در عمل و رفتار است.



جریان اصلاح طلب آسیب جدی دید گفت‌وگو با ناصر ایمانی

با خروج آمریکا از برجام زمزمه‌های ازدست رفتن برجام به گوش می‌رسد. ارزیابی شما از وضعیت اصلاح طلبان در شرایط کنونی چیست؟

یکی از فاکتورهای مهم برای اصلاح طلبان، مساله تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به دلیل پرونده هسته‌ای در دولت سابق و مانور روی آن موضوع بوده است. همچنین به‌عزم آنها مساله نجات اقتصاد و کشور از وضعیت گذشته با مذاکرات برجام و اجرای آن بود. این مانور بزرگ سیاسی اصلاح طلبان از سال ۱۳۹۲ به بعد شروع شد که تأثیر بسیار مهمی هم در انتخابات‌های ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شورای شهر داشته است. آنها توانستند با بزرگ‌ترین حربه خود یعنی معرفی جناح مقابل خود به عنوان یک جریان جنگ طلب و موافق با تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، موفقیت‌های سیاسی داخلی کسب کنند. این ماجرا ادامه داشت تا مساله امضای برجام؛ تا پیش از آن وعده‌ها و امیدواری‌های زیادی توسط دولت و شخص آقای رئیس‌جمهور به جامعه تزریق شد و نوید رخ دادن اتفاق‌های شگرف در اقتصاد کشور و معیشت مردم پس از امضای برجام را می‌دادند. پس از امضای برجام، این اتفاق‌های شگرف به وجود نیامد. به عقیده من بخش کوچکی از عدم موفقیت، مربوط بود به عدم اجرای برجام توسط غربی‌ها و بخش عمده آن ناشی از مسائل دیگری در داخل بود. درست است که غربی‌ها برجام را به اندازه زیادی اجرا نکردند اما آثار داخلی آن در صحنه اقتصادی کشور بیشتر متوجه مدیریت داخلی بود تا آن عدم اجرا. دولت نتوانست اقتصاد کشور را آن‌طور که وعده داد مدیریت کند تا پس از برجام شگفتی‌های اقتصادی رقم بزنند. نتیجه این شد که الان با خروج آمریکا آسیب به مساله برجام وارد شد چرا که دولت برجام را ساختمانی استوار تلقی کرده بود که هیچ آسیبی به آن وارد نمی‌شود؛ معتقد بود مذاکرات انجام شده و توافق به دست آمده آن قدر قوی است که کسی نمی‌تواند به آن آسیب بزند، اما این اتفاق نیفتاد. در حال حاضر با کشورهای اروپایی روبه‌رو هستیم که تا حد زیادی اقتصادشان به آمریکا وابسته است و بعید به نظر می‌رسد که بتوانند به تهنیتی بار برجام را به دوش بکشند.

دولت وعده‌های اقتصادی فراوانی را داد و برجام را تنها راه برون رفت از مشکلات معرفی کرد. اما در حال حاضر که با خروج آمریکا، ضرب به سنگینی به برجام خورده است، به نظر شما اگر این آسیب تعمیق پیدا کند و منجر به ازدست رفتن برجام شود، بدنه اجتماعی اصلاح طلبان و اعتدالیون دچار ضربه شدید خواهد شد؟ سبدرای این طیف سیاسی دچار چه تغییراتی خواهد شد؟

مسئله آسیب جدی به جریان‌های حامی دولت وارد خواهد شد. این آسیب ناشی از چند مولفه است. دولت و جریان طرفدار آن بزرگ‌نمایی بسیار شدیدی در خصوص برجام و کارآمدی آن کردند؛ البته چاره‌ای هم نداشتند چون در پی ایجاد یک فضای دیو و دلبر در برابر جریان مقابل بودند در حالی که خودشان هم می‌دانستند که این برجام

مستولان نیز به نظر می‌رسد اجرای بی‌تنالز قانون اساسی و نیز سیاست‌های کلی نظام و به‌طور کلی حاکمیت قانون راهکار اصلی است و در این شرایط ابزارهای اجماع‌ساز از هیات حل اختلاف بین‌قوای سه‌گانه تا مجمع تشخیص مصلحت نظام و حتی مجلس شورای اسلامی به کار خواهد آمد.

از این روست که به نظر می‌رسد نسخه آینده سیاسی کشورمان در این شرایط به دست مفهومی به نام سیاست مقاومتی باشد. مفهومی که نام خود را از اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد معطوف به داخل برداشته و در آن تلاش می‌شود با افزایش سرمایه اجتماعی کشور در داخل و نیز حل و فصل قانون اختلافات یک صدای واحد در برابر دشمن بیرونی و در حوزه منافع ملی از حلقوم ایران و ایرانی خارج شود.

ششم

طبیعی است که تغییر شیفت این چنینی نباید ناگهانی باشد و حتی با فرض تدریجی بودن آن می‌توان تصور این را داشت که با موضوعات و مسائل امنیتی روبه‌رو باشیم ولی در این شرایط دست کم دو زمینه از پنج زمینه‌های ممکن برای موفقیت پروژه خروج از برجام را از زیر پای ترامپ کشیده ایم.

هفتم

باید در خاطر داشت که هرگونه مسیر جایگزین به خصوص اگر از راه انسداد فضای سیاسی و اجتماعی باشد با توجه به دسترسی فیزیکی و مجازی مردم به خارج از کشور در حال حاضر، کشور را در مسیری قرار خواهد داد که در آن هر روز ورزشگاه محل بازی فینال ایران در مقابل یک دشمن چغز مثل آمریکا خالی و خالی تر شود. پس مرده‌باد انسداد، پیش به سوی سیاست مقاومتی.

این شاخص را کم و زیاد کرد. حال همان‌طور که گفتیم؛ در شرایطی که ایجاد وضعیت بهتر معیشتی نیاز به ابزار و زمان لازم دارد؛ می‌توان روی سه محور دیگر و نیز سیاست رسانه‌ای تلاش کرد. در بعد عدالت باید به دو عامل مهم کارکرد مطلوب در قوه قضاییه و نیز تلاش برای افزایش عدالت اقتصادی و حتی عدالت در زمینه‌های جنسیتی یا عدالت بین اقوام و مذاهب مختلف اشاره کرد. در بعد آزادی باید به خصوص به اصل نهم قانون اساسی اشاره کرد که می‌گوید هیچ مقامی حق ندارد حتی با وضع قوانین و مقررات آزادی‌های مشروع را سلب کند و البته در این زمینه شناسایی سبک زندگی‌های متفاوت در جامعه ایرانی و تساهل و تسامح در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز ضروری است. در زمینه سلامت اداری هم تردیدی نیست که وجود فساد اداری و اقتصادی در بافت اداری کشور، باعث کاهش مقبولیت نزد مردم شده و برخورد همه‌جانبه و سیستماتیک با آن در بستر زمان می‌تواند تصورات را در این زمینه اصلاح کند. در این شرایط است که آزادی بیشتر فعالان رسانه‌ای داخل کشور به خصوص در صداوسیما با مصرف بالای فرهنگی آن باعث خواهد شد که توجهات در این زمینه به داخل کشور معطوف شود و آنگاه افزایش سواد رسانه‌ای برای کاربران باعث شود که سره را از ناسره تشخیص دهند و امید خود به نظام را با هر خبر و تحلیلی از دست ندهند.

بنجم

در حوزه دوم هم باید به کم کردن شکاف میان مردم و مستولان اشاره کرد. شکاف میان مردم که از طریق قطعی‌سازی جامعه بر سر مسائلی مثل مذهب و سیاست به وجود آمده با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و نیز گفت‌وگوی بیشتر اجتماعی ممکن است که البته در این زمینه نقش نهادهای جامعه مدنی از احزاب تا سازمان‌های غیردولتی و نیز مطبوعات بسیار پررنگ است. در حوزه





ناصر ایمانی از جمله اصول‌گرایانی است که از ابتدا نگاهی متفاوت به برجام داشت. او از مخالفان مذاکره نبود اما نکات خاص خودش را هم در این مورد داشت. حالا او می‌گوید اصلاح‌طلبان از تصمیم ترامپ متضرر خواهند شد. بحث با او در این مصاحبه بر سر این مصاحبه بر سر این بود که خروج آمریکا از برجام چه تاثیری بر آرایش سیاسی ایران خواهد گذاشت.

چارچوب جناح‌بندی‌های سیاسی گام بر نمی‌دارند و عوامل متعددی نظیر شعارها و توانمندی کاندیداها هم تأثیرگذار است. بر این اساس و با در نظر گرفتن تجربه برجام، ارزیابی شما در فضای کنونی در خصوص الگوی رأی‌دهی مردم در انتخابات آینده چیست؟ آیا مردم سراغ فردی خواهند رفت که باز با غرب مصالحه کند یا به دنبال کسی خواهند رفت که مصالحه نکند؟

▲ نمی‌خواهم تقسیم‌بندی‌ای را از مردم ارائه دهم که آنها طرفدار کسی هستند که با غرب سر‌آشتی دارند. این سخن عمیق و درست نیست. مردم طرفدار تنش نیستند؛ طرفدار ماجراجویی‌های سیاسی نیستند؛ طرفدار درگیری‌های بی‌دلیل بین‌المللی نیستند. در عین حال در مقابل زورگویی هم حساسند. مردم دید بسیار بدی نسبت به ایالات متحده آمریکا پیدا کرده‌اند. در واقع آمریکا با خروج خود از برجام به شدت ذهنیت مردم ایران را نسبت به خود، منفی کرده است. به نظر من در انتخابات، عمدتاً نگاه‌شان به رفاه، ایجاد اشتغال، معیشت خود و اقتصاد کشور است. مردم اگر به این نتیجه برسند که این دولت می‌تواند این موارد را که حتی هیچ ارتباطی با غرب ندارد، برآورده کند، مشکلی ندارند. اگرچه خواهان جنگ و تنش هم نیستند. اینکه در انتخابات آینده دو نفر کاندیدا باشند، یکی طرفدار مماشات با غرب و طرف دیگر طرفدار مقابله با غرب باشد و مردم حتماً بروند و به شخصی رأی دهند که طرفدار مماشات با غرب است؛ خیر چنین فرمولی نیست. ممکن است مردم به کسی رأی دهند که چندان اهل مماشات با غرب نیست، ولی بی‌برند که فرد کارآمدی است و دنبال درگیری و تنش هم نیست، ممکن است به او رأی بدهند. با نگاه به رأی ۱۶ میلیونی آقای رئیسی، به‌رغم همه کارهایی که در انتخابات سال ۹۶ انجام شد و چهره‌ای که [رقیب] از آقای رئیسی ساخته بود، رأی بسیار بالایی بود. چهره ستیزه‌جو با غرب از او ساخته بودند و در عین حال شاهد بودیم که رأی بسیار بالایی کسب کرد. پس تقسیم‌بندی مردم الزاماً نوع رابطه با غرب نیست.

نگاه‌شان به توانمندی‌ها و کارآمدی‌هاست. به هر حال جریان اصلاح‌طلب در مساله برجام دچار آسیب جدی شد، البته مساله جریان اصلاح‌طلب و آسیبی که متحمل شده است صرفاً از جانب برجام نیست؛ دلایل متعدد دیگری دارد که این جریان در افکار عمومی تنزل جایگاه پیدا کرده است. به عنوان مثال وقتی به شوراهای شهر نگاه می‌کنیم، شورای شهری که مردم انتخاب کرده‌اند، طی این دو سال عملکردش را نمی‌دانند و این مساله ربطی به برجام ندارد. به عبارت دیگر مردم تصویر روشنی از عملکرد اصلاح‌طلبان ندارند. از سوی دیگر اصلاح‌طلبان هم به لحاظ ایدئولوژیک و هم به لحاظ تشکیلاتی در یک ناتوانی ساختاری قرار گرفته‌اند. نسل جدید اصلاح‌طلبان با نسل قدیم‌شان بیگانه‌اند؛ نسل قدیم کاملاً بی‌انگیزه است. بخشی از آنها به لحاظ ایدئولوژیک دگراندیش شده‌اند. بخشی دیگر از انقلاب و مبانی آن فاصله گرفته‌اند. بخشی دیگر حتی از گذشته خود پشیمانند. منظورم این است که صرفاً مساله برجام نیست و این مسائل هم دامنگیر اصلاح‌طلبان شده است.

شما به این موضوع اشاره کردید که مردم لزوماً در

۲۲

نمی‌خواهم تقسیم‌بندی‌ای را از مردم ارائه دهم که آنها طرفدار کسی هستند که با غرب سر‌آشتی دارند. این سخن عمیق و درست نیست. مردم طرفدار تنش نیستند؛ طرفدار ماجراجویی‌های سیاسی نیستند؛ طرفدار درگیری‌های بی‌دلیل بین‌المللی نیستند. در عین حال در مقابل زورگویی هم حساسند. مردم دید بسیار بدی نسبت به ایالات متحده آمریکا پیدا کرده‌اند

۲۲

چنین معجزاتی ندارد اما به دلیل مقابله با رقیب و اهداف سیاسی، اقدام به بزرگ‌نمایی برجام و آثار آن کردند؛ بدون اینکه این دقت را داشته باشند که برجام به هر دلیلی اجرایی نشود یا خوب اجرا نشود، ممکن است چه اتفاقی برای آنها بیفتد. به عبارت دیگر آینده‌نگری دقیق نسبت به این موضوع که سرمایه‌گذاری خود را در زمین زلزله‌خیزی به نام برجام انجام می‌دهند، نکردند. نکته بعدی این است که جدای از برجام، دولت یک دولت کارآمد، با انگیزه، پویا و پرتلاش نیست تا بتواند از امکانات اقتصادی موجود در کشور در فضای پیش و پس از برجام استفاده کند. طی این دو سال گذشته، برخلاف آنچه دولت تمایلی برای بیان ندارد، درآمدهای ارزی بسیار خوبی داشته‌ایم و حتی نسبت به دولت قبل که نفت را بشکه‌ای ۱۰۰ دلاری فروخت رشد داشته است. درآمدهای داخلی هم به لحاظ اخذ مالیات بسیار خوب بوده است اما در مجموع، دولت در اداره کشور مشکلات زیادی دارد. در مجموع یک حالت دل‌زدگی و افسردگی در میان حامیان دولت به وجود آمده است؛ چه به لحاظ مساله برجام و چه به لحاظ اداره کشور.

با در نظر گرفتن آنچه در مورد برجام و سوءمدیریت اقتصادی کشور که منجر به دل‌زدگی و افسردگی در میان حامیان دولت شده است گفتید، به نظر شما چه میزان این ریزش بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان و اعتدالیون و کاسته‌شدن از سید رأی آنها به سمت اصولگرایان حرکت خواهد کرد؟ به بیان دیگر جدایی مردم از اصلاح‌طلبان چه میزان موجب گرویدن آنها به اصولگرایان می‌شود؟

▲ مردم در این خصوص تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارند. اینکه فکر کنیم در انتخابات سال گذشته تمام ۴۲ میلیون نفری که به آقای روحانی رأی دادند، اصلاح‌طلب بودند یا آن ۱۶ میلیون نفری هم که به آقای رئیسی رأی داده‌اند، اصولگرا بوده‌اند، اشتباه کرده‌ایم. در میان مردم اشناری را داریم که گرایش‌های سیاسی دارند اما بخش قابل توجه مردم بحث‌شان اصولگرا و اصلاح‌طلب نیست؛



با استفاده جناحی از برجام مخالفم

گفت‌وگوی مثلث با عباس سلیمی نمین

با خروج زود هنگام و البته نه چندان دور از انتظار آمریکا از برجام، به خوبی دغدغه و هشدارهایی که مقام معظم رهبری و به دنبال آن جریان انقلابی کشور در خصوص عدم اعتماد به آمریکاییان کرده و دولت را هوشیاری بخشیده بودند، روشن شده و جامعه عمل به تن کرد اما اکنون صحنه سیاست داخلی در مواجهه با این بدعهدی آمریکا و اعتماد دولت چیست؟ عباس سلیمی نمین، استاد تاریخ و تحلیلگر سیاسی اصولگرا معتقد است که نیاپستی این رخداد، باعث نزاع داخلی شود؛ بلکه باید از آن برای اتحاد در داخل کشور و آگاهی بخشی به جوانان در خصوص ماهیت و چهره واقعی غرب، بهره جست.

شما به این موضوع اشاره کردید که بایستی منتظر ماند تا آینده، تکلیف برجام را مشخص کند. بارها مقام معظم رهبری در فرمایشات خود صراحتاً بیان کرده بودند که نمی‌توان به آمریکا اعتماد کرد. اکنون با این پرسش روبه‌رو هستیم که آیا اروپایی‌ها می‌توانند قابل اعتماد باشند؟ اساساً دولت چه راهبردی را برای حفظ برجام باید در پیش بگیرد؟

برجام قطعاً در آمریکا خلاصه نمی‌شود و در اروپایی‌ها هم خلاصه نمی‌شود. در برجام کشورهای دیگری هم مشارکت داشته‌اند نظیر چین و روسیه که باید نقش آنها هم در نظر گرفته شود. قطعاً نسبت به آمریکاییان هستیم؛ نسبت به کشورهای اروپایی قدری بدبین هستیم،

برای مردم در انتخابات آینده و تصمیم مردم تاثیر داشته باشد؟ آیا مردم به سمت کسانی خواهند رفت که برجام را ادامه ندهند؟

الان زمان این بحث نیست. مطرح کردن بحث رقابت و اینکه به دنبال آن باشیم که استفاده جناحی ببریم و صحبت‌هایی مطرح شود که دلالت بر این کند که بخواهیم از شرایط پیش آمده برای تحکیم مصالح گروهی استفاده کنیم، کار غلطی است. این موضوع و بحث بر سر آن، برای الان نیست.

در حال حاضر آمریکایی‌ها خیز بلندی برای ایجاد شرایطی که بتواند ملت ایران را تحت فشار قرار دهد، برداشته‌اند پس باید بحث‌های جناحی و گروهی را کنار گذاشت و بر این موضوع تمرکز کرد که چگونه می‌توانیم همراه و هم‌صدا در برابر آمریکایی‌ها بایستیم، چرا که فقط این هم صدایی می‌تواند آمریکا را منفعّل کند. در نتیجه مطرح کردن این بحث که شرایط پیش آمده به نفع یک جریان سیاسی هست یا نه را نمی‌پسندم و نباید به این مباحث دامن زد.

اگر با خروج آمریکا از برجام آن را از دست‌رفته بدانیم، باید شاهد چه تاثیراتی بر طیف‌های سیاسی در داخل باشیم؟ گروه‌هایی که طی سال‌های اخیر، بر اساس موافقت یا مخالفت با برجام شناخته می‌شدند.

هنوز مشخص نیست که چه نتیجه‌ای برای برجام رقم خواهد خورد؛ بگذارید این پرسش را زمانی که اروپایی‌ها را آزمودیم و نتیجه مشخصی گرفتیم، پاسخ دهیم. ظاهراً مسئولان کشور مبنای شان این است که اگر اروپا در چارچوب برجام همراهی کرد و پذیرفت آنچه را که از برجام عاید ایران می‌شود، برجام را با اروپاییان ادامه دهند. در این فضا باید منتظر ماند و نتیجه را دید.

پیش از خروج آمریکا از برجام و زمانی که این کشور خود را پایبند به برجام می‌دانست، مسئولان کشور بارها اذعان کرده بودند که عواید چندانی از قبل برجام عاید کشور نشده است و نتوانسته انتظارات را مرتفع کند. به نظر شما این عدم بهره‌مندی متناسب از برجام تا چه میزان می‌تواند

البته که نسبت به انگلیسی‌ها خیلی خیلی بدبین هستیم و مانند آمریکا غیر قابل اعتماد هستند. با توجه به این موضوع که آلمان و فرانسه سابقه استعماری در ایران نداشته‌اند، نگاه کمی متفاوت است. در عین حال می‌خواهیم اروپایی‌ها را به ویژه آلمان و فرانسه را بیازماییم و ببینیم که آیا بر عهد خود پایدار خواهند ماند یا خیر. احتمال ضعیفی وجود دارد که این کشورها در مقابل آمریکا و صهیونیست‌ها بایستند؛ در عین حال این احتمال ضعیف هم باید آزموده شود. اینکه رهبری اجازه گفت‌وگو با اروپایی‌ها را می‌دهند تا آنها را در این زمینه محک بزیم، به این معنی است که اگر اروپایی‌ها پایبند بمانند، پرچام برای ما منافع دارد.

این گونه نیست که پرچام را پدیده‌ای صد درصد منفی بدانیم. پرچام می‌توانست بهتر و قوی‌تر از این باشد؛ به گونه‌ای شفاف باشد که هزینه بدعهدی آمریکا را بسیار بیشتر از اینها بسازد. قبلا نسبت به آمریکایی اعتماد بودیم؛ آن قدر دقت می‌کردیم که در صورت خروج یا بدعهدی آمریکایی‌ها، هزینه برایشان به شدت افزایش پیدا کند. اما اینها به این معنی نیست که پرچام در آمریکا یا حتی در اروپای طرفدار صهیونیسم خلاصه شود.

بنابراین بر حسب درایتی که در مدیریت کلان کشور وجود دارد، راه‌های دیگر را می‌آزماییم؛ یعنی حتی اگر اروپایی‌ها هم نقض عهد بکنند باز ما توانسته‌ایم وحدت و اتفاق در شورای امنیت را بشکنیم و من بعد دو عضو موثر و دائم شورای امنیت، [چین و روسیه] با تصمیمات ضد ایرانی غرب همراهی نخواهند کرد. بنابراین به نظرم دلیل اینکه این فرصت داده شده تا تلاش شود با اعضای مختلف پرچام مذاکره کنیم به این معناست که پرچام برای ما یک سری منافع دارد ولو اینکه بدعهدی‌هایی صورت گیرد.

شما به نواقص پرچام اشاره کردید و اینکه می‌توانست در مجموع، توافق بهتر و کم‌نقصی شکل بگیرد تا هزینه بدعهدی آمریکایی‌ها را بالا ببرد. از طرف دیگر اکنون صحبت‌هایی از سوی مخالفان پرچام به گوش می‌رسد که دولت بایستی عذرخواهی کند. در طرف مقابل دولت قائل به عذرخواهی نیست و معتقد است توافق خوبی را امضا کرده است. نظر شما چیست؟

▶ در این زمینه بحث‌های زیادی صورت گرفته است؛ کارشناسان متعددی به ارزیابی پرچام پرداخته‌اند و ضعف‌های آن را مشخص کرده‌اند و صحبت‌های تیم مذاکره‌کننده را هم فراموش نکرده‌ایم که خودشان هم اذعان کرده‌اند که پرچام ضعف‌هایی دارد. اما تاکید می‌کنم که در فضای فعلی مطرح کردن این موضوع که دولت باید عذرخواهی کند، درست نیست. مباحث را به جای اینکه در یک صحنه بیرونی، سوق دهد، به صحنه داخلی سوق خواهد داد.

باید مسائلی که مطرح می‌شود، متوجه بدعهدی آمریکا و اینکه آنها در هیچ موضوعی قابل اعتماد نیستند تبیین شود و نیاپستی دعوای داخلی را دامن بزیم؛ نباید جلوی شناخت جوانان را گرفت. در شرایط کنونی باید متحد در کنار یکدیگر حرکت کنیم تا از یک سو بتوانیم فشارهای آمریکایی‌ها را خنثی کنیم و از سوی دیگر اجازه بدهمیم به افکار عمومی در داخل که بیرون را ببینند، نه اینکه در دعوای داخلی و یک منازعه سیاسی بیجا، متوقف شویم. الان باید در خصوص این موضوع بحث کنیم که چه مکانیزمی بر جهان حاکم است که غربی‌ها به راحتی، هر کاری که دل‌شان می‌خواهد انجام می‌دهند. هر بازی‌ای که می‌خواهند بر سر ملت‌ها درمی‌آورند. بگذاریم جوانان چهره واقعی غرب را ببینند. در چنین شرایطی است که چهره واقعی غرب را که هیچ ارزشی برای بشر قائل نیستند و برای منافع نامشروع خود حاضرند همه اصول انسانی را زیر پا بگذارند، می‌بینند.



اروپا؛ تعهد به جای تضمین

تور برجامی ظریف چه حاصلی داشت

هدف تعمیق بخشند،
-به طور ویژه متعهد شدند که مباحث کارشناسی
فشرده ای را با ایران در خصوص مسائل زیر، با هدف
رسیدن به راه حل های عملی [طرف مدت چند هفته
آینده] آغاز نمایند:

حفظ و تعمیق روابط اقتصادی با ایران، تداوم فروش
نفت، گاز، میعانات گازی و فرآورده های نفتی و پتروشیمی
ایران و تعاملات مالی مربوطه، تعاملات موثر بانکی با
ایران، ادامه روابط حمل و نقل موثر دریایی، زمینی و
هوایی و خط آهن با ایران، تامین بیشتر اعتبارات صادراتی
اتحادیه اروپا و ایجاد مسیرهای ویژه در حوزه های مالی،
بانکی، بیمه ای و تجاری با هدف تسهیل همکاری های
اقتصادی و مالی شامل ارائه حمایت های عملی از تجارت
و سرمایه گذاری، تکمیل و اجرای بیشتر یادداشت تفاهم
و قراردادهای منعقد شده بین شرکت های اروپایی و طرف های
ایرانی، سرمایه گذاری بیشتر در ایران، حمایت از فعالان
اقتصادی اتحادیه اروپا و تامین فضای اطمینان بخش
حقوقی، ایجاد هر چه بیشتر فضای شفاف و قانونمند
اقتصادی.

یک بار دیگر عزم و اراده خود را برای اجرای برجام
در تمامی بخش های آن همراه با حسن نیت و در فضایی
سازنده مورد تاکید قرار داده و موافقت کردند به مشورت های
فشرده خود در تمامی سطوح و با سایر اعضای برجام
ادامه دهند.

بدون شک، اینها تعهداتی هستند که اتحادیه اروپا
مطابق سند توافق هسته ای از ابتدا باید نسبت به آنها
پایبندی می خذد. با این حال طی دو سال اخیر شاهد
این موضوع (پایبندی کامل اعضای غربی ۵+۱ بر برجام)
نبوده است. نکته مهم تر اینکه "بیانیه بروکسل"، صرفا
یادآوری تعهدات برجام محسوب شده و یک نقشه راه
را ترسیم کرده است. به عبارت بهتر، نمی توان از بیانیه
بروکسل به عنوان یک "تضمین" یاد کرد، بلکه این بیانیه
صرفا تکرار تعهدات طرف اروپایی در برجام است. بدون
شک طرف اروپایی تا دادن تضمین های عینی، ملموس و
قابل سنجش در خصوص حفظ برجام فاصله زیادی دارد.
انگلا مرکل صدر اعظم آلمان نیز در اظهاراتی
به خروج یکجانبه آمریکا از برجام واکنش نشان داد.
صدر اعظم آلمان در این باره گفت: کشورهای اروپایی
در روابط خود با آمریکا در ارتباط با خروج این کشور از
برجام اختلاف نظرهایی شده اند. وی در سخنانی در
مجمع اتحادیه تجاری آلمان (DGB) در این خصوص
گفت: این موضوعی مهم برای برلین تلقی می شود.
این در حالیست که وی پیشتر در سخنانی توافق
هسته ای سال ۲۰۱۵ میان کشورهای ۵+۱ با ایران را
برای برلین حائز اهمیت دانسته و از تلاش کشورش
برای پیدا کردن راهی در حل و فصل موضوعات اخیر
در این باره خبر داده بود.

آن صورت هم هنوز اروپایی ها تصمیم نگرفته اند که تا چه
در تقابل و دشمنی با ترامپ پیش خواهند رفت.»

از دیدارهای سازنده تا اخبار نگران کننده

منابع خبری در اروپا از دیدارهای سازنده مقامات قاره
سبز با وزیر امور خارجه کشورمان خبر می دهند. «سارینا
بلوسی»، سخنگوی «فدریکا موگروینی»، مسئول سیاست
خارجی اتحادیه اروپا گفت وگویی «موگروینی» با «محمد
جواد ظریف»، وزیر خارجه ایران در بروکسل را «بسیار
سازنده» توصیف کرد. «بلوسی» با انتشار عکسی از دیدار
«موگروینی» و «ظریف» در توئیترش نوشت: «نشستی
بسیار سازنده با وزیر خارجه ایران، محمد جواد ظریف. ما با
همکاری فرانسه، آلمان، انگلیس و اعضای اتحادیه اروپا
در تلاش برای یافتن راه هایی جهت محافظت از توافق و
سرمایه گذاری های اتحادیه اروپا هستیم. نشست اخیر
را برای اولین گفت وگو درباره تدابیر لازم برگزار کردیم.»
با این حال، همچنان دغدغه های زیادی در
خصوص "تصمیم نهایی اروپا" و "اقدام عملی قاره سبز"
در مواجهه با تحریم دوباره شرکت های اروپایی از سوی
آمریکا وجود دارد. بسیاری از کارشناسان اروپایی معتقدند
که حتی استناد اروپا به قانون توجیب شده در پارلمان اروپا
در قبال تحریم های کوبا (در سال ۱۹۹۶) در عمل کارساز
نخواهد بود. اکثر تحلیلگران مسائل اقتصادی معتقدند
که با توجه به وزن شرکتهای خصوصی در اروپا و غلبه
آنها بر شرکتهای دولتی، عملا ترویجی اروپایی قدرت
تاثیر گذاری و امر و نهی به شرکتهای خود جهت تجارت با
ایران را ندارند. نکته جالب توجه اینکه طی دو سال اخیر
و در جریان اجرایی شدن توافق هسته ای نیز شاهد این
موضوع بودیم.

رزم گشایی از بیانیه بروکسل: تعهد به جای تضمین

نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور امنیتی و سیاست
خارجی و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران،
فرانسه، آلمان و انگلیس در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۷
در بروکسل دیدار کردند. شرکت کنندگان در این نشست:
تعهد خود در اجرای کامل و موثر برجام را که به اتفاق
آراء توسط قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به عنوان عنصری
کلیدی در ساختار نظام عدم اشاعه هسته ای جهانی و
یک دستاورد دیپلماتیک قابل توجه مورد تاکید قرار گرفته
است، یادآوری کردند؛
-با اظهار تاسف از خروج آمریکا از برجام، بر اینکه رفع
تحریم های مرتبط هسته ای و عادی سازی تجارت و روابط
اقتصادی با ایران بخش های اساسی توافق [برجام] را
تشکیل می دهد، صحنه گذارند. آنها [همچنین] بر تعهد
خود به ایجاد اطمینان نسبت به ادامه تحقق اهداف تاکید
کرده و موافقت کردند که گفتگوهای خود را در راستای این

اشاره: طی یک هفته اخیر، دیدارهای فشرده ای میان
مقامات وزارت امور خارجه کشورمان و اعضای ۵+۱ (به
غیر از آمریکا) در خصوص نحوه و چگونگی حفظ توافق
هسته ای صورت گرفته است. در این معاهده، سوالات،
نکات و سیگنالهایی وجود دارد که نمی توان به سادگی از
کنار آنها گذشت:

دغدغه ای به نام معافیت تحریمی ایران

ترویجی اروپایی رسماً اعلام کرده اند که یکی از
اصلی ترین دغدغه های آنها، تمرکز بر چگونگی مواجهه
با تحریم های ثانویه ایالات متحده آمریکا و استفاده
شرکتهای اروپایی از معافیت تحریمی می باشد. "سوال
اصلی اینجاست که آیا ایالات متحده آمریکا با معافیت
تحریمی شرکتهای اروپایی در این خصوص موافقت
خواهد کرد؟ تا کنون مقامات دولت آمریکا صراحتاً اعلام
کرده اند که هر شرکتی (اعم از اروپایی و غیر اروپایی) که
دست به معامله اقتصادی با ایران زده و در صدد دور زدن
تحریم های ثانویه وضع شده از سوی واشنگتن باشد، از
سوی وزارت خزانه داری آمریکا به شدت جریمه و تحریم
خواهد شد. مایک پمپئو و جان بولتون نیز اعلام کرده اند
که ترامپ این مسیر را تا انتها (اعمال تحریم های سخت
علیه شرکتهایی که با ایران قصد تجارت دارند) ادامه می
دهد. روزنامه «واشنگتن پست» در گزارشی با عنوان
«متحدان (اروپایی) درباره خروج ترامپ از توافق ایران
عصبانی هستند، اما گزینه های معدودی برای پاسخ
دادن دارند»، نوشته است اروپایی ها با وجود حمایت از
توافق هسته ای، ابزارهای زیادی برای حمایت از این
توافق ندارند. طبق گزارش این رسانه آمریکایی، با توجه به
اینکه واشنگتن به اروپایی ها گفته، هیچ معافیتی در قبال
تحریم های ایران در کار نخواهد بود، گزینه های معدودی
برای اروپا به منظور پاسخ دادن به خروج دونالد ترامپ از
برجام وجود دارد.

این روزنامه نوشته است: «بریتانیا، فرانسه و آلمان،
سه تن از نزدیکترین دوستان آمریکا از شدت عصبانیت
در آستانه انفجار هستند. رهبران این سه کشور طی هفته
گذشته و در دیدارها و تماس های تلفنی پر سراسیمه بین
خودشان، تلاش کرده اند که مشخص کنند، درباره خروج
رئیس جمهور، "دونالد ترامپ" از توافق هسته ای با ایران و
طرح های پیش برای اعمال تحریم ها علیه شرکتهایی که با
ایران به تعامل ادامه می دهند، چه کاری می توانند بکنند.
جواب این است که آنها نگرانند که نتوانند کار چندانی
انجام دهند.»

واشنگتن پست با بیان اینکه ممکن است اروپایی ها
نهایتاً با وجود دلخوری از مواضع خود عقب نشینی کنند،
نوشته است: «آن ها شاید خواهان معافیت در قبال
تحریم هایی شوند که دولت (ترامپ) می گوید علیه هر
شرکت اروپایی که هم با ایران و هم با آمریکا تعامل دارد،
اعمال خواهد کرد، اما به آنها با شفافیت متواضعانه ای
گفته شده که هیچ معافیت و استثنایی در کار نخواهد
بود.»

این گزارش می افزاید: «آن ها (ترویجی اروپایی)
می توانند دنبال روش های دیگری از قبیل گسترش و
تمدید تضمین های تامین مالی و دیگر تضمین ها درباره
سرمایه گذاری اروپایی در ایران برای حفظ کردن توافق
باشند، اما این مکانیسم ها حتی اگر موثر باشند، که البته
دلیل کمی وجود دارد که معتقد باشیم چنین خواهد شد، در

حفظ و تعمیق روابط اقتصادی با ایران، تداوم فروش نفت، گاز، میعانات گازی و فرآورده های نفتی و
پتروشیمی ایران و تعاملات مالی مربوطه، تعاملات موثر بانکی با ایران، ادامه روابط حمل و نقل موثر دریایی، زمینی
و هوایی و خط آهن با ایران، تامین بیشتر اعتبارات صادراتی اتحادیه اروپا و ایجاد مسیرهای ویژه در حوزه های
مالی، بانکی، بیمه ای و تجاری با هدف تسهیل همکاری های اقتصادی و مالی شامل ارائه حمایت های عملی از
تجارت و سرمایه گذاری، تکمیل و اجرای بیشتر یادداشت تفاهم و قراردادهای منعقد شده بین شرکت های اروپایی و
طرف های ایرانی، سرمایه گذاری بیشتر در ایران، حمایت از فعالان اقتصادی اتحادیه اروپا و تامین فضای اطمینان
بخش حقوقی، ایجاد هر چه بیشتر فضای شفاف و قانونمند اقتصادی

معمای شرق

چرا تور برجامی ظریف از شرق شروع شد؟

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان تور برجامی خود (برای مذاکره در خصوص سرنوشت توافق هسته‌ای) را از پکن آغاز کرد. وی سپس راهی مسکو و متعاقباً راهی بروکسل شد. بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل، آغاز مذاکرات هسته‌ای مجدد ایران و اعضای باقیمانده در برجام را از کشور چین دارای پیامی مهم ارزیابی کرده و آن را نشانه‌ای دل‌بر اهمیت نوع بازی دو کشور چین و روسیه در شرایط فعلی قلمداد می‌کنند. ظریف در دیدار با وانگ ایی، وزیر امور خارجه چین در پکن و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در مسکو، به رایزنی در خصوص نحوه مواجهه با تحولات جاری در خصوص برجام و سرنوشت توافق هسته‌ای پرداخت. مذاکراتی که در مجموع از دید مقامات وزارت امور خارجه کشورمان امیدوارکننده و مفید بوده است.

تاکید پکن بر حراست از منافع برجامی ایران

وزیر خارجه چین گسترش روابط دو کشور و حراست از منافع راهبردی ایران را مهم دانسته است. وانگ ایی، وزیر خارجه چین که با همتای ایرانی‌اش در پکن دیدار کرد، گفت: «ایران یک شریک راهبردی برای چین است.» وزیر خارجه چین تأکید کرده است که کشورش شرایط ایران و تصمیماتی را که تهران گرفته است، کاملاً درک می‌کند. چنانچه رسانه‌های چینی اعلام کرده‌اند، او در اظهاراتی کم‌سابقه به دنبال نقض برجام از سوی ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا گفت که چین از منافع ملی ایران حراست و از صلح و ثبات منطقه به‌طور جدی و فعالانه حفاظت می‌کند. رسانه‌های گروهی چین از جمله تلویزیون مرکزی، روزنامه ارگانی گلوبال تایمز و خبرگزاری شینهوا این بخش از سخنان وزیر خارجه چین را بسیار مهم دانسته‌اند. گزارش‌ها حاکی است که این سخنان نشان می‌دهد که چین به‌شدت از اقدام ترامپ رویگردان است و وزیر خارجه این کشور نیز بار دیگر بر حراست از برجام با این اظهارات تأکید ورزیده است. دیپلمات ارشد چین می‌گوید که چین از توافقات و اسناد بین‌المللی که برجام یکی از آنهاست و اثر مهمی در جلوگیری از تنش و پیشبرد صلح و ثبات در خاورمیانه دارد، حفاظت و حمایت می‌کند. وزیر خارجه چین تصریح کرده که کشورش برای حصول توافق سال ۲۰۱۵ میلادی تلاش بسیار زیادی کرده است و به آن متعهد خواهد بود. تازمانی انگلیش نیز چین نوشته که نقض برجام از سوی آمریکا بازتاب بسیار منفی در چین، روسیه و اروپا داشته و طرف‌های دیگر این توافق را به‌شدت خشمگین و نگران کرده است.

روایت ظریف از دیدار با طرف چینی

وزیر امور خارجه ایران پیش از ترک پکن به مقصد مسکو با اشاره به نشست سه‌ساعته خود با وزیر امور خارجه چین اظهار کرد: «مذاکرات با طرف چینی بسیار دوستانه، مثبت و سازنده بود.» محمدجواد ظریف در فرودگاه پکن و در جمع خبرنگاران ایرانی افزود: «با طرف چینی توافق کردیم در روزها و هفته‌های آینده همکاری‌های نزدیکی برای رسیدن به روش‌های عینی تضمین منافع ایران و

بین‌المللی تحقیقات صلح است که هم گفت: «حتی ممکن است چین با ارائه کانال‌های مالی جایگزین برای تجارت با ایران، به اتحادیه اروپا برای دورزدن تحریم‌های آمریکا کمک کند.»

حمایت از برجام منهای آمریکا

وزیر امور خارجه کشورمان پس از پکن، راهی مسکو شد تا دیدار فشرده‌ای را با سرگئی لاوروف، همتای روسی خود در خصوص برجام و سرنوشت توافق هسته‌ای داشته باشد. محمدجواد ظریف در دیدار با همتای روس خود با تأکید بر اینکه منافع ایران باید در توافق هسته‌ای (برجام) تأمین شود، مواضع روسیه را در مورد برجام امیدبخش خواند و ابراز امیدواری کرد که درباره جزئیات و نحوه همکاری ۱+۴ گفت‌وگو کند. ظریف در دیدار با سرگئی لاوروف در مسکو با بیان این مطلب افزود: «مشاهده می‌کنیم که مخالفت با مقررات بین‌المللی و توافق‌های جهانی به یک عادت برای آمریکا تبدیل شده است.»

وزیر امور خارجه ایران با اشاره به اینکه بعد از خروج رسمی آمریکا از برجام، تصمیم گرفته شد فرصتی به دیپلماسی داده شود، ادامه داد: «برجام بر اساس موازنه منافع طرف‌های ایرانی، اروپایی و آمریکا استوار شده است و در شرایط جدید باید دید چگونه می‌توان منافع مردم ایران را تأمین کرد.» وی افزود: «هدف از این دیدارها این است که اطمینان بیاوریم منافع ملت ایران در برجام تأمین می‌شود.»

لاوروف از تلاش برای حفظ برجام می‌گوید

لاوروف نیز در این دیدار تصریح کرد که خودداری از هرگونه تهدید علیه نظام عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای حائز اهمیت است. وزیر خارجه روسیه در ابتدای نشست خطاب به ظریف گفت: «ما می‌دانیم که قصد دارید با امضاکنندگان برجام به جز آمریکا وارد گفت‌وگو شوید.» وی ادامه داد: «متأسفانه بار دیگر ما شاهدیم که واشنگتن به دنبال بازنگری در توافقات کلیدی بین‌المللی است. بنابراین امروز انتظار می‌رود تا بررسی کنیم چطور چین، روسیه، ایران و اتحادیه اروپا می‌توانند از ابزارهای کنونی برای جلوگیری از این سند مهم و بی‌ثباتی اوضاع در منطقه استفاده کنند.» وی شرایط حول محور برجام را بحرانی توصیف کرد و گفت: «ما امکان نشست در مسکو و تبادل نظر درباره موضوعات برجام را تأمین می‌کنیم و صادقانه می‌گوییم که اوضاع موجود (در خصوص برجام) یک بحران است. ایران قصد دارد درباره گام‌های مشترک برای حفظ برجام گفت‌وگو کند. می‌خواهیم بررسی کنیم که چطور با یکدیگر و به همراه اتحادیه اروپا و چین می‌توانیم از خارج شدن برجام از مسیر اصلی، اوضاع منطقه و نظام عدم اشاعه (تسلیحات هسته‌ای) جلوگیری کنیم.»

وی ادامه داد که روسیه و شماری از کشورهای دیگر، منافع قانونی و مشروع در برجام دارند و باید از این منافع مشترک دفاع شود. لاوروف این‌گونه توضیح داد: «ما تماس‌های برنامه‌ریزی شده‌ای با تمامی طرفین توافق جز آمریکا که خروج از توافق (هسته‌ای) را اعلام کرد، داشته‌ایم.» وی ادامه داد: «تا جایی که اطلاع داریم، تروئیکای اروپایی، چین، ایران و روسیه، طرح‌های خود برای پایبندی به برجام را اعلام کرده‌اند و ما تمایل داریم به‌طور مفصل درباره طرح‌های شما (ایران) و گام‌های مشترک مان بحث کنیم.» لاوروف ادامه داد: «من کاملاً درک می‌کنم که ایران به حفظ منافع قانونی خود تمایل دارد. تمایل دارم تصریح کنم که روسیه و دیگر طرفین توافق، منافع قانونی خود را در این توافق دارند و به همین دلیل باید برای حفظ منافع قانونی خود همکاری کنیم.»

چین به‌عنوان کشورهای عضو گروه ۱+۵ منهای ۱ داشته باشیم.» او با اشاره به اینکه این مذاکرات می‌تواند نقش موثری در تقویت اجماع جهانی برای حفظ برجام داشته باشد گفت: «در طرف ایران و چین به‌عنوان دو شریک باسابقه، اصرار دارند که روابط گسترده‌تر شود.» وزیر امور خارجه ایران در ادامه مصاحبه خود با خبرنگاران ایرانی در پکن افزود: «ایران و چین درباره برجام موضع مشترکی دارند و آن حفظ برجام با رعایت منافع ایران است.» وی درباره کاهش خرید نفت از ایران نیز گفت: «معتقدیم کشورهای عضو برجام اجازه نمی‌دهند آمریکا در امورشان دخالت کند.»

اسپو تنیک از نقش چین در حفظ برجام می‌گوید

خبرگزاری اسپو تنیک، پیرو سفر وزیر امور خارجه کشورمان به پکن، گزارش قابل‌تاملی را در خصوص نقش چین در حفظ برجام منتشر کرده است. ایرینا فیودورووا، یک کارشناس مسائل ایران در موسسه مطالعات شرق در مسکو گفت: «تضمین واشنگتن به خروج از توافق با ایران، قدرت چین در ایران را تقویت کرده است و به‌صورت همزمان وابستگی تهران به سرمایه‌گذاری و فناوری چین را افزایش داده است.» وی افزود: «چین همیشه راهی برای دورزدن اکثر تحریم‌های تضعیف‌کننده غرب علیه ایران یافته است و درحالی‌که باقی کشورهای تجارت با این کشور سربازمی‌زنند و در برابر فشار آمریکا سر خم می‌کنند، تجربیات خوبی در ایجاد روابط با کشورهای اروپا، آمریکای لاتین و شمالی دارد. این بدان معناست که چین شرکت‌هایی ایجاد می‌کند که در داخل ایران فعالیت و با ایرانی‌ها کار خواهند کرد و در برابر تحریم‌های آمریکا مصون خواهند بود.» وی اضافه کرد: «حتی اگر ایرانی‌ها احتمالاً از وابستگی بیش از حد به چین خوشحال نباشند اما مبادلات تجاری دوجانبه دو کشور اکنون در نزدیکی ۶۰ میلیارد دلار است و آنها انتخاب دیگری ندارند.» برخی تحلیلگران معتقدند که اگر چین و اتحادیه اروپا در مورد تحریم‌های آمریکا علیه ایران گفت‌وگو کنند و راه‌های قانونی و اقتصادی برای مقاومت کردن بیابند، می‌توانند یک پیام روشن سیاسی به واشنگتن بفرستند. تاتی آراستو، محقق خلع سلاح و عدم اشاعه هسته‌ای در موسسه





وعده پر در دسر

دلایل پشت پرده تصمیم ترامپ برای خروج از برجام

علی محمدی

روزنامه‌نگار

در دوچرخه‌سواری در دوران مذاکرات هسته‌ای اشاره کرد. این در حالی است که برخی اخبار منتشره در هفته‌های گذشته از تلاش‌های جان کری برای حفظ توافق هسته‌ای خبر می‌دادند.

رئیس‌جمهور آمریکا در پیامی اعلام کرد که جان کری نمی‌خواهد این واقعیت را بپذیرد که او فرصتی داشت و اکنون آن را از دست داده است. ترامپ گفته بود: «جان از مذاکرات فاصله بگیر. تو به کشورت ضربه می‌زنی.» بنابراین ترامپ از زمان حضور در کاخ سفید هدفی برای این بین‌بردن دستاوردهای امضا شده توسط جانشینش اتخاذ کرده است. بعد از گذشت یک هفته از مراسم تحلیف دونالد ترامپ و حضورش در کاخ سفید، آمریکا از پیمان تجاری ترانس پاسیفیک بیرون آمد. در ماه ژوئن او اعلام کرد که قصد دارد از توافق تغییرات اقلیمی پاریس نیز خارج شود. همچنین او حمایت‌های انجام شده در دوران او با ما از برخی مهاجران را کنار گذاشت. از سوی دیگر او و جمهوریخواهان در کنگره خدمات درمانی او با ما را کنار گذاشتند و در ادامه ترامپ بار دیگر تحریم‌ها و محدودیت‌ها را علیه کوبا اعمال کرد.

شان دیویس در یک وب‌سایت محافظه‌کار به نام «د فدرالیست» نوشت: «پس از مرگ توافق پاریس، توافق هسته‌ای ایران دچار کم‌شد. او با ما که از بین رفت. در حال حاضر تنها میراث واقعی باراک او با ما ریاست جمهوری دونالد ترامپ است و به نظر می‌رسد این همان چیزی است که دونالد ترامپ می‌خواهد.»

چرخش به سمت نتانیاهو

زمانی که ترامپ در روزهای ابتدایی کمپین انتخاباتی برای حضور در ریاست جمهوری قرار داشت، وی مانند امروز و تا بدین حد منتقد توافق هسته‌ای نبود. او در حالی که تصور می‌کرد این توافق اشتباه بوده و مذاکرات به خوبی پیش نرفته است اما پیشنهاد داد ممکن است وی تعهدات آمریکا را حفظ کند. این در حالی است که تغییر رویکرد او به سمت دیدگاه‌های کاملاً ضد توافق هسته‌ای ایران به دلیل حمایت‌های بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از ترامپ بود.

ترامپ در یک کمپین انتخاباتی در فوریه سال ۲۰۱۶ گفت: «این مساله کمکی نمی‌کند اگر من شروع کنم و بگویم که بسیار طرفدار اسرائیل هستم.» این اظهارات بسیار مورد انتقاد تند کروزر و باب کورکر قرار گرفت.

اما پس از گذشت چند روز ترامپ به مخاطبانانش در کنفرانس سالانه کمیته امور اسرائیل اعلام کرد: «اولین اولویت، منحل کردن توافق فاجعه‌آمیز ایران است.» ترامپ در ادامه این کشور پرزاده که دلیل ناکامی این توافق این است که کشور بی‌ثبات کننده در منطقه را مهار نکرده و همچنان این کشور برنامه موشکی بالستیک خود را توسعه می‌دهد. از زمانی که ترامپ رئیس‌جمهور شده است، او روند انتقال سفارت آمریکا به قدس، اعمال تحریم‌های جدید علیه فلسطینیان، محکومیت دولت ایران و اکنون خروج از توافق هسته‌ای را انجام داد که همگی خواسته و مطلوب بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل است.

در همین راستا بنیامین نتانیاهو در مراسم گشایش سفارت واشنگتن در قدس با بیان اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با این اقدامات تاریخ می‌آفریند، گفت: «من از رئیس‌جمهور ترامپ برای تصمیمش در مقابله با ایران تشکر و قدردانی می‌کنم.»

نتانیاهو از معدود افرادی در جهان بود که از این اقدام رئیس‌جمهور آمریکا استقبال و ابراز خرسندی کرد.

نتانیاهو با متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم ادعای می‌کند که خروج آمریکا از توافق هسته‌ای به این معنی است که بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان دیگر قادر نخواهد بود به تسلیحات هسته‌ای دست یابد.

دیگر طرف‌های توافق هسته‌ای یعنی انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و چین به رغم خروج آمریکا بر ادامه پایداری خود به توافق هسته‌ای تاکید کرده‌اند.

چهره‌های جدید در اتاق

ترامپ چندبار تاکنون خواسته است که از توافق هسته‌ای ایران خارج شود. وی بارها از سوی مشاوران ارشد خود در دولتش از جمله رگس تیلرسون، وزیر امور خارجه پیشین، مک‌استر، مشاور پیشین امنیت ملی و جیمز ماتیس، وزیر دفاع کنونی از تصمیمش منصرف شده بود. ماتیس اکنون تنها حامی باقی ماندن آمریکا در برجام است که در دولت ترامپ باقی مانده و حضور وی نیز در سطح هشدار قرار گرفته است. در حال حاضر مایک پمپئو، جای تیلرسون و جان بوتون جای مک‌استر را گرفته‌اند که هر دوی آنها ایران را به عنوان دشمن می‌نگرند و عامل بی‌ثبات کننده در منطقه می‌دانند. در واقع در حال حاضر ترامپ تیم سیاست خارجی خود را به شکلی چیده است که همگی در یک صف قرار دارند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا همواره از آغاز کمپین انتخاباتی اش در سال ۲۰۱۶ اعلام کرده بود که از توافق هسته‌ای ایران خارج می‌شود و این مساله یک مساله بزرگ برای رای دهندگان نبود؛ اما چرا وی از این توافق اکنون و در چنین شرایطی خارج شد؟ این اقدام در طول ماه‌های گذشته بارها در اخبار و در گوشه و کنار شنیده شده بود. در همین راستا متحدان آمریکا و حامیان داخلی تمام تلاش خود را انجام دادند تا وضعیت موجود در توافق هسته‌ای را حفظ کنند اما رئیس‌جمهور آمریکا قانع نشد. ترامپ پس از خروج از این توافق در سخنرانی خود اعلام کرد که او مذاکرات جدیدی را آغاز می‌کند.

وی با اشاره به مذاکرات سال ۲۰۱۵ میان ایران و گروه ۵+۱ اعلام کرد توافق سازنده در آن زمان به راحتی قابل دستیابی بود اما این کار انجام نشد.

اکنون رئیس‌جمهور آمریکا این فرصت را دارد که نشان دهد چگونه می‌تواند اقدام بهتری انجام دهد؛ اما چرا اکنون از توافق هسته‌ای ایران خارج شد؟

در حالی که خروج خود از این توافق را اعلام کرد که نظرسنجی‌های اخیر در آمریکا نشان می‌دادند بیشتر آمریکایی‌ها موافق ماندن در توافق هسته‌ای ایران بودند اما ترامپ با خروج از این توافق، یکی دیگر از وعده‌های انتخاباتی خود را عملی کرد.

در اینجا سه دلیل مطرح شده که چرا وی از توافق هسته‌ای نفرت داشته و از آن خارج شده است؟

نابودی میراث او با ما

ترامپ در برخی موارد، مخالفت خود را با توافق ایران در قالب بسیار شخصی قرار داد. در همین راستا او جان کری، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا را به عنوان یکی از معماران توافق هسته‌ای ایران به سرخه گرفت که در همین باره می‌توان به اظهارات ترامپ هنگام شکستن پای کری



ماکرون چگونه فریب خورد

متهم ردیف دوم لغو برجام کجاست؟

می کرد اما بازی عملی وی به گونه‌ای بود که قدرت مانور ترامپ را در مواجهه با برجام افزایش می‌داد. تکمیل پازل بازی ترامپ توسط کاخ الیزه، موضوعی بود که بسیاری از مخاطبان رفتارهای ماکرون نسبت به آن اذعان داشتند. هم‌اکنون ماکرون نتیجه بازی برجامی خود در زمین آمریکا را به بدترین شکل ممکن مشاهده می‌کند و بدون شک رئیس‌جمهور فرانسه پس از ترامپ متهم ردیف دوم نقض توافق هسته‌ای محسوب می‌شود. نکته قابل تامل اینکه؛ ماکرون نه تنها به واسطه اصرار بر حق جمهوری اسلامی ایران مبنی بر معامله و مذاکره ناپذیر بودن توان موشکی و برنامه‌های منطقه‌ای کشورمان نتوانست به هدف از پیش تعیین شده خود دست یابد، که حتی در اقناع دیگر اعضای اتحادیه اروپا مانند ایتالیا، اسپانیا و اتریش در تقابل با تهران ناکام ماند.

۴- ماکرون هم‌اکنون از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به شدت ناراحت است. رئیس‌جمهور فرانسه به‌رغم عمل به همه تعهدات خود در قبال برجام (تعهداتی که به ترامپ داده بود) پس از مدتی متوجه شد که رئیس‌جمهور آمریکا فارغ از آن چیزی که در معاملات دیپلمات‌ها و کارشناسان غربی می‌گذرد، تصمیم خود را برای خروج ایالات متحده از برجام گرفته بود. هم‌اکنون ماکرون نه تنها از بازی مستقیم خود در زمین ایالات متحده آمریکا سودی به دست نیاورده، بلکه شاهد از بین رفتن اعتبار کاخ الیزه در نظام بین‌الملل است. انتصاب افرادی مانند مایک پمپئو و جان بولتون، نشان داد که رئیس‌جمهور آمریکا حتی برای بازی برجامی فرانسوی‌ها در زمین خود نیز ارزشی قائل نبوده است. این موضوع، فشار روانی و سیاسی زیادی را به ماکرون آورده است. در آخرین گام، رئیس‌جمهور فرانسه با سفر به ایالات متحده آمریکا و دیدار با دونالد ترامپ، سعی کرد وی را از تصمیمی که بابت خروج از برجام گرفته بود منصرف کند و حتی او بار دیگر به ترامپ تعهد داد که نهایت فشارهای غیرقانونی را به ایران جهت پذیرش خواسته‌های چهارگانه آمریکا وارد خواهد ساخت. با این حال، ترامپ از مدت‌ها قبل تصمیم خود را در قبال توافق هسته‌ای اتخاذ کرده بود و در این میان، صرفاً به ماکرون و دیگر سیاستمداران اروپایی نگاهی ابزارگرایانه در مسیر رسیدن به اهداف خود داشته است. در هر حال، ناراحتی ماکرون از ترامپ کمترین ارزشی نزد ملت ایران ندارد. وی باید بابت بازی در زمین آمریکا و فراتر از آن، به عنوان متهم ردیف دوم نقض برجام به نظام بین‌الملل پاسخگو باشد.

هسته‌ای با ایران تاکید می‌کرد و از سوی دیگر، موافق گنجانده شدن هر چهار شرط پیشنهادی ترامپ در قالب توافق الحاقی یا ثانویه بود. در جریان دیدارهای نتانیاهو با مرکل و ماکرون در حاشیه اجلاس داووس نیز این موضوع کاملاً به چشم خورد. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در این دیدارها در کسوت یک «کشگر» و «بازخواست‌کننده» و تروئیکای اروپایی در این معادله مانند بازیگرانی منفعل و پاسخگو برخورد کردند. به عبارت بهتر، ماکرون نه تنها به ترامپ، بلکه به نتانیاهو نیز تضمین بود که نگرانی‌های تل‌آویو و واشنگتن در قبال برجام را حل و فصل کند، حتی اگر این موضوع به قیمت «اعمال فشار مضاعف به ایران» تمام شود.

۲- صورت مساله در قبال ماکرون و بازی وقیحانه وی در قبال برجام کاملاً محرز و مشخص است. در آگوست سال ۲۰۱۷ میلادی، رئیس‌جمهور فرانسه در سخنانی جنجالی ادعا کرد که می‌توان بر سر موضوعاتی مانند توان موشکی ایران و اعمال محدودیت‌های زمانی در برجام با ایران وارد مذاکره دوباره شد. این اظهارات در حالی صورت گرفت که ماکرون خود نیز به خوبی نسبت به غیرمنطقی بودن درخواست خود واقف بود. با این حال، همان‌گونه که اشاره شد اظهارات ماکرون اساساً نظر شخصی وی نبود، بلکه این اظهارات محصول معامله روسای جمهور ایالات متحده و فرانسه بود که بر اساس آن، او به دونالد ترامپ تعهد داده بود که نهایت تلاش خود را در سال ۲۰۱۷ میلادی بر سر تحدید موشکی ایران صورت دهد. اگرچه دو کشور آلمان و انگلیس نیز در این خصوص آمادگی کامل خود را به مقامات آمریکایی اعلام کردند اما نمی‌توان نقش پررنگ‌تر ماکرون را در این خصوص نادیده انگاشت.

۳- رئیس‌جمهور فرانسه به ترامپ تعهد داده بود که تمامی اقدامات لازم را برای اتخاذ رویکرد هماهنگ تروئیکای اروپایی و دیگر اعضای اتحادیه اروپا در مواجهه برجامی جدید با ایران انجام دهد. اگرچه رئیس‌جمهور فرانسه بارها در ظاهر بر لزوم حفظ توافق هسته‌ای تاکید



محمد قادری

سرمدیبر روزنامه تهران تایمز

بدون شک باید از امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به عنوان متهم ردیف دوم نقض توافق هسته‌ای یاد کرد.

اگرچه امروز بسیاری از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل، ترامپ را بابت خروج از توافق هسته‌ای با ایران مورد شتمات قرار می‌دهند، اما در این میان، ناراضی‌ترین رئیس‌جمهور فرانسه از کاخ سفید جنس دیگری دارد. در این خصوص نکاتی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت:

۱- امانوئل ماکرون، نخستین سیاستمدار اروپایی بود که به صورت رسمی به دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در خصوص «تغییر برجام» از طریق گنجاندن موضوع موشکی ایران و نامحدود کردن تعهدات هسته‌ای کشورمان تضمین داد. رئیس‌جمهور فرانسه تعهد داد که در این مسیر، نقش پیشگام را در میان تروئیکای اروپایی ایفا کند. اگرچه مقامات انگلیسی بر اساس روابط سنتی خود با آمریکا، ابایی از بازی مستقیم در زمین کاخ سفید نداشتند، اما آنها نیز پذیرفتند که ماکرون، حلقه اتصال کاخ سفید و تروئیکای اروپایی در مذاکرات «تغییر برجام» با آمریکا باشد. در گام بعدی، ماکرون در دیدارهای مخفیانه و مکرری که خود و وزیر امور خارجه اش «لودریان» با مقامات آلمانی داشتند، توانستند نظر مساعد آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان را نیز جهت «تغییر توافق هسته‌ای» جلب کنند. به‌طور کلی، هیچ‌گاه مقامات اروپایی در جایگاه یک «کشگر» در قبال توافق هسته‌ای ایفای نقش نکرده‌اند. آنها همواره در مقام یک «پاسخگو» صرفاً بر لزوم «حفظ توافق هسته‌ای» تاکید می‌کردند. از ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی تاکنون، این قاعده در کاخ الیزه نیز در جریان بوده است. ماکرون از یک سو بر حفظ توافق

دوراهی سرنوشت ساز

اروپا براساس منافعش تصمیم می‌گیرد



سعید شکوئی

کارشناس مسائل آمریکا

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا مشاوره و نصیحت مشاوران و مقامات ارشد خود در شورای امنیت ملی را نپذیرفت و به دنبال لابی صهیونیست‌ها و سعودی‌ها از برجام خارج شد. باید توجه داشت که برجام، توافقی میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده نیست، بلکه توافقی میان آمریکا، ایران و پنج کشور دیگر (آلمان، فرانسه، انگلیس، روسیه و چین) بود که با خروج ترامپ از آن، موجبات تنش میان آمریکا و متحدان اروپایی اش را به وجود آورد، البته باید گفت یکی از شعارهای اصلی دونالد ترامپ در مبارزات انتخابی در مورد برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام بود. به عقیده او، برجام به چند دلیل یکی از بدترین توافقنامه‌هایی بوده که ایالات متحده امضا کرده است. اولین دلیل بند غروب یا همان محدودیت زمانی است که ایران دارد و می‌تواند بعد از آن زمان دوباره فعالیت‌های هسته‌ای خود را بدون محدودیت از سرگیرد. از نظر رئیس کاخ سفید این محدودیت باید طولانی مدت باشد تا به زعم خود مانع دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای شوند. دلیل دیگر مساله موشکی ایران است که در مورد آن مذاکره‌ای صورت نگرفته است. نکته سوم هم بحث بازرسی از تاسیسات نظامی ایران است که در این توافق در مورد آن دسته از تاسیسات نظامی ایران که اجازه دسترسی و بازرسی از آنها داده نشده، صحبتی نشده است. تصور بر آن بود که ترامپ فشارهایی برای اصلاح این موارد وارد آورد یا محدودیت‌های دیگری ایجاد کند تا ضمن ماندن در برجام از موضع خود کوتاه نیاید. این در حالی است که بعد از به قدرت رسیدن ترامپ، لابی اسرائیلی-سعودی به خوبی توانستند از نفوذشان استفاده کرده و ترامپ را مجبور به بیرون آمدن از توافق کنند. لازم به ذکر است ترامپ هرآنچه میراث دولت او با ما بود را به طریقی کنار گذاشت. برجام نیز توافقی است که در زمان ریاست جمهوری سلف ترامپ، باراک اوباما به امضا رسید. از موارد دیگر می‌توان به رابطه با کوبا، مکزیک و معاهده آب و هوایی پاریس اشاره کرد که آنها هم توسط رئیس جمهور فعلی ایالات متحده ملغی گشت. به عقیده من اگر توافق برجام با همین چارچوب در دولت ترامپ نوشته می‌شد و نه تنها آن را امضا می‌کرد بلکه از توافق حاصله رضایت هم داشت. زیرا در پایان سخنرانی اش برای اعلام کناره‌گیری آمریکا از معاهده هسته‌ای به این موضوع اشاره کرد که ایالات متحده تمایل به مذاکره با ایران دارد. همچنین روز بعد در توثیقی در مصاحبه با خبرنگار سی‌بی‌سی بیان کرد که خواهان مذاکره با ایران است. بنابراین هدف کاخ سفید وارد کردن فشار بر ایران برای مذاکره مجدد با آمریکا است. اما این اقدام آنها تبعاتی را به همراه خواهد داشت. زیرا ایالات متحده آمریکا خصوصاً با رویکردی که ترامپ دنبال می‌کند، درصدد تثبیت رهبری دنیا بدون توجه به دیدگاه‌های اروپاییان و متحدان‌شان و همچنین بدون نظر داشتن چندجانبه‌گرایی است که باراک اوباما در پیش گرفته بود به

سیاست‌های واشنگتن در قبال ایران و برجام مخالف است اما نهایتاً به منافع ملی خودشان می‌اندیشند و بر آن اساس تصمیم‌گیری می‌کنند. پس وقتی آمریکا موکداً با برجام مخالفت می‌کند، اگر اروپا را بر سر دوراهی جانبداری از ایران یا آمریکا قرار دهد، انتخاب اروپاییان مشخص است. در این بین ایران باید بر اساس بندهای موجود در برجام عمل کند؛ به این معنا که باید به کمیسیون مشترک شکایت کند، جلساتی برگزار شود تا به طریقی حقانیت خود را اثبات کند که اگر معاهده نقض شد یا به خطر افتاد به دلیل عملکرد ایران نیست، بنابراین به لحاظ حقوقی بسیار مهم است که این روند را طی کنیم تا حقانیت خود را ثابت کرده و مقصر به جهان‌یان شناسانده نشود. از سوی دیگر ایران باید همچنان به مذاکرات خود با اروپاییان ادامه دهد اما باید جانب احتیاط را بگیریم چون ممکن است اروپا هم تسلیم خواست آمریکا شود. در واقع همان طور که پیش از این گفتیم هر کشوری به دنبال منافع ملی خود است. همچنان که روسیه نیز اخیراً بیان داشته می‌توان برجام را بدون واشنگتن ادامه داد اما تهران هم باید امتیازاتی دهد. فرانسه نیز همین نظر را دارد که برجام را در صورتی می‌توان داد که در حوزه منطقه و موشکی مذاکراتی صورت گیرد، بنابراین به عقیده من در سیاست بین الملل برای حفظ منافع ملی نباید درهای مذاکره را روی خود بست یا با موانعی مواجه شد که منافع کشور را به خطر اندازد. از سوی دیگر باید بحث‌های حقوقی برجام را به دقت پیگیری کنیم تا اعتبار و حقانیت ایران را حفظ کنیم و آن را به همگان نیز نشان دهیم. نکته دیگر اینکه در شرایط جدید و با توجه به مشکلات اقتصادی که در کشور وجود دارد، مردم تحت فشار قرار خواهند گرفت، پس باید برای اصلاح ساختار اقتصادی قدم برداریم. از سوی دیگر به دلیل اینکه مردم تحت فشار اقتصادی قرار دارند باید فشار را در دیگر حوزه‌ها از روی آنها برداشت و نگرانی‌های مردم را اندکی کاهش داد. در واقع از لحاظ روانی باید جامعه را تغذیه کرد و آزادی‌های فردی و اجتماعی را اندکی بیشتر کرد. زیرا در شرایط پیش رو ما به شدت نیازمند انسجام و وحدت ملی هستیم. این در شرایطی است که ملت ایران در برهه‌های زمانی مختلف حمایت خود را از نظام و کشور نشان داده‌اند، بنابراین برای حفظ این رویه و دستیابی به اهداف ملی کشور، باید موجبات رضایت مردم را بیش از پیش فراهم آورد تا سرمایه اجتماعی کشور تقویت شود.

نظر می‌رسد اگر ترامپ برای دوری ریاست جمهوری آمریکا هم انتخاب شود، در همین راستا حرکت کند چرا که شاید او بتواند جایگاه متزلزل آمریکا را به عنوان یکی از قدرت‌های برتر جهانی تثبیت کند. بعد از کناره‌گیری آمریکا از معاهده آب و هوایی پاریس، تنش‌ها بالا گرفت. فرانسه و دیگر متحدان اعلام کردند که با این کار اعتبار آمریکا از بین خواهد رفت اما دیدیم که در جریان حمله به سوریه، انگلیس و فرانسه، آمریکا را همراهی کردند و برخلاف گفته خودشان، ایالات متحده همچنان از اعتبار کافی نزد آنها برخوردار بود، بنابراین اگرچه ترامپ بسیاری از معاهده‌ها را زیر پا گذاشت و قراردادهای را نقض کرد، اما در واقع او در راستای اهداف ریاست جمهوری اش گام برمی‌دارد و وعده‌های کمپین انتخاباتی اش را به نوبت عملی می‌کند که آخرین آنها هم انتقال پایتخت رژیم صهیونیستی به قدس بود که اتفاق افتاد. از طرف دیگر بعد از جنگ سرد، فاصله‌ای عمیق میان ایالات متحده آمریکا و اروپا ایجاد شده است اما کشورها در نهایت بر اساس منافع ملی خود تصمیم می‌گیرند، بنابراین اگرچه اتحادیه اروپا با

۲۲

در سیاست بین الملل برای حفظ منافع ملی نباید درهای مذاکره را روی خود بست یا با موانعی مواجه شد که منافع کشور را به خطر اندازد. از سوی دیگر باید بحث‌های حقوقی برجام را به دقت پیگیری کنیم تا اعتبار و حقانیت ایران را حفظ کنیم و آن را به همگان نیز نشان دهیم

۲۲





مذاکره با آمریکا اشتباه است

رفتن پای میز مذاکره در شرایط فعلی موجب از بین رفتن منافع کشور می شود

سید محمد مرندی

استاد دانشگاه تهران



دونالد ترامپ که از دوران رقابت های انتخاباتی اش فریاد بیرون آمدن ایالات متحده آمریکا را از برجام سر داده بود، بعد از چند سری تهدید ایران و دست نیافتن به خواسته اش، بار دیگر پیمان شکنی کرد و از توافق برجام هم بیرون آمد. اگرچه رئیس جمهور پوپولیست ایالات متحده به وعده انتخاباتی اش عمل کرد اما این اقدام ایالات متحده موجب بی اعتمادی جامعه جهانی به آنها شد. درحقیقت ترامپ با زیر پا گذاشتن تعهدات پیشین از پیمان آب و هوایی پاریس گرفته تا برجام، به عدم اطمینان و تردید کشورهای دنیا به آمریکا دامن زد. اگرچه رئیس جمهور آمریکا تندترین دیپلماسی را در قبال ایران داشت اما او در زمینه تجارت با متحدین اروپایی خود و چین هم از اهرم فشار استفاده کرد، حتی تعهدات و توافقات قبلی آمریکا را به عنوان مثال با کره جنوبی زیر پا گذاشت. همچنین با وجودی که آمریکا از ابتدا یک امپراتوری داشت، عضو دائم شورای امنیت بود و حق وتو نیز داشت اما شخص ترامپ فراتر از این محدوده رفته و رفتار او بیشتر شبیه پدرخوانده شده است تا رئیس جمهور یک کشور. به همین خاطر من بر این باورم که او با خروج از برجام به دنبال دستیابی به توافقی جدید با ایران است تا به تصور خودش با استفاده از اهرم فشار خصوصا از جنبه اقتصادی، ملت و کشور را به زانو درآورد و از این طریق به اهداف و منافع خود دست یابد. به همین خاطر باید انسجام و وحدت داخلی و ملی بیشتر از گذشته باشد، مردم و مسئولان از ایجاد هر گونه تنش و تشنجی در داخل

این اقدام ایران، این حقیقت پررنگ تر و عیان می شود. دوما باید به اروپاییان فرصت داد گرچه اصلا نمی توان به این موضوع خوش بین بود، زیرا اروپا در برابر آمریکا بسیار ضعیف است. در سفرهای صدراعظم آلمان و رئیس جمهور فرانسه به آمریکا شاهد این مساله بودیم، خصوصا رفتار تحقیر آمیز ترامپ با امانوئل ماکرون مهر تاییدی بر این موضوع است. به همین خاطر ایران نباید از اروپا انتظار و امید داشته باشد.

در نهایت اگر با طمی همه این مراحل ایران در یابد که به اهداف و منافعش دست نمی یابد باید از برجام خارج شود و برنامه هسته ای را با سرعتی بیش از گذشته به پیش برانیم، بنابراین در موقعیت پیش رو ایرانیان باید انکسای بیشتری به اقتصاد داخلی داشته باشند و سیاست های عدالت اجتماعی و دوری از تجملات را دنبال کنند. از طرف دیگر با کشورهای مستقل که در معرض تهدیدات و تحریم های آمریکا قرار دارند مانند چین و روسیه وارد مذاکرات جدی و متفاوتی شویم.

در خصوص رویکرد روسیه و چین هم باید اذعان داشت که آنها هم قطعا به دنبال منافع خودشان هستند و نمی توان بیش از انتظار از آنها توقع داشت. اما در حالی که ایالات متحده آمریکا سالیان سال در تلاش بود که ایران را تسلیم خواسته ها و اهداف خود کند، برخی در داخل و شاید در راستای اهداف دولت ترامپ، درصددند چین هراسی و روسیه هراسی را ایجاد کنند. به هر جهت نمی توان از این واقعیت چشم پوشی کرد که امروز منافع مشترک چین و روسیه با ایران بسیار بیشتر از غرب است. به همین خاطر ایران باید وارد تعاملات بیشتر و جدی تری با چین و روسیه شود و این مساله را به آنها تفهیم کنیم که اگر آمریکا الان اهرم فشارش روی ایران است، بعد از این قطعا به سراغ چین و روسیه خواهد رفت. در نهایت باید گفت که سال پرتنشی در پیش خواهیم داشت اما با توجه به تحولات منطقه، ارتقای جایگاه ایران در کل منطقه، دگرگونی هایی که در سطح جهان در حال وقوع است و مشکلات داخلی ایالات متحده؛ اگر در ایران انسجام داخلی وجود داشته باشد، در مقابل هر نوع جریان نفاق ایستادگی کنیم و تبعیت از مقام معظم رهبری خصوصا در ماه های آینده بیش از پیش باشد، قطعا تحریم ها را از سر می گذرانیم.

کشور بپرهیزند تا این خیال باطل را که مردم از وضعیت داخلی کشور ناراضی هستند و به دنبال یک منجی خارج از مرزهای کشورهای هستند را از بین ببرند. زیرا به عقیده من آمریکا از یک سو بعد از انتخابات ۸۸ نهایت استفاده را از آشوب هایی که در داخل کشور ایجاد شده بود، کرد و تحریم های بسیار شدیدی را به بهانه های واهی علیه ایران وضع کرد. از سوی دیگر فشارهای برخی افراد و جریانات در دوران مذاکرات هسته ای برای امتیاز دادن به آمریکا و رسیدن سریع به توافق موجب تضعیف مذاکره کنندگان ایرانی با طرف آمریکایی شد. بر اساس همین رویکرد رهبران کاخ سفید امروز بر این باورند که ایران متزلزل است و آنها می توانند با اعمال فشار و به خیال خودشان نابودی اقتصاد، ملت و نظام ایران را به زانو درآورند. در این شرایط جمهوری اسلامی باید سرسختانه در مقابل آمریکا مقاومت کند، زیرا تجربه ثابت کرده که هرگاه ایران یا کشور دیگری در برابر آمریکا عقب نشینی کرده و تن به خواسته های آنها داده، موجب طمع ورزی بیشتر آمریکاییان شده است، بنابراین امروز مذاکره با ایالات متحده تحت هر شرایطی اشتباه است زیرا آنها پای میز مذاکره نه تنها کوتاه نمی آیند بلکه منافع ایران را هم ضایع می کنند. از این رو نباید کوچک ترین شائبه را ایجاد کرد که ترامپ موفق شده است و به عقیده من هرکس که موجب شکل گیری و تقویت این ایده شود، خائن به کشور، دین و مردم جمهوری اسلامی ایران است. ترامپ باید متوجه شود که به هیچ طریقی نمی تواند اراده مردم ایران را درهم شکند.

از سوی دیگر تصمیم ایران مبتنی بر دادن مهلت به اروپاییان برای تغییر رویه و ایستادگی در برابر آمریکا، به دو دلیل امری عاقلانه و سنجیده است. اولاً باید افکار عمومی جهان را به گونه ای هدایت کنیم که جهانیان متوجه حقیقت شوند و اینکه مقصر اصلی ایالات متحده است. به نظر من

همراه اولی‌ها



دریافت هفته نامه مثلث

با ارسال عدد ۴۷۸

به شماره دریافت اپلیکیشن «

۳۰۷۰۷۵۷



هم غزه، هم لبنان

وحشیگری رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکا از آدم کشی نتانیاهو نشان داد که حمایت ایران از محور مقاومت مدبرانه، آزادی خواهانه و عدالت طلبانه است



شهادت و زخمی شدن هزاران فلسطینی در روز نکبت، دل هر انسان آزاده‌ای را در جهان به درد آورده و در عین حال، نقش مورتی در مخایره «گفتمان مقاومت» به سراسر دنیا داشته است. در حالی که جنایات چند دهه اخیر صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی، در سایه تیغ سانسور و سکوت رسانه‌های وابسته به جریان سلطه به فراموشی سپرده شده بود، امروز شاهد ظهور نام «فلسطین»، «مقاومت» و «انتفاضه» در دنیا هستیم. به عبارت بهتر، سانسور مقاومت اسلامی فلسطین و گفتمان برخاسته از آن از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز نتوانست جلوی مخایره پیام قاطع فلسطینیان به دیگر ملت‌های دنیا را بگیرد.

امروز دنیا یکپارچه در کنار ملت فلسطین ایستاده و آتش خشم خود را متوجه ایالات متحده آمریکا، رژیم اشغالگر قدس و معدود متحدان مرتجع عربی وابسته به واشنگتن و تل‌آویو ساخته است.

گفتمان مقاومت، امروز پویاتر و قوی‌تر از هر زمان دیگری به حیات مقدس خود ادامه می‌دهد. پیروزی غرورآفرین جبهه مقاومت در لبنان، آن هم به رغم پول‌پاشی و تبلیغات منفی آل‌سعود و حامیان غربی و صهیونیستی آن، بار دیگر پویایی گفتمان مقاومت و اقبال عمومی ملت‌های منطقه نسبت به این گفتمان اصیل را به اثبات رساند. بدون شک آثار و تبعات این پیروزی، صرفاً در درون مرزهای لبنان نمود پیدا نکرده و دیگر ملت‌های منطقه را نیز تحت تاثیر خود قرار خواهد داد.

روسای جمهوری آمریکا و مخصوصاً دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی این کشور، اقدامات و قیچانه زیادی در تقابل با گفتمان مقاومت صورت دادند. هدف آنها در این تقابل، گذار ملت‌های منطقه از گفتمان مقاومت و روی آوردن آنها به غرب و رژیم صهیونیستی بود. با این حال پیروزی جبهه مقاومت در انتخابات لبنان، سخت‌ترین ضربه ممکن را به واشنگتن، تل‌آویو و ریاض وارد آورده است.

از سوی دیگر، تحولات اخیر در فلسطین و شهادت صدها انسان بی‌گناه به جرم حمایت از آزادی خواهی و بازگشت به سرزمین مادری خود، گفتمان مقاومت را بیش از پیش در دل ملت‌های دنیا عزیز ساخته است.

هم‌اکنون جبهه مقاومت با تمامی توان و قدرت خود، هم در میدان نبرد نظامی با دشمنان ملت‌های مسلمان منطقه و هم در میدان نبرد فرهنگی با طرفداران سازش با رژیم صهیونیستی عرض اندام کرده است. در حالی که علقه میان طرفداران مقاومت روز به روز در منطقه بیشتر می‌شود، شاهد ایجاد گسست و شکاف میان طرفداران گفتمان سازش هستیم.

از آنجایی که قدرت‌های بزرگ طی ۶ دهه اخیر اصلی‌ترین حامیان جنایات رژیم صهیونیستی علیه ملت فلسطین بوده‌اند، وقوع تضادهای پایدار میان آنها به طور مستقیم سبب تقویت آناشیشم صهیونیستی خواهد شد.

این هرج و مرج گریبی که به‌طور بالقوه در میان صهیونیست‌ها وجود دارد، در صورت بروز اختلاف میان حامیان تل‌آویو به شدت تقویت خواهد شد. نباید فراموش کنیم که رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۳۳ روزه و با وجود آنکه از حمایت مستقیم و کامل اعضای غربی شورای امنیت سازمان ملل متحد برخوردار بود، شکست سختی را در برابر مقاومت اسلامی لبنان تجربه کرد. حال تکلیف رژیمی که حامیان آن در جنگ سرد با یکدیگر باشند کاملاً مشخص است.

گفتمان مقاومت، گفتمانی دامنه‌دار در جهان اسلام است که خدشه‌ناپذیر محسوب می‌شود. بر این اساس

حتی اگر گروهی پرچم مقاومت را زمین گذاشته یا به هر میزانی بخواهند از گفتمان مقاومت عبور کنند، دیگر گروه‌ها این بیرق را در دست گرفته و به مبارزه با دشمن صهیونیستی خواهند پرداخت. آنچه امروز در فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و لبنان می‌گذرد، نشان‌دهنده تبلور روح گفتمان مقاومت در کالبد منطقه است. بدون شک این روند تا پیروزی نهایی بر دشمن صهیونیستی و آمریکایی ادامه خواهد داشت.

امروز فلسطین و لبنان مرکز و نماد مقاومت محسوب می‌شوند و دشمن صهیونیستی، روز به روز بیشتر خود را در برابر قدرت مقاومت مستاصل می‌بیند. نباید فراموش کرد که سردمداران کاخ سفید سرمایه‌گذاری زیادی روی انتخابات لبنان و شکست جبهه مقاومت در این انتخابات کرده بودند اما اقبال عمومی شهروندان لبنانی نسبت به حزب الله و گفتمان مقاومت این معادله را تغییر داد.

آنچه رژیم منفور صهیونیستی و حامیان غربی و مهره‌های عربی آن از جمله آل‌سعود را در ابتدای هزاره سوم در برابر مقاومت لبنان و فلسطین و یمن و سوریه و عراق و بحرین به زانو در آورده است دقیقاً ناشی از عدم درک تضادهای بنیادین میان «مقاومت» و «سازش» از سوی تل‌آویو و حامیان آن است.

این در حالی است که جبهه مقاومت روز به روز پویاتر از دیروز در منطقه به حیات مبارک خود ادامه می‌دهد. بدون شک در آینده‌ای نزدیک، شاهد شکست‌های بیشتر سیاسی و نظامی غرب و رژیم اشغالگر قدس در برابر جبهه مقاومت خواهیم بود.

در این میان، آمریکا و متحدانش چاره‌ای جز به رسمیت شناختن جبهه مقاومت و اقرار به شکست خود در برابر این جبهه ندارند؛ موضوعی که هر اندازه واشنگتن و متحدانش در قبال آن تعلق کنند، هزینه‌های شکست آنها بیشتر می‌شود.

آری! امروز دنیا در کنار مقاومت است و در مقابل، افرادی مانند دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور قاتل ایالات متحده آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر سفاک رژیم صهیونیستی به چهره‌هایی منفور نزد افکار عمومی جهان تبدیل شده‌اند. بدون شک ملت فلسطین و جنبش‌های مقاومت در آینده‌ای بسیار نزدیک پاسخ بسیار سختی را به دونالد ترامپ، نتانیاهو و محمدبن سلمان (به عنوان مهره آمریکا و رژیم صهیونیستی) خواهند داد.

در آینده‌ای نزدیک، جنبش مقاومت انتقام خون فرزندان خود را از صهیونیست‌ها خواهد گرفت، با این تفاوت که این بار حماس و جهاد اسلامی و به‌طور کلی جبهه مقاومت، دست یاری و حمایت همه ملت‌های دنیا را پشت سر خود دارند.

جنایات رژیم اشغالگر قدس در غزه و کرانه باختری، جای هیچ گونه فراری را برای تل‌آویو و واشنگتن از مجازات گروه‌های مقاومت باقی نگذاشته است؛ مجازاتی که مخصوصاً برای رئیس‌جمهور ایالات متحده و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بسیار دردناک و سخت خواهد بود. بدون شک «مقاومت» به زودی به پاشنه آشیل قدرت سیاستمداران آمریکایی و صهیونیستی تبدیل خواهد شد. زمان زیادی تا آن موعد باقی نمانده است.

اتفاقات جدید در غزه نشان داد که گفتمان مقاومت همچنان نیاز اصلی مسلمانان است و در مقابل اسرائیل، جز مقاومت راهی نیست. این اصلی است که اکثر جریان‌های نخبه‌ایرانی هم به آن پی برده‌اند. گویا برای همیشه «هم غزه، هم لبنان» جای شعار «نه غزه، نه لبنان» را گرفته است.



صلح مُرد

حمایت علنی ترامپ از اسرائیل، پروژه دو دولت را منتفی می‌کند

تشدید سیاست‌های شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی به ویژه بخش‌های شرقی بیت‌المقدس و نوار غزه که در راستای تلاش برای تغییر بافت جمعیتی این منطقه تعبیر می‌شود، در سایه چراغ سبز ترامپ امکان‌پذیر شد. انتقال سفارت به قدس، مناقشات گسترده‌ای را میان فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی ایجاد خواهد کرد. روزنامه نیویورک تایمز در سرمقاله دوشنبه خود در این مورد نوشت:

آمریکا که چندین دهه در ظاهر بیطرفی خود را در قضیه تعیین سرنوشت بیت‌المقدس حفظ کرده بود؛ با انتقال سفارتش به بیت‌المقدس؛ باخت.

چرا که دنیا فکر می‌کرد در این روز؛ یک نبردی انتها پایان می‌پذیرد، یک تراژدی خونبار که هر دو طرف سهم مساوی از آن می‌خواستند. هم اسرائیل، بیت‌المقدس را پایتخت خود می‌دانست و هم فلسطینیان.

اما در این کشمکش، نسل‌های متمادی بود که آمریکا به ظاهر میانجی‌برقراری صلح میان طرفین بود و همواره سعی می‌کرد که مدعی هیچ‌کدام از طرفین را به رسمیت نشناسد و حل این دعوا را بر عهده پیمانی بگذارد که معتقد به سازش میان طرفین برای حل تمام اختلافات



۲۲

یکجانبه‌گرایی و نه مذاکره و تفاهم و سازش طرفین؛ فقط به نفع راستگرایان دولت اسرائیل تمام شده است. این راستگرایان علی‌الدوام شهرک‌سازی را در کرانه باختری توسعه داده‌اند، یعنی در همان جایی که فلسطینیان انتظار داشتند روزی، جزئی از یک دولت فلسطینی باشد

۲۲

ثابت کرد. مراسم روز افتتاحیه، مصادف با هفتادمین سالگرد اعلام استقلال (تاسیس) اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بود که فلسطینیان آن را روز «نکبت» می‌نامند و مراتب خشم و اعتراض خود را به آن ابراز می‌کنند. این روز یادآور اخراج اجداد فلسطینیان از سرزمینی بود که دیگر در آن یک دولت یهودی تشکیل شده بود، البته بدیهی است که اسرائیل حق دفاع از مرزهایش را دارد؛ از جمله مرزهایش باغزه را.

اما این ابداع قابل قبول نیست که کار دفاع از مرزها حتما باید با مهمات زنده و سلاح‌های مرگبار انجام بگیرد. با پرتاب گاز اشک‌آور و توپ‌های آب‌فشان و سایر سلاح‌های غیرمرگبار هم می‌شود از مرزهای اسرائیل در صورتی که مورد هجوم واقع شوند، حفاظت و حراست کرد.

منبع: نیویورک‌تایمز

زمان مرده است. دیگر نمی‌توان تصور کرد که اسرائیل یک کاراکتر (شخصیت) دموکراتیک دارد. اشغالگری طولانی مدت میلیون‌ها فلسطینی که یک حاکمیت ملی برای خودشان می‌خواهند؛ دیگر تصویری دموکراتیک از اسرائیل بر جای نمی‌گذارد.

ترامپ بارها وعده یک طرح بزرگ صلح را داده اما هنوز که هنوز است آن را معرفی نکرده است. او حالا تمام وزن خود را روی استراتژی زیاده‌خواهانه اسرائیل انداخته است. دهه‌های متمادی است که آمریکا به خود افتخار می‌کرد که میانجی اسرائیل و فلسطینیان است. تمام دولت‌هایی که در عرض این چند دهه در آمریکا روی کار بوده‌اند همگی یک فرمول صلح نوشته‌اند که مبتنی بود بر مذاکره میان طرفین برای حل اختلافات محوری‌شان، تعیین مرزها میان دو دولت، تضمین امنیت اسرائیل، حل مساله آوارگان و نیز تصمیم‌گیری در مورد آینده بیت‌المقدس. انتظار بر این بود که بیت‌المقدس تقسیم‌بندی شود و پایتخت هم اسرائیل و هم فلسطینیان باشد.

آوارگان فلسطینی بعد از تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ یا خود فرار کردند یا به‌زور اخراج شدند.

تصمیم‌گیری ترامپ در به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به این شهر؛ سیاست ۷۰ ساله آمریکا در این دعوا را به یکباره باطل کرد.

مطمئناً مراسم جشن افتتاحیه گشایش سفارت آمریکا در بیت‌المقدس هرگز نتوانسته است بی‌تاثیر از غم و ناراحتی فلسطینیان باشد. آمریکا با این اقدامش، میل و گرایشش به یک طرف این‌دعوا را به‌وضوح

فی‌ما بین بود. اما دوشنبه رئیس‌جمهور «ترامپ» انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس را هدیه‌ای به بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل معرفی کرد؛ بدون آنکه در ازای آن هیچ قید و شرطی گذاشته شود یا در ازای آن امتیازی اخذ شود. هدف فقط این بود که یک ضربه محکم به فلسطینیان زده شود. اما دوشنبه جهان؛ مطلقاً طلوع صلح و امنیت را برای هیچ یک از طرفین این دعوا نظاره‌گر نبود، بلکه برعکس، جهان دوشنبه شاهد به‌خاک و خون کشیده شدن جمع زیادی از تظاهرکنندگان فلسطینی و مجروح شدن هزاران تن آنان به دست سربازان اسرائیلی در طول مرزهای اسرائیل با نوار غزه بود.

یکجانبه‌گرایی و نه مذاکره و تفاهم و سازش طرفین؛ فقط به نفع راستگرایان دولت اسرائیل تمام شده است. این راستگرایان علی‌الدوام شهرک‌سازی را در کرانه باختری توسعه داده‌اند، یعنی در همان جایی که فلسطینیان انتظار داشتند روزی، جزئی از یک دولت فلسطینی باشد.

اسرائیل حتی در سال ۲۰۰۵ هم که کار شهرک‌سازی را در غزه ریشه‌کن کرد، این کار را بی‌هیچ توافقی‌های انجام داد. اگر چنین توافقی‌های منعقد می‌شد، می‌توانست مایه تقویت یک دولت میان‌روی فلسطینی باشد. اما اسرائیل این کار را کرد فقط برای آنکه ولو موقت هم که باشد امنیت خودش را تأمین کند. این اقدام اسرائیل فقط بر غم و اندوه فلسطینیان افزود و عامل قدرت گرفتن گروه‌هایی همچون حماس شد.

سال‌هاست که اسرائیل می‌گوید که در طرف مقابل هیچ شریکی برای صلح نمی‌بیند و طوری رفتار می‌کند که این واقعیت برای ابد ثبت شده بماند. صلح به مرور

قمار ترامپ

برنده یا بازنده بزرگ؟

رضا محمد مراد

کارشناس مسائل بین الملل

ترامپ با خارج کردن آمریکا از برجام و انتقال سفارت کشورش به قدس و بدون توجه به پیامدهای آن، دست به قمار بزرگی زد که یا همه چیز را به دست آورد یا همه چیز را از دست دهد. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا طی یک هفته گذشته در خاورمیانه (غرب آسیا) دست به اقدامات بزرگی زده است که یکی از این اقدامات خروج از برجام بود و پنج روز بعد هم تصمیم به انتقال سفارت آمریکا در تل آویو به قدس را اجرایی کرد و روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت در میان خشم و تظاهرات گسترده فلسطینی‌های ساکن نوار غزه و کرانه باختری، مقدمات این اقدام انجام شد.

ترامپ در هر دوی این اقدامات قوانین بین المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت را زیر پا گذاشت و نشان داد که نظر جامعه بین الملل برای او ارزشی ندارد. او در هر دوی این اقدامات هیچ توجهی به پیامدهای رفتارش نکرد و همانند قماربازی با همه دارایی‌های خود وارد بازی شد که یا به یک برنده بزرگ یا یک بازنده بزرگ تبدیل شود. به نظر می‌رسد دو عامل در چنین قمار بزرگ ترامپ نقش داشته است یکی؛ شخصیت فردی او و به نظر می‌رسد سن بالایی او را هم باید به این ویژگی‌ها اضافه کرد که برای او این حوصله را نگذاشته است که چون روسای جمهور قبلی آمریکا با سیاست کارها را پیش ببرد. دومین دلیل را می‌توان در خیانت و سرسپردگی رژیم‌هایی چون سعودی دانست که این تصور را در او احتمالاً به وجود آوردند که جهان اسلام در سایه سکوت و خیانت عربستان بالاخره استیلای اسرائیل بر قدس و مسجدالاقصی را خواهد پذیرفت.

در مورد انتقال سفارت آمریکا به قدس او هیچ حقی برای فلسطینی‌ها قائل نشد و عملاً قدس را به پایتختی اسرائیل به رسمیت شناخت؛ آن هم در حالی که بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل حداقل حقوق فلسطینی‌ها مبنی بر تشکیل کشور فلسطین به پایتختی قدس شرقی به رسمیت شناخته شده است.

ترامپ در مورد برجام هم به‌طور یک‌طرفه و بدون نظرگرفتن حق ایران، خواستار نامحدود شدن غروب هسته‌ای و در اصل از بین رفتن کامل برنامه هسته‌ای ایران شد، آن هم در حالی که بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت حق غنی‌سازی اورانیوم در ایران برای مصارف صلح آمیز به رسمیت شناخته شده بود و پس از ۱۰ سال ایران می‌توانست در مقیاس صنعتی به غنی‌سازی بپردازد. اما ترامپ با قمار بزرگ خود خواستار نابودی کامل برجام شد بدون اینکه توجه کند عواقب چنین درخواستی ممکن است به کجا ختم شود.

ترامپ با توهمات خود دست به ریسک بزرگی در خاورمیانه (غرب آسیا) زد با این خیال که او بازی را برنده خواهد شد و خواهد توانست جهان اسلام را متقاعد کند اسرائیل را بپذیرند و برنامه هسته‌ای ایران را نیز نابود کند، اما رفتار قمارگونه یک روی دیگر نیز دارد و آن باخت است و اگر خواب ترامپ تعبیر نشود، باید گفت این احتمال وجود دارد که اقدامات ترامپ از یک سو به تسریع در روند نابودی رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر به بازشدن فضا برای از سرگیری برنامه هسته‌ای ایران شود. در هفته‌های آینده روشن خواهد شد که ترامپ در این قمار همه یا هیچ برنده خواهد شد یا یک بازنده بزرگ.





خودکشی علنی صهیونیست‌ها عواقب کشتار ملت فلسطین در روز نکبت چه خواهد بود؟

امروز فریاد نفرت و انزجار بشریت علیه رژیم صهیونیستی در پنج قاره جهان بلند است. امروز، سیاه‌ترین روزها برای رژیم اشغالگر قدس و حامی آمریکایی و مهره‌های عربی وابسته به این رژیم در حال سپری شدن است. غریب ملت‌های مسلمان و دیگر انسان‌های آزادیخواه دنیا در حمایت از مقاومت و آزادی قدس شریف، لرزه بر اندام نتانیاهو و حامیان غربی و مهره‌های عربی وابسته به تل‌آویو انداخت. نهالی که خمینی کبیر، کاشته بود امروز ثمر داده است. امروز دنیا به صورتی زنده شاهد جنایات رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان است و در مقابل، در انتظار پاسخ مقاومت به صهیونیست‌ها لحظه‌شماری می‌کند.

ثمره فریادهای پیوسته دیروز ملت‌های دنیا در حمایت از ملت مظلوم و ستمدیده فلسطین و زنان و کودکان بی‌دفاع و بی‌پناه غزه و کرانه باختری، تقویت مقاومت و تضعیف بنیان بی‌ریشه صهیونیست‌ها بود. امروز هر یک از مسلمانان روزه‌دار به یک موشک قسام تبدیل شده و بر قلب تل‌آویو و حیفا فرود می‌آیند تا دیگر جایی برای عرض اندام و ارتان متوحش موشه دایان و مناخم بگین باقی نماند. حماسه‌آفرینی ملت‌های آگاه دنیا و مسلمانان در قبال جنایات مشترک اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی در روز نکبت، نشان داد که توهم «از نیل تا فرات» را در آینده باید فقط در مغز متلاشی شده سربازان اسرائیلی و دست‌نوشته‌های دوران افسردگی سران رژیم صهیونیستی مورد کندوکاو قرار داد.

ملت فلسطین امروز همبستگی جهانیان را با خود را به گونه‌ای ملموس درک می‌کند. ملت فلسطین در جریان نبرد اخیر دوستان و دشمنان واقعی خود را شناختند. دوستان ملت فلسطین که بیشتر جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، آگاه هستند که نمی‌توانند خشم خود را از جنایات ترامپ و نتانیاهو پنهان کنند. دشمنان ملت فلسطین نیز مانند همیشه، واشنگتن و تل‌آویو و ریاض و معدود بازیگران مرتجع عربی هستند. اگرچه غزه و کرانه باختری

روزهای سخت و وحشتناکی را سپری کرده‌اند اما به حول و قوه الهی و نصر و پیروزی وعده داده شده به مظلومین جهان، از این آزمون سخت و خونین با سربلندی بیرون خواهند آمد. غزه و کرانه باختری امروز پایتخت همه کشورهای مسلمان محسوب می‌شوند و ساکنان داغ‌دیده آنها نیز دست یاری برادران و خواهران مسلمان و دیگر ملت‌های دنیا را همچنان در کنار خود خواهند دید و آن را خواهند ستانند. امروز دیگر مجال و زمانی برای سخن گفتن ملی‌گرایان فلسطین از «مذاکرات صلح با اسرائیل» باقی نمانده است. امروز ملت فلسطین مدیون گفتمان مقاومت هستند؛ گفتمانی که اساسا ظلم و اشغالگری را نمی‌پذیرد و بر احقاق حقوق حقه ملت فلسطین در برابر جانیان صهیونیست تأکید دارد. آنچه نتانیاهو و همراهانش را در نبرد با حماس مقهور و مغلوب می‌سازد، صرفا تاکتیک‌های جنگی ماهرانه رزمندگان مقاومت اسلامی فلسطین و ابتکار عمل گردان‌های قسام نیست، بلکه تأثیرپذیری این گروه‌های مبارز از گفتمان مقاومت و اعتقاد آنان نسبت به تسلیم‌ناپذیری در برابر ظلم و ستم چنین حماسه‌هایی را رقم می‌زند. تشکیلات خودگردان فلسطین و گروه فتح از اکنون باید به صورت قاطعانه هرگونه مذاکره با صهیونیست‌ها بر سر طرح دو دولت یا طرح‌های مشابه را فراموش کرده و در عوض، به فکر مسلح کردن کرانه باختری روداردن و تقویت توان خود در برابر دشمن صهیونیستی باشند. هر قطره خون صدها کودک شهید فلسطینی خود نماد و نشانه‌ای آشکار دال بر ماهیت واقعی و جنایتکارانه تل‌آویو و حامیان غربی آن است. در چنین شرایطی صرفا باید از «گفتمان مقاومت» سخن گفت. بدیهی است که ایجاد و استمرار هرگونه وحدت ملی در داخل فلسطین نیز باید بر پایه همین گفتمان پویا صورت گیرد. به عبارت بهتر، وحدت ملی در داخل فلسطین باید در راستای تقویت گفتمان مقاومت تعریف شود.

در نهایت اینکه رژیم صهیونیستی پس از حماسه‌آفرینی ملت‌های دنیا در حمایت از ملت فلسطین،

روزهای سیاهی را پیش روی خود خواهد دید. روزهایی که در آن «سقوط» و «تباهی» و «شکست» ظهور و بروز ویژه‌ای خواهد داشت. بدیهی است که نخستین قربانی این روند نتانیاهو و دولت انتقالی روبه‌اضمحلال وی خواهد بود. نتانیاهو پس از مدت زمانی کوتاه، باید در خصوص هزینه‌های هنگفت مالی، روانی، جانی و نظامی تحمیل شده بر بیکره رژیم صهیونیستی پاسخو باشد. پاسخی که مسلمانا حتی نزدیک‌ترین افراد به وی را نیز قانع نخواهد کرد. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا چاره‌ای جز اعلام شکست رسمی خود در مقابل جبهه مقاومت را نخواهند داشت. انتفاضه جدید ملت فلسطین به‌منابه خیزشی عظیم به‌زودی سرتاسر سرزمین‌های اشغالی را دربر خواهد گرفت و منتج به بازگشت فلسطینیان به سرزمین مادری خود خواهد شد. رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا زیر چکش افکار عمومی دنیا راهی جز عقب‌نشینی از قدس شریف ندارند. در شرایطی که حتی سیاستمداران غربی حامی جنایات اسرائیل نیز به دلیل ترس از افکار عمومی اروپا کمتر به صورت صریح دم از حمایت از صهیونیست‌ها می‌زنند، دونالد ترامپ با انتقال سفارت کشورش از تل‌آویو به بیت المقدس، زمان مرگ رژیم صهیونیستی را سال‌ها به جلو انداخت. اقدام اخیر نظامیان صهیونیستی در کشتار ملت فلسطین و انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس، مصداق علنی خودکشی نتانیاهو و ترامپ در منطقه و نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. البته رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی زمانی متوجه عواقب و تبعات این موضوع خواهند شد که کار از کار گذشته است.

امروز رژیم اشغالگر قدس به‌نماد اصلی نقض حقوق بشر در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. بدیهی است که باتوجه به احراز و اثبات قطعی جنایات اسرائیل در روز نکبت و حمایت بی‌سابقه افکار عمومی دنیا از ملت فلسطین و بازماندگان شهدای این حادثه، ملت‌های دنیا با تکیه بر خروش و همبستگی خود باید محاکمه سران رژیم صهیونیستی را خواستار و پیگیر شوند. بدون شک، با جنایاتی که اخیرا از سوی تل‌آویو و واشنگتن رخ داده است، روزهای بسیار سخت و تیره‌ای در انتظار مقامات آمریکایی و صهیونیستی قرار خواهد داشت.

بازگشت مرد توسعه

ماهاتير محمد در ۹۲ سالگی نخست وزير مالزی شد

با واکنش بازارهای مالزی به انتخابات، پس از دو روز تعطیلی، یکی از بزرگ‌ترین بازرگانان در بازار، شرکت هوایی «ایرآسیا» است که «تونی فرناندز»، رئیس آن، از نجیب رزاق در کارزار انتخاباتی اش حمایت کرد. شرکت ایرآسیا در چندین کشور آسیایی پرواز دارد، اما بازار اصلی آن در مالزی است و منبع اصلی درآمد این شرکت تلقی می‌شود.

شرکت دولتی مالزی ایرلاین رقیب اصلی ایرآسیاست و این شرکت برای گسترش پروازهایش به تأیید دولت نیاز دارد.

دو روز پیش از انتخابات چهارشنبه، فرناندز ویدئویی را منتشر کرد که در آن به ستایش از نجیب رزاق پرداخت و حمایت او را از این شرکت هوایی ستود. کمی بعد، نجیب رزاق عکسی از خودش و فرناندز را منتشر کرد که در برابر یک هواپیمای شرکت ایرآسیا که شعار حزب مطلوب رزاق رویش نوشته شده استاده‌اند.

فرناندز در ویدئویی که یکشنبه منتشر کرد گفت: «به خاطر اتفاقی که پیش آمده است، متأسفم. در لحظه‌ای مهم در تاریخ کشورمان عقب نشستم. این کار درست نبود و برای همیشه نسبت به آن احساس تأسف می‌کنم.» سهام ایرآسیا دوشنبه ۱۰ درصد سقوط کرد اما کمی بعد، در مقایسه با سقوط ۰/۹ درصدی در شاخص مالزی، دوباره قدری بالا کشید. ارزش سهام شرکت گروه سرمایه‌گذاری سی‌آی‌ام‌پی هم که «نظیر رزاق»، برادر نجیب رزاق ریاست آن را برعهده دارد، سقوط کرد.

یکی از بزرگ‌ترین برندگان در بازار گروه پی‌پی‌بی به ریاست «رابرت کوک»، تاجر چینی-مالزیایی بود که بیش از ۴ درصد افزایش یافت. این افزایش ارزش پس از آن صورت گرفت که کوک به عنوان مشاور دولت جدید انتخاب شد.

پس از آنکه ماهاتیر محمد خواستار بازبینی در پروژه‌های زیرساختی بزرگ کشور شد که در زمان نخست‌وزیری رزاق مورد حمایت دولت قرار گرفته بودند، ارزش سهام شرکت‌های ساختمانی سقوط کرد. در این میان شرکت‌هایی که توسعه‌دهنده منافع اقتصادی چین در مالزی بودند بیشترین ضرر را متحمل شدند.

ارزش سهام شرکت وای‌تی‌ال، گروهی تولیدی که بخشی از قرارداد ساخت خط‌آهن کوالالامپور-سنگاپور را برعهده دارد، بیش از هشت درصد سقوط کرد. همچنین سهام شرکت اوپیکام که در زمینه فیبرهای نوری فعالیت می‌کند و «موخریز ماهاتیر»، پسر ماهاتیر محمد، ریاست آن را برعهده دارد ۴۹/۶ درصد افزایش پیدا کرد و قیمت هر سهم آن به ۹۰۵ هزارم ریینگیت (واحد پول مالزی) رسید.

منبع: بی‌بی‌سی، گاردین، رویترز

در اختیار گرفت که نسبت به انتخابات پیشین ۵۴ کرسی کاهش داشته است.

در عین حال، حزب اپوزیسیون «اتحاد امید»، ۵۲/۲۵ درصد از آرا را به خود اختصاص داد، این یعنی ۱۱۲ کرسی پارلمان که نسبت به انتخابات گذشته ۴۵ کرسی افزایش داشته است.

ماهاتیر محمد چهارشنبه گذشته سوگند نخست‌وزیری یاد کرد. با این وجود مشخص نیست که تا چه زمانی در این مقام باقی می‌ماند. او در کارزار انتخاباتی خود گفته بود که چنانچه به قدرت برسد پس از دو سال کناره‌گیری خواهد کرد. دلیل چرا که او ۹۲ سال سن دارد. این کناره‌گیری وضعیت را از قبل هم پیچیده‌تر خواهد کرد، چرا که ممکن است گزینه بعدی برای نخست‌وزیری «انور ابراهیم» باشد. داتوسری انور ابراهیم که در اوت ۱۹۴۷ زاده شد، از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ معاون نخست‌وزیر بود.

او در آغاز کارش تحت حمایت نخست‌وزیر وقت، ماهاتیر محمد قرار داشت، اما پس از آن، انور به عنوان سرشناس‌ترین منتقد سیاست‌های وی شناخته شد. در سال ۱۹۹۹، ابراهیم در یک محاکمه بحث‌برانگیز، به جرم فساد مالی، به ۶ سال حبس در زندان محکوم شد و در سال ۲۰۰۰ به اتهام داشتن فساد اخلاقی به ۹ سال حبس دیگر محکوم شد. با این وجود، در سال ۲۰۰۴، دادگاه فدرال مالزی، دومین حکم را نقض کرد و او پس از تحمل ۶ سال حبس از زندان آزاد شد.

در ژوئیه ۲۰۰۸، او به اتهام فساد اخلاقی بازداشت شد. ابراهیم همواره گفته که اتهام‌های مطرح‌شده علیه او سیاسی بود و هدف از آنها تحکیم قدرت ماهاتیر محمد است.

ماهاتیر محمد برای آنکه نظر اعضای حزب «اتحاد امید» را به خود جلب کند وعده داد که انور ابراهیم را عفو کند تا او بتواند دوباره برای نخست‌وزیری کشور نامزد شود. این تنها اظهار نظر جالب ماهاتیر محمد نبود. او پس از پیروزی در انتخابات در سخنانی گفت: «از همه کسانی که با کمک‌های مالی از ائتلاف مادر جریان تبلیغات انتخاباتی حمایت کردند سپاسگزارم.»

مسئول‌ترین رئیس حکومت در جهان در ادامه افزود: «اما اکنون وقت کمک مالی به پایان رسیده است و از همه کسانی که می‌خواهند از دولت جدید با ارائه هدیه حمایت کنند می‌خواهم که فقط به وزرا و کارمندان جدید گل و غذا هدیه دهند. ما می‌خواهیم از ابتدا اطمینان پیدا کنیم که در دولت جدید هیچ گونه فساد و وجود ندارد.»

وضعیت بازار سهام هم پس از اعلام نتایج انتخابات پارلمانی دگرگون شد. سرمایه‌گذاران مالزی در اولین روز از بازگشایی بازارها پس از شوک انتخابات بازنده و برنده را از یکدیگر تفکیک کردند و سهام شرکت‌ها و پروژه‌های حامی نجیب رزاق و دولتش را به قیمت پایین فروختند.

از سال ۱۹۵۷ که مالزی از زیر یوغ استعمار بریتانیا خارج شد، ائتلافی یکسان بر این کشور حکم رانده است. گرچه محبوبیت این حزب در سال‌های اخیر رو به کاهش گذاشته بود اما بسیاری باور داشتند که «نجیب رزاق»، نخست‌وزیر این کشور، بار دیگر بر کرسی صدارت خواهد نشست.

اما با انتخابات اخیر، ورق برگشت و ائتلاف اپوزیسیون به رهبری «ماهاتیر محمد» در انتخابات پارلمانی مالزی پیروز شد. شمارش آرای انتخابات حاکی از آن بود که حزب رزاق نتوانست کرسی‌های لازم در پارلمان این کشور را به دست آورد، امری که بسیاری را در جهان شگفت‌زده کرد.

دلیل شکست حزب باریسان ناسیونال، مثل بیشتر موارد، اقتصاد است. هزینه زندگی در مالزی در سال‌های گذشته افزایش یافته و دولت مالیات‌هایی را بر کالاها و خدمات وضع کرده است؛ اقدامی که البته چندان تأثیر مثبتی بر محبوبیت حزب حاکم نداشت.

اما بزرگ‌ترین معضل مالزی در سال‌های گذشته فساد بود. نجیب رزاق بودجه ویژه‌ای را برای تشویق به سرمایه‌گذاری‌های خارجی اختصاص داد اما بسیاری از کسانی که در این پروژه‌ها شرکت دارند، متهم شده‌اند که سود شخصی خود را در اولویت قرار داده‌اند.

حتی خود نخست‌وزیر هم به ۷۰۰ میلیون دلار اختلاس متهم شده بود. نکته مهم اینجاست که خود نجیب رزاق همواره این اتهام‌ها را رد کرده و از تمام جرایم تبرئه شده است، اما بسیاری از کشورها هنوز در رابطه با این اختلاس تحقیقاتی را شروع کرده‌اند؛ امری که البته کمک چندان به آبرو و اعتبار این کشور در جامعه جهانی نکرده است.

در چنین اوضاع بلشویی بود که «ماهاتیر محمد»، رهبر پیشین باریسان ناسیونال، پا به میدان گذاشت. او که از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ بر صندلی نخست‌وزیری نشسته بود، نقش مرید را برای نجیب رزاق ایفا کرده است.

ماهاتیر محمد دو سال پیش ناگهان اعلام کرد که از اتهام‌های فساد و اختلاس «شرمند» است و به همین دلیل حزب مطلوب خود را ترک می‌کند و به حزب مخالف، «اتحاد امید» خواهد پیوست.

در ماه ژانویه، محمد به‌طور مستقیم مرید پیشین خود را در انتخابات به چالش کشید. رئیس پیشین حزب باریسان ناسیونال گفت تردیدی ندارد که در انتخابات پیروز خواهد شد، مگر آنکه «نجیب رزاق تقلب کند.»

البته طی انتخابات اتهام‌هایی هم درباره تقلب مطرح شد؛ برخی می‌گفتند که برگه رای به آنها داده نشده و برخی گزارش‌ها هم حاکی از آن بود که دولت تغییراتی را در برخی حوزه‌های انتخاباتی ایجاد کرد تا نتایج را دستکاری کند.

دولت همچنین شایعاتی را درباره «اخبار کذب» منتشر کرد و قانونی را برای مجازات کسانی وضع کرد که این شایعات را منتشر می‌کنند. برخی معتقدند که این قانون راهی است برای بایکوت نظرات منتقدان. جالب اینجاست که به ماهاتیر محمد هم در این زمینه اتهاماتی وارد شده است.

پس از اعلام نتایج انتخابات نجیب رزاق اعلام کرد که نتایج را می‌پذیرد. حزب آقای رزاق در این انتخابات ۳۳/۸۰ درصد از آرا را به خود اختصاص داد و ۷۹ کرسی را



اعتماد تاریخی

آقای خاص توسعه به میدان سیاست مالزی بازگشت



محمدرضا عسگری مورودی

کارشناس ارشد مسائل آسیا

شاید کمتر کسی در مالزی تصور می کرد که «ماهاتیر محمد» که به تدریج و با گذشت زمان در حال تبدیل شدن به اسطوره رهبری و قهرمان ملی در این کشور است، بار دیگر به عرصه قدرت سیاسی بازگردد.

بر اساس رویه معمول در عرصه قدرت که نسل های پیشین رهبری در هر کشور را تنها باید از راه مطالعه شناخت، قرار بود نسل جدید در مالزی هم طبق این اسلوب متداول، «ماهاتیر» را که در متون درسی این کشور معمار اقتصاد نوین لقب گرفته، تنها در قالب متون بشناسند و با آرا، عقاید و اقدامات بی نظیرش بدین طریق آشنا شوند.

اما ملاحظه این قاعده مرسوم، استثنا هم دارد و «ماهاتیر» محبوب در مالزی، بار دیگر همچنان که در چند دهه گذشته با معجزه ای بزرگ این کشور متکی به اقتصاد سنتی (کشاورزی) را به اقتصادی صنعتی تبدیل کرد، با حضور در صحنه رقابت انتخابات پارلمانی شگفتی آفرید و با همیا کردن بستر بازگشت به سمت نخست وزیری، نسل جدید مالزی وی را نه در متن بلکه در بطن تصمیمات توسعه ای و اقدامات تحسین برانگیز اجرایی خواهند شناخت.

«ماهاتیر» که حدود بیست و دو سال سمت نخست وزیری مالزی را عهده دار بود، با به راه انداختن «اتلاف امید» با حضور احزاب «اقدام دموکراتیک»، «اعتماد ملی»، «بومیان متحد مالزی» و «عدالت» توانست در انتخابات پارلمانی مالزی «اتلاف جبهه ملی» به رهبری «نجیب تون رزاق» نخست وزیر این کشور را شکست دهد.

در این انتخابات «اتلاف امید» به رهبری «ماهاتیر» توانست ۱۱۳ کرسی از مجموع ۲۲۲ کرسی پارلمان را کسب کند و حزب حاکم مالزی (آمنو) تنها موفق شد ۷۹ کرسی را در سبد انتخاباتی خود قرار دهد.

ماهاتیر که در سال های اخیر نگرانی های بسیاری از برنامه های دولت مالزی و فساد حزب حاکم داشت، با فراهم کردن زمینه برای همگرایی احزاب مخالف در چارچوب «اتلاف امید» جهت شکست «نجیب تون رزاق» که از وی به عنوان شاگرد «ماهاتیر» یاد می شود، گام های بلندی برای ایجاد تغییر در مالزی برداشت و نهایتا توانست به سیطره حزب حاکم بر صحنه سیاست در این کشور پایان دهد.

کاهش شدید ارزش پول ملی مالزی، افزایش نرخ بیکاری، تشدید شکاف های قومی و مذهبی، نارضایتی های عمومی از تصمیمات اقتصادی دولت از جمله درباره افزایش مالیات ها در کنار افشای پرونده های فساد مالی نخست وزیر و برخی اعضای کابینه، موجب شد تا موقعیت حزب حاکم این کشور به شدت متزلزل شود.

«ماهاتیر» که مشکلات دوران حاکمیت خود را پذیرفته برای نجات مالزی از چالش های فرارو و بازگرداندن این کشور به دوره اوج شکوفایی و رونق اقتصادی وارد میدان کار شده است.

اگرچه منتقدان ماهاتیر وی را به دیکتاتوری در دوره تصدی قدرت در مالزی متهم می کنند اما وی درصدد است با چهره ای متفاوت تر از گذشته سکان قدرت را در این کشور در دست بگیرد.

مالزی که بخش عمده ای از رونق مثال زدنی خود را مرهون تلاش های دوران حضور «ماهاتیر» در سمت نخست وزیری برای جذب سرمایه گذاری می داند، در سال های اخیر به دلایل مختلف از جمله کاهش رتبه اعتباری ناشی از فساد در ساختار دولت با کاهش شدید سرمایه گذاری خارجی مواجه شده است.

انتظار می رود در دوره ای تازه از مدیریت سیاسی در مالزی و با حضور «ماهاتیر» زمینه برای جلب اعتماد بیشتر سرمایه گذاران خارجی در این کشور مهیا شود و علاوه بر آن، وی بتواند به رغم تنوع قومی و مذهبی در مالزی موجبات تقویت اتحاد ملی را فراهم کند.

تقویت جایگاه و نقش مالزی در اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه آن) هم از دیگر مواردی است که می توان در دوره نخست وزیری «ماهاتیر» انتظار آن را داشت.

«ماهاتیر» که معمار اقتصاد نوین در مالزی لقب گرفته، در داخل ایران هم هوادارانی دارد که وی را الگویی برای مدیریت کلان سیاسی می دانند.

در نهایت اینکه در دوران ریاست جمهوری مرحوم حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی (۷۶۱۳-۶۸۱۳) که ایشان «سردار سازندگی» دوران پسا جنگ لقب گرفت، بسیاری اقدامات و نقش مرحوم هاشمی رفسنجانی در روند توسعه کشور را به نمونه «ماهاتیر» در مالزی تشبیه کردند. به خصوص آنکه بازگشت «ماهاتیر محمد» ۹۲ ساله به قدرت پس از ۱۵ سال حاشیه نشینی سیاسی، برای مردم ایران یادآور حضور مرحوم هاشمی رفسنجانی در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ خورشیدی در انتخابات ریاست جمهوری ایران است.

مردم مالزی با رای خود به ائتلاف تحت رهبری «ماهاتیر» در انتخابات اخیر پارلمانی این کشور، نشان دادند بر مبنای اعتمادی تاریخی به وی، می خواهند بازگشت به دوره شکوفایی مالزی را تنها با این نابغه متدهای توسعه یافتگی تجربه کنند.

«ماهاتیر» که در ۱۵ سال گذشته و پس از خداحافظی از قدرت، تنها در جایگاه «پدر توسعه» مالزی نقش آفرینی داشت و فرصت ها و چالش های پیشرفت این کشور را به دولت های حاکم گوشزد می کرد، تمایلی برای بازگشت به صحنه سیاسی و مدیریت اجرایی نداشت؛ به خصوص آنکه وی در سن ۹۲ سالگی باید آرامش را برگزید اما درخواست های گسترده در مالزی از سوی مردم، نهادهای غیردولتی و محافل رسانه ای موجب شد تا «ماهاتیر» بار دیگر برای حفظ دستاوردهای گذشته و بازگرداندن این کشور به مسیر واقعی توسعه، پا به میدان رقابت بگذارد.

برخلاف تصویری فراگیر که دوره «کهولت»، برای هر انسانی مساوی با رخوت و سستی است اما این سیاستمدار کهنه کار نشان داد که فراتر از تصورات معمول عمل می کند و با انرژی و نشاط سال های دور جوانی خود با تاسیس حزبی جدید پا به عرصه رقابت های انتخابات پارلمانی گذاشت.

«آقای خاص توسعه» در مالزی در این انتخابات مجددا اثبات کرد که توانایی خارق العاده ای در چیدمان قطعات پازل بازگشت به صحنه سیاست در این کشور دارد.

است چرا که در بدو سیاست‌گذاری‌های کلان در آن مقطع زمانی از علم به‌روز و کارشناسان نخبه استفاده نشده بود و این آسیب‌هایی که امروز مردم با آن گرفتار هستند، بیشتر نتیجه سیاست‌های غلط گذشته بوده و هست.

اما در مالزی توسعه و سرمایه‌گذاری بر اساس الگوهای علمی و پیشرفته بوده است و در بلندمدت مالزی بدون داشتن منابع غنی همچون ایران، به یک کشور پیشرفته تبدیل شده است. به امید روزی که مسئولان کشور به جای کسب تجربه از اقدامات خود در آزمون و خطای سیاست‌های شان با یک تیم کارشناسی و خبره بدون نگاه سیاسی و بر اساس منافع ملی کشور اقدام به مدیریت کلان اقتصادی، کشاورزی و صنعتی کنند.



توسعه کوتاه‌مدت

چرا الگوی توسعه ماهاتیر به ثمر نشست اما هاشمی موفق نبود؟

میر قاسم مومنی

مدیرعامل موسسه مطالعات بین‌المللی چشم‌انداز ابرار نوین



انتخابات پارلمانی اخیر مالزی یک شگفتی تاریخی در دوران معاصر بوده است. پیروزی حزب ائتلاف امید به رهبری ماهاتیر محمد با کسب ۱۲۱ کرسی از مجموع ۲۲۲ کرسی پارلمان، شرایط نخست‌وزیری ماهاتیر محمد ۹۲ ساله را مهیا کرد که این امر با استقبال گروه‌ها و احزاب مختلفی روبه‌رو شده است.

ماهاتیر محمد از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ نخست‌وزیر مالزی بوده و طبق نظر مردم و کارشناسان بین‌المللی دوران زمامداری او دوران شکوفایی مالزی بوده است. وی با انجام یک سری اصلاحات بنیادین در نظام اداری و قانونی، مالزی را از یک کشور تک‌محصولی کشاورزی به یکی از قطب‌های صنعتی و گردشگری در جهان تبدیل کرد و رفاه، آسایش و امنیت سرمایه‌گذاری را برای مردم مالزی به ارمغان آورد. در واقع دوران زمامداری ایشان دوران طلایی مالزی بود و به همین جهت در انتخابات اخیر خیلی از مردم و احزاب به یاد دوران گذشته با حمایت از ماهاتیر به پا خاستند و به ائتلاف امید رای دادند. ماهاتیر محمد در واقع مسن‌ترین رهبر منتخب مردم به‌عنوان نخست‌وزیر در جهان لقب گرفته است.

با وجودی که ایشان در سال ۲۰۰۳ با رای و خواست خود با هدف واگذاری اداره امور کشور به افراد جوان‌تر اقدام کرد و با تثبیت موقعیت سیاسی و اقتصادی مالزی، خود را از امور سیاسی بازنشسته کرد اما تحولات بعدی در ۱۵ سال گذشته به خاطر فساد اداری و سیاست‌های غلط، موجب شد اقتصاد مالزی دچار صدمات شدیدی شود و فساد اداری در ارگان‌های مختلف از جمله نجیب الرزاق، نخست‌وزیر فعلی توسعه یابد.

ائتلاف جبهه ملی به رهبری عبدالرزاق شامل ۱۴ حزب سیاسی است و در طول بیش از شش دهه در رأس قدرت بوده است اما ائتلاف «امید» به‌عنوان جناح اپوزیسیون به رهبری ماهاتیر محمد شامل چهار حزب است که توانستند پیروز انتخابات شوند.

وزارت دادگستری آمریکا گفته است، رسوایی مالی مرتبط با وابستگان نجیب رزاق از صندوق مالی تاسیس شده توسط وی در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴، ۴/۵ میلیارد دلار است که ۷۰۰ میلیون دلار آن در یکی از حساب‌های بانکی نجیب رزاق محفوظ است.

این در حالی است که نخست‌وزیر کنونی مالزی اتهامات وارده را رد می‌کند. همچنین افزایش مالیات بر خدمات و کالاها که توسط رزاق و در سال ۲۰۱۵ اعمال شد بر عدم محبوبیت وی افزود.

ماهاتیر محمد در مصاحبه‌ای با روزنامه بریتانیایی گاردین قبل از شروع انتخابات گفته است: «چرا می‌خواهم او (نجیب عبدالرزاق) کنار زده شود؟ این آدم پول می‌زد. نه چند صد دلار، نه چند هزار دلار، بلکه میلیاردها. او میلیاردها دلار دزدیده و این در تحقیقات مالزی و آمریکا ثابت شده است.»

این شروع یک جنگ قضایی در مالزی است که آقای محمد علیه هم‌حزبی‌های سابق خود شروع کرده است. در واقع ایشان با انتخاب مجددش با شعار مبارزه

با فساد نهادینه شده وارد عرصه سیاسی شده و به‌نظر می‌رسد به دنبال شروع تحقیقات وسیعی در خصوص اختلاس و فساد در ارگان‌های مهم دولتی باشد. ماهاتیر محمد می‌گوید مایل به بازگشت به قدرت نبوده اما به علت درخواست‌های فراوان ناچار شده حزبی تاسیس کند و خود را برای نخست‌وزیری مجدد نامزد کند تا بتواند با اتکا به تجربیات گذشته و حمایت مردمی ریشه فساد را در کشور خشک کند و از دستاوردهای چند دهه خود برای مالزی حفاظت کند.

با توجه به بحران‌های موجود در جنوب شرق آسیا و بحران اقتصادی در منطقه، مالزی به دنبال ثبات و توسعه است و وجود فساد اداری و مالی موجب ضربه شدید به اقتصاد آن کشور می‌شود. بنابراین ممکن است مالزی در مارا تن رقابت اقتصادی عقب‌مانده، به همین جهت آمریکا با حمایت نسبی از ماهاتیر محمد برای حضور ایشان در راس دولت تلاش کرد. رقابت آمریکا و چین در منطقه و نیاز آمریکا به هم‌پیمانان قدرتمند شرط موفقیت در رقابت با چین است.

بسیاری از محافل سیاسی و اقتصادی، دوران شکوفایی مالزی را مدیون سیاست‌های آقای ماهاتیر محمد از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ می‌دانند و ایشان را معمار توسعه و پیشرفت مالزی نام می‌برند.

در این میان برخی نیز دوران هشت ساله ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی را با دوران ماهاتیر محمد مقایسه می‌کنند و پیشرفت ایران را مرهون توسعه ساختارهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری مرحوم هاشمی رفسنجانی معرفی می‌کنند که این موضوع هنوز در برخی محافل مطرح است. جهت روشن شدن موضوع لازم است برخی موضوعات بیان شود: اولاً دوران اول نخست‌وزیری ماهاتیر محمد ۲۲ سال بود و ایشان توانست مالزی را از یک کشور کشاورزی به یک کشور کشاورزی، صنعتی و توریستی تبدیل کند و به مقام کشورهای توسعه‌یافته نائل گرداند. این مساله، یک موفقیت بزرگ بود و تمام طرح‌ها و زیرساخت‌های توسعه بر اساس یک الگوی علمی تبیین شده بود. اما در دوران آقای هاشمی توسعه کشور بر اساس یک الگوی نیاز امروز تبیین شده بود و نمی‌توانست بلندمدت هدف‌گذاری شود. آقای هاشمی بعد از جنگ جهت بازسازی و رونق اقتصادی بیشتر بر اساس نتایج زودبازده سیاست‌گذاری کلان کرده بود که این اقدامات بعدها صدمات زیادی به بخش سرمایه‌گذاری کشور وارد کرد. ثانیاً در مالزی، دولت پروژه‌ها را بلندمدت و بر اساس مطالعات اقتصادی و شرایط منطقه‌ای انجام داده است و دولت‌های بعدی ادامه‌دهنده توسعه بودند. در واقع این مسیر درست و هدفمندی بوده است اما در دوران سازندگی آقای هاشمی به جهت عدم رعایت اصول سرمایه‌گذاری و عدم انجام مطالعات و تحقیقات علمی قبل از انجام پروژه‌ها، بعد از گذشت چند سال، پروژه‌های انجام گرفته خود به‌عنوان معضل جدید برای دولت‌های بعدی شد. برای نمونه توسعه سدسازی‌ها که در دوران آقای هاشمی شروع شد نه تنها موجب پیشرفت کشاورزی نشد، بلکه موجب خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها شد که خود بحران جدیدی ایجاد کرده است؛ خشک شدن دریاچه ارومیه که به علت احداث سد‌های متعدد و احداث جاده از وسط دریاچه بدون مطالعات محیط‌زیستی انجام گرفته در حال حاضر به یک بحران منطقه‌ای تبدیل شده

سونامی ماهاتیر

آیا معمار مالزی این بار هم موفق خواهد بود؟

عارف بیژن

پژوهشگر مسائل بین الملل



ماهاتیر محمد در تاریخ ۱۰ می سال ۲۰۱۸ به عنوان نخست وزیر مالزی انتخاب شد و ۱۵ سال پس از بازنشستگی به سیاست بازگشته است. شوک بزرگ در انتخابات مالزی قدرت ۶۱ ساله ائتلاف حاکم را به پایان رسانده است. در نتیجه این انتخابات، ماهاتیر ۹۲ ساله، عنوان مسن ترین رهبر منتخب جهان را به خود اختصاص داده است. در مقابل، حزب سابق ماهاتیر، باريسان ناسیونال (BN)، به رهبری نجیب عبدالرازق، نخست وزیر سابق، دست کم ۷۹ کرسی را با وجود کنترل آن بر رسانه های محلی، نظارت بر انتخابات و تلاش هایش برای جلوگیری از مبارزات انتخاباتی مخالفان، به دست آورد. این در حالی است که ائتلاف ماهاتیر، ۱۲۱ کرسی از ۲۲۲ کرسی را کسب کرد.

در واقع، پیروزی ماهاتیر، با حمایت معاون سابق خود انور ابراهیم، به افزایش هزینه های زندگی و رسوایی مالی چند میلیارد دلاری نجیب در مورد صندوق سرمایه گذاری دولتی (MDB) مربوط می شود. از آنجایی که بازارهای مالی مالزی در این هفته بسته شده اند، سرمایه گذاران خارج از کشور به نگرانی خود در مورد نتایج شگفت انگیز عکس العمل نشان دادند. معاملات دریایی مالزی به میزان ۴ درصد کاهش یافت. تا قبل از این انتخابات، بدهی کشور بیش از یک تریلیون رینگیت (۲۵۰ میلیارد دلار) بود و ائتلاف تحت رهبری BN وعده داده بود که ۳ میلیون شغل جدید ایجاد کند و دستمزد را افزایش دهد. مرد پیر مالزی پیش تر از سال ۱۹۸۱ تا سال ۲۰۰۳ به عنوان چهارمین نخست وزیر مالزی فعالیت کرد که طولانی ترین دوره تصدی این پست است. فعالیت سیاسی ماهاتیر از بیش از ۷۰ سال پیش که او در سال ۱۹۴۶ به سازمان ملی متحد مالایی ها (UMNO) پیوست، شروع شد و در سال ۲۰۱۶ حزب خود را با نام حزب بومی متحد مالزی تأسیس کرد.

او پس از ورود به پارلمان در سال ۱۹۶۴ در UMNO فعال شد و یک دوره نماینده بود تا اینکه کرسی خود را از دست داد و با نخست وزیر، تونکو عبدالرحمان درگیر و از UMNO اخراج شد. با استعفای عبدالرحمان، ماهاتیر مجدداً وارد UMNO و پارلمان شد و به کابینه رسید. تا سال ۱۹۷۶ او به مقام قائم مقامی نخست وزیر رسیده بود و پس از استعفای سلفش - حسین اون - به نخست وزیری رسید.

از آنجایی که ماهاتیر با اندیشه توسعه گرا و اصلاحات در ساختار فاسد مالزی که نجیب را مسبب آن می دانست، وارد عرصه انتخابات شده، برخی از محافل سیاسی داخل ایران از مقایسه سیاست اقتصادی ماهاتیر با مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی سخن به میان آورده اند، بنابراین در این متن سعی بر این است به طور اختصار به مهم ترین سوالات از قبیل دلایل بازگشت ماهاتیر محمد به قدرت، وضعیت اقتصادی و سیاسی مالزی در گذشته و حال و بررسی الگوهای سیاست توسعه گرایانه ماهاتیر و هاشمی رفسنجانی پاسخ داده شود.

مالزی در زمان ماهاتیر و دلایل بازگشت

ماهاتیر را یکی از موفق ترین رهبران جهان اسلام می دانند؛ در کشوری کوچک و کم جمعیت که مردم به طور عمده کشاورزی یا صیاد ماهی بودند و درآمد سرانه کمتر از ۱۰۰ دلار داشتند. برخی مناقشات مذهبی و نژادی نیز در آن مقطع در مالزی رواج یافته بود که در این شرایط حضور ماهاتیر محمد موجب دگرگونی این کشور شد به گونه ای که مالزی چهره دیگری به خود گرفت. بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۵، مالزی برخوردار از توسعه انسانی بالا و در زمینه شاخص های توسعه انسانی حائز رتبه ۶۲ بین ۱۸۸ کشور جهان، امید به زندگی ۷۴/۷ سال، درآمد سرانه ناخالص ملی سرانه ۲۲۷۶۲ دلار در سال، کل جمعیت ۳۰/۲ میلیون نفر و رشد جمعیت ۱/۶ درصد است. در سیاست های ماهاتیر، ضمن انتقاد از روش های غربی توسعه برای جهان سوم، راه حل آسیایی برای کشورهای در حال توسعه توصیه می شود. او اسلام گرایی را با نوگرایی توأم ساخت. سرانجام، ماهاتیر با سه دهه تلاش، نه تنها مالزی و آینده آن را دگرگون ساخت، بلکه درستی بیش و اندیشه های خود را به ثبات رساند. کناره گیری داوطلبانه او از قدرت در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲)، مهم ترین و درس آموزترین اقدام او برای رهبران و سیاستمداران کشورهای جهان سوم و ممالک اسلامی بود. وی همچنین با عنوان های مختلفی همچون «ناجی قوم مالایا» و «معمار مالزی مدرن» شناخته می شود. آنچه در حال حاضر باعث شده است ماهاتیر بار دیگر پا به عرصه سیاست بگذارد، فساد اقتصادی و مشکلات داخلی بود. برخی از اقداماتی که او طی سال های حکومتداری انجام داده به شرح زیر است:

- ماهاتیر محمد در سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ به عنوان نخست وزیر مالزی به مدت ۲۲ سال بر یکی از اقتصادهای پیشرو آسیا نظارت داشت.

- ماهاتیر کشور را از طریق بحران آسیایی سال ۱۹۹۸ هدایت کرد و آن را به یک بزرگ اقتصادی تبدیل کرد. - به عنوان نخست وزیر، او از اکثریت مسلمان مالایی کشور حمایت کرد و به عنوان «پدر مالیات مدرن» معروف شد و از سیاست هایی که به شکوفایی اقتصاد کمک می کرد حمایت کرد.

- این دیدگاه ماهاتیر بود که الهام بخش توسعه برج های دو قلو پتروناس کوالالامپور بود. - به عنوان نخست وزیر، او همچنین خود را به عنوان سخنگوی دنیای مسلمان پس از حملات ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده معرفی کرد.

در ارتباط با دلایل بازگشت ماهاتیر به عرصه سیاست، بیش از آنکه آن را به خواست مردم مرتبط باند، وی از فساد عبدالرازق و کاهش رشد اقتصادی مالزی نسبت به سال های تصدی خود صحبت به میان آورده است. وزارت دادگستری آمریکا گفته است، رسوایی مالی مرتبط با وابستگان نجیب رزاق از صندوق مالی تأسیس شده توسط وی در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴، ۴.۵ میلیارد دلار است که ۷۰۰ میلیون دلار آن در یکی از حساب های بانکی نجیب رزاق محفوظ است. اما نجیب گفت که این کمک مالی از خانواده سلطنتی عربستان سعودی بوده و بیشتر آن بازگشته است. آقای محمد در مصاحبه ای با روزنامه

بریتانیایی گاردین گفته است: «چرا می خواهیم او کنار زده شود؟ این آدم پول می دزدد. نه چند صد دلار، نه چند هزار دلار، بلکه میلیاردها. او میلیاردها دلار دزدیده و این در تحقیقات مالزی و آمریکا ثابت شده است.» ماهاتیر در رابطه با سوء مدیریت اقتصادی و رسوایی مالی نجیب گفت: «بزرگترین اشتباهی که من در زندگی ام انجام دادم انتخاب نجیب است. من می خواهم این اشتباه را تصحیح کنم.»

در همین راستا، ماهاتیر می گوید مایل به بازگشت به قدرت نبوده، اما به علت درخواست های فراوان ناچار شده حزبی تأسیس کند و خود را برای نخست وزیر نوین مجدد نامزد کند. ماهاتیر محمد، معمار مالزی نوین است و در سال های پایانی دهه ۱۹۹۰ توانست بدون کمک صندوق بین المللی پول، کشورش را از بحران منطقه جنوب شرق آسیا سالم خارج کند. اما برخی شرایط نسبت به دو دهه پیش تغییر کرده است. برای مثال در سال های اخیر چین با هدف افزایش نفوذ در منطقه شرق آسیا و جهان اقدامات مختلفی انجام داده و سرمایه گذاری های عظیم در کشورهای دیگر کرده است. مالزی یکی از کشورهایی است که در سال های اخیر پذیرای میزان بالای سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین بوده است. ماهاتیر محمد با نفوذ چین بر مالزی نیز مخالف است و اعلام کرد در پروژه هایی که با سرمایه گذاری چین انجام می شود تجدیدنظر خواهد کرد. با توجه به دیدگاه های ماهاتیر محمد درباره مسائل سیاسی و اقتصادی، برخی تحلیلگران انتخابات صورت گرفته در مالزی را نوعی سونامی توصیف کرده اند. برای اظهار نظر درباره اقدامات نخست وزیر جدید و تاثیر این اقدامات بر اقتصاد مالزی هنوز زود است اما حتی طرفداران نخست وزیر قبلی معتقدند در بلندمدت حضور ماهاتیر محمد در صحنه سیاسی - مالی برای کشور مفید خواهد بود.

در همین راستا ماهاتیر وعده هایی همچون از بین بردن ۶ درصد مالیات کالا و خدمات ظرف ۱۰۰ روز کاری، مالیاتی که در سال ۲۰۱۵ اعمال شد و شهروندان به دلیل افزایش هزینه های زندگی خود به طور گسترده تحت فشار قرار گرفتند؛ دوم، مجدداً یارانه های سوخت را که ممکن است تبدیل به یک پاداش برای مصرف شوند، به ارمغان بیاورد؛ سوم، افزایش حق امتیاز نفتی به کشورهای تولید کننده نفت و افزایش حداقل دستمزد به میزان ۵/۲ درصد، وعده داد.

نگاه ماهاتیر و هاشمی به توسعه (اندیشه توسعه گرا)

طی انتخابات اخیر پارلمانی در مالزی که مشخص شد آقای ماهاتیر به صحنه سیاست بازمی گردد، بسیاری از محافل سیاسی و رسانه ای داخل ایران، آمدن دوباره او را با حضور دوباره آیت الله هاشمی برای انتخابات ریاست جمهوری طی سال های پایانی زندگی اش تشبیه کردند. به دور از فضا سازی های سیاسی و حزبی بلکه به صورت علمی آنچه می توان در این مورد توضیح داد، این است که هر دو در برهه زمانی خاص، اندیشه توسعه گرا داشتند و با وجود کشورهای جهان سوم و مسلمان به دنبال توسعه اقتصادی بودند که به غرب وابستگی نداشته باشد، الگوهای سازندگی برای پیشرفت کشور به صورت یکسان صورت گرفت و از یک کشور فقیر و کمتر توسعه یافته به سمت کشورهای در حال توسعه و همسو با دیگر کشورها سوق داده شدند. در همین راستا، روزنامه مالزیایی نیواسترین تایمز در مطلبی به قلم رونتا عبدالرزاق از دانشگاه آکسفورد نوشت: «هاشمی رفسنجانی در دوره فعالیت خود، نقش های زیادی از جمله هدایت

باتوجه به دیدگاه‌های ماهاتیر محمد درباره مسائل سیاسی و اقتصادی، برخی تحلیلگران انتخابات صورت گرفته در مالزی را نوعی سونامی توصیف کرده‌اند. برای اظهار نظر درباره اقدامات نخست‌وزیر جدید و تاثیر این اقدامات بر اقتصاد مالزی هنوز زود است اما حتی طرفداران نخست‌وزیر قبلی معتقدند در بلندمدت حضور ماهاتیر محمد در صحنه سیاسی مالی برای کشور مفید خواهد بود

سهم به سزایی را در ارتقای سطح اقتصادی و رفاهی جامعه داشتند.»

پیامدهای دور از دسترس

شاید زمان کنونی که مالزی در آن قرار دارد با زمان نخست‌وزیری ماهاتیر متفاوت باشد، بنابراین پیروزی ماهاتیر «عواقب بسیار وسیعی برای اقتصاد» داشته که هم منفی و هم مثبت خواهد بود. اقتصاد مالزی در حال حاضر از رشد قوی برخوردار است و رشد اقتصادی در سال گذشته به ۵/۹ درصد رسیده و از سوی بانک مرکزی پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۸ به ۵/۵ تا ۶ درصد برسد. اما با تشدید تنش‌های تجاری در سال جاری و صادرات به دو سوم تولید ناخالص داخلی، خطراتی برای چشم‌انداز مالزی وجود دارد. وضعیت تورم نسبتاً خوشایند بوده و در ماه مارس به ۱/۳ درصد

مذهبی، فرماندهی نظامی و وظایف سیاسی متعددی بر عهده داشت. وی به‌عنوان وزیر، رئیس مجلس و رئیس جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده بود. او با میانه‌روها هم ارتباط داشت و از دولت حسن روحانی حمایت می‌کرد. از یک سو، پس از انقلاب اسلامی، تلاش برای منزوی کردن ایران آغاز شد و یک جنگ خونین با عراق رخ داد. در واقع بازسازی کشور بعد از جنگ، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را به‌عنوان فرد کوشا در پیشرفت کشور معرفی کرد و همین اقدام او در ذهن مردم ماندگار است. از این رو، ایران به اهمیت ارتباط با کشورهای آسیایی و اسلامی پی برد. آیت‌الله رفسنجانی نیز روابط دیپلماتیک را با مالزی توسعه داد. از سوی دیگر، بعد از سال‌های متمادی و به اقتضای نیاز کشور به یک تحول اساسی در شرایط اقتصادی و رفاهی، بازگشت دوباره هاشمی به صحنه سیاست با استقبال بسیاری مواجه شد، ولی به دلیل کهولت سن ایشان، موفق به ورود به صحنه نشد، برعکس مالزی که به ماهاتیر ۹۲ ساله اجازه حضور در پست نخست‌وزیری را داد.

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برای پیشبرد اهداف کلان اقتصادی کشور، توسعه روابط با شرق را در دستورکار خود قرار داد و به راه‌اندازی سفارتخانه‌های خود در جنوب شرق آسیا از جمله مالزی، اندونزی و تایلند روی آورد.

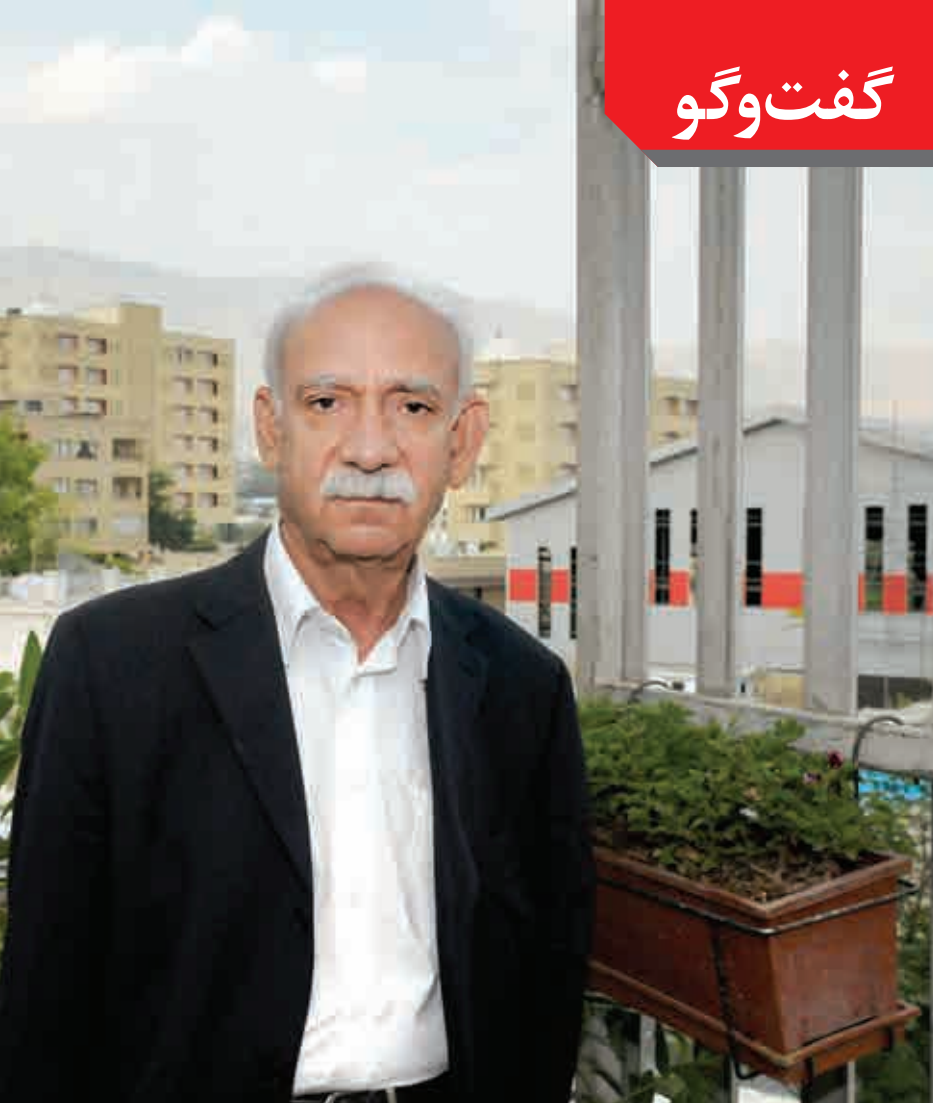
هاشمی‌رفسنجانی در سال ۱۹۸۱ به‌عنوان رئیس مجلس به کوالالامپور سفر و با ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر وقت دیدار و گفت‌وگو کرد. یک سال پس از آن سفارت ایران در مالزی فعالیت خود را آغاز کرد.

این رابطه در ابتدا بر تجارت متمرکز بود. در اکتبر سال ۱۹۹۴، آیت‌الله رفسنجانی به منظور دیدار رسمی به مالزی سفر کرد که این بار وی در منصب رئیس جمهور وارد این کشور شد و این در حالی بود که چند ماه پیش از آن ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر مالزی نیز از ایران دیدن کرده بود. به‌عنوان کنسولی که در انزوا و پس از آن نیز تحت تحریم‌های غرب قرار گرفته بود، ایران آموخته بود که باید خودکفا باشد و پیمان‌های اقتصادی مستحکمی با کشورهای غیرغربی ایجاد کند. دکتر ماهاتیر محمد نیز از شهرت بین‌المللی هاشمی‌رفسنجانی و موضع اقتصادی وی حمایت می‌کرد.

پس از دیدار آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از مالزی، دیگر روسای جمهور ایران نیز از مالزی دیدن کردند. رئیس دولت اصلاحات در سال ۲۰۰۲، محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ و حسن روحانی نیز در اکتبر سال ۲۰۱۶ به مالزی سفر کردند. با ایجاد روابط دیپلماتیک با مالزی، هاشمی‌رفسنجانی توانست ایران را از انزوا دور کند و جای پای مستحکمی برای خود در منطقه بیابد، بنابراین به دور از سوگیری و به لحاظ بهره‌گیری از اندیشه‌سازندگی برای دو کشور کمتر توسعه‌یافته و رهایی از بند وابستگی به غرب، این دورا می‌توان با هم مقایسه کرد که هر کدام

ماهاتیر محمد، معمار مالزی نوین است و در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ توانست بدون کمک صندوق بین‌المللی پول، کشورش را از بحران منطقه جنوب شرق آسیا سالم خارج کند. اما برخی شرایط نسبت به دو دهه پیش تغییر کرده است. برای مثال در سال‌های اخیر چین با هدف افزایش نفوذ در منطقه شرق آسیا و جهان اقدامات مختلفی انجام داده و سرمایه‌گذاری‌های عظیم در کشورهای دیگر کرده است. مالزی یکی از کشورهایی است که در سال‌های اخیر پذیرای میزان بالای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین بوده است





بازگشت برای مبارزه با فساد

پیرمحمد ملازهی در گفت‌وگو با مثلث

کاهش یافته و از سال گذشته به میزان قابل توجهی کمک کرده است تا فشارهای قیمت را کاهش دهد. دولت تورم متوسط ۲/۵ درصد را برای این سال پیش‌بینی کرده بود.

الکس هولمز اقتصاددان ارشد آسیا بیان داشت که «در کوتاه‌مدت، ماهاتیر پیش‌بینی می‌کند که مالیات بر کالاها و خدمات کشور را از بین ببرد. او این امکان را فراهم می‌کند که مالزی در نهایت شروع به مقابله با برخی از مسائل سازمانی که مانع چشم‌انداز بلندمدت کشور می‌شود، کند. همچنین با هزینه‌هایی که در سال جاری به شدت افزایش می‌یابد، افزایش بزرگی که در کسری بودجه به نظر می‌رسد اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اینکه مالزی دارای یکی از بالاترین میزان بدهی‌های عمومی در منطقه است، در ۵۴ درصد از تولید ناخالص داخلی، دیر یا زود، دولت به احتمال زیاد از بازارهای مالی تحت فشار قرار می‌گیرد تا اعتبار مالی را در مسیر خود قرار دهد. از سوی دیگر، پیروزی ماهاتیر همچنین می‌تواند پروژه‌های سرمایه‌گذاری تحت حمایت چینی را، از جمله گسترش امکانات بندر مالزی و خطوط ارتباطی جدید شرق ساحل که منجر به کاهش رشد سرمایه‌گذاری شده است، تهدید کند.

مالزی در سال ۲۰۱۷، شصت و دومین «شاخص ادراک فساد ۲۰۱۷» را به خود اختصاص داده است، همان‌گونه که با رسوایی صندوق سرمایه‌گذاری ملی مشخص شده است. همچنین رتبه ۱۴۵ در فهرست ۲۰۱۸ شاخص آزادی مطبوعات جهان قرار دارد. رتبه ۲۴ را در نظرسنجی «سهولت انجام کسب‌وکار» بانک جهانی در نظر گرفته است، و آن را به خوبی زیر سنگاپور همسایه (دوم) قرار می‌دهد که با امتیاز ۱۱۱ در سهولت شروع کسب‌وکار مشخص شده است. در کوتاه‌مدت، سرمایه‌گذاران می‌توانند انتظار یک «سواری خشن» را پیش بگیرند، کریستی تان به بانک ملی استرالیا هشدار داد که: «در حالی که این نتیجه توسط مالزیایی‌ها مورد تشویق قرار می‌گیرد، این به معنی عدم اطمینان بیشتری برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی است.» ماهاتیر مطمئن می‌داند که اهرم‌های قدرت به چه صورت است و تحقق اهداف اصلاحات چالش‌بعدی برای او است و اینکه می‌تواند ثابت کند یکی از طولانی‌ترین دولت‌های آسیا را تحت رهبری دارد. از بعد سیاسی نیز باید بیان داشت، حضور مجدد ماهاتیر پیامی برای کشورهای منطقه دارد مبنی بر اینکه در هر زمانی امکان تغییر و اصلاحات برای کشورها وجود دارد. اگرچه به مانند دوره‌های قبل نمی‌تواند پیش‌برود اما نتایج مثبت و منفی این انتخاب مجدد به پای ماهاتیر نوشته نخواهد شد و مردم مالزی نقش بسیار اساسی در این امر دارند، با اینکه او نیز به خاطر نقض حقوق بشر، تضعیف قوه قضاییه، محاربه کردن مخالفان سیاسی و تحقق سیاست‌هایی که اختلافات نژادی را در کشور چندقومی تشدید می‌کرد، مورد انتقاد قرار گرفت. از سوی دیگر دوستی دوباره با انور ابراهیم شرایط را متفاوت کرده است؛ شخصی که در زندان است و با عفو پادشاهی دوباره به دنیای سیاست خواهد برگشت و ماهاتیر محمد پیش از انتخابات گفته بود اگر در انتخابات پیروز شود و انور ابراهیم هم عفو شود، سمت نخست‌وزیری را به او تحویل خواهد داد.

در نهایت با حضور محمد پیش‌بینی می‌شود اگر خود بر امور نظارت داشته باشد، شرایط اقتصادی و سیاسی مالزی رو به بهبود برود و به دلیل روابط خوب با ایران و همچنین تقابل با سیاست‌های آمریکا در یک جبهه با ایران قرار بگیرد و این بهترین فرصت برای جمهوری اسلامی ایران است تا از این انتخاب بهره‌وری لازم را داشته باشد.

نخست‌وزیر قبلی (نجیب رزاق) همبستگی ملی را خدشه‌دار خواهد کرد. این مسائل ناخشنودی شدید ماهاتیر محمد را در پی داشت و وی را به سمتی سوق داد که ائتلاف «اتحاد امید» را تشکیل داد. وی در این ائتلاف از تمام جریان‌های سیاسی، قومی و مذهبی نیروهایی را جذب کرد و آنها را در این ائتلاف شرکت داد. از جمله بخشی از چینی‌تبارها و هندی‌تبارها که از این وضعیت ناراضی بودند، بنابراین او یک جریان مخالف دولت شکل داد و در انتخابات نیز شرکت کردند و پیروز شدند.

بنابراین خدشه‌ای که در ارتباط با همبستگی ملی و نگرانی درباره توازن قومی و مذهبی در مالزی مطرح بود نیز بر تصمیم‌گیری ماهاتیر محمد تأثیر داشت.

مهم‌ترین برنامه‌ها و اهداف مدنظر این رهبر مالایی چیست؟

▶ به نظر وی اولویت مالزی مسائل توسعه اقتصادی و سیاسی است و نباید کشور درگیر مسائل اختلاف‌برانگیز قومی، مذهبی یا سیاسی شود. از این زاویه بود که مردم به دیدگاه‌های ماهاتیر محمد که یک اعتبار ملی نیز داشت توجه کردند. همچنین ماهاتیر محمد بعد از پیروزی در انتخابات اعلام کرد قانون مالیاتی که دولت پیشین روی کالا و خدمات ایجاد کرده بود را لغو خواهد کرد. زیرا در زمان خود این مساله نارضایتی

چرا ماهاتیر محمد که از او به عنوان یکی از مهم‌ترین و موفق رهبران جهان اسلام و پیشرو در ارائه یک مدل توسعه‌گرایی یاد می‌شود، امروز بار دیگر به عرصه سیاست بازگشته است و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

▶ یک دلیل بازگشت ماهاتیر محمد به قدرت، بحث فساد مالی نجیب رزاق بود چرا که نجیب رزاق ۷۰۰ میلیون دلار را از شرکت توسعه مالزی به حساب خود منتقل کرده بود. پشت پرده این قضیه نیز عربستان سعودی قرار داشت و بولی بود که در قالب همکاری‌های اقتصادی عربستان به مالزی می‌داد. اما در عوض آنکه آن پول را صرف توسعه آن شرکت بکنند در اختیار نخست‌وزیر قرار داده بودند. بحث دیگر این بود که کلا آمریکایی‌ها آمدند و اسنادی را منتشر کردند که برخی بانک‌ها و شرکت‌های آمریکایی در پولشویی مالزی دست داشتند و حاکمیت مالزی حدود ۴/۲ میلیارد دلار از بودجه عمومی را مورد سوءاستفاده قرار داده بود. این مساله نیز از عواملی بود که ماهاتیر محمد را به شرکت در انتخابات تشویق کرد.

اما بحث جدی‌تری که در ارتباط با بازگشت ماهاتیر محمد مطرح است، نگرانی وی از تشنگی در جامعه و برهم خوردن توازن قومی و مذهبی در کشور بود. نگرانی شدیدی ایجاد شده بود مبنی بر اینکه سیاست‌های



مالزی به عنوان یکی از توسعه یافته ترین کشورهای مسلمان شرق آسیا در کمتر از چهار دهه از کشوری فقیر و کم درآمد به کشوری توسعه یافته و با درآمد بالا تبدیل شد. رهبر جریان توسعه گرایی در مالزی کسی نبود جز ماهاتیر محمد. وی از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ به عنوان چهارمین نخست وزیر مالزی فعالیت کرد که توانست با اندیشه ای منسجم و مبتنی بر آزادی های اقتصادی به شخصیتی ماندگار در تاریخ مالزی تبدیل شود. اکنون نیز ماهاتیر محمد در سال ۲۰۱۸ بار دیگر در سن ۹۲ سالگی به عنوان هفتمین نخست وزیر مالزی انتخاب شده است. پیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل آسیا در گفت وگویی به واکاوی دلایل بازگشت ماهاتیر محمد به عرصه سیاست و شرایط پیش روی وی پرداخته است.

اختلافات زیادی را در پی داشت و به اعتراضات مردمی منجر شد.

ماهاتیر محمد شخصی است که اندیشه های توسعه گرایی را سرلوحه کار و سیاست های خود قرار داده بود. کمی راجع به پیشینه و موفقیت های وی در عرصه سیاست و اقتصاد مالزی بگویید.

ماهاتیر محمد سابقه خوبی به عنوان یک اقتصاددان مسلمان از خود برجای گذاشت. نه تنها او در داخل کشور اعتبار خود را بالا برده، بلکه در سطح دنیای اسلام نیز این مساله مطرح است که اگر کشورهای اسلامی می خواهند پیشرفت کنند، باید به لحاظ اقتصادی و صنعتی الگویی را انتخاب کنند که ماهاتیر محمد در مالزی به تجربه گذشت و موفق شد. او توانست مالزی را از یک کشور فقیر و کم توان اقتصادی به کشور پیشرفته ای

تبدیل کند که هم از لحاظ صنعتی، هم جذب سرمایه خارجی و هم رساندن جامعه به یک انسجام و وحدت درونی موفق بوده است. در ضمن از نظر مالی نیز ماهاتیر محمد، شخص سالمی بود. واقعیت این است بحث هایی که در حال حاضر درباره نجیب رزاق، نخست وزیر پیشین مطرح است، در مورد وی مطرح نبود، بنابراین ماهاتیر محمد یک اعتبار ملی قابل قبولی هم در مالزی و هم در سطح دنیای اسلام دارد، البته رزاق شاگرد ماهاتیر محمد بوده اما به دلیل اینکه وی متهم به فساد شد، ماهاتیر محمد از او جدا شد و تشکیلات خاص خود را به عنوان یک نیروی مستقل ایجاد کرد، به گونه ای که هم بتواند حمایت قومی مالاها را داشته باشد و هم حمایت هندوها و مسیحیان چینی تبار. به نظر می رسد که امروز این اتفاق افتاده و نگاه ماهاتیر محمد مبنی بر اینکه با همه قومیت ها و مذاهب یکسان برخورد شد منجر به آن شد که اغلب مذاهب و قومیت ها به سمت وی گرایش پیدا کنند و پیروزی قاطعی را برای نخست وزیر پیشین مالزی رقم زدند.

آیا وی موفق می شود در شرایط فعلی، یک بار دیگر مشکلات مالزی را حل و فصل کند؟

در این رابطه باید توجه داشت که ماهاتیر محمد نوعی هوشیاری از خود نشان داده و بعد از پیروزی در انتخابات صحبت از این کرده که از پادشاه مالزی برای انور ابراهیم، معاون سابق خود عفو بگیرد و پس از دو سال او را در سمت نخست وزیر منصوب کند. این یک حرکت هوشیارانه است زیرا حزب انور ابراهیم در میان قومیت مالایی یک حزب بسیار قدرتمند است و اعتبار و پایگاه اجتماعی بالایی دارد. از دیگر سو ماهاتیر محمد در کارش یک فرد بسیار جدی است اما چون سن بالایی دارد پیش بینی کرده که احتمالا نتواند همچنان به حکومت داری ادامه دهد و به همین دلیل نیز پیشنهاد کرده تا انور ابراهیم از پادشاه عفو بگیرد و نخست وزیر شود. در این صورت تشکیلات حزبی انور ابراهیم و تشکیلات مستقل ماهاتیر محمد ادغام شده و می توانند طرح های خود را در کشور پیش ببرند.

همچنین ماهاتیر محمد بعد از پیروزی در انتخابات اعلام کرد که عفو انور ابراهیم که در حال حاضر در زندان به سر می برد را از پادشاه مالزی گرفته و همسر او را نیز به عنوان معاون نخست وزیر تعیین کرد. یک عفو عمومی نیز مدنظر او قرار دارد تا تمام کسانی را که در جریان مخالف حاکمیت بودند را نیز ببخشد و یک آشتی ملی در کشور رخ دهد.

کمی هم راجع به جریانات سیاسی در مالزی توضیح دهید.

مالزی به لحاظ سیاسی تحت تاثیر منافع سه جریان قومی مهم این منطقه قرار دارد؛ یکی جریان قومی مالایی است که ماهاتیر محمد نیز وابسته به آن جریان است. دوم جریان مسیحی مذهبیان چینی تبار هستند که احزاب و تشکیلات خاص خود را دارند. دیگری جریانات قومی و مذهبی هندی هستند که در میان آنها مسلمان، هندی و بودایی وجود دارد.

آنچه اکنون در مالزی تعیین کننده است اینکه قومیت مالایی که خود را صاحب اصلی کشور می داند دچار تفرقه سیاسی شده اما جناح های قومی چینی و هندی تبار به دلایل مختلف توانسته اند انسجام درونی خود را حفظ کنند چرا که آنها تاجر مسلک و فعال در امور اقتصادی هستند و خیلی با سیاست کاری ندارند، بنابراین چالشی که ماهاتیر محمد با آن روبرو خواهد بود با همین مالایی ها خواهد بود که اختلاف نظر سیاسی میان آنها زیاد است.

آیا در برهه فعلی شاهد تغییر و تحولاتی در عرصه سیاست خارجی مالزی خواهیم بود؟

درباره سیاست خارجی مالزی باید توجه داشت که

دیپلماسی این کشور در چارچوب مناسباتش با کشورهای جنوب شرق آسیا است، یعنی سیاست کلی که در اتحادیه آ.سه. آن مدنظر است بیشتر با کشورهای جنوب شرق آسیا و به ویژه اندونزی به عنوان بزرگ ترین کشور اسلامی هماهنگ است.

در سطح بین الملل نیز نشان داده اند همزمان با حفظ نگاه مثبت شان به دنیای غرب، به قدرت هایی مانند ژاپن و روسیه نیز نگاه منفی ندارند، یعنی کم و بیش نوعی استقلال ملی مدنظر ماهاتیر محمد است و بر اساس همین نگاه بود که توانست مسیر توسعه را باز کرده و در یک جامعه چند قومی هماهنگی ایجاد کند، بنابراین به نظر نمی رسد که در برهه فعلی، تحول جدی در دیدگاه های دولت جدید ماهاتیر محمد نسبت به مناسباتش در سطح منطقه ای و جهانی رخ دهد. اما او اعلام کرد که در سیاست های چین به عنوان یک کشور سرمایه گذار در قبال مالزی نیز تجدیدنظر خواهد کرد. علت این تصمیم این بود که وقتی چینی ها در مالزی سرمایه گذاری کردند، مالزی در شرایط مساوی با چین قرار نداشت و شرکت های چینی به گونه ای قراردادها را تنظیم کردند که منافع آنها بیش از منافع خود مردم مالزی تامین می شد. اما ماهاتیر محمد اعلام کرده که روی قراردادهایی که چین بسته، تجدیدنظر خواهد کرد. بدین مفهوم که آن قراردادها که بیشتر به نفع چین و کمتر به نفع مردم مالزی است را یا لغو می کند یا مجدداً با چین مذاکره خواهد کرد تا حقوق مردم مالزی تامین و حفظ شود.

آخرین سوال نیز به شباهت ها و تفاوت های مرحوم هاشمی و ماهاتیر محمد مربوط می شود. بسیاری اندیشه توسعه طلبانه این دو سیاستمدار را با هم مقایسه می کنند. نظر شما در این رابطه چیست؟

دیدگاه های مرحوم هاشمی رفسنجانی خیلی نزدیک به ماهاتیر محمد بود اما تفاوت اینجاست که ماهاتیر محمد در به ثمر نشاندن دیدگاه هایش موفق شد اما آقای هاشمی توفیقی نداشت. علت این امر آن بود که در حقیقت نگاهی که ماهاتیر محمد نسبت به مساله توسعه و پیشرفت داشت نگاه یک فرد تکنوکرات بود و نه نگاه یک شخص ایدئولوژیک گرا. در حالی که مرحوم هاشمی محصول یک ایدئولوژی بود و نمی توانست در بسیاری موارد برنامه ها را پیش ببرد. ماهاتیر محمد توانست وحدت ملی را تقویت کند و یک نگاه توسعه گرایانه داشت؛ بنابراین فضا برای تکنوکرات های تحصیل کرده و متخصص فراهم شد تا در راس امور قرار بگیرند.

شخص ماهاتیر محمد نیز در این امور به عنوان برنامه ریز عمل می کرد اما مرحوم هاشمی در این موقعیت قرار نداشت و موانع زیادی پیش روی او وجود داشت. به طور کلی ماهاتیر محمد از دو جهت موفق شد که آقای هاشمی موفق نشد؛ نخست اینکه الگوی مناسبی را برای کشورهای اسلامی ارائه داد که اگر می خواهند توسعه پیدا کنند باید راه مالزی را پیش بگیرند. اتفاقاً حزب عدالت و توسعه ترکیه نیز از همین خط مشی مالزی الگو برداری کرد و موفق هم شدند.

از دیگر سو ماهاتیر محمد برای پیش بردن طرح های عمرانی، توسعه ای، جذب سرمایه و به کار گرفتن نیروهای تکنوکرات و متخصص، لائیک و مسلمان را در کنار هم قرار داد. در نهایت اینکه رهبر مالزی در ارتباط با فساد مالی و هدررفت امکانات بسیار سختگیر بود ولی مرحوم هاشمی در این زمینه ضعف داشت و در زمان ریاست جمهوری ایشان، فساد مالی و اداری خیلی رواج پیدا کرد. بنابراین با وجودی که ماهاتیر محمد و آقای هاشمی رفسنجانی در دیدگاه ها و مواضع شباهت هایی با هم داشتند اما در عملکرد به دلیل شرایط متفاوتی که در آن قرار داشتند، مانند هم عمل نکردند.

احتمالا العبادي مي ماند

مقتدى صدر، هادي العامري و حيدر العبادي سه فهرست اول انتخابات عراق شدند



العبادی احتمالا می ماند

کاهش مشارکت باعث بالا آمدن صدر شد

محسن صالحی خواه

روزنامه نگار

نتایج انتخابات پارلمان عراق حاکی از این بود که فهرست سائرون به ریاست سیدمقتدی صدر، روحانی پرنفوذ شیعه عراقی از رقبای خود پیشی گرفت و روی سکوی نخست ایستاد. در جریان این رقابت سیاسی که با مشارکت ۴۴ درصدی مردم عراق همراه بود، شاید انتظار می رفت که فهرست النصر به ریاست حیدر العبادی، نخست وزیر کنونی عراق بیشترین کرسی های عراق را به خود اختصاص دهد و جریان صدر نتایجی مانند جریان حکیم و جریان حکمت ملی به دست بیاورد اما ناظران بر این باورند که شعارهای مبارزه با فساد و تاکید بر پیشرفت عراق با استفاده از نیروهای تکنوکرات غیرحزبی عامل موفقیت سائرون بود. بنابراین، مقتدی صدر امروز قدرتی بیش از قبل در سپهر سیاسی عراق دارد.

رقابت فهرست ها

انتخابات اخیر عراق دارای اهمیت بالایی بود. تا جایی که عمار الحکیم، رئیس سابق مجلس اعلای اسلامی عراق اهمیت آن را همسنگ با انتخابات سال ۲۰۰۵ عراق، یعنی دو سال بعد از سقوط صدام می دانست. فهرست های مختلفی با سرگروهی چهره های متنفذ عراقی مثل هادی العامری، دبیرکل سازمان بدر، ایاد علاوی نخست وزیر پیشین و رئیس اسبق دولت انتقالی، جریان حکیم، نوری المالکی، معاون رئیس جمهور، مقتدی صدر، بارزانی ها با حزب دموکرات کردستان، اتحاد میهنی متعلق به خانواده جلال طالبانی و احزاب و افراد کم نفوذتر در این انتخابات با هم رقابت کردند.

نتایج نشان می دهد که لیست الفتح به ریاست هادی العامری جایگاه دوم را به خود اختصاص داده اما تا زمان تنظیم این گزارش، جریان پیروز در انتخابات به ائتلاف با العامری تمایلی نشان نداده است.

مقتدی صدر، اصلاحات و آشوب

یکی از رسانه ها بعد از صدرنشینی فهرست سائرون نوشت که عراق به اصلاحات روی آورد. اوضاع سیاسی و اقتصادی عراق واقعا به تغییر نیاز دارد. سیستم سهم خواهی طایفه ای طی سال های بعد از اشغال باعث شده است که افرادی تحت طایفه خود در شاخه های

مختلف حکومت رشد کنند و بالا بیایند. حیف و میل بیت المال در عراق در مناصب دولتی و پارلمان آن کشور بالاست و مدل فعلی قدرت توانست راه پیشرفت عراق را هموار کند. با اینکه عراق جزو کشورهای با بالاترین ذخایر نفت است اما دولت های بعد از سقوط صدام در پیشبرد عدالت اجتماعی و اقتصادی در کشورشان خیلی موفق نبودند.

شاید این مساله دلایل مختلفی داشته باشد اما وجود سیاستمدارانی با مشخصات طایفه ای و حزبی یکی از دلایلی است که برای این موضوع ذکر می شود و تاکید مقتدی صدر بر این موضوع که تکنوکرات های متخصص فارغ از وابستگی های حزبی و فراکسیونی باید سکان هدایت امور را در دست بگیرند در پیروزی او تاثیر زیادی داشت.

اما تحلیل رفتارهای سیاسی صدر در سال های گذشته نشان می دهد که او اگر چه یک شخصیت بانفوذ سیاسی در عراق است اما خیلی سیاستمدار خوبی نیست. درگیری مسلحانه صدر با نیروهای دولت عراق در زمان اشغال یا تصمیم آنها برای تسلیم کردن نجف به نیروهای آمریکایی در جریان جنگ را می توانیم در دوران بعد از صدام ببینیم. یکی دیگر از نشانه های نبود بینش عمیق سیاسی در جریان صدر، برپایی تظاهرات در عراق در دل روزهای پراشوب جنگ بود که فقط در یکی از آنها، معترضان حصارهای منطقه سبز بغداد را شکستند و وارد مجلس عراق شدند.

این اتفاق اگر در روزهای عادی و امن در عراق می افتاد جای دفاع داشت اما نمی شود منطقی برای ایجاد یک آشوب جدید در آن روزها پیدا کرد که تمام تمرکز دولت عراق روی جلوگیری از پیشروی های داعش و آزادسازی مناطق اشغالی بود. باید این نکته را در نظر بگیریم که تجربه نشان داده در عراق بحران های بزرگ تر از اتفاق های کوچک به وجود می آید، مانند اعتصاب های شمال عراق در دولت المالکی که با برخورد خشن ارتش و پلیس عراق در کوتاه ترین زمان ممکن تبدیل شد به داعش و عراق را تا مرز سقوط دولت مرکزی برد.

ایران، سعودی و انتخابات عراق

پوشش خبری بسیاری از رسانه های جهان درباره انتخابات عراق به خصوص برخی رسانه های فارسی زبان مثل رادیو فردا، صدای آمریکا، دویچه وله و امثال آنان روی این موضوع متمرکز بود که پیروزی سائرون یعنی شکست ایران در عراق. آنان به طور گسترده ای طی هفته

گذشته به این موضوع پرداختند و ساعت ها برنامه تلویزیونی به خصوص در صدای آمریکا در این باره ساخته شد. تحلیلگران ضد ایرانی در این برنامه ها به کار گرفته شدند و نویسندگان از شکست ایران نوشتند. حال اینکه معلوم نیست این شکست یعنی چه؟ آیا ایران اشغالگر عراق بوده و پیروزی یک جریان در انتخابات یعنی اخراج اشغالگران؟ نقطه تمرکز رسانه ها برای پرداختن به موضوع ایران در انتخابات عراق، قرارگرفتن جریان فتح در جایگاه دوم بود. جریانی که توسط مجاهد قدیمی عراقی هادی العامری مدیریت شد. نتیجه گیری آنان این است که چون گروه های حشد الشعبی در قالب یک ائتلاف سیاسی خارج از بسیج مردمی در انتخابات حاضر شدند، بنابراین ایران دست به اعمال نفوذ در انتخابات زده است؛ البته آنان برای اثبات ادعای خود یک نمونه از دخالت های ایران در عراق را که مدعی هستند همیشه بوده و هست را هم مثال نمی زنند، بلکه به جای آن به تخریب بسیج مردمی می پردازند و با نسبت دادن حرف هایی ناروا به شخصیت هایی مثل ابومهدی المهندس و العامری دنبال پوشاندن ایستادن الفتح در جایگاه دوم انتخابات هستند.

به دنبال پیروزی جریان صدر، فیلمی در اینترنت به طور گسترده منتشر شد. فیلمی در مورد شعار دادن طرفداران صدر علیه ایران که به خصوص در کشور ما تا حدی در شبکه های اجتماعی بازناب داشت. این ویدئو مورد استقبال ساکنان جنوب خلیج فارس هم قرار گرفت و به دستاویزی تبدیل شد برای بسط دادن این احساسات به تمام مردم عراق. این فیلم به همراه توثیق مقتدی صدر درباره تشکیل دولت تکنوکرات و دموکراتیک با همراهی جریان حکیم، العبادی و علاوی مورد استقبال عربستان قرار گرفت و نامر السهبان، سفیر اخراجی سعودی از عراق از آن استقبال کرد.

دولت آینده عراق

هر چند سائرون بیشترین رای را به خود اختصاص داد اما تشکیل دولت مربوط به ائتلاف بزرگ پارلمانی است که بعد از مذاکرات سیاسی انجام می شود. جریان صدر بالاترین رای را آورد اما توانست اکثریت مطلق ترکیب پارلمان را به دست بیاورد، بنابراین به هم پیمانی با جریان های دیگر نیاز دارد و احزاب کوچک در این میان می توانند تعیین کننده باشند. همچنین دو حزب بزرگ کردستان یعنی اتحاد میهنی جلال طالبانی و دموکرات بارزانی و جریان های سنی مذهب، در تشکیل ائتلاف وزنه هایی تاثیرگذار هستند.

شبکه اسکای نیوز عربی در گزارشی اعلام کرد که مقتدی صدر علاقه ای به ائتلاف با هادی العامری یا نوری المالکی برای تشکیل دولت ندارد. تحلیل توثیق سیدمقتدی هم نشان می دهد که جریان های حکیم، علاوی و العبادی برای تشکیل اکثریت پارلمان مدنظر سائرون هستند. اما علاوی شخصیتی بود که هفته گذشته خواستار ابطال انتخابات عراق و برگزاری مجدد آن شده بود و مشخص نیست که به این ائتلاف تن دهد.

در گزارش اسکای نیوز آمده است که ائتلاف الفتح با همراهی نوری المالکی، اهل سنت و جریان حکمت ملی می تواند اکثریت را به دست بگیرد و دولت آینده را تشکیل دهد. البته ممکن است که در راس دولت آتی عراق تغییری به وجود نیاید، زیرا گزارش های دیگر حاکی از آن است که سیدمقتدی شخص خاصی را برای نخست وزیری در دست ندارد و بعد از تماس تلفنی سه شنبه هفته قبل بین العبادی و صدر گمانه زنی ها به این سو رفت که احتمالا به شرط تشکیل دولت تکنوکرات غیرحزبی و ائتلاف بین النصر و سائرون، العبادی باز هم نخست وزیر عراق خواهد بود.

بازی پیچیده

شوک سیاسی ائتلاف السائرون به عراق

سیدرضا قزوینی عراقی

تحلیلگر عراقی



هفته گذشته چهارمین دوره انتخابات پارلمانی عراق برگزار شد؛ انتخاباتی که از هر حیث متفاوت از انتخابات گذشته بود. چنانچه دلایل حساسیت این انتخابات را که زیاد درباره آن صحبت شده کنار بگذاریم، برگزاری الکترونیکی انتخابات که برای نخستین بار عراق آن را تجربه می‌کرد و اتفاقا با انتقادات و اعتراض‌هایی مواجه شد، پایین‌ترین نرخ مشارکت مردمی و همچنین نتایج غافلگیرکننده، از جمله نکات قابل توجه و حتی شگفت‌انگیز این انتخابات بود.

درباره چرایی پایین بودن مشارکت عراقی‌ها سخن فراوان است؛ حتی برخی‌ها از جمله شیخ قیس خزعلی، رهبر عصاب اهل حق و دیگران، آمریکایی‌ها را در این موضوع مقصر می‌دانند چرا که آنها ساعاتی پیش از آغاز انتخابات، از احتمال هدف قرار گرفتن مراکز انتخاباتی توسط داعش خبر داده و این موضوع را بی‌دلیل رسانه‌ای کرده بودند.

اما در هر صورت چندین عامل را در کنار یکدیگر می‌توان به عنوان دلایل مشارکت پایین مردم برشمرد؛ فساد گسترده و بالا در عراق و ناامیدی مردم از حل آن، ضعف خدمات عمومی به مردم، حضور چهره‌های تکراری که ۱۵ سال در فرآیند سیاسی عراق پس‌اصدام حضور داشتند، تبلیغات برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای تحریم انتخابات و پافشاری بر مقوله «المجرب لایجرب» (آزموده را آزمون خست است) که در دوره سابق انتخابات توسط نماینده مرجعیت نجف بیان شده و تسری دادن آن به این دوره توسط برخی افراد و انتشار همه‌جانبه آن، از دلایل عمده سطح پایین مشارکت بوده است.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که بیانیته مرجعیت عالی نجف که یک هفته پیش از انتخابات صادر شد و تلاش داشت تا شبهه‌ها درباره انتخابات و مقوله «المجرب لایجرب» را تبیین کند نیز نتوانست کمک چندانی به افزایش مشارکت مردمی کند. چرا که آیت‌الله سیستانی که تا پیش از این مشارکت در انتخابات را تکلیفی شرعی برای شهروندان قلمداد می‌کرد، این بار با اسقاط تکلیف شرعی آن را حقی از حقوق شهروندی و امری اختیاری دانستند؛ موضوعی که نشان‌دهنده عمق ناراضی آیت‌الله از سیاستمداران عراقی و فرآیند سیاسی کشور است. شگفتی نخست انتخابات که مشارکت پایین مردم بود، عملاً زمینه‌ساز بروز شگفتی دوم شد. ائتلاف سائرون وابسته به مقتدی صدر و کمونیست‌ها و برخی جریان‌های سکولار و مدنی که هیچ‌کس پیش‌بینی کسب نتایج قابل توجه توسط آنان را نمی‌کرد در یک غافلگیری، پیشرو نتایج انتخابات شدند و شوک سیاسی بزرگی را چه در میان سیاستمداران این کشور و چه در میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی صحنه عراق به وجود آوردند.

واقیعت آن است که نتایج سائرون را نباید به‌مثابه اقبال مردمی به جریان صدر قلمداد کرد، به ویژه آنکه تفکیک و بررسی نتایج آرای صدری‌ها و متحدان آنها نشان می‌دهد که آرای نامزدهای جریان صدر (الاستقامه) در این دوره نسبت به دوره قبل کاهش داشته است.

همان‌گونه که اشاره شد کاهش مشارکت مردمی در بدنه شیعی که برخلاف صدری‌ها، غالباً پیروان حوزه نجف هستند تأثیر مهمی بر کاهش آرای دیگر گروه‌های سیاسی داشته است. در حالی که صدری‌ها پایگاه اجتماعی و جغرافیایی تقریباً ثابتی دارند که تابع نجف نیست.

از این رو شاهد کاهش چشمگیر آرای دیگر نامزدها و احزاب انتخاباتی بودیم. به گونه‌ای که العبادی که از ائتلاف او به عنوان برنده انتخابات یاد می‌شد، در جایگاهی پس از صدر قرار گرفت و مالکی نیز با اینکه پیش‌بینی می‌شد دچار کاهش رأی شود اما کاهش

یعنی حزب دموکرات و اتحادیه میهنی بیشترین کرسی‌ها را از آن خود کنند. در این میان وضعیت حزب دموکرات تا حدودی برتر از دیگر جریان‌ها و گروه‌های عراقی است زیرا تعداد کرسی‌های آن نسبت به دوره قبل تفاوت چندانی نداشته است.

در هر صورت نباید فراموش کرد در انتخابات عراق و فرآیند سیاسی حاصل از آن همیشه سه ضلع حضور دارند؛ مردم که وظیفه حضور در پای صندوق‌ها را دارند، توافقات رهبران احزاب سیاسی و تمایلات بازیگردانان منطقه‌ای و بین‌المللی. طبیعی است که به دلیل اهمیت جایگاه راهبردی عراق در منطقه و تبدیل شدن عراق به صحنه رقابت‌های بین‌المللی به خصوص میان ایران و آمریکا و اخیراً تمایل سعودی‌ها به نقش‌آفرینی در این کشور، از هم اکنون تلاش این کشورها برای ایجاد یک ائتلاف جدید که تعیین‌کننده نخست‌وزیر آینده این کشور باشد آغاز شده است.



سازوارک تعیین نخست‌وزیر در عراق در اختیار حزب برنده نیست و براساس قوانین، ائتلافی که بیشترین تعداد اعضا را در نخستین جلسه پارلمان داشته باشد، حق معرفی نخست‌وزیر را دارد؛ رخدادی که در انتخابات ۲۰۱۰ انجام شد و ائتلاف ایاد علاوی با اینکه برنده انتخابات شده بود اما عرصه را به دولت قانون که توانست پس از اعلان نتایج، احزاب دیگری را همراه خود کند و اگذار کرد. در این دوره البته نزدیکی آرای ائتلاف‌ها باعث خواهد شد تا به دلیل آنکه هیچ‌یک از احزاب دست برتر مطلق را ندارند، تشکیل ائتلاف‌ها و تعیین نخست‌وزیر پیچیده‌تر و مشکل‌تر باشد.

از این رو سناریوهای متعددی برای ترکیب ائتلاف جدید قابل تصور است که تا این لحظه هیچ‌یک از آنها قطعی نیست و تابع توافقات و امتیاز خواهی‌ها و تأثیر گذاری بازیگران خارجی است. اینکه در نهایت ایران خواهد توانست اکثریت شیعیان را به دور هم جمع کند یا آمریکایی‌ها ائتلاف مورد نظر را از احزاب مطلوب خود شکل دهد نیاز به زمان دارد.

چشمگیر آرای ائتلاف وی تا این اندازه قابل پیش‌بینی نبود، به گونه‌ای که می‌توان تا این لحظه ائتلاف دولت قانون را بزرگ‌ترین بازنده انتخابات در میان شیعیان قلمداد کرد.

آرای بالای ائتلاف فتح که بخشی از گروه‌های منسوب به حشد الشعبی در آن حضور دارند نیز به دلیل حضور شخصیت‌های نسبتاً جدید و تقارن نام این ائتلاف با پرونده داعش و نتایج درخشان در مبارزه با آن حاصل شده است.

وضعیت دیگر احزاب و ائتلاف‌های سنی و کردی نیز به هیچ وجه بهتر از شیعیان نیست. اهل سنت در این دوره نیز نتوانستند از وجود چهره‌های جدید و گفتمانی نو برای دوران پس‌اصدام و شهروندان سنی خسته از سیاستمداران تکراری و سنتی بهره‌برند و مانند شیعیان شاهد تقسیم شدن آرای آنان میان ائتلاف‌های کوچک‌تر بودیم. در سوی شمالی عراق یعنی کردستان نیز که پیش‌بینی می‌شد احزاب معارض و جدید، نتایج مطلوبی به دست بیاورند، چنین نشد تا همچنان احزاب سنتی

هفته گذشته انتخابات پارلمانی عراق در تاریخ ۱۲ می ۲۰۱۸ برگزار شد تا تکلیف ۳۲۹ عضو پارلمان عراق مشخص و در پی آن، رئیس جمهور و نخست‌وزیر آینده عراق تعیین شود. انتخابات ۲۰۱۸، دومین انتخابات پارلمانی این کشور بعد از خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱، چهارمین انتخابات بعد از سقوط صدام حسین، و نخستین انتخابات سراسری پس از شکست کامل داعش به‌شمار می‌رود. این انتخابات در یک فضای نسبتاً آرام برگزار شد و احزاب کردی و مردم اقلیم کردستان عراق نیز از آن استقبال خوبی کردند. جعفر قنادباشی، کارشناس مسائل خاورمیانه در گفت‌وگویی به بررسی انتخابات پارلمانی اخیر پرداخت که در زیر می‌آید.

توان مردم و حاکمیت عراق را به خود مشغول کرده بود، نتوانستند زمینه‌های آغاز طرح‌های توسعه‌ای را در این کشور فراهم کنند.

چنان‌که بنا به گفته ناظران کاهش تعداد رای‌دهندگان در این انتخابات نیز از جمله نشانه‌های روشن کاستی‌هایی است که در عرصه نوسازی و بازسازی در عراق وجود دارد و به نارضایتی‌های زیادی در عراق انجامیده است. بنابراین پارلمان جدید بعد از ایجاد ترتیبات لازم تقنینی، باید به اقداماتی مبادرت ورزد که به مطالبات گسترده و پردامنه مردم پاسخ دهد. به عبارت دیگر به تصویب قوانینی بپردازد که مشکلات مردم عراق در عرصه‌های مختلف، در مسیر حل و فصل قرار بگیرد. عراق کشوری است که از لحاظ نیروی انسانی دارای توانمندی‌های قابل ملاحظه‌ای است و از نظر ثروت نیز از جمله کشورهای غنی و ثروتمند نفت‌خیز محسوب می‌شود و بنابراین چنانچه پارلمان برنامه‌ها و قوانین لازم را به تصویب برساند و بر اجرای این برنامه‌ها و قوانین نظارت کند، قاعدتاً بسیاری از مشکلات کنونی از میان خواهد رفت.

اولویت‌های سیاست خارجی کشور عراق در برهه کنونی چه مسائلی است؟

عراق طی دو دهه گذشته هیچ‌گاه نتوانسته یک سیاست راهبردی متناسب با منافع ملی این کشور را تدوین کند، زیرا حضور مستمر و واحدی از نظامیان آمریکایی در این کشور، همچنین مداخلات ارتجاع منطقه از طریق هزینه کردن دلاهای نفتی و علاوه بر همه اینها تحولات نظامی ترکیه در مناطق شمالی این کشور، همواره مانع از تدوین اصول سیاست خارجی متناسب با شرایط روز در عراق شده است. علاوه بر این مشکلات، وجود ناپسامانی‌ها در دستگاه تقنینی و اجرایی این کشور، مانع دیگری در راه

چالش پارلمان گفت‌وگوی مثلث با جعفر قنادباشی

انتخابات عراق در فضای فعلی یعنی پس از شکست داعش در این کشور از چه منظری قابل اهمیت است؟

انتخابات در عراق به خودی خود و به دور از در نظر گرفتن شرایط موجود، دارای اهمیت بسیاری است، زیرا مردم زمانی که در انتخابات پارلمانی شرکت می‌کنند در واقع زمینه‌های انتخابات رئیس‌جمهور و عالی‌ترین مقامات قوه مجریه را نیز فراهم می‌کنند. اما در این دوره از انتخابات باتوجه به اینکه داعش در عراق شکست خورده و اولین انتخابات دوران پس‌داعش بود این انتخابات اهمیت مضاعفی پیدا کرد. از چند منظر دیگر نیز این انتخابات بسیار اهمیت داشت؛ نخست اینکه این انتخابات نشان داد تهدیدات و خطراتی که از جانب داعش برای تجزیه عراق و انشقاق در این کشور وجود داشته از بین رفته و متوجه شدیم که داعش هیچ توفیقی در این زمینه نداشته است. دیگر اینکه انتخابات اخیر، محل آزمونی برای احزاب و جریان‌های سیاسی در عراق بود. باتوجه به ترکیب جدید احزاب و باتوجه به اینکه اغلب جریان‌ها و احزابی که در این انتخابات شرکت داشتند، اگرچه از سوابقی در دوره‌های انتخابات قبلی برخوردار بودند، ولی احزاب تازه‌تاسیسی محسوب می‌شدند، این انتخابات به آزمونی برای سنجش میزان محبوبیت و نقش آفرینی آنها در آینده عراق تبدیل شد. به عبارت دیگر این انتخابات به نوعی نظرسنجی نسبتاً دقیقی بود که توانست شرایط کنونی عراق را که شرایط بسیار حساسی است برای دولت‌مردان عراقی و کسانی که خواهان شناخت این کشور هستند، ترسیم کند و آمار دقیقی را از گرایش‌ها و علاقه‌مندی‌های سیاسی و میزان طرفداری از احزاب و چندچون جایگاه این احزاب ارائه دهد.

اما شاید مهم‌ترین مساله این انتخابات، چگونگی برخورد اهالی اقلیم کردستان عراق با انتخابات بود؛ در واقع با حضور کردها و احزاب کردی در انتخابات، میزان علاقه‌مندی آنها برای آنکه همچنان بخشی از عراق باشند و همچنین میزان علاقه‌مندی‌شان به تمامیت ارضی عراق

مشخص شد.

در یک جمع‌بندی کلی فضای انتخابات پارلمانی عراق، برخلاف تصویری مبنی بر تهدیدات داعش، فضایی آرام و تحسین‌برانگیز بود و این نشان می‌دهد که تدابیر خوبی در عراق برای برقراری امنیت در شهرهای شمالی و جنوبی فراهم شده است. همچنین قدرت‌های خارجی همچون عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا که خواستار برهم‌زدن روند انتخابات و ایجاد هرج و مرج شده بودند چون اهرم‌های لازم را در اختیار نداشتند، در این زمینه هیچ دستاوردی کسب نکردند.

مهم‌ترین دغدغه‌ها و مسائل داخلی در عراق پس از این انتخابات چیست؟

نمایندگی‌هایی که وارد پارلمان عراق می‌شوند با مسائل زیاد و جدیدی روبه‌رو خواهند شد؛ از جمله این مسائل تشکیل کمیسیون‌های داخلی مجلس است. در صورتی که روند تشکیل این کمیسیون‌ها صحیح باشد، می‌تواند پارلمان عراق را به یک پارلمان توانمند تبدیل کند، بنابراین اولین مساله ایجاد ترتیبات و کمیسیون‌هایی است که قوه‌مقننه را به یک نهاد قدرتمند تبدیل کند.

موضوع انتخاب رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رای اعتماد به کابینه جدید نیز از جمله مسائل مهم و مسئولیت‌های سنگینی است که برعهده پارلمان قرار دارد. طبیعتاً در این مسیر به دلیل ترکیب جدید احزاب و شرایط جدیدی که از نظر مناسبات حزبی در عراق به وجود آمده، پارلمان باید مسیر پرافت‌وخیز و پرسنگلاخی را طی کند.

مساله دیگر به نیاز عراق به نوسازی و بازسازی مربوط می‌شود؛ می‌توان گفت عراق بعد از صدام حسین نه تنها هیچ‌گاه فرصت بازسازی پیدا نکرده، بلکه همواره شاهد تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و نابهنجاری‌های اجتماعی بوده و دولت‌های گذشته به دلیل مشغولیت جنگ با داعش، عواقب حضور نیروهای خارجی به‌ویژه آمریکایی‌ها در عراق و مسائل مربوط به بقایای رژیم بعثی که هر یک بخشی از

فتح، چکش تعادل در پارلمان

عربستان به دنبال ایجاد شکاف شیعه عربی-شیعه ایرانی است

در آینده موجب بروز درگیری خونین میان شیعیان عراق خواهد شد، البته درست است که عربستان توانسته با حمایت‌هایی که انجام می‌دهد، جریان صدر را در انتخابات بالا بیاورد، اما در خصوص سایر جریان‌های لیبرال مثل طیف ایاد علاوی، نتوانست کرسی‌های زیادی را به دست بیاورد. به نظر می‌رسد عربستان به‌رغم هزینه‌های سنگینی که انجام داده، نتوانسته موثر واقع شود. اما به‌هرحال بخشی از طیف‌های اهل سنت در حاکمیت آینده عراق نقش خواهند داشت و عربستان نیز کماکان سعی می‌کند که نفوذ خود در این کشور را حفظ کند.

در رابطه با تلاش‌های عربستان برای کاهش نفوذ ایران در عراق باید توجه داشت که نفوذ ایران در عراق بسیار بالاست. شیعیان این کشور نگاه ویژه‌ای به ایران دارند و می‌دانند که بدون ایران امکان ندارد که بتوانند حاکمیت را در اختیار داشته باشند. به همین دلیل عربستان سعودی و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس تلاش کردند طیف‌های دیگر را وارد پارلمان کنند، اما موفق به این کار نشدند. نفوذ ایران در عراق یک نفوذ معنوی است؛ اما امروز جریان مقتدی صدر که اکنون ارتباط تنگاتنگی با عربستان دارد، بیشترین کرسی‌ها را به دست آورده است که این موضوع در آینده می‌تواند چالش بزرگی برای ایران باشد.

از دیگر سو، براساس قوانین عراق پس از تشکیل مجلس و مشخص شدن جریان‌های سیاسی پیروز انتخابات، طی سه ماه آینده دولت تشکیل خواهد شد اما از آنجایی که تشکیل دولت بدون ائتلاف فراکسیون‌های پیروز ممکن نخواهد بود، بنابراین جریان مقتدی صدر به‌تنهایی نخواهد توانست دولت آینده عراق را تشکیل دهد. در این بین مقتدی صدر قرار است با جریان‌های غیرهمسو با ایران همچون جریان ایاد علاوی، جریان‌های اهل سنت و کردهای مخالف جمهوری اسلامی ایران یک ائتلاف تشکیل دهد تا وزارتخانه‌های کلیدی را در دست بگیرد. براساس برخی اخبار منتشرشده ممکن است جریان حکیم نیز وارد ائتلاف شود.

در خصوص پست نخست‌وزیری به نظر می‌آید که شخص حیدر العبادی شانس بالایی برای به دست گرفتن این پست داشته باشد.

درعین حال ائتلاف فتح به رهبری هادی عامری به عنوان یک چکش تعادل در پارلمان آینده عراق عمل خواهد کرد. این جریان که وابسته به حشد الشعبی و به تفکرات شیعه اصولگرا نزدیک است، سعی خواهد کرد نقش تخریبی مقتدی صدر را کاهش دهد.

حسن‌هانی زاده

کارشناس مسائل خاورمیانه

انتخابات پارلمانی عراق اگرچه با اقبال عمومی کمی مواجه شده اما از اهمیت بسیار بالایی در دوره پساداعش برخوردار است. از میان مردمی که واجد حضور در انتخابات عراق هستند، ۴۴ درصد حضورشان نسبت به گذشته کمتر شده و این نشان می‌دهد که مردم عراق در چندسال اخیر به دلیل ناامنی‌ها، کاهش خدمات و رفاه عمومی و... با ناامیدی پای صندوق‌های رای آمده‌اند.

در چندسال گذشته عراق درگیر یک‌سازاری این کشور از وجود داعش بود و حیدر العبادی هم نتوانست خدمات رفاهی مورد نیاز برای مردم عراق را تامین کند. شرایط کنونی عراق نسبت به گذشته بسیار پیچیده‌تر شده است و رغبت زیادی برای شکل دهی دولت آینده عراق در مردم دیده نمی‌شود.

در این انتخابات، ائتلاف و جریان‌های سائرون وابسته به مقتدی صدر تقریباً بالاترین آرا را به دست آورده است.

در تجزیه و تحلیل جرایم پیروزی جریان مقتدی صدر چند نکته حائز اهمیت است؛ نخست اینکه مقتدی صدر ماموریت دارد که در میان شیعیان عراق شکاف ایجاد کند؛ سفرهای متعدد مقتدی صدر به عربستان و ملاقات وی با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان نشان می‌دهد که رژیم آل سعود درصدد ایجاد شکاف میان طیف‌های سیاسی عراق برآمده است. به‌ویژه این رژیم سعی دارد شیعیان عراق را به دو قطب شیعیان عرب و شیعیان ایرانی تقسیم‌بندی کند. به همین دلیل گفته می‌شود که عربستان سعودی طی دو سال اخیر ده‌ها میلیون دلار هزینه برای ساختن بیمارستان، باشگاه و مراکز فرهنگی در مناطق شیعه‌نشین جنوب عراق انجام داده است. این خدمات نوعاً زیرنظر شخص مقتدی صدر برای گسترش پایگاه مردمی خود صورت گرفته است، به همین دلیل پیروزی جریان السائرون، آغازی برای به وجود آمدن یک فتنه جدید در میان شیعیان عراق تلقی می‌شود. تظاهرات ۴۸ ساعت اخیر هواداران مقتدی صدر علیه جمهوری اسلامی و برخی از فرماندهان ایرانی که در سرکوب داعش در عراق نقش داشتند، آغازی برای این فتنه به‌شمار می‌رود. متأسفانه مقتدی صدر که یک روحانی شیعه است به ابزاری برای اجرایی کردن سیاست‌های عربستان تبدیل شده و احتمالاً

تدوین برنامه و اصول راهبردی در سیاست خارجی بوده و از تحقق یک توازن موثر در روابط عراق با همسایگانش، جلوگیری کرده است.

این در شرایطی است که ماجرای جنگ‌های داخلی برخاسته از تحولات مسلحانه داعش، مرزهای این کشور با سوریه را طی ۶ سال گذشته همچنان ملتهب نگه داشته و این التهابات به دلیل انواع مداخلات آشکار و پنهان کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی، مقامات دستگاه دیپلماسی در عراق را از انجام وظایف‌شان بازداشته است. از این‌رو از پارلمان جدید انتظار می‌رود که باتوجه به شکست داعش و همچنین تضعیف موقعیت کشورهای غربی در منطقه و پیدایش شرایط جدید منطقه، به تدوین اصول سیاست خارجی جدید مبادرت کند و براساس دیدگاه‌های احزاب مختلفی که در صحنه سیاسی عراق حضور دارند، سیاست‌های مورد تأیید همه گروه‌ها را که منافع عراق را نمایندگی می‌کند، تدوین و تنظیم نماید.

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که طی سال‌های اخیر و تجاوز داعش به عراق همواره در کنار مردم و حکومت این کشور قرار داشته است. به نظر شما روابط تهران-بغداد در دوره جدید به چه سمتی پیش خواهد رفت؟

عراق و ایران باتوجه به شرایط جغرافیایی، اجتماعی و سوابق تاریخی دارای روابطی هستند که تغییر دولت‌ها، پارلمان‌ها و ترکیب احزاب نمی‌تواند در چارچوب کلی آن تأثیری بگذارد و آن را تغییر دهد. یکی از این اصول مسائل مربوط به اشتراکات مذهبی، تاریخی و شباهت‌ها و پیوندهای اجتماعی است که مناسباتی فراتر از روابط سیاست خارجی است و همواره در همه شرایط، یک پارامتر تغییرناپذیر به‌شمار می‌آید. با این حال طبیعی است که ترکیب ائتلافی که موفق شود قوه مجریه را در عراق به دست گیرد، عامل تأثیرگذاری در روابط دو جانبه تهران و بغداد در کوتاه‌مدت خواهد بود و نقش مهمی در گسترش روابط دو کشور ایفا خواهد کرد.

البته تبلیغات زیادی در صحنه سیاسی عراق علیه ایران صورت گرفته و کوشش‌های زیادی برای ایجاد سردی در روابط دو کشور در حال انجام است، بنابراین ترکیب کابینه و دیدگاه‌های نخست‌وزیر آینده عراق می‌تواند در این عرصه به‌عنوان یک عامل مهم ایفای نقش کرده و سیاست خارجی را تنظیم کند. طبیعتاً این سیاست خارجی بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اشتراکات دو کشور در حوزه‌های فرهنگی، عقیدتی و تاریخی نمی‌تواند ایفای نقش کند.

به نظر شما دلیل گرایش مردم به جریان مقتدی صدر و همچنین حزب مربوط به نیروهای حشد الشعبی چه بود؟

در این خصوص باید به عوامل و پارامترهای مختلفی که روی آرای مردم عراق تأثیر گذاشته اشاره کنیم؛ عوامل و پارامترهایی که برخی از آنها مربوط به یک ناحیه یا یک استان و برخی دیگر ابعاد کلی و سراسری دارند و بر سمت و سوی گرایش‌های حزبی و انتخاباتی تأثیر گذاشته‌اند، البته درباره جریان مقتدی صدر، باید به نقشی که او طی سال‌های گذشته به‌عنوان اپوزیسیون ایفا کرد و مطالبات عمده‌ای که وی در خصوص حل و فصل مشکلات مردم عراق داشت اشاره کنیم؛ به‌ویژه اینکه وی از حضور گرایش‌های غربی در دستگاه حکومتی عراق، شدیداً گلابه‌مند بود و مداخلات برخی از دولتمردان عراقی با آمریکا را مورد انتقاد شدید قرار می‌داد. علاوه بر این، حضور جدی و عملی در نبرد با داعش عامل مهم دیگری در جلب آرای مردمی در عراق بود. چنان‌که جریان فتح که جریان تازه‌تأسیسی بود، و در واقع نیروهای حشد الشعبی را نمایندگی می‌کرد، به علت نقش آفرینی موفق و تحسین‌برانگیز در قلع و قمع داعش، نتوانست از بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی پیشی بگیرد.



تیم ملی فوتسال بانوان ایران با یک نمایش حساب شده موفق شد ژاپن را در هم بکوبد تا برای دومین بار متوالی به عنوان قهرمانی رقابت‌های آسیا دست پیدا کند. تیم ملی ایران در نیمه اول با نمایش فوق العاده فرزانه توسلی درون دروازه به هدف خود رسید و توانست با تساوی به رختکن برود. در نیمه دوم نیز شیرینی ستاره درخشان تیم ملی بود که توانست با ثبت سه گل زده، نقش پررنگی در پیروزی تیم ملی ایفا کند تا به این ترتیب هر دو بازیکن در کنار یکدیگر بهترین‌های ایران باشند.

وزیر ورزش و جوانان خیلی زود دست به کار شد و در بیانیه‌ای این موفقیت بزرگ را تبریک گفت. در بخشی از این بیانیه آمد: «قهرمانی تیم ملی فوتسال ایران که با افتخار بزرگ راهیابی به المپیک جوانان ۲۰۱۸ نیز همراه شد، نشانی از بالندگی جامعه ایرانی و بانوان و زنان ایران اسلامی است که در فضای همراه با امنیت و آرامش؛ آزادانه در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت دارند و فرصت ابراز توانمندی‌های خود را در عرصه بین‌المللی ورزشی نیز می‌یابند و این مهم، سندی تاریخی از بزرگی کشوری است که جوانان و بانوان آن به عنوان سرمایه اجتماعی همواره در میدان عمل پاسخ قاطعانه‌ای به پلوه‌گویی‌های دشمنان و بدعهدان داده‌اند. این قهرمانی مقتدرانه همراه با بازتاب اجتماعی و فرهنگی مثبت در دنیا باعث خشنودی ملت شریف ایران شد و شایسته تقدیر و تشویق است.»

کسب برد در بازی پایانی برابر تیم قدرتمند ژاپن و سپس رسیدن به جام قهرمانی آن قدر برای جامعه شیرین و خاص بود که در طول کمتر از ۲۴ ساعت به سوژه اصلی محافل خبری تبدیل شد. جالب اینکه این سوژه به صفحه اول اغلب روزنامه‌های غیرورزشی نیز رسوخ کرد تا بدین ترتیب رنگ تازه‌ای روی دکه روزنامه‌فروشی‌ها ببینیم؛ جایی که در روزهای اخیر تنها اخباری از اوضاع سیاسی ایران و جهان و وقایعی همچون تغییرات ممتد قیمت ارز و مساله برجام و مواردی از این دست، وضعیتی کاملاً تکراری برای جامعه به وجود آورده بود. برد شیرین بانوان باعث شد تا مردم رنگ سپید پیراهن ملی را روی دکه روزنامه‌فروشی‌ها پهن شده ببینند و لبخند و شادی و جام قهرمانی را بیشتر از هر خبر و تصویری به چشم خود ببینند. قهرمانی بانوان ایران در رقابت‌های قهرمانی آسیا باعث شد تا علاوه بر محافل خبری، مسئولان سیاسی و اجتماعی و ورزشی و حتی سوپرستارهای عرصه ورزش و هنر نیز دست به کار شوند و با انتشار پیام‌های تبریک در صفحات اجتماعی خود رنگ و لعابی دیگر به فضای مجازی دهند؛ اتفاقی که نقطه مشترک اغلب کاربران اینترنتی بود.

شهرزاد مظفر سرمربی تیم ملی فوتسال زنان ایران پس از کسب قهرمانی در دومین دوره رقابت‌های قهرمانی آسیا می‌گوید: «واقعا خوشحالم. در واقع سال‌ها بود که انتظار این لحظه را می‌کشیدم و این قهرمانی بهترین لحظات زندگی من را رقم زد.»

مظفر در مورد عملکرد شاگردانش که به خصوص در دیدار فینال خیره‌کننده بود، تأکید می‌کند: «فکر می‌کنم تیم ما بهترین عملکرد خود را نشان داد. فینال همیشه مسابقه منحصربه‌فردی است، چرا که بازیکنان تحت فشار و استرس قرار می‌گیرند و باید آنها را کنترل کرد و همین‌جا از تمامی اعضای کادر فنی و دستیارانم تشکر می‌کنم.»

سرمربی تیم فوتسال زنان ایران در مورد بازی‌های آسیایی سال گذشته که با کسب رتبه سوم برای شاگردانش خاتمه یافت و هم تجربه رویارویی با ژاپن این‌گونه سخن می‌گوید: «سال گذشته ما چندین مسابقه با تیم ملی ژاپن داشتیم ولی آنها در هر تورنمنت،



دستبرد سیاسی

آیا از قهرمانی تیم فوتسال بانوان سوءاستفاده می‌شود؟

بانوان در استادیوم‌های ورزشی را باز کند. با این حال جناح مخالف نیز واکنش‌های صریحی درباره پوشش بانوان ایرانی نشان داده تا شرایط برای پرداختن به موضوعاتی تکراری از جمله ورود زنان به ورزشگاه‌ها مهیا نشود. شاید به همین دلیل علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در پیام تبریک خود نوشت: «این شایستگی نشان داد دختران جمهوری اسلامی با «حفظ حجاب» می‌توانند به قله‌های قهرمانی دست یافته و توانمندی خویش را در عرصه‌های بین‌المللی به اثبات برسانند.»

با این حال برخی رسانه‌های سیاسی و سازمان‌های ورزشی در صدد آن هستند تا با پرداختن متفاوت نسبت به موضوع قهرمانی تیم فوتسال بانوان ایران مساله حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی به خصوص فوتبال را عادی جلوه دهند و بار دیگر ضرورت حضور بانوان در استادیوم‌ها را مطرح کنند. موضوعی که بی‌تردید مناقشه خاصی میان دو طیف اصلی سیاسی در کشور را باعث خواهد شد. وزارت ورزش به‌عنوان اصلی‌ترین مرجع ورزش کشور همواره سعی داشته خواسته‌ها و سیاست‌های جناح اصلاح طلب را در دستورکار قرار دهد. در وزارت ورزش بارها جلساتی با حضور برخی نمایندگان اصلاح طلب شکل گرفته تا موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌ها حل شود تا از این طریق امتیاز اجتماعی خاصی نصیب این جناح سیاسی شود.

با این حال خیلی‌ها اعتقاد دارند قهرمانی تیم فوتسال بانوان را باید فراتر از بهره‌برداری‌های سیاسی قضاوت کرد. این همان تیمی است که برای تشکیل اردو و انجام بازی‌های تدارکاتی و گرفتن حداقل امکانات همواره با مشکلاتی جدی روبه‌رو بوده اما حالا که عنوان قهرمانی در رقابت‌های فوتسال آسیا را به دست آورده است، مدیران ورزش و البته برخی مدیران سیاسی کشور سعی دارند از این قهرمانی در جهت پیشبرد برخی اهداف سیاسی بهره ببرند. در واقع اصلاح‌طلبان در حالی قصد دارند از قهرمانی بانوان ایرانی و پیش کشیدن موضوع حضور بانوان در ورزشگاه‌ها به نفع اهداف سیاسی‌شان بهره ببرند که جناح مخالف نشان داده برابر حق مشروع بانوان ایرانی در عرصه ورزش هرگز نقش بازدارنده ایفا نکرده است. بارها در مسابقات ملی در رشته‌های والیبال و بسکتبال بانوان ایرانی در ورزشگاه‌ها حضور یافته‌اند و تیم ملی ایران را تشویق کرده‌اند. با این حال آسیب‌های جدی که در بخش‌های اقتصادی باعث شده اصلاح‌طلبان بین افکار عمومی با وضعیت نامناسبی روبه‌رو شوند آنها را به صرافت انداخته تا از طریق پرننگ کردن موضوعات دیگری که چندان مورد رجوع مردم نیست نسبت به بازسازی شرایط خود اقدام کنند.

باید دید جامعه و به خصوص زنان چه واکنشی نسبت به پیشدستی اصلاح‌طلبان نشان خواهند داد. آنجا که اتفاقاً اصولگرایان اصراری ندارند تا از موفقیت و افتخار آفرینی تیم فوتسال بانوان به نفع مقاصد سیاسی خود بهره ببرند.

خوبی انجام داد. تیم ملی ژاپن هم یک رقیب سرسخت برای ایران بود و بازی فوق‌العاده‌ای از خود به نمایش گذاشت. من به نوبه خودم به دو تیم ژاپن و ایران تبریک می‌گویم که می‌توانند در المپیک تابستانی آژانتین شرکت کنند و قطعاً این دو تیم افتخار قاره آسیا هستند.»

تیم ملی فوتسال مردان ایران تاکنون ۱۵ بار در مسابقات قهرمانی جام ملت‌های فوتسال آسیا شرکت داشته و طی این مدت موفق به کسب ۱۲ قهرمانی، یک نایب‌قهرمانی و دو مقام سوم شده است؛ آماري که به وضوح نشان دهنده برتری مطلق فوتسال مردان ایران در آسیا است و طی این مدت فوتسال ژاپن را می‌توان تنها حریف جدی مردان ایران قلمداد کرد.

در بخش زنان نیز به نظر می‌رسد این داستان در حال تکرار است؛ فوتسال زنان اگرچه به دلیل برخی محدودیت‌ها سابقه زیادی در آسیا ندارد، اما از سال ۲۰۱۵ که اولین دوره رقابت‌های قهرمانی آسیا به میزبانی مالزی برگزار شد، دختران ایرانی موفق شدند با سرمربیگری فروزان سلیمانی و درخشش بازیکنانی نظیر فهیمه زارعی، فرشته کریمی، فرزانه توسلی، سارا شیرینی و برخی دیگر از چهره‌ها به اولین قهرمانی آسیا دست یابند؛ جایی که مقابل ژاپن با یک گل پیروزی شدند و به نظر می‌رسد این شروع راهی پر پیچ و خم و البته هیجان‌انگیز برای فوتسال زنان ایران باشد.

شاگردان مظفر در شرایطی برابر ژاپن صف‌آرایی کردند که به دنبال تکرار عنوان قهرمانی بودند و در نهایت نیز با کسب پیروزی ۵ بر ۲ موفق به انجام این مهم شدند تا تیم فوتسال زنان نیز مانند تیم فوتسال مردان که همین چند ماه پیش موفق به شکست ۴ بر صفر ژاپن در فینال آسیا شده بود، این موفقیت را در رده بانوان هم تکرار کند. برخی‌ها معتقدند مردان ایرانی پس از اثبات قدرت خود در آسیا به دنبال رسیدن به سکوی جهانی هستند و پس از کسب دو مقام چهارمی، در سال ۲۰۱۶ تیم ملی فوتسال ایران موفق به کسب عنوان سومی جهان شد؛ حالا به نظر می‌رسد سقف آسیا برای زنان ایرانی هم کوتاه شده و آنها رسیدن به سکوی جهانی را به‌رغم تمام محدودیت‌ها در رویاهای خود جست‌وجو می‌کنند اما به نظر می‌رسد برخی جناح‌های سیاسی چندان علاقه‌مند نیستند که به موضوع مهم حجاب اسلامی این تیم بپردازند.

تیمی که نشان داد با حجاب اسلامی می‌توان قهرمان شد و بر قله افتخارات آسیا ایستاد. پیام‌های تبریک نسبت به آنچه تیم فوتسال بانوان ایران ارائه کرد، ناچیز بود اما در همین پیام‌های تبریک هم می‌شد ردی از جهت‌گیری‌های سیاسی را مشاهده کرد. آنجا که برخی از اعضای نزدیک به جناح اصلاح طلب سعی داشتند بیش از پرداختن به تلاش جمعی تیم فوتسال بانوان به موضوع محدودیت بانوان ایرانی و پوشش اعضای این تیم بپردازند. احتمالاً موج سواری عده‌ای در این خصوص آن قدر ادامه‌دار خواهد بود که بار دیگر پرونده حضور

تیم متفاوتی دارند. ژاپن کاملاً تیم متفاوتی با تیم سال ۲۰۱۵ و همین‌طور تیم سال ۲۰۱۷ در ترکمنستان بود. ما هم بازیکنان و هم کادر فنی جدیدی در این تیم دیدیم. می‌دانستیم که با تیم جدیدی روبه‌رو هستیم که تغییرات زیادی داشته است.»

مظفر ادامه می‌دهد: «فکر می‌کنم عملکرد آنها در نیمه‌نهایی مقابل تایلد عالی بود. ما روی دو مسابقه آنها برابر چین و تایلد تمرکز کردیم و آنها در این مسابقه از مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها استفاده کردند، اما ما برای این برنامه‌ها آماده بودیم و همین‌طور برای برنامه پاورپلی (بازی با ۵ بازیکن) هم خودمان را آماده کرده بودیم.»

سرمربی تیم زنان فوتسال ایران با اشاره به عملکرد خوب شاگردانش در خط دفاعی تاکید می‌کند: «فکر می‌کنم عملکرد فوق‌العاده‌ای در خط دفاعی از بازیکنانم دیدیم. در واقع ما توانستیم ۵ گل بزنیم، چون در نیمه اول به خوبی از دروازه خودمان دفاع کردیم.»

مظفر در ادامه ضمن تبریک به فرشته کریمی به دلیل کسب عنوان ارزشمندترین بازیکن مسابقات و همین‌طور سارا شیرینی و فاطمه اعتدالی که با ۹ گل عنوان خانم گلی مسابقات را مشترکاً به دست آوردند، به تمجید از عملکرد فرزانه توسلی گلر تیم خود می‌پردازد: «فکر می‌کنم فرزانه بهترین گلر فوتسال آسیاست. در سال ۲۰۱۵ و همین‌طور این تورنمنت در درخشان بود و برای این عملکرد، توسلی شایسته کسب عنوان بهترین دروازه‌بان آسیاست.»

اما دلیل قهرمانی تمام آن چیزی نبود که شاگردان مظفر به مردم ایران هدیه دادند. عملکردشان به قدری از هر لحاظ خوب بود که کنفدراسیون فوتبال آسیا عناوین مهم را به آنها بدهد.

فرشته کریمی، بانوی شماره ۷ فوتسال ایران، همچون دوره قبل عنوان بهترین بازیکن را با شایستگی به دست آورد تا بار دیگر به تنهایی در قله فوتبال آسیا بایستد. این عنوان در حالی تکرار شد که بازیکنان بسیار خوبی در تیم ملی ایران کاندیدای آن بودند و در دیگر تیم‌ها نیز بهترین‌های آسیا و جهان حضور داشتند. عنوان خانم گلی نیز به‌طور مشترک به ۲ ایرانی و یک ژاپنی رسید. فاطمه اعتدالی پیش از بازی ۹ گله بود اما هت تریک سارا شیرینی و تک گل آنا آشمیرو سبب شد تا سه نفر مشترکاً خانم گل مسابقات شوند؛ آن هم در شرایطی که تیم ملی ایران یک بازی کمتر از ژاپنی‌ها انجام داد.

کاپ اخلاق نیز در پایان مسابقات به کاپیتان و در واقع به تیم ملی ایران تقدیم شد تا جشن قهرمانی با شیرینی هرچه بیشتر به دست بیاید.

بانوان ایرانی با وجود تمام محدودیت‌ها قهرمانی در آسیا را تکرار کردند و همراه شدن این عنوان، با جایزه‌های مهم مسابقات سبب خوشحالی بیشتر مردم و البته بالا رفتن انتظارات آنها شده است. حالا ایرانی‌ها از دختران فوتسال‌لیست انتظار کسب عناوین جهانی را دارند و باتوجه به شایستگی بانوان، این امر دور از انتظار و غیرممکن نیست.

ساعتی بعد از قهرمانی تیم فوتسال بانوان در آسیا، سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا به تمجید از تیم ایران پرداخت و نوشت: «امروز در سالن ورزشگاه هیوماک فینالی جذاب و خیره‌کننده برگزار شد و زنان قهرمان آسیا را مشخص کرد.»

شیخ سلمان، رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا هم پس از اتمام مسابقه به سایت AFC گفت: «من به تیم ملی ایران بابت پیروزی قابل توجهی که به دست آورد و همچنین کسب عنوان قهرمانی برای بار دوم تبریک می‌گویم. فدراسیون فوتبال ایران این کار سخت را به

نگرانی سوپرمن‌های پرسپولیس

مسدود شدن پنجره نقل و انتقالات برانکو را متوقف می‌کند؟

کسب دو جام قهرمانی لیگ برتر و صعود به مرحله یک‌چهارم‌نهایی لیگ قهرمانان آسیا حالا از برانکو ایوانکوویچ چهره‌ای محبوب نزد هواداران پرسپولیس ساخته. یک مربی باهوش که به خوبی می‌داند با هر یک از مشکلات تیمش چگونه و در چه زمانی باید روبه‌رو شود. از روزهای پایانی سال گذشته اما موضوع تمدید قرارداد با این مربی کروات به سوژه اصلی رسانه‌های ورزشی تبدیل شده بود. بالاخره پس از کشمکش‌های فراوان هفته گذشته برانکو قراردادش را با پرسپولیس تمدید کرد. مدت زمان این قرارداد دوساله خواهد بود و سرمربی سرخ‌ها با این امضای قرارداد، رسماً دوسال دیگر سرمربی پرسپولیس خواهد بود، البته اوایل زمستان اعلام شد برانکو قرارداد دوساله خود را با پرسپولیس امضا کرده اما بعداً مشخص شد کاغذهایی که امضا شد تنها یک توافق‌نامه بوده است اما هفته گذشته این مربی قرارداد خود را با پرسپولیس به صورت رسمی به امضا رساند. همچنین دستیاران برانکو هم از جمله زلاتکو، مارکو و ایگور قراردادهای خود را تمدید کردند.

اما هفته گذشته برای این مربی کروات هفته سختی بود. او مورد انتقاد قرار گرفته بود که تیمش در بازی رفت نتوانسته برتری‌اش برابر الجزیره را حفظ کند و تن به شکست داده است. نتیجه دیدار رفت البته نتیجه غیرقابل جبرانی نبود. او در خانه حریف دو گل زده بود و همین گل‌های زده در خانه الجزیره کار پرسپولیس را در بازی برگشت ساده‌تر می‌کرد.

اما سرمربی پرسپولیس نسبت به انتقادات و اکتش نشان داد. او که نسبت به انتقادات شکل گرفته بعد از شکست برابر الجزیره عصبانی شده بود، گفت: «من انتقادات را درک نمی‌کنم. بازیکنان من تلاش زیادی کردند، درست است که باختیم اما شایسته این شکست نبودیم. به هر حال فوتبال همین است. آیا برخی فکر می‌کنند ما در مهد کودک بازی می‌کنیم؟ اینجا لیگ قهرمانان آسیا است.»

برانکو طی مدت حضورش در پرسپولیس موفقیت‌های بزرگی را کسب کرده و به شکلی مطلوب آنها را از روزهای ناکامی خارج کرده؛ دستیابی به دو عنوان قهرمانی در فصول شانزدهم و هفدهم لیگ برتر، رسیدن به عنوان نایب‌قهرمانی فصل پانزدهم، عنوان قهرمانی سوپرکاپ و حضور در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان آسیا و حالا در تازه‌ترین دستاوردش صعود به جمع هشت تیم برتر آسیا، کاملاً فضای ناامیدکننده گذشته را از هواداران پرسپولیس دور کرده است؛ اتفاقی که باعث شده تا هواداران با اطمینان کامل نسبت به این مرد کروات و تصمیمات او با همراهی لازم را داشته باشند و حتی نسبت به تصمیمات بعضاً عجیب او نیز برایش احترام خاصی قائل باشند.

بازی برگشت تیم برانکو با الجزیره اما به شدت حساس شد. این دیدار تحت تاثیر گفت‌وگوی جنجالی سرمربی الجزیره که نسبت به غیبت سیدجلال حسینی واکنش تمسخرآمیزی نشان داده بود، انجام شد. او گفته بود مگر حسینی سوپرمن است که این‌گونه درباره غیبتش در بازی رفت صحبت می‌شود؟ پرسپولیس باید

هم داشتیم که شایستگی حضور در تیم ملی را داشتند اما این تصمیم سرمربی تیم ملی است و من بهترین آرزوها را برایشان دارم. امیدوارم بازیکنان پرسپولیس بهترین نمایش را در تیم ملی داشته باشند.»

اما سیدجلال حسینی ستاره بی‌چون و چرای بازی برگشت نیز در مصاحبه‌ای گفت: «متأسفانه مشکلات همچنان پابرجاست، مدیریت قبلی عملکردضعیفی داشت و نتوانست کار مثبتی برای پرسپولیس انجام دهد، البته نمی‌خواهم فقط بگویم گرشاسبی کار کرده اما او زحمات زیادی کشیده و با اینکه پنجره نقل و انتقالات برای ما بسته شده است ولی تمام تلاش خود را به کار بسته تا بتواند این مشکل را برطرف کند.»

حسینی تأکید کرد: «متأسفانه مشکلات پرسپولیس یکی دو تا نیست؛ مسائل مالی، پنجره نقل و انتقالات و اتفاقات دیگر برای این تیم خطرناک است و اگر فصل آینده هم به همین روال بگذرد ما مشکلات بیشتری خواهیم داشت.»

وی در پاسخ به این پرسش که آیا بازیکنان برای فصل آینده با پرسپولیس قرارداد خواهند بست یا خیر، گفت: «تمام بازیکنان پرسپولیس قلباً این تیم را دوست دارند ولی باید در نظر داشته باشیم که آنها هم مشکلات خاص خودشان را دارند ولی با درایت مدیریت باشگاه فکر می‌کنم تمام بازیکنان قرارداد خود را امضا کنند.»

حسینی در ادامه خاطرنشان کرد: «دور بعد بازی‌ها سخت‌تر خواهد شد، تیم‌هایی مثل الدحیل، العین و حتی استقلال و ذوب‌آهن بازیکنان خوبی دارند. اگر پنجره نقل و انتقالات باز نشود مشکلات زیادی خواهیم داشت اما امیدوارم همه تلاش کنند تا این مشکل برطرف شده تا بتوانیم فصل آینده چه در لیگ قهرمانان و چه در جام حذفی و لیگ داخلی با قدرت به میدان برویم.»

به نظر می‌رسد بازنشدن پنجره نقل و انتقالات برای پرسپولیس می‌تواند مشکلات فراوانی را در فصل آینده به وجود بیاورد، به خصوص اینکه جدایی برخی بازیکنان این تیم از جمله صادق محرمی نیز قطعی شده است. باید دید واکنش باشگاه به این نگرانی‌ها چیست. دور شدن پرسپولیس از روزهای اوج می‌تواند نوک پیکان انتقادات را متوجه باشگاه و مهم‌تر از آن وزارت ورزش کند؛ آنجا که هواداران این تیم انتظار دارند با ریزنی‌های مناسب مشکل مسدودشدن پنجره نقل و انتقالات این تیم حل شود تا بتواند در سال آینده نیز شرایط ایده‌آل خود را حفظ کند، در غیر این صورت بعید به نظر می‌رسد که برانکو با همین داشته‌ها بتواند موفقیت‌های خود را تکرار کند یا این موفقیت‌ها را توسعه ببخشد.

پاسخ این مربی را می‌داد، بنابراین در واپسین لحظات بازی این سیدجلال حسینی بود که با یک شوت مطمئن نشان داد سوپرمن سرخ‌هاست. برانکو ایوانکوویچ پس از این پیروزی و صعود تیمش به مرحله بعدی لیگ قهرمانان آسیا گفت: «هنوز در هیجان بازی هستیم، بازی شگفت‌انگیزی داشتیم. در طول ۹۰ دقیقه خوب بودیم. به بازیکنانم افتخار می‌کنم که عملکرد بسیار خوبی داشتند. از نگاه هواداران که بسیار خوشحال بودند شاد هستم و به این افتخار می‌کنم که در پرسپولیس کار می‌کنم.»

وی در واکنش به اظهارنظری که سرمربی الجزیره در مورد سیدجلال داشت گفت: «سیدجلال بازیکن بسیار خوبی برای ماست. قطعاً سوپرمن است اما ۱۰ بازیکن دیگر هم در کنار او تلاش کردند تا این پیروزی را کسب کنند.»

سرمربی پرسپولیس ادامه داد: «خوشحالم که در طول بازی توانستیم تمرکزمان را حفظ کنیم و به یک برد خوب دست پیدا کنیم.»

او ادامه داد: «ما در اصرارات هم نمایش خوبی داشتیم و می‌توانستیم برنده باشیم. وقت تلف کردن هدف ما نیست. هدف ما این است که فوتبال بازی کنیم و بازی‌ها را به سود خودمان تمام کنیم.»

سرمربی سرخپوشان ادامه داد: «مهم این است که ما توانستیم الجزیره را شکست دهیم و به مرحله بعد صعود کنیم. خوشحالی بیشتر من این است که ایران در مرحله یک‌چهارم‌نهایی دو نماینده دارد و این می‌تواند برای فوتبال ایران خوب باشد.»

برانکو خاطرنشان کرد: «من قراردادم را تمدید کردم تا به بازیکنانم ثابت کنم چطور به آنها اطمینان دارم. اصلاً نگران نیستیم که پنجره نقل و انتقالات باز شود یا نه. مطمئن هستیم از چیزی که این فصل بودیم بهتر خواهیم بود. امروز پایان فصل بود اما بازیکنان ما با انگیزه بالایی بازی کردند.»

برانکو در مورد بازیکنان دعوت‌شده به اردوی تیم ملی نیز گفت: «متأسفانه فقط چهار بازیکن از تیم ما به اردوی تیم ملی دعوت شده است. فکر می‌کنم بازیکنان دیگری

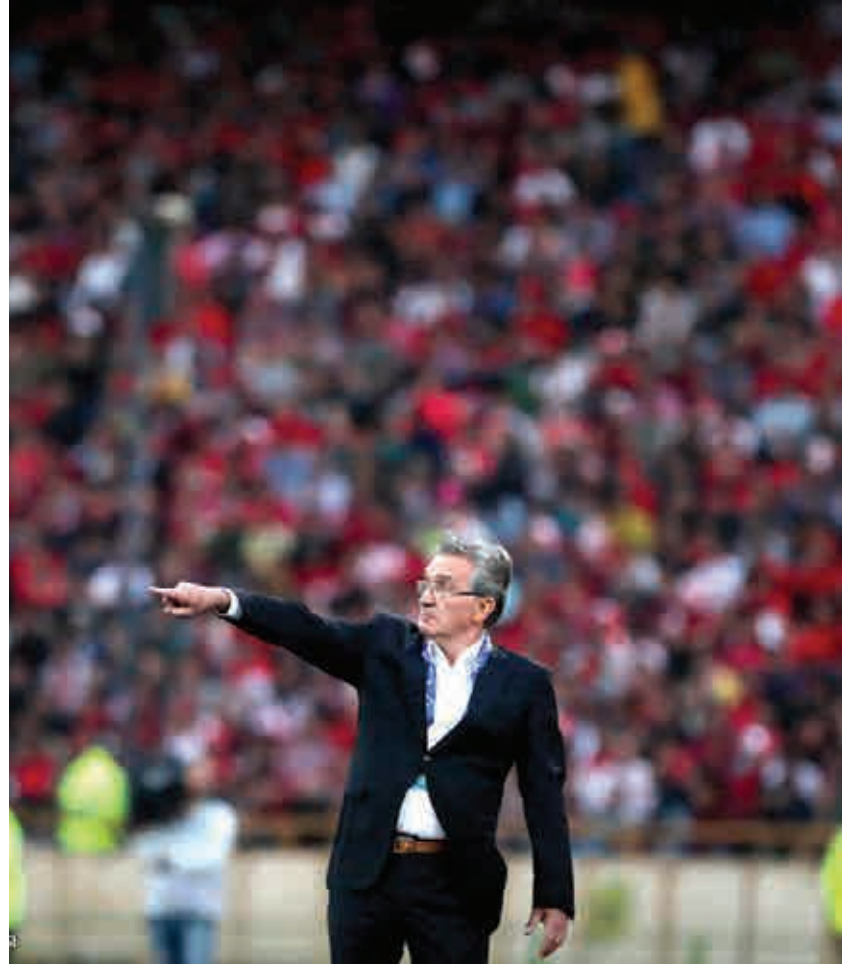


هر چند این تیم به عنوان نماینده فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیا مورد حمایت همه مردم بود. نکته دیگری که درباره برانکو می توانم عرض کنم این است که او از پبله محافظه کاری بیرون آمده است. من برانکو را در دو مقطع می توانم ارزیابی کنم.

برانکوایی که در تیم ملی به طور حتم باید مصلحت هایی را در نظر می گرفت چون سرمربی تیم ملی یک کشور بود و شاید گاهی لازم بود محافظه کارانه پیش برود و برانکوایی که در پرسپولیس می بینم، او با بازیکنی که نظم و انضباط و اخلاق تیمش را زیر سوال می برد مدارا نمی کند، بنابراین از پبله محافظه کاری بیرون می آید و نسبت به اصول خودش عقب نشینی نمی کند. این باعث می شود که ما ارزیابی مثبتی نسبت به شخصیت او داشته باشیم. در واقع برانکو آن قدر از لحاظ شخصیتی قابل احترام است که کمتر کسی به کمبودهای فنی او توجه می کند. هر چند من اعتقاد دارم که پرسپولیس باید کمی تغییر رویه بدهد. این شیوه بازی برای خیلی از حریفان قابل پیش بینی شده و باید تغییراتی در شیوه بازی این تیم صورت بگیرد تا بتواند در بازی های آینده لیگ قهرمانان آسیا با حاشیه امنیت بیشتری حرکت کند. با همه اینها فراموش نکنیم که تیم برانکو برابر الجزیره حرفه ای و درست بازی کرد. نوع بازی پرسپولیس برابر این تیم در استادیوم آزادی باعث دلگرمی من شد و امیدوارم این روند ادامه پیدا کند. نکته دیگری که مایلم درباره اش صحبت کنم بزرگی بازیکنی است که به نظرم بازی برگشت تحت تاثیر او بود. من سیدجلال حسینی را سال هاست که می شناسم. دو سال در سپاهان با او کار کرده ام و به طور کلی شیفته اخلاق او هستم. بازیکنی سختکوش، بی حاشیه و با اخلاق که به نظرم یک ستاره نیست اما شاخصه هایی دارد که از او در درون هر تیمی یک مدیر می سازد. هر چند همه ما قبول داریم که فوتبال به ستاره ها هم نیاز دارد اما سیدجلال حسینی بیش از آنکه یک ستاره باشد یک مدیر است. او با گل بسیار ارزشمندی که به ثمر رساند باعث شد تا تلخی شکست نصیب ما نشود. بی تردید او یکی از حساس ترین گل های دوران بازیگری خود را به ثمر رساند.

با اخلاق بودن این بازیکن امری ثابت شده است، به همین دلیل است که در پایان بازی وقتی از لفظ سوپرمن برایش استفاده می شود، تاکید می کند که علاقه ای به این القاب ندارد چون برای امثال حسینی موفقیت یک تیم مهم است. او شخصیت آرامی دارد و با بالا رفتن سن آن قدر باتجربه شده که می تواند در مقطعی حساس به تیمش این گونه کمک کند. چنین رویه ای باعث شده تا دیگر بازیکنان تیم هم به شدت به او احترام بگذارند و به خاطر حمایت از او و در تقبیح اظهارات سرمربی الجزیره که به طعنه درباره حسینی صحبت کرده بود، با جان و دل بازی کنند. امیدوارم بازیکنان جوان از حسینی بیاموزند. یاد بگیرند که چگونه باید به تیم شان خدمت کنند.

نکته پائینی که قصد دارم راجع به آن خیلی کوتاه صحبت کنم این است که در دل بازی هیجان انگیز پرسپولیس برابر الجزیره یک نگرانی ویژه به سراغ من آمد. من بابت درون دروازه تیم ملی نگرانم. بیرون تو می توانست واکنش بهتری نسبت به آن توپ که به گل الجزیره تبدیل شد، نشان دهد اما به نظرم او گل ساده ای خورد و در بازی رفت هم می توانست عملکرد بهتری از خود نشان دهد. حال آنکه ما کمتر از یک ماه دیگر باید مقابل تیم هایی بازی کنیم که مهاجمان وحشتناکی دارند و این دروازه من را بیش از پیش برای تیم ملی نگران کرده است. با همه اینها امیدوارم هم پرسپولیس در مرحله بعدی رقابت های آسیایی و هم تیم ملی در جام جهانی روسیه نتایج خوبی کسب کنند تا همه ما از به دست آمدن موفقیت های ملی خوشحال باشیم.



برانکوی دوم

شخصیت ویژه برانکو باعث شده تا کمبودهای فنی پرسپولیس دیده نشود



امیر حاج رضایی
کارشناس فوتبال

به طور حتم ایرادهایی از لحاظ فنی به او و عملکردش وارد است اما شخصیت قابل توجه او باعث شده تا کمبودهای فنی اش چندان به چشم نیاید. واقعیت این است که پرسپولیس در نیم فصل دوم دچار افت شد. آنها بعد از شکست در دربی روزهای خوبی را پشت سر گذاشتند و نتوانستند عملکرد نیم فصل اول خود را ادامه دهند. سه شکست، یک تساوی و یک برد؛ این عملکرد پرسپولیس بعد از دربی بود. روشن است که عملکرد قابل دفاعی نیست اما آنها در آسیا اعاده حیثیت کردند. در لیگ قهرمانان آسیا خوب بازی کردند و به خصوص در بازی اخیر بازگشت خوبی به بازی داشتند. معتقدم این شخصیت برانکو است که پرسپولیس را تحت تاثیر قرار داده است. شخصیت او نسبت به سال های گذشته قوی تر و محکم تر شده. درست به همین دلیل است که وقتی در بازی رفت مقابل الجزیره بازی را واگذار می کنند، برانکو تیمش را مورد انتقاد قرار نمی دهد چون تجربه به او آموخته که در چنین مواقعی باید حامی بازیکنانش باشد. در نتیجه حرف هایش در پایان بازی رفت بوی ناامیدی نمی داد. او امیدوارانه سخن گفت و تاکید کرد که به بازیکنانش اعتماد دارد و اطمینان داد که در بازی برگشت پرسپولیس شکست را جبران خواهد کرد. همه ما دیدیم که نتیجه این اظهارات درست و بجا این بود که هواداران چگونه به استادیوم آزادی رفتند و تیم شان را تشویق کردند. اینها مسائل مهمی است که نباید از کنار آن به سادگی بگذریم. پرسپولیس سرمایه بزرگی دارد. هوادارانی دارد که به خوبی از تیم شان حمایت کردند.

خوشبختانه پرسپولیس در روزی که بازی دلگرم کننده ای از خود نشان داد، موفق شد به مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا صعود کند. وقتی نتیجه تساوی نشان از حذف پرسپولیس داشت همه ما نگران بودیم، چه هواداران این تیم و چه هواداران فوتبال ملی. همه ما نگران بودیم که مبادا حذف تلخی از لیگ قهرمانان آسیا نصیب ما شود. اگر این اتفاق رخ می داد مادر یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا تنها یک نماینده ایرانی داشتیم اما خوشبختانه پرسپولیس طوری بازی کرد که این اتفاق تلخ صورت نگیرد. برانکو در دو مقطع در فوتبال ایران فعالیت کرده است. یک بار سرمربیگری تیم ملی فوتبال کشورمان را بر عهده داشته و بار دیگر با وقفه ای چندساله روی نیمکت سرمربیگری یکی از تیم های باشگاهی پرطرفدار فوتبال ایران نشسته است. به نظرم این مربی نسبت به زمانی که در تیم ملی کار می کرد تغییر کرده است. دانش او پیشرفت کرده و البته او در تمام این سال ها شخصیت قابل توجه خود را حفظ کرده است. در واقع من شخصیت برانکو را مثبت و مناسب می بینم. چه زمانی که در تیم ملی کار می کرد و البته ایرادهایی از لحاظ فنی به او وارد بود و چه حالا که باز هم



تراژدی پایان

بازنده نزاع قلعه‌نویی - کی‌روش چه کسی بود؟

هفته گذشته جنگ لفظی میان امیر قلعه‌نویی و کارلوس کی‌روش بار دیگر شدت گرفت. این دو مربی سابقه‌دار درگیری لفظی در رسانه‌ها را پیش از این هم داشته‌اند اما این بار شرایط به گونه‌ای پیش رفت که امیر قلعه‌نویی بعد از قرار گرفتن در متن این دعوا حضور در مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا را از دست داد. او که سه‌شنبه شب روی نیمکت ذوب‌آهن نشسته بود، در ورزشگاه آزادی برابر تیم سابق خودش یعنی استقلال شکست سنگینی خورد تا با لیگ قهرمانان آسیا وداع تلخی داشته باشد. اما ماجرا از انتقادهای خود قلعه‌نویی شروع شد. او هفته گذشته در مصاحبه‌ای به انتقاد از زمان اعلام اسامی بازیکنان تیم ملی برای حضور در جام جهانی روسیه پرداخت و این اقدام کارلوس کی‌روش و فدراسیون فوتبال را معنادار برشمرد. او تصور می‌کرد لیست بازیکنان تیم ملی برای حضور در جام جهانی تنها به این دلیل قبل از بازی برگشت استقلال - ذوب‌آهن منتشر شده که روحیه بازیکنانش به هم بریزد. او در مصاحبه‌ای به انتقاد از کی‌روش و وزارت ورزش پرداخت و تاکید کرد که لیست بازیکنان تیم ملی باتوجه به کم بودن سهمیه ذوب‌آهن می‌توانست بعد از بازی استقلال - ذوب‌آهن اعلام شود اما کارلوس کی‌روش طبق روال معمول قبل از تمرین تیم ملی به خبرنگاران حرف‌هایی زد که به طور مستقیم متوجه قلعه‌نویی می‌شد؛ براساس قوانین بین‌المللی و فدراسیون جهانی باید لیست را آماده و به فیفا اعلام می‌کردیم. برای این فهرست بازیکنانی را

که در شش ماه گذشته زیر نظر داشتیم به تیم ملی دعوت کردیم.

او در مورد انتخاب نفرات تیم ملی خصوصاً بازیکنانی مثل بیت‌آشور و انتقاداتی که در این زمینه مطرح شده است، گفت: «ما فهرست ۳۵ نفره را به این خاطر اعلام کردیم که اگر در طول دوره آماده‌سازی بازیکنی دچار اتفاق ناخواسته‌ای شد بتوانیم بازیکن دیگری را جایگزین کنیم.»

کی‌روش ادامه داد: «هدف ما این بود که بعد از بازی با ازبکستان لیست تیم ملی را اعلام کنیم اما از آنجا که برنامه اصلی جام جهانی به برنامه مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان تغییر کرد و این موضوع از طرف فدراسیون رخ داد، ما هم نمی‌توانستیم بعد از بازی با ازبکستان لیست را اعلام کنیم.»

سر مربی تیم ملی فوتبال ایران در ادامه صحبت‌هایش به اظهارات امیر قلعه‌نویی پیرامون زمان اعلام لیست تیم ملی و لطمه‌ای که از نظر روحی به بازیکنانش وارد شده است، اشاره کرد و گفت: «واقعا او این حرف را زده است؟ واقعا خنده‌دار است. همان طور که گفتیم اینکه لیست را چه زمانی اعلام کنیم، فیفا مشخص کرده. قلعه‌نویی یک شهروند ایرانی است، شهروند کشوری که بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت تاریخی دارد. ایران کشور بزرگ و فوق‌العاده‌ای است، من هم یک پرتغالی هستم که دارم کارم را انجام می‌دهم، آیا فقط به این دلیل که او ایرانی است می‌تواند صداقت، و جاهت، حرفه‌ای

بودن و اخلاق‌مداری در کار من را از بین ببرد؟» کارلوس کی‌روش در ادامه اظهاراتش پیرامون نظرات قلعه‌نویی گفت: «این علامت سوال گذاشته شده که به عنوان یک پرتغالی در ایران کار می‌کنم و کریمی و قلعه‌نویی این توهین‌ها را به من می‌کنند. فدراسیون هم مقابل این مسائل چشمانش را می‌بندد. قبلا هم گفتم اگر بنده بخواهم صحبتی انجام دهم همه از آن برداشت توهین می‌کنند و می‌گویند فرهنگ ایران را زیر سوال برده‌ام که به هیچ وجه این طور نیست. من یاد گرفته‌ام وقتی این صحبت‌ها انجام می‌شود تشکر کنم و فقط به کارم ادامه دهم.»

کی‌روش در ادامه تاکید کرد: «پاسخی به این اظهارات نمی‌دهم چرا که اگر پاسخ بدهم کمتر از یک دقیقه دیگر از فدراسیون تماس هشدار دهنده‌ای با من خواهند گرفت و می‌گویند که باید ساکت باشم. اگر پاسخ بدهم جریمه می‌شوم به همین خاطر از قلعه‌نویی تشکر می‌کنم و از او می‌خواهم به کارش ادامه دهد.»

سر مربی تیم ملی فوتبال ایران خاطر نشان کرد: «از صحبت‌های قلعه‌نویی سوپر پرایز و شگفت‌زده شدم. او مدعی شده بازیکنانش تحت تأثیر لیست تیم ملی با مساله روحی و روانی مواجه شدند چون او بود که اجازه حضور بازیکنانش در تیم ملی را در طول فصل نمی‌داد و این مربی بود که به روند آماده‌سازی تیم ملی لطمه زد.»

کارلوس کی‌روش که از اظهارات سر مربی ذوب‌آهن ناراحت بود اما نمی‌خواست این ناراحتی را بروز دهد، بدون

اینکه نامی از امیر قلعه‌نویی برد ادامه داد: «این آقایان در یک ماه آینده جای من را می‌گیرند. بنابراین بهتر است که دیگر صحبتی انجام ندهم.»

اما واکنش‌های قلعه‌نویی قبل و بعد از بازی متفاوت بود. سرمربی ذوب‌آهن که در بازی رفت با نتیجه یک بر صفر استقلال را در اصفهان شکست داده بود، امیدوار بود در تهران نتیجه‌ای رقم بخورد که تیمش بتواند به مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا صعود کند. بهتر است حرف‌های قلعه‌نویی را قبل و بعد از بازی با استقلال مرور کنیم: «بازی از نگاه من سخت است. برای من این دیدار یک نگاه عاشقی و یک نگاه وظیفه است. حضور مقابل تیمی که من قهرمانی آسیا و حضور در دسته سوم را با آن تجربه کردم، کار سختی است. بحث دوم هم مسئولیت من در ذوب‌آهن است که باید برویم بازی مان و تکلیف خودمان را انجام دهیم.»

وی ادامه داد: «در مورد بحث فنی هم این بازی دو نیمه دارد. یک نیمه در اصفهان بازی کردیم و به هدف مان که گل نخوردن و زدن گل بود رسیدیم. حالا در تهران ما به دنبال این هستیم که به گل برسیم و به همین دلیل ترکیب مان را کمی هجومی چیده ایم. همه اینها تجزیه و تحلیل‌های بیرون زمین است اما واقعیت فوتبال زمانی رقم می‌خورد که داور سوت را بزند.»

سرمربی تیم ذوب‌آهن اصفهان در مورد صحبت‌های کارلوس کی‌روش و ابراز تعجب از صحبت‌های قلعه‌نویی گفت: «از کی‌روش خواهش می‌کنم اگر می‌خواهد صحبتی انجام دهد همه چیز را در نظر بگیرد. ما زمان بندی را می‌دانیم، ولی او می‌توانست لیست را به فیفا ارسال کند اما بعد از بازی ما و استقلال این لیست را منتشر کند. فکر می‌کنم چون کی‌روش به مسائل ریز نگاه نمی‌کند، مصاحبه من را هم کامل ندیده است. من دیروز هم گفتم که او می‌توانست لیست را ارسال کند و بعد اسامی را منتشر کند. در این صورت هیچ اتفاقی هم نمی‌افتاد.»

قلعه‌نویی در واکنش به این پرسش که آیا به نظر او اعلام لیست زود هنگام تیم ملی در روحیه بازیکنان او تأثیر خواهد گذاشت، گفت: «در هر صورت برخی از بازیکنان در تیم ما بودند که امسال فصل خوبی داشتند. کی‌روش هم حقیقتاً است که هر بازیکنی که خودش دوست دارد را انتخاب کند و ما نمی‌توانیم در کار او دخالت کنیم اما برخی از بازیکنان در تیم‌ها هستند که شاید برای خود شانس قائل باشند و امید داشته باشند که شاید نیم‌نگاهی هم به لیگ و تیم ذوب‌آهن باشد که الحمدلله این نگاه نبود و ما فقط یک نماینده در تیم ملی داریم. من گفتم چون این بازی برای ما حساس است لیست را بعد از بازی اعلام کنند. برخی از بازیکنان استقلال که به تیم ملی دعوت شده‌اند، به لحاظ روحی بالا می‌روند و برخی از بازیکنان ما هم که برای خود شانس قائل بودند اما دعوت نشده‌اند از نظر روحی و روانی افت می‌کنند.»

قلعه‌نویی در خصوص اتفاقات و صحبت‌هایی که پس از دیدار رفت ذوب‌آهن و استقلال انجام شد، گفت: «اجازه بدهید من یک شعر را بگویم. «گر میرد راه عشقی،

فکر بدنامی مکن» اینجا منظور از عشق خداوند است. شما اگر کار و راهت برای خداوند باشد دیگر مهم نیست دیگران چه می‌گویند. ما جایی که کار می‌کنیم و نان درمی‌آوریم ناموس ورزشی ما می‌شود و باید با جان و دل آنجا کار کنیم. متأسفانه چند نفری هستند که در فضای مجازی چیزی که در شأن و شخصیت خودشان هست به دیگران نسبت می‌دهند. آنها خانواده ندارند و اگر داشته باشند معلوم نیست پدرشان کیست، فوتبال بازی درگیرانه‌ای است و به گفته کارشناسان خطاهای بازیکنان استقلال شدیدتر از تیم ما بود.»

وی ادامه داد: «به قول یک بزرگی دعا کنیم دشمن مان نادان باشد که خدا را شکر دشمن ما نادان است. فرهنگ باشگاه استقلال این نیست، فرهنگ استقلال همانی است که تماشاگران، ما را ایستاده تشویق می‌کردند. من آن روز هم به شرف بابت قهرمانی و زحماتی که می‌کشد تبریک گفتم. فوتبال این است، اما آنها دنبال منافع خودشان هستند و بارها خیانت خودشان را به استقلال نشان داده‌اند. همان‌ها منصوریان را نابود کردند. من از همین جا به هر تیمی که امشب از این مرحله صعود کرد تبریک می‌گویم.»

اما بعد از شکست سنگین ۳ بر یک امیر قلعه‌نویی ناگهان نوک پیکان انتقادهایش را متوجه فدراسیون فوتبال، کی‌روش و وزارت ورزش کرد.

او گفت: «به این فوتبال نباید تبریک گفت. به سلطانی فر و تاج باید تبریک گفت. از آقای سلطانی فر و تاج ممنون هستیم که سرخابی‌ها را خوب حمایت می‌کنند. ما در زمین نباختیم و یک فوتبال بحرینی دیدیم اما به آنها تبریک گفتم. بازی ۷ دقیقه وقت اضافه داشت، ۲ اخراج حریف دیده نشد و یک پنالتی ما گرفته نشد و این فوتبال تبریک ندارد و باید به حال فوتبال گریه کرد.»

او ادامه داد: «اگر یک داور از شرق آسیا بود، عیار تیم‌ها مشخص می‌شد. فرشید باقری و تیم نباید اخراج می‌شدند؟ پنالتی ما را نگرفتند. این فوتبال تبریک ندارد اما به استقلال تبریک می‌گویم. من از این برد و باخت‌ها دیدم. تیم ما مظلوم و شهروندی است و یک هفته به ما و هواداران فحاشی کردند. مبارک تاج و سلطانی فر باشد اما آن بالا یک خدایی است. دیر یا زود دارد اما سوخت و سوز ندارد. سر ما را بریند اما آه ما سوز دارد. الان قلعه‌نویی خوب است و ما خطا نمی‌کنیم. برنده شدید اما به فوتبال تبریک نمی‌گویم.»

سرمربی ذوب‌آهن در واکنش به حرف‌های کی‌روش تصریح کرد: «به آقای کی‌روش نیز تبریک می‌گویم. بازیکنان ما نیز مردانه بازی کردند و جنگیدند و صحبت‌های آنها تأثیر نداشت. زور ما به داور و تیم نرسید و نتوانستیم آنها را بگیریم. باید به تیم برای فوتبال سطح بالایی که به ایران آورده، تبریک بگوییم. همچنین به داور و دو عزیز که قبلاً گفتم.»

قلعه‌نویی در حالی دیگر اعضای فوتبال را در شکست تیمش متهم دانست که ابدا اشتباه‌های خودش را یادآور نشد. او قبل از بازی گفته بود می‌خواهیم هجومی بازی کنیم. شاید یکی از دلایل باخت سنگین تیمش اتفاقاً

همین استراتژی بود. جایی که شاید برای اتخاذ چنین شیوه‌ای چندان مناسب نبود. ورزشگاه آزادی مملو از هوادارانی بود که برای تشویق استقلال آمده بودند و تیم شرف سراسر حمله بود. شاید بهترین شیوه، اداره بازی و استفاده از ضدحملات بود اما قلعه‌نویی که به ندرت تیمش را برای ارائه چنین بازی به مسابقه می‌فرستد، این بار زمانی را برای ارائه فوتبال هجومی انتخاب کرد که به نظر نمی‌رسید گزینه مناسبی باشد. حالا او در یکی از مهم‌ترین بازی‌های دوران مربیگری‌اش از رقیب آلمانی که روی نیمکت استقلال نشسته شکست خورده است. او سه‌شنبه شب به این دلیل به همه مدیران فوتبال ایران تبریک گفت که همزمان تاب تحمل سه شکست را نداشت؛ شکست از استقلال، شکست از مربی خارجی استقلال و شکست از کارلوس کی‌روش. همه این شکست‌ها و دیگر فشارهایی که قلعه‌نویی نمی‌توانست آنها را تحمل کند به کابوس این مربی تبدیل شد تا روی سکوها هم اندک اعتباری که طی سال‌ها حضور در استقلال برای خود به دست آورده بود دچار آسیب جدی شود؛ جایی که هواداران استقلال علیه او شعار دادند و این شاید نقطه پایانی است برای امیر قلعه‌نویی. مربی‌ای که برخلاف همه ناگامی‌هایش هنوز مستریانی از لیگ برتر دارد، شاید کمی آن طرف‌تر. آیا او در سپاهان دوران بازسازی خودش را با موفقیت پشت سر می‌گذارد یا در فصل آینده تراژدی پایان برایش جدی‌تر از قبل رقم خواهد خورد؟

اما در دل این ناگامی بزرگ خبر دیگری هم مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است؛ کی‌روش بعد از بازی‌های جام جهانی از تیم ملی جدا خواهد شد. این بخشی از مصاحبه خود کی‌روش است که اتفاقاً سایت فدراسیون فوتبال دقیقی بعد از انجام آن بدون کوچک‌ترین تعارفی آن را روی خروجی سایت خود قرار داد تا شایعه خداحافظی این مربی پرتغالی از تیم ملی قوت بیشتری به خود بگیرد.

قلعه‌نویی در مصاحبه مطبوعاتی‌اش برای مثال آوردن از تعهد به ذوب‌آهن یک بیت شعر خواند؛ گر میرد راه عشقی فکر بدنامی نکن



بعد از شکست سنگین ۳ بر یک امیر قلعه‌نویی ناگهان نوک پیکان انتقادهایش را متوجه فدراسیون فوتبال، کی‌روش و وزارت ورزش کرد. او گفت: «به این فوتبال نباید تبریک گفت. به سلطانی فر و تاج باید تبریک گفت. از آقای سلطانی فر و تاج ممنون هستیم که سرخابی‌ها را خوب حمایت می‌کنند. ما در زمین نباختیم و یک فوتبال بحرینی دیدیم اما به آنها تبریک گفتم. بازی ۷ دقیقه وقت اضافه داشت، ۲ اخراج حریف دیده نشد و یک پنالتی ما گرفته نشد و این فوتبال تبریک ندارد و باید به حال فوتبال گریه کرد.»



شنبه شب رویایی زنانه ایران در آسیا، پر از افتخار و مدال‌های طلا شد. درست در روزی که دختران کاراته کای ایران موفق شدند در هفدهمین دوره رقابت‌های کاراته قهرمانی آسیا که به میزبانی ژاپن برگزار شده بود، با کسب دو نشان طلا، یک نقره و یک برنز به قهرمانی آسیا برسند، دختران فوتسال تیم فوتبال ایران نیز با درهم کوبیدن تیم فوتسال ژاپن در رقابت نهایی جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۸، برای دومین بار پیاپی بر بام آسیا تکیه زدند. خبر خوب این است که بالاخره کتاب رکورد زد و سی و یکمین دوره نمایشگاه کتاب در حالی تمام شد که اعداد و ارقام نشان می‌دهد که فروش ریالی کتاب در این دوره به بالاترین سطح خود رسید. بنا به اعلام همایون امیرزاده، سخنگوی نمایشگاه کتاب آمار فروش نمایشگاه تا ظهر شنبه، ۲۲ اردیبهشت نشان می‌دهد ۸۹ میلیارد تومان فروش درون شبکه بانک شهر صورت گرفته و اگر فروش خارج شبکه را نیز به این رقم بیفزاییم، این نمایشگاه، حدود ۱۳۰ میلیارد تومان فروش داشته است. البته اگر بخواهیم کمی منفی هم صحبت کنیم باید بگوییم که بخشی از این افزایش فروش می‌تواند به افزایش قیمت هم مربوط باشد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته است که سالانه بیش از ۴۴ هزار میلیارد یارانه در کشور پرداخت می‌شود اما به دلیل فقدان سیاست‌گذاری‌های اجتماعی درست پرداخت این میزان یارانه نه به کاهش فقر و نه به افزایش اشتغال و بهبود عدالت کمک کرده است. ربیعی در ادامه گفته است: «بر اساس تجربه می‌توانم بگویم فقدان سیاست‌گذاری مشخص باعث از بین رفتن منابع کشورهای در حال توسعه شده است. برای مثال به عنوان وزیر رفاه اعلام می‌کنم سالانه بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد در حوزه اجتماعی هزینه می‌کنیم اما آثار زیادی از این سرمایه‌گذاری نمی‌بینیم. این نکته نشان می‌دهد که باید در سیاست‌گذاری‌های مان تجدیدنظر کنیم و با برنامه‌های مشخص تری متناسب با کشورهای مشابه خودمان عمل کنیم.»



هفتادمین سالگرد ایجاد رژیم صهیونیستی، سفارتخانه آمریکا در فلسطین اشغالی در حالی با مراسمی نمادین و تحت تدابیر شدید امنیتی، از تل آویو به قدس اشغالی منتقل شد که در اعتراض به این تصمیم ترامپ، هزاران فلسطینی دست به تظاهرات گسترده مردمی زدند که در نتیجه بیش از ۵۰ تن شهید و بیش از دوهزار تن دیگر مجروح شدند. دل همه مسلمانان از این مساله بسیار خون بود و اعتراض‌های مجازی بخش کوچکی از خشمی بود که در دل مردم ایران وجود داشت، هشتگ‌هایی چون #فلسطین_عاصمه_القدس_الابدیه و #سازید_خرابش می‌کنیم و شعرهایی از محمود درویش و نزار قبانی نشان از یک حمایت همگانی از مردم مظلوم فلسطین داشت. عکسی که از این تظاهرات نمی‌توان از یاد برد عکس ابوصالح جوانی که ۱۰ سال پیش پایش را در حملات هوایی رژیم اشغالگر قدس از دست داده بود، روی ویلچر سنگ را مقابل گلوله گذاشت، او هم در میان شهدا جای گرفت و به آسمان رفت. انتشار مصاحبه‌ای از رئیس دیوان محاسبات کشور درباره به کارگیری بازنشسته‌ها موضوع مهمی است که نشان می‌دهد هنوز هم با وجود قانون صریح در این باره تخلف صورت گرفته در برخی از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها قابل توجه است. به کارگیری بازنشسته‌ها در پست‌های کلیدی و مهمی که نیاز به توانایی ذهنی و جسمی دارد، می‌تواند مشکلات زیادی را برای سیستم مدیریت کشور ایجاد کند.

در دور برگشت پرسپولیس، یکی از سه نماینده ایران در این رقابت‌ها، با پیروزی ۲ بر یک مقابل الجزیره امارات از مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان صعود کرد. سیدجلال حسینی در دقیقه ۹۰ گل صعود پرسپولیس را به ثمر رساند. مربی حریف پیش از بازی گفته بود مگر جلال حسینی «سوپرمن» است؟ او نشان داد بازی در نقش سوپرمن را بلد است.



با این خبر شروع کنیم؛ ویلای غیرمجاز یکی از وزارد روستای فشنند ساوجبلاغ به دستور دادستانی ساوجبلاغ تخریب شد. تلاش استاندار البرز و فرماندار ساوجبلاغ برای جلوگیری از تخریب ویلای غیرمجاز بی نتیجه ماند. جالب اینکه صاحب این ویلا، خود یکی از متولیان مقابله با ساخت وسازهای غیرمجاز است. حمیده زربادی، نماینده مجلس، در گفت‌وگویی اعلام کرد طرحی در مجلس در دست بررسی است که بر اساس آن سه گروه از دختران به شرط داشتن کارشناسی ارشد، پنج سال سابقه کار با بیمه و همچنین حداقل ۲۸ سال سن می‌توانند بدون اجازه پدر و مجوز دادگاه ازدواج کنند. خب طبیعی است که چنین خبری بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشته باشد. سخنگوی سازمان ثبت احوال هم ضمن اشاره به آخرین آمار وقایع حیاتی چهارگانه در سال گذشته گفت: «میانگین سن مردان در طلاق‌های ثبت شده ۳۶/۵ سال و میانگین سن زنان در طلاق‌های ثبت شده ۳۱/۶ سال بوده است. در سال گذشته یک میلیون و ۴۸۷ هزار و ۹۰۸ ولادت به ثبت رسیده که از این تعداد ۷۶۶ هزار و ۱۳۹ مورد پسر و ۷۲۱ هزار و ۷۴۹ مورد دختر به ثبت رسیده است. سال گذشته ۳۷۶ هزار و ۸۰۸ مورد وفات به ثبت رسیده که ۲۰۹ هزار و ۴۸۹ مورد مرد و ۱۶۴ هزار و ۹۶۶ مورد زن بوده است. نسبت فوت مردان به زنان ۱۲۷ به ۱۰۰ است که ۳۳/۸ درصد فوت‌ها در شهرها و ۲۶/۲ درصد در روستاها رخ داده است.» عکس روز هم می‌تواند به تیم فوتبالی در الجزایر اختصاص پیدا کند، طرفداران این تیم در اقدامی جالب و به نشانه حمایت از فلسطینیان، پس از توقف بازی و خاموش شدن چراغ‌ها، با نور تلفن‌های همراه خود عبارت «غزه» را تشکیل دادند. کارلوس کی‌روش لیستی ۳۵ نفره اعلام کرد تا به لیست نهایی مسافران روسیه نزدیک شویم، از نکات جالب این لیست می‌توان به عدم دعوت از علی علیپور و حضور استیون بیت‌آشور پس از ۴ سال دوری از تیم ملی اشاره کرد.



روز فردوسی از نگاه اینستاگرام منسوب به رهبری



هشدار غزه از نگاه محسن رضایی



واکنش نوید محمدزاده به معترض خاص



واکنش فرهاد مجیدی به درگذشت ساموئل



سه شنبه

نخستین کارخانه تولید انبوه فرآورده‌های سلولی در کشور با حضور معاون اول رئیس جمهوری، وزیر بهداشت و جمعی دیگر از مسئولان افتتاح شد. این کارخانه با سرمایه گذاری ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) و دانش فنی پژوهشگرده رویان وابسته به جهاد دانشگاهی فعالیت خود را آغاز کرد. کارخانه تولید داروی سل تک فارمد، زیرمجموعه گروه دارویی برکت است که در حوزه سلول‌های بنیادی و طب ترمیم فعالیت دارد. این شرکت سی ام بهمن ماه سال ۱۳۹۲ برای تامین نیاز کشور به سلول درمانی تاسیس شد. پشتوانه فعالیت‌ها و پروژه‌های این شرکت، تحقیقات گسترده در حوزه سلول‌های بنیادی، بیوتکنولوژی زیست فناوری، نانو تکنولوژی (فناوری نانو) و حیطه‌های دارویی اعلام شده است. خط تولید محصولاتی مانند منیوسل برای درمان حمله قلبی، ریکالسل برای درمان ویتیلیگو، ریبودرم سل به منظور درمان پیری پوست، اسکار و آکنه، لیپوس سل برای درمان پیری پوست، مزستروسول با هدف درمان آرتروز و دستروسول برای درمان GVHD در این شرکت وجود دارد. محمدجواد آذری، وزیر ارتباطات هم با اشاره به اختلالات ایجاد شده در خدمات اینترنتی به دلیل استفاده از فیلترشکن گفت: «درست است که بسیاری از فیلترشکن‌ها خدمات ظاهری خوبی به کاربر ارائه می‌دهند و به همین دلیل کاربران به استفاده از آنها علاقه‌مندند اما بنا به گزارش‌هایی که مراکز معتبر منتشر می‌کنند، این نوع نرم افزارها استفاده ضدامنیتی دارند و نوعی باج‌افزار هستند که به جمع‌آوری اطلاعات مشترکین اقدام می‌کنند و فراگیری و استفاده از فیلترشکن‌ها تبعات بسیار زیادی دارد. اما بنا نیست به این موضوع بپردازیم که با دستور فیلترینگی که آمده و با مخالفت بسیاری از مردم مواجه شده است، می‌توانیم به باج‌افزارها و فیلترشکن‌ها اجازه دهیم که در کشور توسعه پیدا کنند.» استقلال هم توانست با درخشش ستاره سپاه‌پوست خود مامه تیم از پس ذوب آهن برآید و به مرحله بعدی لیگ قهرمانان آسیا صعود کند، احتمال دارد که دربی داشته باشیم در مرحله بعدی...

چهارشنبه

«مانال عیسی» بازیگر لبنانی فرانسوی با بالا بردن یک دست نوشته روی فرش قرمز جشنواره فیلم کن که روی آن نوشته شده بود: «حمله به غزه را متوقف کنید»، حمایت خود را از مردم مظلوم فلسطین نشان داد. این مساله وقتی قابل تامل است که نگاهی به آمارها داشته باشیم؛ صندوق حمایت از کودکان ملل متحد اعلام کرد از آغاز تظاهرات روز بازگشت تا روز نیکت در غزه بیش از ۱۰۰۰ کودک زخمی شده‌اند. یونسف همچنین در بیانیه‌ای اعلام کرد: «حملات وحشیانه اخیر علیه مردم غزه (در کنار نظام بهداشتی ضعیف در این منطقه) و نبود تجهیزات پزشکی، به افزایش ناگهانی شمار کودکان زخمی در غزه طی دوروز گذشته دامن زده است.» قرار بود افزایش قیمت دلار هیچ مشکلی برای زندگی روزمره مردم عادی ایجاد نکند اما انگار این مساله حتی مردمی که با بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند را هم با مشکلات عدیده مواجه کرده است، این موضوع به تایید وزارت بهداشت هم رسیده، سخنگوی سازمان غذا و دارو با بیان اینکه برخی واردکنندگان دارو در بخش خصوصی در تامین نیاز دارویی کشور پایین‌تر از حد انتظار ظاهر شده‌اند، تاکید کرد که بازگشت تهیه و تامین یکسری داروها به دولت و بخش دولتی به‌طور جدی در دستورکار سازمان غذا و دارو و وزارت بهداشت قرار گرفته است. وزیر ارشاد از مجلس کارت زرد گرفت؛ خانه ملت سوال از عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را در دستور کار خود داشت، دستوری که فرمان آن را مطهری داد و البته خودش هم در قامت یک نماینده سوال کرد. مطهری که دستش پر از کلمات بیگانه‌ای چون بی‌بی‌شاپ، استار برگهات و آف و آن بود، سهل انگاری وزیر را در اجرای قانون ممنوعیت استفاده از کلمات بیگانه وارد نداشت، در ادامه این مساله مجلس را قانع نکرد و صالحی یک اخطار گرفت.





یار مهربان

مقام معظم رهبری در نمایشگاه کتاب حاضر شدند

«من در مقوله‌های سینمایی و هنرهای تجسمی و تصویری و امثال اینها ورود ندارم. یعنی یک مستمع عامی هستم اما در مورد شعر و رمان نه، آدم عامی نیستم. از این آثاری که وجود دارد، زیاد خوانده‌ام.» فقط کافی است که همان چند دقیقه فیلمی که از حضور مقام معظم رهبری در نمایشگاه کتاب منتشر شد را نگاه کنید تا متوجه شوید که این جمله چند سال پیش ایشان تا چه اندازه درست است و ما نه تنها با یک مستمع عامی طرف نیستیم که با یک کتابخوان کاملا حرفه‌ای مواجه هستیم.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی از روزگار نوجوانی اهل کتاب و کتابخوانی بودند و در دوران ریاست جمهوری و رهبری نیز هیچ‌گاه از کتاب جدا نشده‌اند؛ خودشان در این باره گفته‌اند: «با اینکه گرفتاری کاری‌ام زیاد است اما بسمت خدا کتاب منگ نشده‌ام و در حقیقت نمی‌توانم هم منگ بشوم. در خلال کارهای فراوان و سنگینی که بر دوش ما هست دائما با کتاب سروکار دارم. احساس می‌کنم که اگر انسان بخواهد در زمینه معنوی و فرهنگی تروتازه بماند، جز رابطه با کتاب که مثل رابطه با جویبار دائمی و در جریان است و مرتب تازه‌هایی را در اختیار انسان می‌گذارد چاره‌ای ندارد.»

همین الفت با کتاب است که در سه سال گذشته، جای خالی ایشان و التفات ویژه‌شان به مقوله کتاب به شدت محسوس بود. بعد از سه سال دوباره رهبر انقلاب از نمایشگاه کتاب در مصالای امام خمینی (ره) بازدید کردند. یک سال بعد از وزارت آقای سیدعباس صالحی که پیش‌تر معاون فرهنگی ارشاد بود. آخرین بازدید رهبر از نمایشگاه کتاب زمانی بود که آقای علی جنتی، وزیر ارشاد بود و غیبت سه‌ساله رهبری بعد از آن به نارضایتی ایشان از سیاست‌های فرهنگی دولت تعبیر می‌شد اما امسال انتظار نمایشگاه کتاب بالاخره به پایان رسید و رهبر انقلاب روز جمعه از ساعت ۹:۳۰ صبح به مدت یک ساعت و نیم از نمایشگاه کتاب سی‌ویکم بازدید کردند و در بیش از ۵۰ غرفه توقف داشتند و با عوامل آنها صحبت کردند و در جریان تازه‌های نشر قرار گرفتند. در این بازدید رهبر انقلاب اسلامی با حضور در غرفه انتشاراتی

«چرا با این کاغذها چاپ کرده‌اید، هم گران است و هم خواندنش سخت است.» و بعد بلافاصله رو کردند به وزیر ارشاد و گفتند: «این مساله کاغذ مساله بسیار مهمی است و رسیدگی می‌خواهد.»

تسلط به حوزه کتاب یکی از نکات غافلگیرکننده همیشگی حضور رهبر معظم انقلاب در نمایشگاه کتاب است، در غرفه «نقد فرهنگ»، بیژن عبدالکریمی، یکی از اساتید بنام فلسفه حاضر است. رهبر معظم نگاه‌های به عکس رضا داوری اردکانی در غرفه انداختند و گفتند از این عکس معلوم است که شما هم دنبال هایدگر هستید... عبدالکریمی خندید. آنهایی که اهل فلسفه هستند خوب می‌دانند وقتی رهبری در غرفه‌ای در برابر کتاب پرفروشی چون «دنیای سوفی»، نام کتاب «لذات فلسفه» را آوردند تا چه اندازه بر این حوزه تسلط دارند.

همه کتابخوان‌های حرفه‌ای خاطرات خوبی از کتاب‌های خوب دارند، این خاطره خوب را می‌توان در بازدید حضرت آیت الله خامنه‌ای از غرفه نیلوفر یافت. کتابی نظرشان را جلب کرد و پرسیدند این همان چهارجلدی قدیمی است؟ و جواب گرفتند بله. پرسیدند مترجمش چه کسی بود؟ گفتند ابوالحسن نجفی. آقا گفت: «آها ابوالحسن نجفی... بگذارید یک ماجرای را تعریف کنم. سال‌ها قبل ابوالحسن نجفی با آقای مرحوم حبیبی و چند نفر دیگر از بزرگان ادبیات آمدند پیش ما. من پرسیدم «شما مترجم «خانواده تیبو» هستید؟» آقای نجفی از اینکه من اسم این رمان را بلدم تعجب کردند. بعد که نشستیم من از رمان تعریف کردم و نقدی هم به ترجمه ایشان گفتم. آقای نجفی با تعجب بیشتر پرسید: «شما واقعا هر چهار جلد را خوانده‌اید؟ من اصلا فکرش را نمی‌کردم شما حتی اسمش را شنیده باشید.»

آقا با خنده ادامه داد: «گفتم حالا خوانده بودم دیگر... خدا آقای ابوالحسن نجفی را بیامرزد. کتاب خانواده تیبورمان خیلی خوبی بود که متأسفانه در حد قدرش معروف نشد.» به روز بودن و عقب‌نماندن از حوزه کتاب هم برای همه کتابخوان‌ها یک دغدغه بزرگ است. همین روایت از حضور رهبری در غرفه نشر نی خودش؛ حرف دل بسیاری از کتابخوان‌ها بود. آقا وارد نشر نی شدند. قیلبش سرشان را بلند کردند و اسم ناشر را بالای غرفه دیدند و آرام زیر لب گفتند: «بشنو از نی...» غرفه‌دارها سلام کردند. آقا جواب دادند و پرسیدند: «چی دارید؟» درست مثل مشتری‌های دست‌به‌نقد. منتظر جواب غرفه‌دار نماندند و خودشان بین کتاب‌ها مشغول به یافتن جواب شدند. وزیر کتاب و فرهنگ آقای احمدی نژاد آمدند. آقا سری تکان دادند و گفتند: «عقب ماندم من از کتاب! چیزهای تازه‌ای هست که ندیدم.» صالحی گفت: «کسی از شما جلوتر نیست.»

اهالی کتاب، باید از کتاب خوششان بیاید، ذوق دوست داشتن یک کتاب یک مساله کاملاً درونی است، نکته‌ای که رهبری آن را با صراحت گفتند وقتی در غرفه‌ای جوان پشت غرفه انتشارات درخواست می‌کند، رهبری یکی از کتاب‌هایش را بخوانند و درباره آن چیزی بنویسند. رهبری اما صریح و بی‌تعارف؛ می‌گویند: «من باید کتاب را بخوانم و احساسی در من به وجود بیاید تا بنویسم. دستوری چیزی از آب در نمی‌آید.»

توصیه به کتاب هم یکی از ویژگی‌های کتابخوان‌های حرفه‌ای است. رهبر انقلاب اسلامی پس از بازدید، در سخنان کوتاهی، کتاب و کتابخوانی را یکی از ضرورت‌های زندگی آحاد مردم به‌ویژه جوانان دانستند و افزودند: «نقش کتاب یک نقش بی‌بدیل است، البته بهترین کتاب‌ها، کتابی است که انسان را به سمت خداوند و ارزش‌های والا و انقلابی هدایت کند و امیدواریم کتاب جایگاه حقیقی خود را در جامعه بیابد.»

همچون «هزاره ققنوس»، «نگاه»، «نوید شیراز»، «نقد فرهنگ»، «نون»، «نورگیتی»، «مهر جالبینوس»، «نورا الزهرا» و «نیلوفر»... کتاب‌های این غرفه‌ها را از نزدیک دیدند. آنهایی که با حوزه کتاب آشنا هستند و خودشان اهل توریق؛ دغدغه‌های خود را در این بازدید به‌طور کامل دیدند و با تمام وجود از اینکه رهبر انقلاب تا این اندازه با در آنها آشنا هستند خوشحال شدند. یکی از دغدغه‌های اهل کتاب بدون شک گرانی کتاب است، نکته‌ای که حضرت آیت الله خامنه‌ای با ظرافت به آن اشاره کردند. رهبری در یکی از غرفه‌ها به کاغذ کتابی اشاره می‌کنند و کیفیت پایین آن که باعث سنگین شدن کتاب و البته بالاترین قیمت کتاب می‌شود البته از کتابی که کاغذ خوب و با کیفیتی داشت تمجید کردند. البته خطاب به وزیر ارشاد هم گفتند که بالاخره وضعیت کاغذ را درست کنند. ایشان در نشر «مرکز» یک کتاب برمی‌دارند و سبک‌سنگین می‌کنند و می‌گویند: «چنین کاغذی خوب است، سبک و راحت» و بعد پشت جلدش را بلند می‌خوانند: «سی و هشت هزار و نهصد تومان! بی مقدمه رو به ناشر می‌کنند و می‌گویند: چرا این قدر گران قیمت می‌گذارد؟ حتما می‌گویید می‌خرند دیگر.» ناشر توضیحاتی درباره مشکلات نشر می‌دهد که نگاه رهبری به کتابی از «مارسل پروست»، نویسنده مشهور فرانسوی می‌افتد. کتاب را برانداز می‌کنند و می‌گویند: «کتاب‌های پروست را هم می‌خرند؟» ناشر پاسخ مثبت می‌دهد و رهبری ادامه می‌دهند: «می‌فهمند و می‌خوانند؟ همه به خنده می‌افتند؛ بیش از همه ناشر.»

کیفیت کاغذ و نشر هم یکی از مواردی است که یک کتابخوان حرفه‌ای برایش از اولویت‌ها محسوب می‌شود، این همان مساله‌ای است که رهبری به آن تاکید فراوان داشتند. «مساله کاغذ را حل کنید آقای صالحی.» این مهم‌ترین جمله دستوری رهبری در حوزه نشر و کتاب در بازدید امسال از نمایشگاه است. این البته اولین باری نیست که رهبر انقلاب حساسیت ویژه‌شان درباره مساله کاغذ را به صورت رسمی اعلام می‌کنند. اینجا اما به کتابی با کاغذهای گلاسه برخورد می‌کنند و از ناشر پرسیدند:

در هرگز و همیشه انسان



کتاب «در هرگز و همیشه انسان» نوشته دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی به بحث درباره میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری می‌پردازد.

پیش از این نیز از دکتر کدکنی دفتر روشنایی، شرح سخنان و افکار بایزید بسطامی، نوشته و دریافت، در بیان میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی و چشیدن طعم وقت در شرح عرفان و افکار ابوسعید ابوالخیر منتشر شده بود.

شفیعی کدکنی در مقدمه این کتاب درباره خواجه عبدالله انصاری و جایگاه او در عرفان ایرانی و در نظر هنری صوفیانه و بحثی در نادرستی انتساب حدود ۲۰ رساله فارسی به او و سخنی درباره تفسیر کشف الاسرار و تفسیرالکشف آن با خواجه عبدالله و پژوهشی درباره روابط تفسیر کشف الاسرار و تفسیرالکشف و بیان تعلیمی مطالبی را مطرح کرده است: «نگارنده در آغاز، قصدش این بوده که در بخش میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری مناقب شیخ الاسلام را تصحیح و شرح کند و با چند مناجات که سرژ دوبرکوی از نسخه‌های طبقات الصوفیه استخراج و تصحیح کرده است همراه کند و به خوانندگان عرضه دارد، سعادت بزرگ نصیب نگارنده شد که به نسخه‌ای بسیار کهن از آثار فارسی خواجه عبدالله انصاری دست یافت که هم به لحاظ معنی و هم به لحاظ صورت و ساخت و مسائل نحوی و صرفی و واژگانی، بی گمان، با آنچه تا کنون دیده شده است، فرسنگ‌ها فاصله دارد.

این نسخه گرانبها و منحصر به فرد که در کتابخانه مدرسه نمازی شهر خوی نگهداری می‌شد و تاریخ کتابت آن ۷۰۹ هجری است، از قدیمی‌ترین نسخه‌های شناخته شده رسائل فارسی خواجه عبدالله، حدود دو قرن کهن تر است و ترتیب مطالب و زبان ویژه آن نیز به کلی متفاوت بود.»

در دیدار مقام معظم رهبری از نمایشگاه کتاب از چند کتاب یاد شد یا ایشان برخی کتاب‌ها را در دست گرفتند، برخی از کتاب‌ها بهانه‌ای بود تا به یک موضوع کلی اشاره شود، به عنوان مثال ایشان به طور مشخص به روایت ساده‌تر از شاهنامه و مثنوی اشاره کردند که خود مقدمه‌ای است برای رسیدن به این گنج‌های بزرگ، یا به بهانه‌هایی از مارسل پروست و هایدگر یاد کردند که نشانه تسلط ایشان است اما چند کتاب هم بودند که به طور مشخص این شانس را داشتند تا مطرح شوند، به عنوان نمونه چند کتاب از این مجموعه را معرفی می‌کنیم.

چشم‌هایش



چشم‌هایش، مشهورترین اثر بزرگ علوی است که برای بسیاری نیاز به معرفی ندارد. نگارش این کتاب با توجه به تاریخی که خود بزرگ علوی در انتهای کتاب درج کرده، حدود شش ماه به طول انجامیده است. در این کتاب بزرگ علوی سعی دارد از همان ابتدا مخاطب را با فضای سیاسی اثر آشنا کند، اما این اثر را نمی‌توان فقط یک اثر سیاسی-اجتماعی دانست، بلکه فضای رمانتیک، تا پایان اثر ادامه پیدا می‌کند. چشم‌هایش قصه یک نقاشی یا یک نقاش است؛ استاد ماکان، نقاش بزرگ که یک مبارز سیاسی علیه دیکتاتوری رضاشاه است در تبعید درمی‌گذرد. یکی از آثار باقیمانده از او، پرده‌ای است به نام «چشم‌هایش»، چشم‌های زنی که گویا رازی را در خود پنهان کرده است. راوی داستان که ناظم مدرسه است، سخت کنجکاو است راز این چشم‌ها را دریابد، بنابراین سعی می‌کند زن در تصویر را بیابد و از ارتباط او با استاد ماکان بی‌رسد. در ادامه با پیدا شدن فرنگیس پرده از راز مرگ ماکان برداشته می‌شود. برخی معتقدند این رمان و شخصیت استاد ماکان، با الهام از زندگانی کمال الملک نگاشته شده است. این رمان همچون سندی از تاریخ معاصر ایران و دوره دیکتاتوری رضاخان در تاریخ ادبیات ایران ثبت شده است.

آتش و خشم



رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از عکس‌های مشهوری که پس از بازدیدشان از نمایشگاه کتاب، بازتابی جهانی داشت، کتاب «آتش و خشم» را در دست داشتند، کتابی که این روزها در جهان بسیار مشهور و پرفروش است، کتابی درباره دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا.

کتاب «آتش و خشم» نوشته مایکل وولف با ترجمه محمدرضا اربابی به زودی توسط نشر سده منتشر می‌شود. کتاب مایکل وولف که ترامپ و تمام عوامل کاخ سفید را بمباران کرده بود، توانست رکورد پرفروش‌ترین کتاب ماه ژانویه را برای سایت «آمازون» و «بارنز اند نوبل» به ارمغان آورد. حرف اصلی این کتاب با ذکر تمام جزئیات حاکی از بی‌کفایتی درون کاخ سفید است؛ لیکن شدیداً توسط آقای ترامپ و کارکنانش در کاخ سفید رد می‌شود.

ولف نویسنده آثار پرفروش داستانی است و در کتاب «آتش و خشم» داستان‌هایی درباره قدرت سیاسی انفجاری را به نگارش درآورده است. نظر واقعی کارمندان در مورد ترامپ، چه چیزی باعث شد ترامپ ادعا کند که او باماستراک سمع کرده است؟، چرا جیمز کومی، رئیس اف‌بی‌آی اخراج شد؟، چرا استیو بانون رئیس راهبردی و جرد کوشنر داماد ترامپ نمی‌توانند حضور یکدیگر در یک اتاق را تحمل کنند؟ و... از جمله سوالاتی هستند که در این کتاب به آنها پاسخ داده می‌شود.

مخاطب کتاب از خلال صفحات آن، به این جملات می‌رسد که ترامپ در کاخ سفید مثل یک بچه رفتار می‌کند و در عمل توانایی رهبری یک کشور را ندارد. «ولف» در این کتاب همکاری بین «محمد بن سلمان»، ولیعهد عربستان و دونالد ترامپ و خانواده او را نوعی همکاری مبتنی بر آگاهی‌های اندک از تصمیم‌گیری‌ها توصیف کرده است. یک دوست «جرد کوشنر»، داماد ترامپ در این کتاب گفته است: «وقتی محمد بن سلمان خودش را به عنوان آدم کوشنر در پادشاهی عربستان به او معرفی کرد، مثل این بود که آدم در اولین روز مدرسه، دوستی را ملاقات کرده باشد.»

خانواده تیبو



برخی از منتقدان «خانواده تیبو» را بزرگ‌ترین رمان قرن بیستم می‌دانند؛ رمانی هشت جلدی که به همت «ابوالحسن نجفی» ترجمه شده و در اختیار فارسی‌زبانان نیز قرار گرفته است. نویسنده این رمان بلند «روزه مارتین دوگار» فرانسوی است. این رمان، روایت اروپا در آغازین سال‌های قرن بیستم است. در کنار این روایت، نویسنده سال‌های جنگ اول جهانی را نیز تشریح می‌کند و در دل آن به زندگی خانواده‌ای ثروتمند و فرهیخته نظر دارد که نامش «تیبو» است. فرزند کوچک این خانواده، «ژاک تیبو»، بی‌قرار است و روحی ناآرام دارد و در جست‌وجوی یافتن سرنوشت خویش خانواده را ترک می‌کند. «خانواده تیبو» نوبل ادبیات سال ۱۹۳۷ را برای نویسنده‌اش به ارمغان

آورد و همین سبب شهرت دوچندان «مارتین دوگار» شد. تحلیل دقیق وقایع فرانسه پیش از جنگ جهانی که در جلد‌های سوم و چهارم رمان ارائه شده، به «خانواده تیبو»، علاوه بر ارزش ادبی، ارزش تحقیقاتی نیز بخشیده است و برخی از مورخان آن را سندی دسته‌اول در منابع تاریخی می‌دانند. جالب اینجاست که اکثر اشخاصی که نامشان در جلد هفتم رمان آمده است، اشخاصی حقیقی هستند. او در مراسم دریافت جایزه نوبل می‌گوید: «رمان نویسنده واقعی کسی است که می‌خواهد همواره در شناخت انسان پیش‌تر برود و در هر یک از شخصیت‌هایی که می‌آفریند زندگی فردی را آشکار کند، یعنی نشان دهد که هر موجود انسانی نمونه‌ای است که هرگز تکرار نخواهد شد. اگر رمان نویسنده بخت جلودانگی داشته باشد به یمن کمیت و کیفیت زندگی‌های منحصر به فردی است که توانسته است به صحنه بیاورد، ولی این به تنهایی کافی نیست. رمان نویسنده باید زندگی کلی را نیز حس کند، باید اثرش نشان دهنده جهان بینی خاص او باشد. هر یک از آفریده‌های رمان نویسنده واقعی همواره بیش و کم در اندیشه هستی و ماورای هستی است و شرح زندگانی هر یک از این موجودات، بیش از آنکه تحقیقی درباره انسان باشد، پرسشی اضطرارآزمیزی درباره معنای زندگی است.» «روزه مارتین دوگار»، این نویسنده بزرگ فرانسوی را ادامه‌دهنده راه «تولستوی» در رمان نویسی می‌دانند و رمانش را با «جنگ و صلح» مقایسه می‌کنند که به هیچ وجه بیراه نیست.

به وقت مردم

دعای ابراهیم حاتمی کیادر اکران به وقت شام



شهرهای ایران روحانیون در کنار مردم به تماشای فیلم می‌نشینند. بنده در یکی از سفرها گفتم که خوشحالم متدینین به سینماها آمدند، برخی رسانه‌ها از این جمله سوء برداشت کردند درحالی که منظور من کاملاً مشخص بود که در حال حاضر می‌بینم بخشی از

فیلم به وقت شام یک کار خوب را پیش گرفته و اکران‌های مردمی با حضور کارگردان را در دستور کار گذاشته است. این اکران‌ها در مشهد شروع شد و به قم رسید. ابراهیم حاتمی کیادر اکران مردمی فیلم سینمایی به وقت شام در سینما تربیت از تجربه خوب این اتفاق گفت: «فیلم دیدن در کنار مردم را شاید برای اولین بار با فیلم به وقت شام تجربه کردم. خوشحالم که این اکران‌های مردمی از مشهد آغاز شد و در شهر قم به ایستگاه پایانی خود رسید. در این ۲ ماه من از مردم عزیز انرژی زیادی گرفتم و حتی در برخی مواقع دست و پایم می‌لرزید و این وظیفه من را به عنوان یک فیلمساز سنگین تر می‌کند و من نگران آن بودم که چگونه بتوانم پاسخگوی محبت مردم باشم.»

حاتمی کیادر یک رویداد ویژه خبر داد: «خوشحالم که می‌بینم پای روحانیون نیز به سینماها باز شده است. یادم است که در زمان جنگ فیلمی ساخته شد با عنوان پرواز در شب به کارگردانی مرحوم ملاقلی‌پور که در آن زمان شاهد حضور روحانیون در سینماها بودیم و آن زمان آرزو کردم که این فضا برای فیلم‌های خودم به وجود بیاید و الان می‌بینم که نه تنها در شهر قم که شهر مذهبی است، بلکه در تمام

مردم مذهبی که طی سال‌های اخیر کمتر به سینماها می‌آمدند با فیلم به وقت شام به نوعی با سینماها آشتی کردند. واکنش‌هایی که از سوی مردم از طیف‌های مختلف و مخصوصاً خانواده شهدا در این ۲ ماه دیدم من را مصمم تر به ادامه این راه کرد. خرمشهر شهری که ۳۰ سال قبل در آن جنگ بود، هنوز هم آثار جنگ در آن مشهود است و متأسفانه مدیریت کشور نشان داد که چگونه می‌شود که کار نکرد و شهر را مثل یک موزه نگه داشت. ولی باز هم شاهد بودم که در این شهر که هزار مشکل دارد و صدها بهانه که قهر کند با نظام، پای نظام می‌ایستند و از همان شهر عازم می‌شوند و در قامت مدافع حرم به شهادت می‌رسند. من اجازه می‌خواهم از مردم شهر قم که از شهادی زینببون بگویم، کسانی که زانم قاصر می‌شد زمانی که در اطراف حلب با آنها روبه‌رو می‌شدم و خجالت می‌کشیدم که می‌دیدم برای حضور در منطقه چه سختی‌هایی می‌کشند و خدا این فرصت را به من بدهد که باز هم از این بچه‌ها حرف بزنم و از شما می‌خواهم که از حضرت معصومه (س) عاقبت به خیری برای من بخواهید تا بتوانم باز هم از شهدا حرف بزنم.»

در ادامه این مراسم مادر شهید زین‌الدین به روی سن آمد و ضمن تقدیر از ابراهیم حاتمی کیادر فیلم سینمایی به وقت شام را اثری فاخر در شان شهدا نامید و گفت: «من بعد از فیلم ده فرمان که به سینما برای دیدن فیلم رفتم نزدیک به ۵۰ سال است که دیگر هیچ فیلمی را در سالن سینما ندیدم با وجودی که برای خیلی از آثار دعوت کردند، ولی زمانی که برای فیلم به وقت شام دعوت شدم، با پای جان به سینما آمدم.»

ماموریت مانچو

سرانجام روزهای بلا تکلیفی قهرمان چهار دوره جام جهانی به سر آمد. همان‌طور که از مدتی پیش رسانه‌های ایتالیایی پیش‌بینی کرده بودند، در نهایت روبرتو مانچینی به عنوان سرمربی جدید تیم ملی ایتالیا معرفی شد تا جانشین قطعی جامپیرو ونتورا، کسی که حسرت رسیدن به جام جهانی را بر دل ایتالیایی‌ها گذاشت، نام بگیرد و مأموریت خود را برای احیای آنزوری آغاز کند.

از ۶ ماه پیش که ناکامی ایتالیا برای رسیدن به جام جهانی با قبول شکست برابر سوئد در پلی‌آف منجر به اخراج ونتورا شد، مانچینی که در آن زمان هدایت تیم زینت سن پترزبورگ را برعهده داشت، برای قبول هدایت آنزوری تمایل نشان داد و بارها علناً اعلام کرد دوست دارد مربیگری تیم ملی کشورش را تجربه کند.

با این حال ایتالیایی‌ها در ابتدا ترجیح دادند که به کارلو آنچلوتی با تجربه‌تر پیشنهاد دهند اما او که تمایلی به مربیگری در رده ملی ندارد حاضر به قبول هدایت تیم ملی کشورش نشد تا این مسئولیت در نهایت به مانچو برسد.

مانچینی یک روز پس از فسخ قراردادش با زینت، به ایتالیا برگشت تا با انجام مابقی مذاکراتش که البته در جلسات قبلی اش با مقامات فدراسیون فوتبال ایتالیا پیشرفت قابل توجهی داشت، پای برکه قرارداد دوساله‌اش را امضا کند و مأمور رساندن آنزوری به یورو ۲۰۲۰ شود.

نذر روی صحنه

نمایشی از سیدجواد هاشمی

دشمنان حضرت علی (ع) را روایت می‌کند که می‌خواهد از آن حضرت انتقام بگیرد ولی دختری به نام مونس سر راه او قرار می‌گیرد، این نمایش به حاشیه‌ای از دوره طلایی حکومت حضرت علی (ع) می‌پردازد، البته این نمایش ارتباط مستقیمی با حکومت‌داری حضرت امیر ندارد، بلکه در این کار سعی شده تا وجود نازنین ایشان، مهربانی‌ها و نحوه برخورد او با دیگران معرفی شود، چرا که به اعتقاد من حضرت امیر تبلوری از حضور خدا روی زمین است. این کار ۵۳ بازیگر دارد و سال گذشته در تالار وحدت به روی صحنه رفت. در این نمایش علی سلیمانی، سبا سلیمانی، عارف برهن، سعید بحرالعلومی، محمدعلی کیانی، مجید اکبری، حسین میرزاییان، سیدعلی رضا موسوی، یوسف طاهریان، امیر رونقی و سیدجواد هاشمی ایفا نقش می‌کنند. «سیدجواد هاشمی پیش از این نیز درباره این کار گفته بود: «در مناسبت‌های مختلف بسیاری از مردم نذرهای مختلف می‌کنند. ما هم با این کار نذری را ادا می‌کنیم. از قدیم گفته‌اند آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند و از آنجایی که هر نذری به صورت دلی ادا می‌شود، امیدواریم بتوانیم بیشترین تاثیر را روی مخاطبان خود داشته باشیم. خوشبختانه تا به حال کارهایی که برای امیرالمومنین (ع) اجرا کردیم با همراهی خوب تماشاگران روبه‌رو بوده است. «توبه نمی‌کنم» را دوست دارم و به نوعی برکت زندگی من شده چون همه کسانی که درگیر این کار هستند، بی‌دستمزد روی صحنه می‌آیند و از همه جان مایه می‌گذارند. کسی برای اجرا، حقوقی دریافت نمی‌کند و از طرف دیگر تمام پلیت‌ها هم رایگان است.»

برنامه سالن‌های تئاتر حوزه هنری ویژه ایام ماه مبارک رمضان اعلام شد. بر این اساس، در ایام ماه رمضان نمایش «توبه نمی‌کنم» به نویسندگی و کارگردانی سیدجواد هاشمی در تالار اندیشه حوزه هنری اجرا می‌شود. او در این باره می‌گوید: «این نمایش از ساعت ۱۸:۳۰ چهارشنبه ۲ خردادماه آغاز و تا ۲۰ خرداد نیز ادامه دارد. «توبه نمی‌کنم» داستان شخصی به نام حارث یکی از



تخلف و اختلاف

هشدار آیت‌الله جوادی آملی



خود را دور نگه داریم تا به آن تجربه تاریخی تلخ دچار نشویم که امیدواریم به برکت و جود سرمایه‌های فراوانی همچون خون پاک شهدا و تلاش علما این نظام اسلامی از هر گزند محفوظ باشد و به دست صاحب اصلی اش برسد.»

تشکیل می‌دادند و در زمان حیات رسول گرامی اسلام به هر کارشکنی و توطئه‌ای از جمله ترور و دیگر مسائل دست زدند، اما یک بیان نورانی حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه دارند که می‌فرمایند بعد از رحلت پیامبر (ص) دیگر هیچ اثری از این نفاق و منافقین نبود، از طرفی امکان نداشت همه آنها دفعتاً مرده باشند یا دست از نفاق خود برداشته باشند، در نتیجه همه آنها با سقیفه کنار آمده بودند. چرا مردم در زمان رضاخان در مقابل آن همه دشمنی که او با دین و روحانیت کرد سکوت کردند؟! دلیل آن این بود که مردم در آن مقطع تاریخی گذار از قاجاریه به پهلوی، «تخلف» و «اختلاف» دیدند و این دو غده بدخیم مردم را از دین جدا کرده بود. اگر مردم با رهبر نباشند رهبر ولو علی بن ابی طالب (ع) باشد شکست قطعی است، بنابراین باید با هوشیاری از این دو غده بدخیم «تخلف» و «اختلاف»

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در دیدار جمعی از نمایندگان طلاب، برخی از اعضای مجمع عالی جامعه مدرسین و تنی چند از اعضای بسیج اساتید و نجیبگان حوزه علمیه قم، با اشاره به آیات نورانی قرآن کریم، از ضرورت حفظ نظام اسلامی صحبت کردند: «وقتی قرآن کریم موضوع حفظ نظام اسلامی را مورد اشاره قرار می‌دهد، می‌فرماید مراقب باشید دشمنان شما و در اس آنها صهیونیسم هر روز دشمنی و خصومت‌شان با شما بیشتر می‌شود، اینها هر روز در حال نقشه کشیدن هستند؛ «وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ»، اینها تنها با شخص پیامبر (ص) دشمنی نداشتند، بلکه دشمنی اینها با اصل اسلام بود و اکنون نیز با اصل دین مخالفند. این نکته باید برای ما اصل باشد. در بیشتر سوره مدنی از «نفاق» ذکری به میان آمده است؛ منافقان تقریباً یک سوم مردم مدینه را

چالش‌های اثبات‌گرایی

سخنرانی دکتر محمدهادی گرامی

نشست علمی «درآمدی بر فلسفه مطالعات اسلامی؛ چالش‌های اثبات‌گرایی پوزیتیویسم» در مطالعات اسلامی ایران» با سخنرانی دکتر محمدهادی گرامی، عضو گروه فرهنگ و تمدن دانشگاه امام صادق (ع) و هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در این پژوهشگاه برگزار شد. گرامی در این بحث سعی می‌کند یک خودآگاهی نسبت به پارادایم‌های مطالعات اسلامی ایجاد کند تا از این طریق راهی فراروی آنچه او «غلبه پوزیتیویسم» می‌نامد، باز شود: «شروع علم جدید در غرب از دوره بعد از رنسانس حاصل شد و علوم تجربی و طبیعی طرح شد و علم بر اساس ملموسات بنیان گذاری شد. پوزیتیویسم شکل گرفت که به معنای تبیین پیامدهای اجتماعی بر اساس قوانین علوم تجربی بود. در قرن نوزدهم با این اثبات‌گرایی تقابل شد و نگاه اصلی، نگاه تفسیری در برابر نگاه تبیینی بود. نگاه تفسیری می‌گوید افعال انسانی واجد معنا هستند. موضوع پژوهش علوم اجتماعی افعال معنادار است، نه تبیین علی و معلولی، رویکرد میانه‌ای نیز شکل گرفت که از نظر معرفت‌شناسی پایگاهش همین نگاه تفسیری و قاره‌ای است و می‌گوید رشد علوم، مستقل از منابع سیاسی و اقتصادی نیست و امکان دستیابی به بی‌طرفی ارزشی وجود ندارد و علم عملی اجتماعی مانند دیگر اعمال اجتماعی است و برتری بر دیگر اعمال ندارد. او سپس شرایط کنونی مطالعات اسلامی و فلسفه علوم انسانی در ایران را این گونه توضیح داد: «مانندتها» فلسفه مطالعات اسلامی» نداریم، بلکه از لحاظ پارادایمی در پارادایم اثبات‌گرایی گرفتار هستیم و این رویه در پژوهش‌ها عمدتاً رویکرد غالب است. در مطالعات اسلامی ما که بر اساس آن پارادایم است، نیز ممکن است افرادی که این طور کار می‌کنند، خودآگاه نباشند اما واقعیت این است که بسیاری از دانش‌های اسلامی مانند علم اصول، متکی بر اثبات‌گرایی است که یک گفت‌وگو و مدل فکرکردن است و بروز و ظهور آن در کاربردهای علوم تجربی و طبیعی است. چون دیپارتمان‌های دانشگاهی ما بر اساس نگاه حوزوی شکل گرفت، بنابراین شاهد هستیم که پارادایم اثبات‌گرایی غالب است. برخی چالش‌های غلبه اثبات‌گرایی در مطالعات اسلامی را این گونه می‌توان بیان کرد. ضعف منظرگرایی، جبراندیشی، ترجیح دکما یا عقاید سخت بر فکت تاریخی، مرگ خلاقیت، فروکاهش مطالعه دین به سمت اصالت و نص‌گرایی به جای هرمنوتیک، از جمله این چالش‌ها هستند.»



تقدم انسان‌سازی

ریشه‌های سیاست اخلاقی امام خمینی (ره)

نشست علمی «امام خمینی (ره) و سیاست اخلاقی»، از سلسله نشست‌های تخصصی همایش انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام خمینی (ره)؛ از نظریه تا عمل، هفته گذشته با سخنرانی دکتر نجمه کیخا، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی در پژوهشگاه امام خمینی (ره) برگزار شد. دکتر کیخا از ریشه‌های اخلاقی سیاست نزد امام خمینی (ره) را سیاست الهی دانست و بر این نکته تأکید کرد امام بر فرد و انسان‌سازی تأکید ویژه داشتند: «امام از این اصطلاح استفاده نمی‌کند، بلکه سیاست الهی و عادلانه را به کار می‌برد. این یک بحث است که آیا ذیل سیاست الهی آن را به کار می‌برد و اگر چنین است، به چه شکلی و اینکه این سیاست اخلاقی چه شاخص‌هایی دارد. سیاست اخلاقی در اندیشه امام (ره) کمتر کار شده است، از طرف دیگر این بحث نه تنها در اندیشه امام (ره)، بلکه در علوم سیاسی نیز سیاست اخلاقی کم کار شده است، اخلاق سیاسی زیاد است اما سیاست اخلاقی در اندیشه غرب نیز پررنگ نیست و در نتیجه می‌تواند مطلب بحث برانگیزی محسوب شود. می‌توان هگل را بزرگ‌ترین فیلسوف غربی دانست که در این زمینه اندیشیده است. بعد از او کسی را نداریم که به این مسائل پرداخته باشد. بحث سیاست اخلاقی را که هگل می‌گوید در آن یک نوع هماهنگی را مطرح می‌کند و می‌گوید وقتی بین زندگی فردی و جمعی انسان‌ها، گسستی نباشد و آرمان‌های شخصی آنها همان باشد که در نهادهای سیاسی است، آن زمان می‌توان گفت این سیاست اخلاقی است. فرد در زندگی شخصی خود، متفاوت از زندگی اجتماعی زیست نمی‌کند و قوانین حاکم بر زندگی فرد همان است که بر جامعه حاکم است و نهادهای اجتماعی معلول اراده‌های ماست، در این هنگام است که سیاست اخلاقی در اندیشه هگل شکل می‌گیرد. در اندیشه امام خمینی (ره) نیز دقیقاً این یگانگی وجود دارد اما از نقطه‌ای سیاست اخلاقی را شروع می‌کند که فرد است و معتقد است وقتی فرد ساخته شود، سیاست هم ساخته می‌شود و تأکید بر فرد برای این است که نهادهای جامعه نیز باید با چیزی که فرد ساخته است یگانه باشد و سیاست اخلاقی نیز بیشترین همبستگی را در زندگی ما ایجاد می‌کند. در اندیشه امام (ره)، سیاست اخلاقی از دل سیاست فردی برمی‌آید، بنابراین انسان‌سازی در اولویت است.»



پس از باران

نگاهی به آخرین ساخته مجید مجیدی



این اولین فیلم بلند است که در خارج کشور ایران ساخته‌ام؛ تجربه‌ای که سال‌ها در انتظار رخ دادن آن بودم. «آن سوی ابرها» دنباله اعتقادات سینمایی من است که ریشه در ارزش‌های انسانی، عشق، دوستی و روابط خانوادگی دارد. این فیلم در ادامه فیلم‌هایی است که من تا به حال ساخته‌ام. هر کدام از فیلم‌های من جزئی از یک کل بزرگتر هستند و در یک مسیر واحد قرار دارند. مانند یک درخت که یک تنه اصلی دارد و فیلم‌ها شاخه‌های آن هستند.

این فیلم همچون «بچه‌های آسمان» داستان یک برادر و خواهر است با این تفاوت که آنها بزرگ شده‌اند و با کشمکش‌های بزرگتری در شهر شلوغ بمبئی روبه‌رو هستند. امیدوارم این فیلم بتواند برای سینمای ایران ظرفیت‌سازی کند و بتوانیم اندیشه و نگاه‌مان را به آن سوی مرزها ببریم و زمینه ساخت، نمایش و اکران گسترده فیلم‌های ایرانی را از این طریق فراهم کنیم.

از دغدغه‌های اصلی من همیشه این بوده است که بتوانیم فیلم‌های سینمای ایران را اکران جهانی کرده و فراتر از جشنواره‌ها حرکت کنیم زیرا سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی توفیقات زیادی داشته و امروز فرصتی است که سینمای ایران از جشنواره‌های جهانی عبور و به سمت اکران جهانی حرکت کند تا آورده فرهنگی و اقتصادی خوبی داشته باشد.

مجید مجیدی

قهر بدبختی سقوط کرده‌اند، «چوتو» ی کوچک سر راه تارا و خانواده آکشی در مسیر زندگی امیر قرار می‌گیرند. اینجاست که آنها در پس حوادث گوناگون نگاه خود را از دستان زمینیان برمی‌دارند و به آسمان چشم می‌دوزند. نشریه سینمایی اسکریین دیلی در مطلبی درباره این فیلم نوشته: «برادری خلافکار و خواهری که حین دفاع از خود در برابر تجاوز دفاع کرده و به این جرم در زندان به سر می‌برد. از آنجا که این فیلم صدای افرادی صدا و کسانی است که به سبب فقر درگیر بی‌عدالتی در جامعه هند هستند، شاید بتوان از این موضوع چشم‌پوشی کرد که فیلم در برخی مواقع نکات مورد نظر خود را بیش از حد تند و شدید بیان می‌کند. گرچه در برخی مواقع لحن فیلم کمی عصبی و در زمان‌های دیگر بسیار احساسی است اما فیلم در محکوم کردن جامعه‌ای که فقرای خود را مجازات می‌کند یا پس نمی‌کشد. این فیلم همچنین یک تجربه بصری جذاب است که استفاده زیادی از سایه‌ها و همچنین تصاویری از دسته‌های پراکنده پرندگان کرده است.» ای. آر. رحمان موسیقی این فیلم را ساخته است. این دو با هم در فیلم «محمد رسول‌الله» نیز همکاری کرده بودند.



فیلم سینمایی «آن سوی ابرها» ساخته «مجید مجیدی» کارگردان صاحب‌سبک و کوردردار سیمیرغ بلورین جشنواره فیلم فجر این روزها اکران خود در سینماهای ایران را پشت سر می‌گذارد. این فیلم نخستین بار در سی‌وششمین جشنواره جهانی فیلم فجر تهران اکران افتتاحیه داشت و توانست نظرات مثبت را از سوی منتقدان و خبرنگاران از آن خود کند. آن سوی ابرها به دلیل قصه‌گویی در بستری انسانی و شاعرانه، به نوعی بازگشت به سینمای همیشگی و مسیر قبلی فیلمسازی مجید مجیدی است، همان سینمایی که این فیلمساز خوب سینمای ایران با آن جهانی شد.

«آن سوی ابرها» نخستین فیلم هندی مجید مجیدی است. این فیلم درباره عشق، زندگی و روابط انسانی یک برادر و خواهر در شهر بمبئی است. «آن سوی ابرها» داستان برادر (ایشان خاطر) و خواهری (مالویکا موهانان) را روایت می‌کند که در منطقه زاغه‌نشین هند بزرگ شده‌اند. زمانی که تارا به اتهام قتل دستگیر می‌شود، رابطه او با برادرش امیر به بوته آزمایش گذاشته می‌شود. فیلم قصه خلافکار خرده‌پا و جوانی به نام امیر را روایت می‌کند که در مناطق فقیرنشین بمبئی روزگار می‌گذراند. در یکی از تعقیب و گریزها او به خواهر بزرگش تارا برخورد می‌کند که مشغول کار است. آنها مدت‌هاست که از هم بی‌خبرند و رفت و آمدی ندارند، نقطه مشترک آنها سرنوشتی تلخ و غمبار و فقر و فلاکت است. اتفاقی غیرمنتظره در ادامه، زندگی این برادر و خواهر را دوباره به هم پیوند می‌زند. رستگاری و رهایی از دل فقر و ناامیدی و گناه و تابیده شدن نور معجزه به زندگی آنها، همان نشانه‌های همیشگی سینمای مجیدی است. روایت فیلم بیش از هر چیز بر سفر درونی به سوی کمال انسانی تکیه دارد. این سفر درونی در ارتباط کامل با جهان و کاملاً الهام گرفته از طبیعت است. امری که همواره می‌توان آن را در آثار مجیدی جست‌وجو کرد. قهرمانان مجیدی در سخت‌ترین شرایط کمک به هم‌نوعان خود را فراموش نمی‌کنند. درست زمانی که تارا و امیر فکر می‌کنند در

نگاه بازیگر مالویکا موهانان

کل ماجرا در یک هفته رخ داد. من در آخرین لحظات ممکن به این پروژه اضافه شدم برای همین خیلی فرصت نداشتم که خودم را برای نقش آماده کنم. برای همین احساس کردم باید در شخصیت غرق شوم، از خانواده جدا شدم و با هیچ کس صحبت نمی‌کردم تا بتوانم شخصیت تارا را بسازم.

من همیشه دوست داشتم نقش کسی را بازی کنم که در زندگی واقعی از من دور است. شخصیت تارا جنبه‌هایی داشت که من می‌توانستم با آن ارتباط بگیرم اما جنبه‌هایی داشت که خیلی از من دور بود، به عنوان مثال من از یک خانواده طبقه متوسطی می‌آیم و با جایگاه اجتماعی تارا فاصله‌ای طولانی دارم، تارا زن مستقلی است ولی من هنوز با خانواده‌ام زندگی می‌کنم. بنابراین در پروسه فکری به شخصیت تارا نزدیک شدم.

فیلم آن سوی ابرها، فیلمی با تحقیقات فراوان است؛ مردم نمی‌دانند که مجید مجیدی تا چه اندازه برای شناختن بمبئی و سایر نقاط هند وقت صرف کرد تا به یک شناخت درست از این شهر برسد. شاید جالب باشد بدانید که من بخش‌هایی از بمبئی را با این فیلم و از طریق او شناختم.

کارگردان با آقای مجیدی فوق‌العاده بود، یعنی بهتر از این نمی‌شود. من با ایزاری فراتر از زبان با مجید مجیدی به عنوان کارگردان ارتباط می‌گرفتم. مجیدی هندی بلد نبود و انگلیسی‌اش هم خیلی خوب نبود و یک مترجم هندی زبان واسطه ما بود، اما در یک کار هنری خیلی چیزها بیشتر از زبان می‌تواند کمک کند تا بفهمیم که چه می‌خواهیم، درک متقابل احساسات، از هر چیزی مهم‌تر است.

صدای روزهای حماسه

قاسم افشار گوینده خبر درگذشت



شده تا او در دوران دبیرستان به سوی گویندگی سوق پیدا کند. در مقطع انقلاب فرهنگی تحصیلات دانشگاهی او نیمه تمام ماند. ولی بعد از بازگشایی دانشگاهها کارشناسی روانشناسی را از دانشگاه علامه طباطبائی دریافت کرد. او سپس کارشناسی ارشد خود را در همین رشته از دانشگاه آزاد اسلامی اخذ کرد.

عبدالعلی علی عسکری، رئیس سازمان صدا و سیما در پیام تسلیتی درباره درگذشت قاسم افشار نوشت: «درگذشت گوینده پیشکسوت و متعهد خبر، جناب آقای قاسم افشار را که همواره چهره و صدایش تداعی کننده خاطره انگیزترین روزها برای مردم عزیز ایران است، به خانواده ایشان، اصحاب رسانه و خانواده بزرگ صدا و سیما تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند تعالی برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و اجر مسالت دارم.»

فواد بایان، گوینده خبر درباره افشار گفته است: «تاثیر خبری که مثلا از زبان قاسم افشار شنیده می‌شود با آنچه جوانی تازه فارغ التحصیل می‌خواند، خیلی متفاوت است... آقای افشار از یک تازان عرصه خبر بودند که به مدت ۲۰ سال تنها در یک بخش خبری ماندند و خبر مشروح

آن روزها که تمام سهم ما از تلویزیون تنها دو شبکه بود، آن روزها که خبر خواندن خیلی ابزارهای امروزی را نداشت. گویندگان خبر هم ستاره بودند، آنهایی که مشروح خبر می‌گفتند و بی‌وقفه باید پیش می‌رفتند، یکی از این ستاره‌ها قاسم افشار بود؛ صدایی که در خاطره خیلی از ما با روزهای دفاع و حماسه هم‌زمان است. صدایی که ماند اما دیگر صاحب صدا این ما نیست.

قاسم افشار که از سال‌های اول انقلاب، گویندگی در بخش‌های خبری رادیو و تلویزیون را بر عهده داشت و در بحبوحه سال‌های دفاع مقدس با صدایی حماسی بارها اخبار مربوط به پیروزی‌های رزمندگان اسلام را به اطلاع هموطنان رسانده بود، بر اثر ایست قلبی دار فانی را وداع گفت. افشار از استادان گویندگی و فن بیان بود و صدای ماندگار او هرگز از ذهن مخاطبان رادیو و تلویزیون حذف نخواهد شد.

او ۱۳ آبان سال ۱۳۳۰ در تهران به دنیا آمد و دوره ابتدایی و متوسطه را در تهران و قصرشیرین گذراند و سپس به مدرسه عالی پارس رفت و در رشته روانشناسی ادامه تحصیل داد. او در همان دوران کودکی و مدرسه نیز به اجرای برنامه علاقه داشت و همین علاقه سبب

شبکه یک را خواندند. در حالی که من، آقای حیاتی، سلطانی و... علاوه بر گویندگی بخش‌های مختلف خبری رادیو و تلویزیون در سایر برنامه‌های مختلف زنده و تولیدی دیگر هم فعالیت می‌کردیم، اما ایشان حتی خبر نهمروز را هم با اینکه متعلق به شبکه اول بود، نپذیرفتند. آقای قاسم افشار در مدت خدمت‌شان حتی یک روز غیبت یا یک دقیقه تأخیر نداشتند. یک گاف یا تیپ در خبر خوانی او دیده نمی‌شد؛ حال آنکه ما در این مدت با صدها اشتباه، ایراد و مشکل مواجه بودیم.»

ستاره خاموش

جی لوید ساموئل، بازیکن سابق استقلال درگذشت



خدا حافظ مربی

وداع با پیکر شهید سیدناصر حسینی

مراسم وداع با پیکر مطهر شهید مدافع حرم از لشکر فاطمیون، سیدناصر حسینی در معراج شهدای تهران برگزار شد. در این مراسم که با حضور اعضای خانواده، دوستان و هم‌زمان شهید برپا شد، همراهان او برای آخرین بار با پیکر مطهرش وداع کردند. مراسم وداع با پیکر مطهر این شهید فاطمیون با ذکر مصیبت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) توسط سیدمسافر، مداح افغانستانی همراه بود. شهید سیدناصر حسینی یکی از رزمندگان با سابقه افغانستانی در سپاه محمد (ص) و از تخریب‌چی‌ها و مربیان زنده آموزشی فاطمیون در سوریه بود که بعد از سال‌ها مجاهدت توسط تله انفجاری در تدمر به شهادت رسید. او از همان ابتدای تشکیل فاطمیون به رویه حضور در سوریه لبیک داده و برای دفاع از حرم اهل بیت (ع) راهی شد. شهید سیدناصر حسینی از سال ۱۳۹۱ مدام در منطقه حضور داشت و در طول سال تنها چند روز به خانه برمی‌گشت و می‌گفت: «می‌روم سوریه و تا آنجا را فتح نکنم به کشور بر نمی‌گردم، باید برای حضرت زینب (س) بروم و شهید بشوم.» این استاد رزم و فرمانده تخریب ۴۸ ساله بود که چند روز پیش حین پاک‌سازی به شهادت رسید و حالا دو پسر و دو دختر از او به یادگار مانده است. این شهید والا مقام به همراه برادر شهیدش سید غلام حسینی سابقه حضور در هشت سال دفاع مقدس را دارد.

«ساعت ۷:۵۵ صبح تصادفی در جاده روبرو گزارش شد که در بررسی‌ها مشخص شد برخورد شدیدی میان رنج روبرو و یک دستگاه ون مسافرتی رخ داده است که در این سانحه راننده رنج روبرو در دم جان باخت اما راننده ۵۷ ساله ون با توجه به جراحات شدید راهی بیمارستان شد که وضعیت او نیز وخیم گزارش شده است.» این گزارش پلیس چشیر برای فوتبال ایران هم یک خبر تلخ بود؛ چرا که راننده ون مسافرتی جی لوید ساموئل بازیکن سابق تیم‌های استقلال و پیکان بود.

ساموئل صبح سه‌شنبه را با آماده کردن سه فرزندش، جاوارن، لاکایل و آمارا و رساندن آنها به مدرسه آغاز کرد. جی لوید بعد از رساندن بچه‌ها به مدرسه، قصد داشت به محل تمرین اگر تون برود. ساعت ۷:۴۰ دقیقه بود و جاده «های لی» چندان شلوغ نبود اما در یک پیچ خطرناک، ناگهان یک «ون» سر راه ماشین رنج روبرو او سبز شد. ۱۵ دقیقه بعد وقتی نیروهای امداد به محل حادثه رسیده بودند، ستاره سابق استون ویلا از دنیا رفته بود؛ مردی که اشلی یانگ، هافبک فعلی منچستر یونایتد، در موردش نوشت: «فراموش نمی‌کنم که چگونه من را زیر بال و پر گرفتی و کمک کردی تا در تیم جایبفتم.»

جی لوید ساموئل که متولد ترینیداد و توباگو بود، در جنوب شرقی لندن رشد کرد و استعدادهای او توسط مدرسه فوتبال چارلتون کشف شد اما باشگاه استون ویلا خیلی زود متوجه استعداد جی لوید ساموئل شده و بدین ترتیب این هافبک تو مندر راهی باشگاه میدلندز شده و دوران حرفه‌ای خود را آغاز کرد. این بازیکن در تیم‌های مطرح دیگری مانند کاردیف و استون ویلا به میدان رفته بود و حالا فقط ۲۸ سال داشت. جی لوید ساموئل که در تیم ملی زیر ۲۱ سال انگلیس نیز به میدان رفته بود و سابقه سال‌ها بازی در لیگ برتر را در کارنامه داشت، در دوران حضور پررنگ مظلومی به استقلال پیوست و تا آغاز لیگ چهاردهم در جمع آبی‌پوشان حضور داشت و سپس به پیکان پیوست و در پایان لیگ چهاردهم از فوتبال ایران رفت.



خاورمیانه بعد از قیامها

ترجمه کتابی از لوئیس فاوست
در حوزه بین الملل

بین الملل



بخش مناقشات و حوادث منحصر به منطقه و نقش عوامل داخلی و خارجی در شکل گیری روابط بین الملل خاورمیانه مورد مطالعه قرار گرفته است. سه فصل مذکور همپوشانی چندانی با هم ندارند اما تا حد زیادی به هم مرتبطند و بینشی گسسته اما وابسته به هم را ارائه می کنند. کتاب با چنین تنوع موضوعی همان طور که فاوست بدان اشاره می کند، مقدمه خوبی برای دانشجویان کارشناسی به منظور آشنایی با منطقه است و حاوی منابع اصلی و نکات مهم برای فهم روابط بین المللی خاورمیانه برای دانشجویان ارشد و دکترا است.

با فراگیر شدن نظریه انتقادی در مطالعات روابط بین الملل توجه به رویکردهای غیر غربی، انتقاد از غرب محوری و دولت محوری مطالعات خاورمیانه، این اثر نیز در ویراست جدید بدان توجه کافی داشته است و از اصطلاح «روابط بین المللی جهانی» برای فهم روابط بین المللی خاورمیانه استفاده می کند و در مقالات مربوط به سیاست آمریکا و اروپا به خاورمیانه صریحاً رویکرد آنها را به منطقه مورد انتقاد قرار می دهد و آن را ناشی از ذهنیت استثمار گرایانه و ابرقدرتی بدون مسئولیت می داند. کتاب از سه فصل و هفده بخش (مقاله) تشکیل شده است. فصل اول مروری نظری، تاریخی و مفهومی به روابط بین المللی خاورمیانه دارد. در این بخش تلاش شده تا تاریخچه کاملی از نظریه های مختلف روابط بین الملل و رویکرد آنها به منطقه ارائه شود. فصل دوم کتاب موضوعات مهم معاصر روابط بین المللی خاورمیانه را پوشش می دهد که شامل مفاهیمی مانند اقتصاد سیاسی، نقش ایده ها و هویت ها (به ویژه عربیسم و اسلام)، دموکراسی سازی و اصلاحات سیاسی، مدیریت روابط منطقه ای و الگوهای جنگ و امنیت است. در فصل سوم با بهره گیری از چشم اندازهای نظری و تاریخی به مطالعه موردی منطقه خاورمیانه پرداخته شده است. در این

کتاب روابط بین المللی خاورمیانه به ویراستاری لوئیس فاوست، استاد کالج سنت کاترین آکسفورد یکی از آثار در خور توجه و مقبول در حوزه مطالعات خاورمیانه است. تاکنون چهار ویرایش از کتاب در برهه های مختلف انتشار یافته که آخرین ویرایش آن در مه ۲۰۱۶ منتشر شده و با استقبال بی سابقه ای در محیط های علمی و دانشگاهی مواجه شده است.

رویکرد مطالعاتی حاکم در کتاب و تاثیر پذیری کامل آن از نظریه جامعه شناسی تاریخی در فهم خاورمیانه می تواند در معرفی کتاب مفید باشد. این رویکرد در مطالعه خاورمیانه بر ساختار جهانی قدرت، روابط کشورهای منطقه، الگوی حاکم رابطه میان کشورهای منطقه، علل جنگ و همکاری میان کشورها، تاثیر عوامل داخلی بر سیاست خارجی کشورها، نقش نیروهای فراملی و غیردولتی بر روابط بین المللی و جایگاه ایدئولوژی و عقاید در روابط بین المللی کشورها و جوامع تاکید دارد و برخلاف رویکرد کلی گرا و غیرتاریخی آمریکایی به منطقه کتاب سعی در فهم تحولات منطقه با رویکردی واقع گرایانه و درونی دارد. همان طور که فاوست در مقدمه خود نیز بدان اشاره می کند اکثر مولفین نیز همراه با این رویکرد می باشند.

رمان

زمان دست دوم

رمانی از خانم برنده نوبل ادبیات



انتشارات کتاب نیستان اثری از سویتلانا آلكسیویچ، نویسنده مشهور اهل اوکراین و برگزیده جایزه ادبی نوبل را با عنوان «زمان دست دوم» منتشر کرد. «زمان دست دوم» داستان فروپاشی چند نسل از مردم است؛ مردمی که در نظام زیستی سوسیالیستی باورهای خود را با درفته دیدند و پس از آن در نظام دموکراتیک جمهوری فدراتیو شاهد حلول دیگرگونه نمادها و متفکران و مدیران شکل دهنده به ساختار زیستی سوسیالیستی در قامتی دیگر بودند. آلكسیویچ برای نوشتن این کتاب هشت سال دست به سفر زد. او به شهرهای مختلف روسیه سفر کرد و مردم را دید و پای صحبت آنها نشست تا سرانجام در قالب این کتاب به روایتی رنج نامه گونه از زندگی و زیست آنها دست پیدا کرد. نگاه انسانی حاکم بر این اثر چنان تاثیرگذار است که آن را در زمره آثاری از این نویسنده قرار داده که به زبان های مختلفی از جمله انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است و جوایز ادبی بسیاری را نیز برای وی به ارمغان آورده است. دریافت جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۵ این فرصت را برای این نویسنده و آثارش فراهم آورد تا بار دیگر روایتی تازه از دردها و رنج های انسان در چارچوب بسترهای دست ساز خودش در باره این حکومت باشد؛ روایت اضمحلال انسان با دست های خود. آلكسیویچ درباره این کتاب گفته بود: «مردم روسیه علاقه زیادی به زندگی با عقاید و کلمات مختلف دارند؛ آنان معتقدند کتاب ها برای آموزش خلق می شوند و برای شما آرمان هایی برمی گزینند تا بهانه و انگیزه ای برای زندگی داشته باشید.»

مقاومت

سلام بر ابراهیم

کتابی که از مرز یک میلیون گذشت



سلام بر ابراهیم کتابی است که در قالب زندگینامه ای مختصر همراه با ۶۹ خاطره درباره شهید بزرگوار و مفقود الاثر «ابراهیم هادی» منتشر شده است. این نوشتار حاصل بیش از ۵۰ مصاحبه از خانواده، یاران و دوستان آن شهید است که همگی نگارنده را در گردآوری این مجموعه ارزشمند یاری رساندند. شهید هادی در یکم اردیبهشت سال ۳۶ دیده به جهان گشود و پس از بیست و هفت سال زندگی پرفراز و نشیب، در عملیات والفجر مقدماتی در منطقه فکه، بیست و دوم بهمن سال ۶۱ به درجه رفیع شهادت نائل آمد و همان طور که از خداوند می خواست، پیکر پاکش در کربلای فکه گمنام ماند.

این کتاب که یکی از پرفروش ترین کتاب های دفاع مقدس به شمار می رود، توانسته به شمارگان یک میلیون نسخه دست یابد که در نوع خود رقمی بی سابقه به شمار می رود. رهبر معظم انقلاب در جمعی از فرماندهان به این کتاب این طور اشاره کرده بودند: «کتابی درباره شهید ابراهیم هادی خواننده ام که کتاب جالبی است، خیلی جذاب است. کتاب را تا مدتی بعد از اینکه خوانده بودم، دلم نمی آمد از روی میز بردارم و داخل کتابخانه بگذارم. به قدری شخصیتی که در کتاب معرفی شده جاذبه دارد که مانند مغناطیس آدم را به خودش جذب می کند. بگردید این شخصیت ها را پیدا کنید، شخصیت هایی که سردار هم نیستند، حتی فرمانده گردان هم نیستند ولی حکایت ها دارند، ماجراها دارند.»



انگلستان **اکنونومیست**

نشریه اکنونومیست طرح روی جلد خود را به معرفی یک سرمایه گذار جدید در حوزه تکنولوژی اختصاص داد که پیش بینی می شود سرمایه گذاری وی انقلابی را در دو حوزه صنایع و تامین سرمایه ایجاد خواهد کرد. این سرمایه گذار ماسایوشی سان نام دارد. اکنونومیست مقاله ای با این عنوان هم دارد: خروج واشنگتن از برجام به سود هیچ کس نیست.



فرانسه **لیبراسیون**

روزنامه لیبراسیون چاپ فرانسه یکی از روزنامه هایی بود که واکنش تندی به افتتاح سفارت آمریکا و رفتار وحشیانه رژیم صهیونیستی داشت، این روزنامه تیتر «یک سفارت، یک قتل عام» را برای جلد خود انتخاب کرد، این روزنامه نوشت که یک جشن پرزرق و برق یک طرف و ده ها کشته در طرف دیگر؛ این همان جشنی است که ترامپ بزرگ می خواند.



آمریکا **تایم**

مجله تایم جلد بین المللی خود را به داستان یکی از بزرگ ترین قاچاقچیان مواد مخدر اختصاص داده است. ال چاپو سردسته یکی از بزرگ ترین کارتل های مواد مخدر جهان حساب می شود؛ تهیه کاری مثل پابلو اسکوبار، رئیس بزرگ ترین کارتل مواد مخدر کلمبیا و به همان اندازه بی رحم و جنایتکار.



ایران **صبح نو**

روزنامه صبح نو برای قهرمانی تیم فوتسال ایران در آسیا تیتر «دختران انقلاب» را انتخاب کرد و نوشت: «تیم ملی فوتسال دختران ایران که با پوشش کامل اسلامی در این رقابت ها حاضر شد، نشان داد این پوشش نه تنها محدودیتی ایجاد نمی کند، بلکه به آنان انگیزه و توان بیشتری برای دفاع از نام ایران و دختران این سرزمین خواهد داد.»



آمریکا **نیویورکر**

مجله نیویورکر آخرین شماره خود را به دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا اختصاص داده است؛ در این جلد ترامپ در یک باتلاق در بین مارها و تمساح مختلف احاطه شده است و در فضایی تهدیدآمیز قرار دارد و به بازی گلف می پردازد. این اشاره به مشکلات متعددی است که رئیس جمهور آمریکا پیش رو دارد.



رکورد سرعت اینترنت همراه در کشور شکست

در حضور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

می شناسند و اعتقاد به توسعه، حمایت از تولید داخلی و ارائه سرویس با کیفیت و ارزان دارند، تقدیر و تشکر می‌کنم.»

وزیر ارتباطات با اشاره به اقدامی که برای راه‌اندازی مرکز عملیات شبکه و پایش شاخص‌های شبکه همراه اول انجام شد، گفت: «آنچه امروز در مجموعه همراه اول به بهره‌برداری رسید، به لحاظ کیفی موقعیت این اپراتور را نشان می‌دهد. همراه اول هرچند به لحاظ کمیت، رشد بسیار قابل توجهی داشته است، اما طبیعتاً به لحاظ پارامترهای کیفی شبکه نیز باید تلاش بسیار زیادی انجام دهد. همان میزان که برای توسعه کمی حرکت و تلاش شد، امروز برای توسعه کیفی لازم است.»

چهرمی در خصوص پروژه ارتقای شبکه همراه اول گفت: «این اقدام که در راستای به‌روزرسانی و جایگزینی سیستم مشترکین انجام شد، زیرساخت بزرگی در کشور ایجاد کرد که فعالیت همه شرکت‌های ایرانی را برای توسعه پلتفرم و نرم‌افزار و خدمات بومی آماده می‌کند. این اقدام بسیار مهم است که می‌تواند خدمات بسیار ارزشمندی را به مشترکین ارائه دهد.» وزیر ارتباطات ادامه داد: «ما همواره مورد توجه‌های سایبری قرار داریم. حملاتی صورت می‌گیرد و سرعت اطلاعاتی انجام می‌شود که اختلالاتی در فرآیندهای خدمات‌دهی به مشترکین ایجاد می‌کند. ما وظیفه داریم امنیت ایجاد کنیم. امروز با استفاده از توانمندی داخلی، ظرفیت و این امکان در مجموعه همراه اول به وجود آمده که در مدت کوتاهی پس از تصویب سند هماهنگی اقدام مشترک در حوزه امنیت در شورای عالی فضای مجازی، مرکز عملیات امنیت همراه اول با استفاده از توانمندی بومی راه‌اندازی و وارد حوزه خدمت می‌شود که بسیار باارزش است و امیدواریم با توجه به اینکه زندگی مردم مادر حال قرار گرفتن در عرصه فضای مجازی است، این امکانات و خدمات امنیتی بتواند فعالیت‌های اقتصادی کشور را تضمین کند و باعث ارتقای کیفیت سرویس‌های فضای مجازی که در خدمت اقتصاد کشور هستند، شود.»

ثبت رکورد سرعت اینترنت همراه در کشور

چهرمی با بیان اینکه مأموریت جدی بر عهده همراه اول می‌گذارم که سرآغاز تحول بزرگ است، گفت: «همراه اول همه عزم خود را جزم کند تا در راستای ماده ۶۹ برنامه ششم توسعه کشور که بحث هوشمندسازی مدارس کشور را بر عهده وزارت ارتباطات و وزارت آموزش و پرورش گذاشته است، ظرف یک سال همه ۱۰۸ هزار مدرسه کشور را به شبکه ملی اطلاعات متصل کند تا در سال آینده یکی از برنامه‌ها اعلام اتصال این مدارس به شبکه ملی اطلاعات باشد.»

در این مراسم برای اولین بار در کشور در بستر فناوری (MIMO)، رکورد سرعت اینترنت همراه شکسته شد. در حضور وزیر ارتباطات سرعت یک گیگابیت بر ثانیه در شبکه همراه اول به ثبت رسید که بیشترین سرعت ارائه شده در نسل ۴/۵ تلفن همراه کشور است.

همراه اول؛ حامی تولید داخلی

با حضور وزیر ارتباطات، رکورد اینترنت همراه با سرعت یک گیگابیت بر ثانیه در شبکه همراه اول ثبت شد.

رکورد سرعت اینترنت همراه در کشور شکست

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، در مراسم افتتاح و رونمایی از پروژه‌های جدید همراه اول که علاوه بر محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، حمید فرهنگ مدیرعامل و اعضای هیات‌مدیره همراه اول، حسین فلاح‌جوشقانی، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران، مدیرعامل و اعضای هیات‌مدیره شرکت مخابرات ایران و جمعی از مدیران و مسئولان صنعت ارتباطات کشور حضور داشتند، پروژه‌های بزرگ همراه اول با سرمایه‌گذاری ۲۲۲۵ میلیارد تومان، توسط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به بهره‌برداری رسید.

در این مراسم «سامانه جامع خدمات مشتریان» به‌عنوان بزرگ‌ترین طرح در صنعت فناوری اطلاعات کشور، «مرکز کنترل و مدیریت همراه اول برای پایش کیفی شبکه به‌عنوان پیشرفته‌ترین مرکز مدیریت شبکه کشور و بزرگ‌ترین مرکز مانیتورینگ و مدیریت کیفیت سرویس در خاورمیانه به لحاظ تعداد مشترک (Service Quality Management)»، «مرکز بومی عملیات امنیت (MCI-SOC)»، «مرکز بومی مدیریت و پاسخگویی به رخداد (MCI-CERT)» و همچنین «مرکز داده شهید بابایی» با حضور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات افتتاح شد.

همچنین سرویس‌های «همراه‌یار»، «پارس رایت» برای جلوگیری از نشت اطلاعات سازمانی، «هوشمندسازی شبکه انرژی»، «خدمات دولت همراه»، «پلتفرم خدمات‌رسانی دیجیتال به کسب و کارها» و «زیست بوم بومی سازی شده امن گوشی‌های هوشمند» توسط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به بهره‌برداری رسید.

همراه اول، پرچمدار ارتباطات کشور

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در این مراسم با بیان اینکه ما امروز شاهد اتفاقات خوبی در همراه اول هستیم و این موضوع نوید یک حرکت جدید را به جامعه ارتباطاتی کشور می‌دهد، گفت: «همراه اول پرچمدار ارتباطات کشور ماست؛ اپراتوری که در خاورمیانه و تعاملات بین‌المللی رتبه اول را دارد. پرچمداری که به لحاظ کیفیت، امنیت، تعامل با مشترکین و ارائه سرویس مشخصات و شئون حمل‌برچم را دارد. توسعه کمی سنگینی در مجموعه همراه اول در سالیان اخیر آغاز شده که این توسعه‌ها در دنیا رکورددار شده است.»

چهرمی با اشاره به اینکه در ۶ ماه گذشته توسعه بسیار سریعی در همراه اول صورت گرفته است، گفت: «با این توسعه همه شهرهای کشور تحت پوشش خدمات نسل ۳ و ۴ قرار گرفتند. این اقدامات، بسیار ارزشمند و نتیجه کار پرتلاشی بود که جا دارد از همه دست‌اندرکاران و مدیران سابق همراه اول که تلاش زیادی برای ارتقای همراه اول کردند، تشکر کنیم. از رویکردی که تیم جدید پیش رو گرفتند و جوانگرایی شده که تیم خوب و چابکی هم هستند، چه در مجموعه هیات‌مدیره و چه مدیرعامل محترم که همگی خوب مفاهیم حوزه ICT را

رئیس هیات مدیره بانک دی در بازدید از شعب بانک دی: رعایت بهداشت اعتباری، وصول مطالبات و جذب منابع ارزان قیمت اولویت شعب در سال جاری است

رضا سهیم دینی، رئیس هیات مدیره بانک دی، به همراه جمعی از مدیران در بازدید از شعب قزوین، رشت، زنجان و اردبیل بر اهمیت رعایت بهداشت اعتباری، وصول مطالبات و جذب منابع ارزان قیمت در سال جاری تأکید کرد.

به گزارش اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی، رضا سهیم دینی، رئیس هیات مدیره، به همراه شعبانعلی داورپناه، معاون اعتبارات، ناصر شریعتی، مدیرکل بازاریابی و امور شعب و احمد حشمتی پور مدیرکل حوزه مدیریت بانک دی در دور جدید بازدیدهای استانی خود، ضمن دیدار و گفت‌وگو با همکاران و مشتریان شعب قزوین، رشت، زنجان و اردبیل خطمشی اعتباری سال جاری را مهم‌ترین دستورالعمل اجرایی شعب برای تحقق رعایت بهداشت اعتباری، وصول مطالبات و جذب منابع ارزان قیمت دانست.

رضا سهیم دینی با تأکید بر اینکه برنامه‌های بانک دی در سال جاری در جهت جذب سپرده‌های ارزان قیمت است، گفت: «روسای شعب باید با مطالعه دقیق خطمشی اعتباری سال ۱۳۹۷ و تشریح اهداف تعیین شده برای تمامی همکاران خود، به اصلاح نسبت مصارف و منابع بانک و ترمیم ترکیب منابع به نفع منابع ارزان قیمت حرکت کنند.»

رئیس هیات مدیره بانک دی ضمن تأکید بر رعایت بهداشت اعتباری گفت: «علاوه بر استفاده از شیوه‌های وصول مطالبات که در همه بانک‌ها مرسوم است، دقت در رعایت مقررات و قوانین در زمان پرداخت تسهیلات، احراز اعتبار مشتریان قبل از پرداخت تسهیلات و همچنین برخورد مناسب با مدیون تأثیر بسیار زیادی بر وصول مطالبات دارد و برخورد محترمانه و در شان با مدیون می‌تواند آن را به پرداخت تسهیلات از طریق تحریک و جدان مجاب نماید.»

سهیم دینی همچنین با اشاره به حساسیت موضوع مطالبات معوق و تأثیر آن بر عملکرد صحیح بانک و اقتصاد کشور گفت: «افزایش میزان بدهی‌های معوق شبکه بانکی یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد دقت مسئولان اقتصادی کشور طی سال‌های اخیر بوده است، به گونه‌ای که بازتاب آن موجب شده تا مقوله بدهی بانک‌ها فارغ از جنبه‌های مالی و اقتصادی، ابعاد رسانه‌ای نیز پیدا کند.»

رئیس هیات مدیره بانک دی همچنین با اشاره به آینده پیش روی بانک گفت: «هیات مدیره بر بررسی وضعیت موجود بانک، برنامه‌های کوتاه‌مدت خود را بر فروش دارایی‌های غیرمولد، وصول مطالبات غیرجاری و افزایش سرمایه بانک قرار داده و از این طریق موفق به احیا و بازپس‌گیری بسیاری از مطالبات غیرجاری بانک شده است.»

سهیم دینی در بازدید از شعبه اردبیل ضمن تقدیر از همکاران این شعبه به دلیل سوددهی پایدار، کسب رتبه دوم در جذب منابع در سال ۱۳۹۶ و وصول مطالبات گفت: «شعبه اردبیل یک الگوی موفق در ترکیب تجربه مدیریتی با توانایی و انگیزه جوانی همکاران است و این بهترین گزینۀ الگوبرداری برای سایر شعب و همچنین بزرگ‌ترین منبع قدرت و مزیت رقابتی برای این شعبه در تحقق اهداف خواهد بود.»



در ادامه مراسم حمید فرهنگ، مدیرعامل همراه اول با ارائه گزارشی کوتاه از فعالیت‌های اپراتور اول، ضمن بیان اینکه سال ۱۳۹۷ سال «حمایت از کالای ایرانی» نامگذاری شده است، اظهار کرد: «همراه اول در راستای حمایت از تولید داخل بیش از ۷۵ درصد از مصارف هزینه‌های خود را از منابع داخلی تأمین می‌کند. همچنین کسب رتبه اول در استفاده حداکثری از منابع و مهارت‌های ایرانی در ارزیابی عملکرد اپراتورها توسط سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در دو دوره پیاپی، نشان از اهمیت همراه اول به این موضوع دارد.»

وی افزود: «در جشنواره ملی ارتباطات و فناوری اطلاعات، امسال نیز همراه اول همچون چهار دوره گذشته موفق به کسب بالاترین سطح امتیاز بین اپراتورهای تلفن همراه شد.»

منافع حاصل از پروژه CRM-CBS برای مشتری کین

فرهنگ با عنوان اینکه پروژه CRM-CBS که اول اردیبهشت امسال با حضور ۷۰۰ نفر از همکاران داخلی و خارجی کلید خورد، بزرگ‌ترین طرح در صنعت فناوری اطلاعات کشور از منظرهای محدوده، ارزش پروژه و سازمان است، گفت: «منافع حاصل از اجرای این پروژه توانمندسازی کسب‌وکار همراه اول، قابلیت دستیابی به عملیات یکپارچه، استانداردسازی و creative rich offerings است. با اجرای این پروژه مشترکین دائمی و اعتباری همزمان و به صورت یکپارچه سرویس و خدمات دریافت می‌کنند و در هزینه‌ها بهینه‌سازی می‌شود.»

مدیرعامل همراه اول با بیان اینکه یکی از کارکردهای بسیار مهم این پروژه حفظ امنیت اطلاعات مشترکین است، گفت: «با راه‌اندازی این پروژه و یکپارچه‌سازی، کنترل مکانیزه و نظارتی که بر دفاتر و مراکز خدمات‌رسانی داریم، برخی از مشکلاتی که پیش از این در شبکه مشاهده می‌شد، از بین می‌رود. همچنین امکان ارائه سرویس‌های بهتر به مشترکین فراهم شده است. از مشترکینی که در مدت اجرای این پروژه اختلالی در سرویس‌های ارائه شده داشتند، عذرخواهی می‌کنیم. مشترکین خروجی این پروژه را یک ماه دیگر با سرویس‌هایی که همراه اول ارائه خواهد داد، مشاهده می‌کنند.»

فرهنگ با اشاره به اینکه استاندارد کردن که همراه اول در پروژه CRM راه‌اندازی کرد به کسب و کارهای نوپا کمک می‌کند، گفت: «همراه اول در آینده فقط سرویس دیتا، پیام کوتاه و مکالمه ارائه نمی‌دهد؛ بلکه تحول دیجیتال را در کشور پیاده‌سازی می‌کند. بسیاری از سرویس‌های پایه مبتنی بر شرازینگ و CRM را می‌تواند از طریق این سرویس به بنگاه‌ها ارائه دهد.»

وی ادامه داد: «نگاه همراه اول این است که یکی از رهبران منطقه در ارائه خدمات و راهکارهای هوشمند برای توانمندسازی اکوسیستم دیجیتال با ارائه سرویس‌های دیجیتال و تمرکز بر آن باشد و در کنار توسعه شبکه، در این بخش هم سرمایه‌گذاری انجام می‌شود. همراه اول قصد دارد، همزمان با تحولات دیجیتال، علاوه بر به‌روزرسانی سازمان و فعالیت در کسب‌وکار اصلی خود، در حوزه‌های دیگر نیز فعالیت کند.»





آزمایشگاه‌های روز دنیا برخوردار است که در بسیاری از موارد تکنولوژی‌های این شرکت در سطح کشورهای پیشرفته جهان است.»

رئیس هیات مدیره گروه انتخاب، دی کارت اعتباری خرید کالای ایرانی ویژه محصولات اسنوا را عامل ایجاد رشد رقابتی بین محصولات ایرانی و خارجی در بازار فروش دانست و گفت: «امید است که بتوانیم با ارائه محصولات با کیفیت به آحاد جامعه به‌ویژه خانواده معزز شهدا و ایثارگران شاهد روابط بلندمدت و متقابل با بانک دی و مشتریان در سال‌های آتی باشیم.»

در ادامه مراسم شعبانعلی داورپناه، معاون اعتبارات بانک دی نیز از ایجاد دی کارت اسنوا با هدف حمایت از کالای ایرانی ابراز خرسندی کرد و گفت: «دی کارت خرید کالای ایرانی اسنوا با هدف حمایت از کالای ایرانی و تحریک تقاضای محصولات داخلی و تامین سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای تولیدی طراحی شده و هر مشتری حقیقی ایرانی با مراجعه به فروشگاه، نمایندگی و سایت گروه انتخاب می‌تواند کالای مورد نظر خود را انتخاب نماید و با مراجعه به شعبه بانک دی، دی کارت اسنوا را دریافت کند.»

وی افزود: «تسهیلات دی کارت اسنوا در قالب مبالغ ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ میلیون ریالی است و نرخ تسهیلات برای مشتریان ۱۵ درصد در نظر گرفته شده است.»

داورپناه در پایان با اعلام اینکه تا کنون ۲۶۰ دستگاه پوز در نمایندگی و فروشگاه‌های اسنوا نصب شده است، گفت: «مشتریان با در دست داشتن دی کارت اعتباری اسنوا می‌توانند محصولات مورد نیاز خود را خریداری کنند.»

گفتنی است بانک دی در راستای حمایت از تولیدکنندگان، رونق کسب و کار و بازار و ارائه خدمت به آحاد مردم در نظر دارد دی کارت خرید کالای ایرانی را در قالب همکاری با شرکت‌های تولیدکننده داخلی توسعه بخشد.

تفاهم‌نامه همکاری بین بانک دی و گروه انتخاب منعقد شد

در راستای حمایت از کالای ایرانی

خرید کالای داخلی را بین آحاد جامعه افزایش دهیم.»

قربانی در ادامه خاطر نشان کرد: «اعطای تسهیلات خرد در کنار تسهیلات کلان موجب بهره‌مندی طیف گسترده‌تر جامعه از تسهیلات می‌شود و با ساز و کاری که طراحی شده در نهایت این تسهیلات به حساب تولیدکنندگان واریز و سرمایه در گردش آنها را تامین می‌کند.»

در ادامه مراسم؛ عباس دینانی، رئیس هیات مدیره گروه توسعه سرمایه‌گذاری انتخاب ضمن تقدیر و تشکر از حمایت بانک دی از تولید داخلی گفت: «دی کارت خرید کالای ایرانی اسنوا یک ارتباط سه‌جانبه بین مصرف‌کننده، تولیدکننده و بانک است که ضمن تامین منافع خریداران کالا موجب حمایت از تولیدکننده داخلی می‌شود.»

وی ضمن اشاره به کیفیت کالاهای تولیدی شرکت اسنوا، استانداردهای تولید لوازم خانگی در این شرکت را در سطح شرکت‌های خارجی صاحب‌نام در این صنعت دانست و گفت: «این شرکت همواره کوشیده است با ارتقای سطح کیفی محصولات تولیدی خود میزان تقاضای مصرف‌کنندگان را افزایش دهد و ارائه کارت اعتباری خرید کالای ایرانی اقدامی موثر در راستای افزایش قدرت خرید مردم به شمار می‌آید.»

دینانی در ادامه با تاکید بر کیفیت محصولات شرکت اسنوا و با اشاره به عمر مفید مصرفی محصولات در رازمدت گفت: «این شرکت از مدرن‌ترین و مجهزترین

در مراسم انعقاد تفاهم‌نامه همکاری بین بانک دی و گروه توسعه سرمایه‌گذاری انتخاب از دی کارت اعتباری خرید کالای ایرانی ویژه گروه اسنوا در بانک دی رونمایی شد.

به گزارش اداره تبلیغات و روابط عمومی بانک دی؛ طی مراسمی با حضور محمدرضا قربانی، مدیرعامل بانک دی، عباس دینانی، رئیس هیات مدیره گروه توسعه سرمایه‌گذاری انتخاب و جمعی از معاونین، مدیران و کارشناسان بانک دی و گروه انتخاب از کارت اعتباری خرید کالای ایرانی بانک دی ویژه گروه اسنوا رونمایی شد.

بر اساس این گزارش؛ در ابتدای این مراسم، محمدرضا قربانی ضمن تبریک به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، رونمایی از دی کارت کالای اسنوا را در راستای حمایت از کالای ایرانی و تولیدکنندگان ایرانی نقطه عطفی برای توسعه همکاری‌ها بین بانک و تولیدکنندگان بانک دی دانست و گفت: «باتوجه به شعار سال جاری که حمایت از کالای ایرانی است، هدف بانک دی نیز از مشارکت با گروه انتخاب تحقق واقعی و عملی شعار حمایت از کالای ایرانی و اقدام و عمل است.»

وی افزود: «بانک دی در نظر دارد تا از منابع خود به بهترین نحو ممکن در جهت کمک به واحدهای تولیدی استفاده کند و رسالت ما در بانک ارزش آفرین دی این است که در زمینه تولید، اشتغال و به‌کارگیری جوانان باتوجه به حمایت از کالای ایرانی بتوانیم با تولیدکنندگان ایرانی مشارکت دوجانبه داشته و انگیزه